



دفتر برنامه‌ریزی و تحقیقات سیمان
دانشگاه صنعتی امیرکبیر



شرکت سهامی عام
سیمان فارس و خوزستان

آثار عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بر صنعت سیمان

جلد سوم

سازمان تجارت جهانی و ایران

دکتر بیژن بیدآباد

ویرایش دوم ۱۳۸۳

عناوین مجلدات هفتگانه

- | | |
|------------|--|
| جلد اول: | ساختار اقتصادی صنعت سیمان ایران |
| جلد دوم: | سیمان جهان |
| جلد سوم: | سازمان تجارت جهانی و ایران |
| جلد چهارم: | سیمان کشورها و سازمان تجارت جهانی و معاهدات بین‌المللی |
| جلد پنجم: | تعرفه و موانع غیر تعرفه‌ای و گمرکی در بازرگانی خارجی |
| | سیمان ایران و سازمان تجارت جهانی |
| جلد ششم: | آثار کمی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر صنعت سیمان |
| جلد هفتم: | خلاصه و نتیجه‌گیری |

فهرست مطالب

فصل سوم

سازمان تجارت جهانی و ایران

۲.....	مقدمه
۵.....	مبانی نظری
۵.....	نظریه مرکانتیلیسم (سوداگری)
۶.....	نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت
۷.....	نظریه مزیت نسبی ریکاردو
۱۰.....	نظریه هزینه فرصت
۱۱.....	نظریه مزیت نسبی هکشر و اوهلین
۱۴.....	نظریه مزیت نسبی لیندر

۱۵	آزمون تجربی لئونتیف
۱۷	روند تاریخی تشکیل سازمان تجارت جهانی
۲۳	موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)
۴۰	اهداف تشکیل سازمان تجارت جهانی
۴۹	ساختار سازمان تجارت جهانی
۵۴	الحاق به سازمان تجارت جهانی
۵۹	رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه
۶۲	اتحادیه‌های تجاری منطقه‌ای و سازمان تجارت جهانی
۶۳	موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی
۶۷	ایران و سازمان تجارت جهانی
۶۹	مذاکرات با اتحادیه اروپا
۷۱	الزامات کلی ایران در فرآیند الحاق
۷۲	قانون اساسی
۷۷	مقررات صادرات و واردات
۸۲	مقررات گمرکی
۸۴	مقررات ارزی
۸۵	قوانین مالیاتی

- ۸۶ کلیات الزامات ایران در فرایند الحاق
- ۸۸ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت
- ۸۹ الزامات الحاق ایران نسبت به گات
- ۹۰ موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت
- ۹۲ الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه تأسیس
- ۹۳ دسترسی به بازار
- ۹۵ الزامات الحاق ایران در رابطه با دسترسی به بازار
- ۹۶ موافقتنامه کشاورزی
- ۹۸ الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه کشاورزی
- ۹۹ موافقتنامه اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی
- ۱۰۲ الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه بهداشتی
- ۱۰۳ موافقتنامه منسوجات و پوشاک
- ۱۰۶ الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه نساجی
- ۱۰۷ موافقتنامه موانع فنی فرا راه تجارت
- ۱۱۰ الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه موانع فنی تجارت
- ۱۱۲ موافقتنامه ضوابط سرمایه گذاری تجاری
- ۱۱۹ الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه سرمایه گذاری

- موافقتنامه رویه‌های ضد دامپینگ ۱۲۰
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه ضد دامپینگ ۱۲۴
- موافقتنامه سوبسیدها و اقدامات جبرانی ۱۲۵
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه سوبسیدها ۱۳۲
- سایر اقدامات حمایتی و اضطراری ۱۴۰
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه اقدامات حمایتی ۱۴۸
- موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی ۱۴۹
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی ۱۵۳
- موافقتنامه بازرسی پیش از حمل ۱۵۶
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه بازرسی پیش از حمل ۱۶۰
- موافقتنامه قواعد مبدأ ۱۶۲
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه قواعد مبدأ ۱۶۷
- موافقتنامه رویه‌های صدور مجوز ورود ۱۶۹
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه صدور مجوز ورود ۱۷۴
- موافقتنامه عمومی تجارت خدمات ۱۸۰
- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه تجارت خدمات ۱۸۴
- موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری ۱۸۶

- الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه مالکیت حقوق فکری ۱۹۲
- موافقتنامه‌های میان چند طرف ۱۹۶
- موافقتنامه تجارت هواپیماهای غیر نظامی ۱۹۸
- موافقتنامه خرید دولتی ۱۹۹
- سرفصل‌های آتی سازمان تجارت جهانی ۲۰۲
- تجارت و محیط زیست ۲۰۴
- موافقتنامه پیشنهادی چندجانبه سرمایه‌گذاری و تجارت ۲۰۶
- تسهیل تجاری ۲۰۸
- شفافیت خریدهای دولتی ۲۱۱
- خلاصه و نتیجه‌گیری ۲۱۳
- منابع و مآخذ ۲۴۵

فصل سوم

سازمان تجارت جهانی

و ایران

مقدمه

در این فصل به بررسی سازمان سازمان تجارت جهانی در ارتباط با ایران می‌پردازیم. مسئله اساسی ما در این فصل این است که اگر ایران به سازمان تجارت جهانی ملحق شود الزاماً چه تحولاتی در ساختار اقتصادی، حقوقی خود باید بدهد و از این بررسی به دنبال این نتیجه خواهیم بود که بخش سیمان و بطور کلی تر صنعت ایران دچار چه تحولاتی خواهد شد. از این نتایج در فصول بعد برای بررسی‌های مشخص بر صنعت استفاده خواهیم کرد. لذا با مروری بر سازمان تجارت جهانی و ویژگی‌های آن به شرح موافقتنامه‌های اصلی آن می‌پردازیم که به نحوی در ارتباط با صنعت قرار دارد و در این میان پس از مروری کلی بر الزامات ناشی از الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی تک تک موافقتنامه‌های این سازمان را با شرایط فعلی ایران مقایسه می‌کنیم. مقایسات انجام شده کلی هستند و شامل همه بخش‌های صنعتی منجمله سیمان می‌شوند. لذا برای جلوگیری از تفصیل مطلب سعی شد تا بسیاری از جزئیات مربوطه درج نشود.

سازمان تجارت جهانی (World Trade Organization WTO) در سال ۱۹۹۵ شکل گرفت، این سازمان یکی از جوانترین سازمانهای بین‌المللی و در حقیقت جانشین موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (General Agreement on Tariff and Trade GATT) می‌باشد که پس از جنگ جهانی دوم تاسیس شده بود. بدین ترتیب می‌توان گفت هر چند سازمان تجارت جهانی هنوز جوان است اما نظام تجارت چند جانبه که تحت گات شکل گرفت قدمتی پنجاه ساله دارد. طی پنجاه سال گذشته جهان شاهد رشدی چشمگیر در تجارت جهانی بوده است، بطوریکه صادرات کالا هر ساله

به طور متوسط رشدی معادل ۶ درصد داشته و کل حجم تجارت در سال ۱۹۹۷، چهارده برابر سال ۱۹۵۰ بود که این روند رشد بی سابقه‌ای داشته است.

نظام تجارت جهانی از طریق یک سری دور مذاکرات تجاری تحت موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گات شکل گرفت نخستین دور مذاکرات اساساً در مورد کاهش تعرفه‌ها بود لکن مذاکرات بعدی سایر زمینه‌ها از قبیل معیارها و ضوابط غیرتعرفه‌های و ضوابط ضد دامپینگ (فروش زیر قیمت) را نیز در بر گرفت، از مهمترین دور مذاکرات که بین سالهای ۹۴ - ۱۹۸۶ بود و به دور اروگوئه معروف است منجر به تشکیل سازمان تجارت جهانی گردید. البته مذاکرات به این مرحله ختم نگردید و برخی از آنها بعد از پایان دور اروگوئه نیز ادامه یافت چنانچه در سال ۱۹۹۷ توافقاتی در زمینه خدمات ارتباطات راه دور حاصل شد که ۶۹ دولت در مورد برقراری معیارهای گسترده آزاد سازی فراتر از موافقتنامه دور اروگوئه در آن به توافق رسیدند.

در همان سال، چهل دولت با موفقیت مذاکرات خود را در زمینه تجارت آزاد تولیدات فن آوری اطلاعات پایان بخشیدند و هفتاد عضو یک تعهدنامه انجام خدمات مالی را در زمینه پوشش بیش از ۹۵ درصد معاملات تجاری بانکها، بیمه و اطلاعات مالی و اوراق قرضه امضاء کردند. در سال ۲۰۰۰ مذاکرات جدید در زمینه خدمات و کشاورزی آغاز شد این دور مذاکرات وارد برنامه‌های وسیعتری در اجلاس توسعه دوحه (DDA) که در چهارمین کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی در دوحه، قطر، در نوامبر ۲۰۰۱ بود گردید، بر اساس بیانیه دوحه، دور جدید مذاکرات که از آخر ژانویه ۲۰۰۲ آغاز شده است باید تا پایان ژانویه سال ۲۰۰۵ به پایان برسد. در دور دوحه مذاکرات و

سایر کارهایی در زمینه محدودیتهای غیر تعرفه‌ای کشاورزی، تجارت و محیط زیست، برخی مقررات سازمان تجارت جهانی از قبیل اعطای یارانه، قوانین ضد دامپینگ، سرمایه‌گذاری، سیاستهای رقابتی، تسهیلات تجاری، شفافیت در مقررات خریدهای دولتی، حقوق معنوی، مالکیت، و یک سری از مسائلی که تحت عنوان مشکلات کشورهای در حال توسعه در بکارگیری موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی است، صحبت می‌گردد.

مبانی نظری

امروزه همه متفق القولند که تجارت در توسعه و رشد اقتصادی دارای اهمیتی انکار ناپذیر است. توجه ما به این موضوع به گونه‌ای است که تجارت منجر به تقسیم بین‌المللی کار و تخصص در بین کشورها شده و زمینه افزایش ارتباطات را در جهان فراهم آورده است. نظریه‌های تجارت بین‌الملل از اهمیت بسزائی در این زمینه برخوردارند لذا در این بخش مروری بر نظریه‌های مهم در تجارت بین‌الملل می‌پردازیم.

اقتصاد بین‌الملل با روابط اقتصادی میان کشورها سروکار دارد و ابستگی متقابل حاصل از این روابط از جهت رفاه اقتصادی اکثر کشورها اهمیت زیاد دارد. روابط اقتصادی میان کشورها با روابط اقتصادی میان بخشهای مختلف یک کشور تفاوت دارد و این امر سبب می‌شود تا مسائل متفاوتی بروز کند که نیاز به ابزارهای تحلیلی نسبتاً متفاوتی دارد. بدین ترتیب اقتصاد بین‌الملل به عنوان رشته‌ای متمایز و جدا از اقتصاد کاربردی درآمده است. اقتصاد بین‌الملل با مباحث چندی سروکار دارد که نظریه محض تجارت و نظریه سیاست بازرگانی از آن جمله است. نظریه محض تجارت به اساس تجارت و منافع حاصل از آن می‌پردازد و نظریه سیاست بازرگانی به دلایل مربوط به موانع جریان آزاد تجارت و نتایج حاصل از آن می‌پردازد.

نظریه مرکانتیلیسم (سوداگری)

نظریه سوداگری (Mercantalism) از جمله نظریات تجاری است که پایه تفکرات اقتصادی

بین سالهای ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ میلادی را تشکیل می‌دهد. سوداگران (مرکانتالیست‌ها) که از قرن شانزدهم تا اواسط قرن هیجدهم در ممالکی نظیر بریتانیا، اسپانیا، فرانسه و هلند نظریاتشان رواج داشت معتقد بودند که مهمترین راه برای آنکه کشوری ثروتمند و قدرتمند شود آن است که صادراتش بیش از وارداتش باشد و در نتیجه مابه‌التفاوت با دریافت یک فلز قیمتی مانند طلا تسویه گردد در این رابطه قدرتمندتر شدن هر کشور را بر مبنای داشتن طلای بیشتر می‌دانستند از آنجائی که مقدار طلای موجود در هر لحظه از زمان ثابت بود لذا یک کشور خاص می‌توانست به زیان سایر ممالک از تجارت بهره‌مند گردد. از اینرو سوداگران از این عقیده حمایت می‌کردند که دولت باید صادرات را تشویق و واردات را محدود کند.

نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت

آدام اسمیت (Adam Smith) در سال ۱۷۷۶ در کتاب ثروت ملل فروض مکتب سوداگران را که ثروت یک کشور به میزان دارائی آن کشور (طلا و نقره) بستگی دارد و کشورها فقط به ضرر سایر کشورها می‌توانند از تجارت سود ببرند را زیر سؤال برد. او عقیده داشت که تجارت آزاد بین کشورها باعث تقسیم کار شده و عوامل تولید کشورها بر تولید کالایی متمرکز خواهد شد که آن کالا در مقایسه با کالای سایر کشورها ارزاتر تولید شود در این صورت است که هر دو کشور از تجارت سود می‌برند.^۱ او استدلال نمود که از طریق تجارت آزاد هر کشور می‌تواند در تولید کالایی تخصص پیدا کند که در آنها دارای مزیت مطلق است (یعنی آن کالا را با کارایی بیشتر نسبت به

¹ Suranovic. 1999. Chapter 40.

کشورهای دیگر تولید کند) و کالایی را وارد کند که در آنها مزیت مطلق ندارد (یعنی دارای کارایی لازم برای تولید آن نیست) بدین ترتیب با تخصیص بهینه عوامل تولید در سطح جهان، تولید جهان افزایش می‌یابد و رفاه همه کشورهای افزایش می‌یابد. از اینرو دیگر یک کشور به ضرر سایرین منتفع نگردیده و همه کشورهای منتفع خواهند شد.

بر اساس نظر آدام اسمیت تجارت بین دو کشور تنها بر اساس اصل مزیت مطلق انجام می‌شود. وقتی یک کشور کالائی را با کارائی بیشتر نسبت به کشور دیگر تولید می‌کند (یا مزیت مطلق دارد) و کالای دوم را نسبت به کشور دیگر با کارائی کمتر تولید می‌کند (عدم مزیت مطلق دارد) در این صورت هر دو کشور با تخصیص در تولید کالائی که در آن مزیت مطلق دارند و مبادله آن با یکدیگر منتفع می‌شوند.^۱ واضح است که نظریه مزیت مطلق فقط بخش کوچکی از اقتصاد را در بر می‌گیرد که مزیت مطلق در آن وجود دارد.

نظریه مزیت نسبی ریکاردو

ریکاردو حدود ۴۰ سال بعد نظریه مزیت نسبی را ارائه نمود که بخش مهم تجارت جهانی را شامل می‌شود. سئوالی که آدام اسمیت نتوانست به آن جواب بدهد این بود که آیا تجارت بین کشورهایی که در تولید تمامی کالاها دارای مزیت مطلق هستند برقرار می‌باشد یا خیر؟ در سال

^۱ پورمقیم، ۱۳۷۵ صفحه ۲۲ و سالواتوره، ۱۳۷۶ صفحه ۴۶.

۱۸۱۷ دیوید ریکاردو در جواب به این پرسش قانون مزیت نسبی را مطرح کرد. این نظریه بر پایه مفروضات زیر است:

۱. دو کشور دو کالا
۲. نظریه ارزش کار
۳. نیروی کار در یک کشور کاملاً متحرک و در سطح بین‌المللی غیر متحرک
۴. رقابت کامل در بازار عوامل تولید و محصولات
۵. توزیع درآمد در یک کشور تحت تاثیر تجارت نیست
۶. تغییرات فنی صورت نمی‌گیرد
۷. هزینه تولید ثابت است
۸. هزینه حمل و نقل صفر است
۹. تجارت پایاپای وجود دارد.

بر طبق نظریه ریکاردو اگر کشوری در تولید هر کالا دارای مزیت مطلق باشد هنوز هم تجارت برای هر دو کشور سودآور خواهد بود زیرا که هر کشور در تولید کالایی تخصص می‌یابد که هزینه نسبی تولید آن در داخل کشور پایین تر باشد و کالایی را وارد می‌نماید که هزینه نسبی تولید آن در داخل نسبت به کالای دیگر بالاتر باشد. ریکاردو اظهار داشت حتی اگر کشوری در تولید هر دو کالا دارای مزیت مطلق در مقایسه با کشور دیگر نباشد باز داد و ستدی که حاوی منافع متقابل است می‌تواند بین هر دو طرف صورت بگیرد و کشوری که دارای کارآیی کمتری است باید در

صدور و تولید کالایی تخصص پیدا کند که در آن مزیت مطلق کمتری ندارد. این همان کالایی است که آن کشور در تولید آن دارای مزیت نسبی^۱ است. از سوی دیگر باید کالایی را که مزیت مطلق بیشتری ندارد را وارد کند. این قانون که به قانون مزیت نسبی معروف است هنوز کماکان یکی از مشهورترین قوانین اقتصادی در تجارت بین الملل است.

با مروری گذرا بر فروض نظریه مزیت نسبی ریکاردو می توان مشاهده نمود که چرا این فروض مورد نقد قرار گرفته است. زمانی که دیوید ریکاردو نظریه خود را مطرح نمود در اوایل قرن نوزدهم بود و در انگلستان نیروی کار مهمترین عامل تولید قلمداد می گردید که در اکثر کالاها نقش اساسی را برعهده داشت. در آن دوران اکثر کارگران مهارتهای تخصصی کمی داشتند بنابراین فرض نیروی کار همگن فرض درستی بود. اما با گذشت زمان این فروض به مرور نقض گردید. سرمایه در کنار نیروی کار از اهمیت قابل توجهی برخوردار گردید و نیروهای کار نیز برحسب مهارتها متمایز شدند. تکنولوژی با سرعت زیاد تغییر یافت، بطوری که واحدهای تولیدی با نوع تکنولوژی متفاوت از هم متمایز گردیدند. بازدهی های فزاینده نسبت به مقیاس مشخصه برخی از صنایع شد و سرمایه و نیروی کار هر دو از تحریک جهانی برخوردار شدند^۲.

یکی از فروض این نظریه، ارزش کار است که بیان می دارد ارزش یا قیمت یک کالا از طریق مقدار کاری که در تولید آن کالا صرف شده است تعیین می گردد که امروزه این بخش از این

^۱ - Law of Comparative advantage

^۲ Jones & Kenen, 1996, pp: 10-11.

Suranovic, Ch40. p 100, 1999.

نظریه مورد توجه اقتصاددانان نیست.

نظریه هزینه فرصت

هابرلر (Haberlar) با ارایه نظریه هزینه فرصت در سال ۱۹۳۶ نظریه ارزش کار ریکاردو را از بن بست خارج نمود. طبق نظریه هزینه فرصت هابرلر، هزینه تولید یک کالا عبارت است از مقدار کالای دیگری که باید از تولید آن صرفنظر کرد تا منابع کافی برای تولید یک واحد اضافی از کالای اول فراهم شود. بر این اساس کشوری که دارای هزینه فرصت کمتری در تولید یک کالا است در تولید آن کالا مزیت نسبی دارد در اینجا این فرض که نیروی کار تنها عامل تولید است یا همگنی نیروی کار وجود ندارد و هزینه یا بهای یک کالا برابر با نیروی کاری نیست که در تولید آن به کار رفته است. کشوری که در آن هزینه فرصت از دست رفته یک کالا پائین تر باشد دارای مزیت نسبی در تولید آن نسبت به کالاهای دیگر است. بدین ترتیب نظریه هزینه فرصت‌های از دست رفته بصورتی قابل قبول قانون مزیت نسبی را بیان می‌کند زیرا می‌پذیرد که یک سری از عوامل تولید غیر همگن معمولاً به نسبت‌های مختلف با هم ترکیب می‌شوند تا محصولات متنوعی تولید کنند. همچنین امکان افزایش هزینه فرصت‌های از دست رفته را در تولید بیشتر هر کالا قبول دارد. باین ترتیب قانون مزیت نسبی را می‌توان بر حسب هزینه فرصت‌های از دست رفته مختلف یا بر حسب اختلاف قیمت نسبی کالاها در کشورهای مختلف بیان کرد که اساس تجارت بین کشورها می‌باشد.

هابرلر از جمله نخستین افرادی است که بین تجارت خارجی و توسعه اقتصادی پیوند برقرار

می‌کند. منابع پویای تجارت بین‌الملل از نظر وی به شرح زیر است:

۱- منابع بین‌الملل ابزار مادی لازم را برای توسعه اقتصادی فراهم می‌آورد.

۲- تجارت آزاد مهمترین سیاست ضد انحصاری است.

۳- تجارت بین‌الملل وسیله انتشار اطلاعات و تکنولوژی است.

تجارت ماشین تحرک و جابجایی بین‌المللی سرمایه از کشورهای توسعه یافته به کشورهای

عقب مانده است.^۱

نظریه مزیت نسبی هکشر و اوهلین

نظریه هزینه نسبی ریکاردو تا حدودی علت تحقق تجارت را توضیح می‌دهد اما بیانی از

اینکه چرا نسبت‌های هزینه نسبی برای کشورهای مختلف متفاوت است ندارد. این سؤال را هکشر و

اوهلین^۲ جواب دادند و نظریه خود را بر اساس مفروضات زیر بنا کردند:

۱- دو کشور و دو کالا و دو عامل تولید وجود دارد.

۲- هر دو کشور از تکنولوژی یکسانی برخوردارند.

۳- بازده ثابت نسبت به مقیاس وجود دارد.^۱

^۱ پورمقیم، ۱۳۷۵ صفحه ۲۲ و سالواتوره، ۱۳۷۶ صفحه ۴۶.

^۲Heckscher –Ohlin

- ۴- وجود سلیقه‌های یکسان در هر دو کشور.
- ۵- وجود بازار رقابت کامل در بازار عوامل تولید و بازار کالاها.
- ۶- هزینه حمل و نقل وجود ندارد.
- ۷- تحرک کامل عوامل تولید در داخل و عدم تحرک در سطح بین‌المللی.
- ۸- قیمت کالاها برابر با هزینه نهایی آنهاست.

نظریه هکشر و اوهلین بر پایه مفروضات نظریه ریکاردو است ولی دارای یک فرض متعارف است. فرض اساسی در الگوی ریکاردو این بود که توابع تولید دو کشور برای کالاهای مشابه یکسان است ولی هکشر و اوهلین توابع تولید را در تمام کشورها مشابه می‌داند. این نظریه بر تفاوت بین کشورها در برخورداری از عوامل تولید و تفاوت بین کالاها در میزان استفاده از این عوامل تولید تأکید دارد و با توجه به فروض بالا بیان می‌نماید که هر کشوری کالایی را صادر می‌کند که در تولید آن نیاز به عوامل نسبتاً ارزان و فراوان دارد و متقابلاً کالایی را وارد می‌کند که در تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً کمیاب و گران است لذا فراوانی نسبی عوامل بصورت قیمت‌های عوامل داخلی نشان داده می‌شود و در تعیین مزیت نسبی یک کشور در تولید یک کالا وفور نسبی عوامل تولید نقش دارند.^۲ این نظریه در تعیین قیمت عوامل، بخش عرضه را بر تقاضا ترجیح می‌دهد، در صورتیکه اگر بخش تقاضا در تعیین قیمت عوامل در نظر گرفته شود این امکان وجود دارد که کشوری دارای

^۱Constant return to scale

^۲ Jones & Kenen, 1996, pp: 20-11.
Suranovic, Ch40, p 100, 1999.

نیروی کار بیشتر به صادرات کالاهای سرمایه‌بر پردازد. این نظریه همچنین مطرح می‌کند که تجارت باعث حذف یا کاهش اختلاف در قیمت عوامل تولید میان کشورها می‌شود، البته این نظریه تا زمانی که ما با برگشت پذیری بازدهی عوامل تولید روبرو هستیم صادق می‌باشد و همچنین می‌توان نشان داد که تجارت ممکن است بر هزینه‌های کاهنده نیز استوار باشد.

عوامل تولیدی که در بالا به آنها اشاره شد عبارتند از نیروی کار سرمایه و زمین. هر گروه به بسیاری گروههای فرعی نیز تقسیم می‌گردد مثل نیروی کار ساده، نیمه ماهر و ماهر و کارفرمایان همینطور سرمایه نقدی و غیرنقدی زمین هم از انواع مختلف زمینهای کشاورزی، صنعتی و معدنی و غیره که باز هم آنها را می‌توان به اجزاء کوچکتر نیز تقسیم کرد. نظریه هکشر- اوهلین خود بر فروض خاصی استوار است که از آنجمله کشورها دارای سلیقه یکسانند، تکنولوژی مشابهی بکار می‌برند و بازده به مقیاس تولید ثابتی دارند ولی از نظر استعداد عوامل تولید به میزان زیادی با یکدیگر تفاوت دارند. در صورتی که سلیقه‌ها یا شرایط تقاضا مشابه باشند اختلاف در استعداد عوامل تولید منجر به تفاوت در قیمت نسبی عوامل تولید میان کشورهای می‌شود که به نوبه خود منجر به تفاوت در قیمت نسبی کالاها و تفاوت در تجارت می‌گردد. لذا در نظریه هکشر- اوهلین تفاوت بین‌المللی در شرایط عرضه به تنهایی الگوی تجارت را تعیین می‌کند و طبق این نظریه هر کشور به صدور کالایی دست خواهد زد که عوامل تولید نسبتاً ارزان و فراوانی برای تولید آن در اختیار داشته باشد و کالایی را وارد می‌کند که در تولید آن مجبور است عوامل تولید نسبتاً گران و کمیاب را بکار ببرد. این نظریه به عنوان یک نتیجه‌گیری مهم اضافه می‌کند تحت شرایط شدیداً محدود کننده، تجارت

موجب خواهد شد که اختلاف مطلق در قیمت عوامل تولید همه کشورهای که قبل از تجارت مشاهده می‌شود از بین برود. با این حال تحت محدودیتهای کمتر و شرایط عادیترا، تجارت تفاوت قیمت مطلق عوامل تولید را که قبل از مبادله بوده کاهش می‌دهد ولی بطور کلی از بین نمی‌برد. به هر صورت نظریه هکشر- اوهلین در مورد اینکه چگونه تجارت روی قیمت عوامل تولید و توزیع درآمد هر کشور اثر می‌گذارد مطالب سودمندی ارائه می‌دهد که اقتصاددانان کلاسیک راجع به آن صحبت نکرده بودند.

نظریه مزیت نسبی لیندر

لیندر^۱ در سال ۱۹۶۱ نظریه فراوانی عوامل تولید را ارائه نمود. بر اساس این نظریه فراوانی عوامل تولید فقط در مورد کالاهای اولیه مصداق دارد و در مورد کالاهای صنعتی کاربردی ندارد. وی معتقد بود که یک کشور در ابتدا کالاهای خود را برای بازارهای وسیع داخلی تولید می‌کند، و این تولیدات شامل کالاهایی است که از طرف اکثر مردم تقاضا می‌شود و بعد از آن است که آن کشور تجربه لازم را برای صادرات آن کالاها به سایر کشورها حتی با وجود درآمد سرانه یکسان و نسبت یکسان سرمایه و نیروی کار بدست می‌آورد و شروع به تجارت با آن کشورها می‌کند. این نظریه بر خلاف نظریه هکشر و اوهلین است زیرا که آنها معتقد بودند که دو کشور با مشخصات فوق

^۱Staffan Linder

دارای هزینه‌های نسبی یکسانی هستند لذا حجم تجارت بر خلاف نظریه لیندر پایین است. نظریه لیندر فقط در کشور سوئد مورد تأیید واقع شد و از نظر کاربردی ضعیف است.^۱

آزمون تجربی لئونتیف

پیشنهاد اصلی در تئوری هکشر و اوهلین این بود که کشوری کالایی را صادر کند که عامل تولید نسبتاً فراوانش را در تولید آن کالا بکار برد و محصولی را وارد کند که عامل تولید نسبتاً کمیابش را در تولید آن محصول بکار گیرد.

لئونتیف^۲ به کمک جدول داده - ستانده این نظریه را در کشور آمریکا به آزمون گذاشت و به این نتیجه رسید که کشور آمریکا که می‌بایست صادر کننده کالاهای سرمایه‌بر باشد صادر کننده کالاهای کاربر است. این نتیجه معمای لئونتیف^۳ شهرت یافت.^۴ لئونتیف علت این نتیجه‌گیری را سطح بالای آموزش نیروی کار و کارفرمایی برتر آمریکائیان می‌دانست. او اقتصاد آمریکا را نه با وفور سرمایه بلکه با وفور کار پر کیفیت (سرمایه انسانی) تعریف و مشخص نمود. البته بعدها اقتصاددانان گوناگونی از جمله پیتر کنن در صدد رفع این معما بر آمدند. علت این تناقض را بیشتر در مورد سرمایه انسانی یا نیروی کار متخصص در آمریکا می‌دانند.

^۱ نوربخش، ۱۳۷۵. ص ۲۴ و دولت‌شاهی، ۱۳۷۱ صفحه ۲۰.

^۲ Leontief

^۳ Leontief Paradox

^۴ رحیمی بروجردی ۱۳۷۴ ص ۲۰-۲۵ و پورمقیم ۱۳۷۵ ص ۱۰۲.

تاکنون راجع به عوامل پویا در تجارت بین‌الملل صحبت نکردیم ولی می‌دانیم که هرگاه تکنولوژی تغییر کند پیشرفتهای تکنولوژیک بهره‌وری عوامل تولید کشور را افزایش می‌دهد و با تاثیری که بر منحنی امکانات تولیدی می‌گذارد موجب افزایش عرضه عوامل تولید می‌گردد. ابداعات تکنولوژیک ممکن است به سه نوع اتفاق بیافتد در جهت صرفه‌جویی نیروی کار در کل اقتصاد، در جهت صرفه‌جویی سرمایه و یا کار و سرمایه با یکدیگر. حتی اگر سلیقه مردم هم بدون تغییر باقی بماند این امر موجب می‌شود رابطه مبادله، حجم تجارت و توزیع منافع حاصل از تجارت میان دو کشور تغییر پیدا کند. به طور مشخص تر اگر سلیقه مردم یک کشور از کالای وارداتی به سوی کالای صادراتی تغییر جهت دهد حجم تجارت تنزل یافته و رابطه مبادله کشور بهبود می‌یابد. عکس این وضعیت نیز ممکن است اتفاق بیافتد ولی با این وجود چون نقشه منحنی بی‌تفاوتی کشور در نتیجه سلیقه مردم تغییر می‌کند نمی‌توانیم در مورد رفاه مردم آن کشور بررسی دقیقی نمائیم.

روند تاریخی تشکیل سازمان تجارت جهانی

کشورهای در حال توسعه کمتر از یک چهارم تجارت جهان را به خود اختصاص داده‌اند و بیشتر کشورهای جهان نیز در زمره کشورهای کمتر توسعه یافته به حساب می‌آیند. تجارت آنها بیشتر شامل صادرات مواد اولیه، سوخت، مواد معدنی و محصولات غذایی به کشورهای صنعتی، غنی و توسعه یافته است و در مقابل عمدتاً کالاهای ساخته شده وارد می‌کنند. به دلیل الگوی تجارت و شرایط خاص داخلی و نیز نحوه عملکرد نظام پولی بیشتر منافع حاصل از رشد این کشورها از طریق بهبود مستمر رابطه مبادله به جیب کشورهای توسعه یافته می‌رود. کشورهای در حال توسعه سعی می‌کنند از طریق بالا بردن قیمت کالاهای صادراتی خود، طرحهای تثبیت عواید صادراتی و صنعتی شدن از طریق جانشینی واردات یا ایجاد محدودیتهای تجاری که به محدودیتهای تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تقسیم می‌شود و اصلاح نظام پولی منافع را تا حدی متوجه خود نمایند. تعرفه‌های گمرکی که بر حسب ارزش واردات تعیین شده‌اند بیش از سایر محدودیتهای مورد توجه قرار می‌گیرند و معمولاً برای محدود کردن مقدار واردات وضع می‌شوند سهمیه وارداتی یک محدودیت کمی مستقیم است که بر واردات کالا وضع می‌شود و بسیاری از اثرات تعرفه وارداتی را دارد.

وضع تعرفه معمولاً رابطه مبادله کشور را بهبود می‌بخشد حجم تجارت را کاهش می‌دهد و ممکن است رفاه کشور را بهبود بخشد ولی ممکن است کشورهای دیگر نیز اقدام متقابل بکنند که در این صورت هر دو کشور معمولاً زیان می‌کنند. استدلالاتی در حمایت از تعرفه شده است که مهمترین آنها می‌گویند تعرفه برای حمایت از تولید کنندگان داخلی در مقابل سیاست ارزان فروشی

کالاهای وارداتی دیگران است، تعرفه موجب رشد صنایع داخلی می‌شود تا آنکه به کارآیی برسند و اینکه تعرفه در جهت حمایت از صنایعی است که از نظر دفاع ملی اهمیت دارد. به هر حال همه این استدلال‌ها باید در هر مورد خاص دقیقاً ارزیابی شوند. دلایل مختلف دیگری از قبیل ایجاد اشتغال و برقراری توازن در موازنه تجاری و حتی اهداف غیر اقتصادی نیز گاه عنوان می‌شوند که اهمیت خاص خود را دارند.

تجربه سالهای بین دو جنگ ۱۹۲۱-۱۹۳۹ نشان می‌دهد که در طی این دوره تجارت بین‌المللی بواسطه تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و سایر موانع تجاری شدیداً محدود شده بود که دلایل اصلی آن رکود و بیکاری حاکم بر کشورهای توسعه یافته بود. در حقیقت جنگ جهانی اول مشکلات زیادی برای کشورهای اروپایی از قبیل کسری موازنه پرداختها، کاهش ارزش پول و بیکاری گسترده بوجود آورد که دولتهای اروپایی و آمریکا را وادار نمود تا با اجرای سیاستهای حمایتی و اقدامات تلافی جویانه از صنایع خود حمایت نمایند. پس از گذشت حدود ده سال از جنگ جهانی اول کشورهای اروپایی اقتصاد را بازسازی کردند و تولیدات صنعتی خود را تا حد قابل ملاحظه‌ای توسعه داده و باین ترتیب وجود محدودیتها مانع از شکوفایی تجارت بین‌الملل می‌شد. به همین دلیل کنفرانسی زیر نظر جامعه ملل در سال ۱۹۲۷ در شهر ژنو تشکیل شد تا موانع تجاری را برطرف نموده و راه را برای ایجاد یک لیبرالیسم اقتصادی فراهم نمایند و کشورها را برای رعایت شرط دول کامله الوداد^۱ (رفتار برابر با یکدیگر) آماده نماید. اما اعلامیه پایانی این کنفرانس به صورت توصیه و سفارشات ارشادی باقی ماند

^۱ - Most Favoured Nations

و هیچگاه جامه عمل نپوشید.

رکود اقتصادی دهه ۱۹۳۰ باعث شد تا کشورها با وضع برخی سیاستهای اقتصادی همانند افزایش تعرفه‌های وارداتی با تبعیض بین کشورها، اصول مربوط به آزادی تجارت را خدشه‌دار سازند. در این راستا هر چند آمریکا و انگلیس توانستند بطور کوتاه مدت بر برخی مشکلات اقتصادی خود فائق آیند ولیکن مواجه با اقدامات تلافی جویانه از سوی سایر کشورها گردیدند، که نتیجتاً حجم تجارت بین‌الملل شدیداً کاهش یافت و بر وخامت اوضاع اقتصادی افزوده شد.^۱ این امر منجر به آن شد که کشورها در جهت رفع موانع تجاری خود بر آیند و قراردادهای چندجانبه‌ای در این راه تنظیم کنند. از سوی دیگر بروز جنگ جهانی دوم و بروز خشونت‌ها و لزوم ترمیم خرابیهای جنگ نظریه تنظیم روابط تجاری بر اساس رقابت سالم را بیشتر تقویت کرد. کشورهای عمده تجاری موافقت کردند تا سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) همراه با بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و صندوق بین‌المللی پول بوجود آیند. ولی از آنجائیکه آمریکا آنرا تهدیدی برای حق حاکمیت آمریکا دانست سازمان یاد شده بوجود نیامد.

در آمریکا از سال ۱۹۳۴ رئیس جمهور آمریکا طبق قانون مجاز شد تا با کشورهای دیگر در جهت کاهش تعرفه‌های متقابل مذاکره کند. در سال ۱۹۴۵ این قانون بار دیگر بوسیله کنگره آمریکا مطرح و تمدید گردید و طبق آن تعدادی از کشورها برای انجام مذاکرات چند جانبه در مورد کاهش تعرفه‌های تجاری با یکدیگر به مذاکره نشستند در همین زمان اولین قطعنامه کمیسیون

^۱ - Anderson, Strengthening the global trading system from GATT to WTO. Center of Economic Studies, University of Adelaide (1996) P.3-

اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد کشورها را برای تهیه پیش‌نویس یک سازمان تجاری دعوت کرد. در کنفرانس ژنو، سه موضوع مطرح گردید کاهش تعرفه‌های گمرکی، تهیه موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و پیش‌نویس سازمان تجارت بین‌الملل. ناگفته نماند که در سال ۱۹۴۴ (قبل از پایان جنگ) به دعوت رئیس جمهور وقت آمریکا روزولت کنفرانسی نیز با شرکت نمایندگان ۴۴ کشور در برتن وودز تشکیل شد و طی آن موافقتنامه تاسیس صندوق بین‌المللی پول و همچنین بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) نیز امضاء شد که این کارها را می‌توان به عنوان تلاشی برای جلوگیری از بازگشت به هرج و مرج در بازرگانی و تامین مالی بین‌المللی که بعد از جنگ جهانی اول حاکم شده بود قلمداد کرد.

در کنفرانس برتون وودز مشکلات تجارت بین‌الملل نیز مطرح شد و پیشنهاد گردید به منظور منع محدودیتهای تجاری و کاهش حقوق گمرکی، سازمانی تحت عنوان سازمان تجارت بین‌المللی تاسیس شود. برای تاسیس این سازمان در سال ۱۹۴۵ آمریکا برگزاری کنفرانسی را پیشنهاد کرد که سرانجام در سال ۱۹۴۶ در لندن تشکیل شد. ولی این کنفرانس بدون نتیجه پایان یافت. متعاقب این کنفرانس، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل کمیته‌ای مرکب از نمایندگان چند کشور از جمله آمریکا را مسئول پی‌گیری تاسیس سازمان تجارت بین‌المللی کرد. این کمیته مقدمات تهیه منشور تجارت جهانی را تدارک دید. متعاقب آن در سال ۱۹۴۸ کنفرانسی در هاوانا با شرکت ۵۶ کشور جهان برگزار گردید. در این کنفرانس منشور تهیه شده مورد اعتراض بسیاری از کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه قرار گرفت. بنابراین پیشنهادهای دیگری هم به آن اضافه شد.

کنفرانس هاوانا جدای از مساله تجارت به موضوعات دیگر نیز نظیر اشتغال، توسعه و فعالیت کارتل‌ها هم پرداخت. چون کشورهای در حال توسعه منشور هاوانا را به نفع کشورهای پیشرفته می‌دانستند و کشورهای پیشرفته نیز آن را به سود کشورهای در حال توسعه می‌دیدند عملاً فقط کشورهای استرالیا و لیبریا موفق به تصویب آن در پارلمان خود شدند و سایر کشورها حتی آمریکا که خود از طراحان آن بود نتوانستند آن را به تأیید کنگره خود برسانند.

هدف اولیه این بود که نهاد ثالثی ایجاد شود تا همکاری اقتصادی بین‌المللی را هدایت کند و به مؤسسات برتن وودز (بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) ملحق شود. طرح کامل آن ابتدا با استقبال ۵۰ کشور مواجه شد این بود که سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) به عنوان یک کارگزاری تخصصی سازمان ملل متحد تاسیس شود. منشور (ITO) بسیار بلند پروازانه بود که فراتر از نظامات تجارت جهانی قرار داشت و شامل مقررات اشتغال، موافقتنامه‌های کالایی رویه‌های کسب و کار محدودکننده، سرمایه‌گذاری بین‌المللی و خدمات می‌شد.

بنابراین سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) عملاً تحقق نیافت ولی یکی از موضوعات منشور این سازمان پیشنهادی، قرار دادی مشتمل بر چند ماده بود که میان ۲۳ کشور اکثراً پیشرفته منعقد گردید. این قرارداد به موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت یا گات معروف گردید. این موافقتنامه از سال ۱۹۴۸ به اجرا درآمد. پیمان گات به خاطر تحقق اهدافی منعقد گردید که از آن جمله می‌توان به افزایش اشتغال، افزایش تولید، افزایش درآمد واقعی و ارتقاء سطح زندگی در کشورهای عضو اشاره کرد. از دیدگاه گات این اهداف جز با توسعه تجارت جهانی محقق نمی‌شود و تجارت جهانی نیز

توسعه نمی‌یابد مگر با رفع موانع موجود بر سر راه مبادلات بین‌المللی که البته استثنائات متعددی نیز داشت که مبتنی بر ضرورت‌های سیاسی و اقتصادی بود.

از بین رفتن سازمان تجارت بین‌الملل از یک طرف و ادامه حیات گات باعث شد تا گات رفته رفته وظایف سازمانی و تشکیلاتی بیابد و عملاً به عنوان یک سازمان بین‌المللی تجاری ادامه فعالیت نماید.^۱

^۱ Thomas Dillon, The world Trade Organization: A New legal order for world trade. Michigan journal of international law (No. 16 1995) P. 32.

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)

از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) قواعدی را برای بخش زیادی از تجارت جهانی وضع کرد و در طول این دوره رشد بازرگانی بین‌المللی از نرخ بالایی برخوردار بود. این سازمان بسیار خوب استقرار یافت اما در طول ۴۷ سال یک سازمان و موافقتنامه موقتی بود.

نحوه فعالیت گات تاکنون انجام مذاکرات تجاری به منظور کاهش و الزام‌آور نمودن محدودیت تعرفه‌های گمرکی و دیگر موانع تجاری موجود بر سر راه مبادلات بین‌المللی بوده است بطوریکه از سال ۱۹۴۷ تا به امروز نه دور مذاکرات علاوه بر نشست‌های سالانه بین کشورهای عضو بعمل آمده است که در زیر ذکر شده‌اند.

نتیجه اولین دور مذاکرات توافق راجع به ۴۵۰۰۰ مورد امتیازات تعرفه‌ای بود که بر ۱۰ میلیارد دلار تجارت که حدود یک پنجم کل تجارت جهان را در بر می‌گرفت اثر داشت. ۲۳ کشور شرکت کننده همچنین توافق کردند که باید برخی از قواعد تجاری مندرج در منشور (ITO) را نیز بپذیرند. آنها معتقد بودند که این کار باید به سرعت و در عین حال به صورت موقتی انجام شود تا از ارزش امتیازات مورد مذاکره حمایت شود. این در حالی است که منشور (ITO) همچنان در دستور مذاکره بود.

دوره‌های تجاری گات

کشورها	موفقیت	محل	سال
۲۳	گات قدرت اجرایی یافت	ژنو	۱۹۴۷
۱۳	کاهش تعرفه‌ها	آنسی فرانسه	۱۹۴۹
۳۸	کاهش تعرفه‌ها	تور کوئی (انگلستان)	۱۹۵۱
۲۶	کاهش تعرفه‌ها	ژنو	۱۹۵۶
۲۶	کاهش تعرفه‌ها	ژنو (دور دیلون)	۱۹۶۰ - ۱۹۶۱
۶۲	قوانین ضد دامپینگ	ژنو (دور کندی)	۱۹۶۴ - ۱۹۶۷
۱۰۲	کاهش محدودیتهای تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای	دور توکیو	۱۹۷۳ - ۱۹۷۹
	تشکیل سازمان جهانی	دور اروگوئه	۱۹۸۶ - ۱۹۹۴
۱۴۷	رفع موانع غیرتعرفه‌ای کشاورزی و محیط زیست و اعطای یارانه و قوانین ضد دامپینگ	دور دوحه	۲۰۰۰ - ۲۰۰۵

علیرغم تلاش زیاد در مذاکرات چهار دوره آنسی، تور کوئی، ژنو و دور دیلون، کاهش اندک نرخ‌های تعرفه‌ای حاصل گردید. عمده دلایل این امر را می‌توان تشکیل جامعه اقتصادی اروپا (EC) و عدم تمایل اعضای آن به اعطای امتیازات تعرفه‌ای به کشورهای غیر عضو و نیز عدم تمایل کشور انگلستان و کشورهای مشترک‌المنافع به کاهش ترجیحات تجاری خود ذکر نمود. به علاوه در این ادوار شیوه مذاکره کالا به کالا نیز تقریباً به حالت اشباع رسیده بود.

در دور کندی بر خلاف چهار دور مذاکرات قبلی پیشرفتهای چشمگیری حاصل گردید و مجدداً گروه وسیعی از محصولات به ویژه محصولات صنعتی مورد مذاکره قرار گرفتند که به کاهش متوسط تعرفه‌های صنعتی از ۳۶ تا ۳۹ درصد منجر گردید. عمده دلایل این امر کاهش قدرت انگلستان در ارتباط با کشورهای جامعه مشترک‌المنافع و استفاده از پذیرش اصل کاهش عمومی به جای شیوه مذاکره کالا به کالا بود. بر اساس این اصل به جای مذاکره در مورد تک تک کالاها هر یک گروه از کالاها مثل کالاهای صنعتی یا گروهی از کالاهای صنعتی انتخاب می‌گردیدند و مذاکره در مورد این گروه صورت می‌پذیرد و نتایج حاصل شده به تمامی کالاهای گروه گسترش می‌یابد. به علاوه در این دور مذاکرات به منظور کمک به کشورهای در حال توسعه آنها از رعایت در اصل دول کامله الوداد و اصل معامله متقابل معاف گردیدند. همچنین مذاکراتی در زمینه موانع غیر تعرفه‌ای صورت پذیرفت.

مذاکرات دور توکیو به مذاکرات چند جانبه تجاری معروف شده است. دور توکیو با حضور ۱۰۲ کشور از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹ به طول انجامید. این دور از مذاکرات به تلاش‌های گات برای کاهش فزاینده تعرفه‌ها ادامه داد. موضوعات مورد بحث در این دور علاوه بر کاهش بیشتر تعرفه‌های گمرکی به موانع غیر تعرفه‌ای و سایر اقداماتی که باعث تحریف تجارت بین‌الملل می‌گردند (از قبیل دامپینگ) نیز تسری یافت. به علاوه در این دور توجه خاصی به مسائل تجاری کشورهای در حال توسعه معطوف گردید و بر این اساس سیستم ترجیحات عمومی که در کل برای کشورها شرایط آسانتری را در نظر می‌گرفت بوجود آمد.

در نتیجه این دور از مذاکرات، به طور میانگین یک سوم حقوق و عوارض گمرکی در نه بازار بزرگ صنعتی پائین آمد و میانگین تعرفه محصولات صنعتی نیز ۴/۷ درصد کاهش یافت. کاهش تعرفه‌ها در یک دور هشت ساله مرحله‌بندی شدند.

در موضوع‌های دیگر، دور توکیو نتایج متفاوتی داشت این دور نتوانست با مشکلات اساسی که بر تجارت محصولات کشاورزی اثر می‌گذاشت مقابله کند و تهیه موافقتنامه جدید در خصوص حفاظت‌ها (تدابیر اضطراری در مورد واردات) متوقف شد. با وجود این در زمینه موانع غیرتعرفه‌ای موافقت‌هایی شکل گرفتند که در برخی موارد مقررات گات را تفسیر می‌کردند و در موارد دیگر از پیدایش زمینه‌هایی کاملاً جدید خبر می‌دادند. در اکثر موارد تعداد کمی از اعضای گات (عمدتاً صنعتی‌ها) این ترتیبات و موافقتنامه‌ها را امضاء کردند از آنجا که تمام اعضای گات آنها را نپذیرفتند به صورت غیررسمی مجموعه مقررات نامیده می‌شوند. این موافقتنامه‌ها چند جانبه نبودند اما نقطه شروع به حساب می‌آمدند. تعدادی از این مجموعه مقررات در دور اروگوئه اصلاح شدند و به تعهدات چند جانبه تبدیل گشتند که توسط تمام اعضای سازمان تجارت جهانی پذیرفته شد. تنها چهار موافقتنامه میان چند طرف باقی ماند که در زمینه خریدهای دولتی، گوشت گاو، هوپیمای غیرنظامی و محصولات لبنی هستند. در سال ۱۹۹۷ اعضای سازمان تجارت جهانی توافق کردند که موافقتنامه‌هایی مربوط به گوشت گاو و محصولات لبنی را از پایان همان سال لغو کنند.

مجموعه مقررات دور توکیو را می‌توان به موارد زیر خلاصه نمود:

• رویه‌های صدور و مجوز واردات

• یارانه‌ها و تدابیر جبرانی

• خریدهای دولتی

• ضد دامپینگ

• موانع فنی تجارت

• ارزش‌گذاری گمرکی

• ترتیبات محصولات لبنی

• ترتیبات گوشت گاو

• تجارت هواپیماهای غیرنظامی

گات حوزه پوشش محدود و ماهیتی موقتی داشت اما بی‌تردید در بهبود اطمینان بخشی به آزاد سازی بیشتر تجارت جهانی موفق بود. کاهش دائمی تعرفه‌ها به تنهایی به نرخ بالای رشد تجارت جهانی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ (به طور میانگین ۸ درصد در سال) کمک کرد. نیروی محرکه آزادسازی تجاری اطمینانی بود تا رشد با ثبات تجارت، رشد تولید در عصر گات را سرعت بخشد. هجوم اعضای جدید طی دور اروگونه اثبات کرد که سیستم تجارت چند جانبه یک نقطه اطمینان برای توسعه و ابزاری برای اصلاحات اقتصادی و تجاری است. دور توکیو اقدامی برای رفع پاره‌ای مشکلات بود لیکن نتایج محدودی داشت.

موفقیت گات در کاهش تعرفه‌ها به چنین سطح پائینی با یک رکودهای اقتصادی در دهه

۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ همراه بود. این باعث شد تا دولتها تدابیر دیگری را برای حمایت از بخشهایی که با افزایش رقابت خارجی مواجه بودند بیانندیشند. نرخ بالای بیکاری و بسته شدن مداوم کارخانه‌ها، دولتهای اروپای غربی و آمریکای شمالی را بر آن داشت تا ترتیبات دو جانبه مشارکت در بازار را با رقبا در پیش گیرند و برای حفظ تجارت یارانه‌ها را دنبال کنند.

در ابتدای دهه ۱۹۸۰ تجارت جهانی مهمتر و پیچیده‌تر از ۴۰ سال قبل شده بود. جهانی سازی اقتصاد در راه بود، تجارت خدمات که در مقررات گات وجود نداشت، مورد علاقه بسیاری از کشورها قرار گرفته بود و سرمایه‌گذاری بین‌المللی افزایش یافته بود. توسعه خدمات به مسائلی همچون افزایش تجارت جهانی کالاها وابسته شده بود. در سایر موارد نیز گات کمبودهایی داشت، به عنوان مثال در کشاورزی از مفرهای موجود در سیستم چندجانبه شدیداً بهره‌برداری می‌شد و تلاش برای آزاد سازی تجارت کشاورزی با موفقیت کمی روبه رو بود. در بخش منسوجات و پوشاک استثنائاتی در نظام عادی گات در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ مورد توافق قرار گرفت و به ترتیبات الیاف چندگانه منجر گردید. علی‌رغم اینکه ساختار نهادی گات و سیستم حل اختلاف خود مایه نگرانی بودند. این مشکلات و سایر عوامل اعضای گات را به تلاشی جدید برای تقویت و توسعه سیستم چندجانبه فراخواند. این تلاش در دور اروگوئه با اعلامیه مراکش و تشکیل سازمان تجارت جهانی نتیجه داد.

مذاکرات دور اروگوئه طولانی‌ترین و جامع‌ترین دور مذاکرات تا به امروز بوده است که هفت سال به طول انجامید و موافقتنامه مقدماتی آن در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ توسط اعضاء امضاء گردید.

در انتهای دور اروگوئه ۱۲۳ کشور شرکت داشتند و تقریباً همه مسائل تجاری را در برمی گرفت. این دور بزرگترین مذاکره تجاری تا آن زمان بود و شاید بتوان گفت بزرگترین مذاکره در نوع خود در تاریخ است. دور اروگوئه در مواقعی به نظر می رسید که به شکست منجر می شود، اما در پایان این دور بزرگترین اصلاح سیستم تجارت جهانی بعد از جنگ جهانی دوم را به ارمغان آورد علیرغم پیشرفتهای سخت دور اروگوئه مشاهده برخی نتایج دور از انتظار بود. تنها طی دو سال، شرکت کنندگان روی مجموعه ای از کاهشها در مورد حقوق و عوارض واردات بر محصولات گرمسیری که بیشتر توسط کشورهای در حال توسعه صادر می شد موافقت کردند. آنان همچنین در مقررات حل و فصل اختلاف تجدید نظر کردند که برخی از این ضوابط بی درنگ اجرا شدند. آنان خواستار ارائه گزارشات منظم در مورد سیاستهای تجاری اعضا برای شفاف ساختن رژیمهای تجاری در سطح دنیا شدند که بسیار مهم بود.

تعرفه ها، موانع غیر تعرفه ای، محصولات منابع طبیعی، منسوجات و پوشاک، کشاورزی محصولات گرمسیری، مواد گات، مجموعه مقررات دور توکیو، ضد دامپینگ، یارانه ها، دارائیهای فکری، اقدامات سرمایه گذاری، حل و فصل اختلاف، سیستم گات، خدمات در دستور کار دور اروگوئه بود.

بذر اولیه دور اروگوئه در نوامبر ۱۹۸۲ در اجلاس وزرای اعضای گات در ژنو پاشیده شد. گرچه وزراء قصد داشتند که یک مذاکره جدید و مهم راه اندازند. اما اجلاس بر سر موضوع کشاورزی متوقف گردید و این یک شکست برای گات ارزیابی شد. در حقیقت برنامه کاری که

وزراء در مورد آن توقف کردند، مبنای دستور جلسه مذاکرات دور اروگوئه قرار گرفت.

با وجود این، اجماع برای قبول آغاز دور جدید توسط وزراء چهار سال به طول انجامید و در سپتامبر ۱۹۸۶ در پونتادل استه (Puntadel Este) اروگوئه گرد هم آمدند. دستور جلسه مذاکرات در واقع همه موضوعات مهم در سیاستهای تجاری بود. گفتگوها در پی این بود که سیستم تجاری را به حوزه‌های جدید خصوصاً تجارت خدمات و مالکیت معنوی توسعه دهد و تجارت در بخشهای حساس کشاورزی و منسوجات را اصلاح کند. تمام ماده‌های اولیه گات برای بازرنگری در دستور کار قرار گرفت این بزرگترین دستور مذاکرات تجاری بود که تا آن زمان مورد قبول قرار گرفته بود و وزراء برای تکمیل آن چهار سال مهلت در نظر گرفتند. دو سال بعد، در دسامبر ۱۹۸۸، وزراء برای ارزیابی نیمی از دور اروگوئه و بررسی پیشرفت کار دوباره در مونترال کانادا گرد هم آمدند. هدف این بود که دستور جلسه را برای دو سال باقیمانده روشن کنند اما گفتگوها به بن بست انجامید و به صورت لاینحل درآمد تا اینکه مسئولین رسمی در ماه آوریل سال بعد به آرامی و بدون سر و صدا در ژنو دیدار کردند.

وزراء طی اجلاس مونترال در زمینه مجموعه نتایج اولیه توافق کردند که شامل برخی امتیازات در مورد دسترسی به بازار محصولات گرمسیری به منظور کمک به کشورهای در حال توسعه و ایجاد سیستم حل و فصل اختلافات کارا و نیز مکانیسم بررسی سیاست تجاری بود که برای اولین بار سیاستها و رویه‌های تجاری اعضای گات به صورت جامع و سیستماتیک بازرنگری می‌شد. قرار بود این دور از مذاکره موقعی که در دسامبر ۱۹۹۰ وزراء بار دیگر در بروکسل با یکدیگر دیدار

کردند خاتمه یابد. اما آنان در مورد چگونگی اصلاح تجارت محصولات کشاورزی به توافق رسیدند و تصمیم گرفتند که به گفتگوها ادامه دهند. بدین ترتیب دور اروگوئه وارد سردترین دور خود شد.

علی‌رغم چشم انداز ضعیف سیاسی، کار فنی به طور قابل توجهی ادامه یافت که به تنظیم اولین پیش‌نویس موافقتنامه نهایی منجر شد. این پیش‌نویس در دسامبر ۱۹۹۱ در ژنو در دستور کار قرار گرفت. این پیش‌نویس همانند دستورالعمل پونتادل استه بود. فقط استثناء در مورد کاهش حقوق و عوارض واردات و باز کردن بازارهای خدمات به آن اضافه شده بود. این پیش‌نویس مبنایی برای موافقتنامه نهایی قرار گرفت. در طول دو سال بعد، مذاکرات با انتظارات شکست و موفقیت ادامه یافت. نکات اختلاف برانگیز جدیدی به بخش کشاورزی، خدمات، دسترسی به بازار، قواعد ضد دامپینگ و ایجاد یک نهاد جدید اضافه شد. اختلاف بیشتر بین ایالات متحده و اروپا بود.

در نوامبر ۱۹۹۲، ایالات متحده و اتحادیه اروپا اکثر اختلافاتشان در زمینه کشاورزی را با روشی حل کردند که به طور غیر رسمی توافق Blair House نامیده می‌شود. در ژوئیه ۱۹۹۳ گروه چهار ایالات متحده، اتحادیه اروپا، ژاپن و کانادا اعلام کردند که در مذاکرات تعرفه‌ها و سایر موضوعات مرتبط (دسترسی به بازار) به پیشرفت مهمی دست یافته‌اند. حل نهایی موضوعات و مذاکرات برای دسترسی به بازار کالاها و خدمات تا ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ طول کشید. در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ تمام وزرای ۱۲۳ کشور شرکت کننده در اجلاس مراکش موافقتنامه را امضاء کردند.

این تاخیر فوایدی در برداشت از جمله باعث مذاکراتی شد که پیشرفت بیشتری را نسبت به آنچه در ۱۹۹۰ ممکن بود حاصل کرد به ارمغان آورد. برای مثال برخی از جنبه‌های مربوط به خدمات و مالکیت معنوی (دارایی فکری) و همچنین تشکیل سازمان تجارت جهانی از آن جمله است. اما وظیفه بسیار بود و خستگی مذاکرات فرسایشی در بوروکراسی‌های تجاری دنیا احساس می‌شد. مشکل دستیابی به موافقتنامه کاملی که تقریباً همه موضوعات تجاری را در برگیرد باعث این نتیجه‌گیری شد که مذاکره‌ای در این مقیاس دوباره امکان‌پذیر نیست. با وجود این موافقتنامه‌های دور اروگوئه جدول زمانی برای مذاکرات جدید در مورد برخی موضوعها داشت. در سال ۱۹۹۶ بعضی کشورها علناً خواستار دور جدیدی از مذاکرات در ابتدای قرن بعدی شدند. باید توجه داشت که موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ابتدا دو چیز بود. یکی موافقتنامه‌ای بین‌المللی که در آن مقرراتی برای هدایت تجارت بین‌الملل وجود داشت و دیگر سازمانی بین‌المللی که بعدها ایجاد شد تا از موافقتنامه حمایت کند.

گات به عنوان کارگزاری بین‌المللی دیگر وجود ندارد و هم اکنون جای خود را به سازمان تجارت جهانی داده است امروز موافقتنامه گات وجود دارد اما مجموعه مقررات آن همان مقررات اصلی اولیه برای تجارت بین‌المللی نیست و به روز شده است. موقعی که گات بعد از جنگ جهانی دوم ایجاد شد بازرگانی بین‌المللی عمدتاً شامل تجارت کالا بود. از آن زمان بتدریج تجارت در خدمات (حمل و نقل، مسافرت، بانکداری، بیمه، ارتباطات راه دور، مشاوره و غیر آن) اهمیت بیشتری می‌یافت و همین‌طور تجارت در ایده‌ها (اختراعات و طراحی و کالاها و خدمات موضوع آنها که

مجموعاً دارای فکری نامیده می‌شود. موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت اصلاح شده در موافقتنامه‌های جدید سازمان تجارت جهانی وارد گشته است. سازمان تجارت جهانی سه موافقتنامه گات به روز شده و موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (GATS) و موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی (TRIPS) را در یک سازمان گرد هم می‌آورد. و یک مجموعه مقررات و یک سیستم واحد برای حل اختلافات در این سازمان وجود دارد. به طور خلاصه سازمان تجارت جهانی امتداد ساده‌ای از گات نیست بلکه بسیار بیشتر از آن است. گات به عنوان یک سازمان بین‌المللی دیگر وجود ندارد، موافقتنامه گات هنوز زنده است. متن قدیمی گات، گات ۱۹۴۷ نامیده می‌شود و متن به روز شده آن گات ۱۹۹۴ نامگذاری شده است. اصول کلیدی گات را موافقتنامه‌های خدمات و مالکیت فکری تشکیل می‌دهد. این اصول شامل اصل عدم تبعیض، اصل شفافیت و اصل قابلیت پیش‌بینی هستند. در حقیقت سازمان تجارت جهانی به شکل کامل تری از درون گات بیرون آمد.

گات موقت بود، موافقتنامه عمومی هرگز در پارلمانهای اعضاء به تصویب نرسید و هیچ شرطی برای تاسیس یک سازمان را در بر نداشت. سازمان تجارت جهانی و موافقتنامه‌های آن دائمی هستند. سازمان تجارت جهانی به عنوان سازمان بین‌المللی مبنای قانونی مستحکم دارد. زیرا اعضاء موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی را به تصویب پارلمانهای خود رسانده و خود موافقتنامه‌ها بر نحوه عمل سازمان تجارت جهانی ناظر و حاکم هستند. سازمان تجارت جهانی دارای اعضاء است در حالی که گات دارای طرفهای متعاقد بود و این ویژگی گات را به عنوان یک متن قانونی زیرسؤال می‌برد. گات با تجارت کالا در ارتباط بود در حالی که سازمان تجارت جهانی خدمات و

دارائیهای فکری را هم پوشش می‌دهد. سیستم حل اختلاف سازمان تجارت جهانی سریع‌تر و خودکارتر از سیستم قدیمی گات است و اجرای احکام آن نمی‌تواند متوقف شود.

مفاد موافقتنامه ۳۸ ماده‌ای گات جهت عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی ملحوظ گردید لذا کشورهایی که داوطلب عضویت در سازمان تجارت جهانی هستند به دنبال درخواست خود باید با تشکیل سه گروه کاری در سه زمینه مشخص و مرتبط زیر به مذاکره پردازند.

- ۱- مذاکرات سیستماتیک یا چند جانبه
- ۲- مذاکرات مربوط به دسترسی به بازار
- ۳- مذاکرات مربوط به تعهدات خاص در بخش خدمات

جلب رضایت دو سوم کشورهای عضو جهت عضویت کشور متقاضی در سازمان تجارت جهانی ضروری است. به طور کلی الزامات عضویت در سازمان تجارت جهانی برای کلیه کشورها به دو دسته الزامات عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود اهم الزامات عمومی عضویت عبارتند از:

- ۱- عدم تبعیض عمومی و رفتارهای مبتنی بر آن
- ۲- مخالفت با پرکردن بازار و عوارض بازدارنده
- ۳- رویه‌های اعطای تخفیف و تعرفه بندی
- ۴- ارزش گذاری برای مقاصد گمرکی
- ۵- حقوق و تشریفات وابسته به صادرات و واردات

- ۶- تدوین و اراده مقررات تجاری
- ۷- پذیرش شرط حذف عمومی محدودیت‌های مقداری
- ۸- پذیرش موافقتنامه راجع به یارانه
- ۹- پذیرش چهارچوب مربوط به بنگاههای تجاری دولتی که این مؤسسات را به رفتاری غیر تبعیض آمیز و رعایت اصل شفافیت در تبادل اطلاعات مکلف می‌کند
- ۱۰- توافق‌هایی که اتحادیه گمرکی مرزی و مناطق آزاد تجاری را شامل می‌شود
- ۱۱- پذیرش موارد استثناء از مقررات عمومی گات

الزامات خصوصی جهت عضویت در سازمان تجارت جهانی نیز برای هر کشور متفاوت است و در مورد الزامات خصوصی و قانونی عضویت ایران در این سازمان در قسمتهای بعدی اشاره خواهیم نمود.

چارچوب نظام تجارت جهانی بر این اساس طرح گردیده که به کشورها در ارتقاء توسعه اقتصادی‌شان از طریق بسط تجارت کمک کند. حذف تعرفه‌ها و دیگر موانع تجارت در خلال مذاکرات میان اعضاء به عنوان راهکار بسط تجارت مورد پذیرش واقع شده است. دسترسی به بازار به مفهومی که سازمان تجارت جهانی مد نظر دارد، در مورد کالاها از طریق اقدامات مرزی همچون کاهش تعرفه‌ها، رفع محدودیت‌های مقداری و دیگر اقدامات غیرتعرفه‌ای مطرح می‌گردد. هدف مذاکرات تجاری چند جانبه آزادتر کردن دسترسی به بازارها است. در مورد کالاها، شرط لازم گات آن بوده است که تعرفه باید به عنوان تنها وسیله حمایت از صنعت داخلی مورد استفاده قرار

گیرد. به علاوه، تعرفه‌ها باید دو ویژگی پیش‌بینی‌پذیری و ثبات (در نرخ) را داشته باشند تا دسترسی به بازار به عنوان یکی از مفاهیم و اهداف اساسی موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و در حال حاضر سازمان تجارت جهانی تحقق یابد.

دور جدید مذاکرات تجاری جهان از ابتدای فوریه سال ۲۰۰۲ میلادی آغاز شد. که اولین دور مذاکرات آزادسازی تجاری جهان پس از تشکیل سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ و نهمین دور مذاکرات از زمان تأسیس موافقتنامه گات ۱۹۴۷ محسوب می‌شود. این دور ابتدا قرار بود همزمان با سومین نشست کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۹ در شهر سیاتل آمریکا آغاز شود اما به دلیل اختلاف نظر کشورهای عضو در دستور کار، نشست سیاتل در این خصوص موفق نبود و آغاز این دور که دور دوحه نامیده می‌شود تا زمان چهارمین نشست کنفرانس وزیران در سال ۲۰۰۱ در شهر دوحه قطر به تعویق افتاد. بر اساس بیانیه دوحه، این دور از مذاکرات از آخر ژانویه ۲۰۰۲ آغاز و تا اول سال ۲۰۰۵ پایان خواهد پذیرفت.

موضوعاتی که در دور دوحه در دستور کار مذاکرات قرار دارند شامل دسترسی به بازار محصولات کشاورزی، جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، سرمایه‌گذاری و تجارت ارتباط میان تجارت و سیاست‌های رقابتی، شفافیت در خریدهای دولتی، تسهیل تجاری، مقررات سازمان تجارت جهانی، تجارت و محیط زیست، ظرفیت‌سازی و همکاری فنی، تجارت الکترونیکی، تجارت و انتقال فن‌آوری، برخورد ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه، کم توسعه‌یافته‌ترین کشورها و اقتصادهای کوچک و مسائل و موضوعات مربوط به اجرای موافقتنامه‌های قبلی سازمان تجارت

جهانی می‌باشد.

در حال حاضر ۱۴۷ کشور تا ۲۴ آوریل ۲۰۰۴ عضو سازمان جهانی بازرگانی هستند^۱ که تقریباً ۹۰ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به مقررات خاص این سازمان، در برخی موارد کشورهای عضو می‌توانند تا ۶۰۰ درصد آبر کالاهایی که از کشورهای غیر عضو وارد کشورشان می‌شود تعرفه ببندند. به عبارت دیگر عضو نبودن در این سازمان به معنای انزوای بین‌المللی و ناتوانی از صادر کردن کالا به سایر کشورهاست. از آنجائیکه قوانین و مقررات سازمان جهانی بازرگانی از پشتیبانی ۱۴۷ کشور جهان برخوردار و نتیجه حدود هفتاد سال مذاکرات سخت، مداوم و جدی میان کشورهاست نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

اینکه این مقررات عادلانه است یا نه جای بحث دارد. در سالهای اخیر، همزمان با نشست‌های متعدد این سازمان در نقاط مختلف جهان مانند سیاتل، آمریکا، ایتالیا و یونان، اعتراض‌های توأم با خشونت نسبت به جهانی شدن اقتصاد مشاهده می‌گردد. پایه و اساس این سازمان بر تفکر اقتصاددانان غرب پی‌ریزی شده است. کشورهایی که در آنها ابزارهای نظام سرمایه‌داری در بخشهای مختلف تولیدی، خدماتی، پولی و مالی، اجتماعی و فرهنگی به گونه‌ای هماهنگ و تنگاتنگ تدریجاً طی پنج قرن نضج گرفته و تکامل یافته است. در حقیقت این سازمان شکل توسعه یافته چنین نظامی است که در سطح بین‌المللی مجال فعالیت و گسترش یافته است. مشکلات متعدد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و

^۱ http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm

^۲ سازمان تجارت جهانی و ایران. ادیب، ۱۳۷۹. اصفهان.

اقتصادی کشورهای در حال توسعه و تعامل آنها به نحوی که هر یک زاینده و در عین حال متاثر از دیگری است پیچیده تر از آن می نماید که سهم قابل توجهی از بازار جهانی نصیب آنها شود. هر چند کشورهای تازه صنعتی شده در چند دهه اخیر راههایی برای صنعتی شدن و توسعه اقتصادی یافته اند و اکثریت کشورهای در حال توسعه در این مسابقه در ابتدای راهند و باید به انجام اصلاحات گوناگونی در زمینه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود پردازند تا با علم و آگاهی و اتخاذ سیاستهای مدیریتی صحیح و بلندمدت در سطح کلان، اقدام به ریشه کن کردن مشکلات نمایند. سیاستگذارای اقتصادی، سیاسی و بازرگانی و وقوف بر مسائل و تحولات بین المللی، به روز بودن اطلاعات و درک اهمیت زمان و لحظه ها در تصمیم گیری از ویژگیهای مورد نیاز بقا در دهکده جهانی عصر حاضر است.

در سازمان تجارت جهانی از بدو تاسیس با توجه به شکاف رفاهی بین کشورهای در حال توسعه و صنعتی امتیازاتی برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است. برای نمونه در دور اروگوئه مقرر گردید از سال ۱۹۹۵، کشورهای صنعتی پنج سال برای هماهنگ سازی مقررات خود با قوانین سازمان تجارت جهانی فرصت داشته باشند در حالی که این مهلت برای کشورهای در حال توسعه ده سال تعیین گردید. ولی آیا شکاف توسعه کشورهای صنعتی و در حال توسعه از نظر زمانی ۵ سال است. برای برخی از کشورهای در حال توسعه این شکاف از یک قرن هم تجاوز می کند. از سوی دیگر باید اذعان کرد که نفوذ بین المللی کشورهای در حال توسعه در سازمانهای بین المللی قابل مقایسه با نیمه اول قرن بیستم نیست. کشورهای در حال توسعه با توجه به اکثریتی که در سازمان

تجارت جهانی دارند و با هماهنگی و همکاری و افزایش توان علمی، فنی و اطلاعاتی خود می‌توانند امتیازهای قابل توجهی در صحنه تجارت جهانی کسب کنند. همانطوریکه اشاره شد گات در طول ۴۸ سال حیات خود چندین بار اصلاح و موافقتنامه‌هایی به آن اضافه شد.

اهداف تشکیل سازمان تجارت جهانی

مذاکرات مربوط به دسترسی به بازار در دور اروگوئه در مقایسه با ادوار پیشین تا حدود زیادی وضعیت را بهبود بخشید. ویژگیهای اصلی نتایج این دور را می توان به شرح ذیل خلاصه نمود:

- کاهش تعرفه‌هایی که کشورها متعهد به اعمال آن بر محصولات صنعتی هستند، بسیار بالاتر از مقادیری است که در دور توکیو صورت گرفت.
- با تصویب موافقتنامه راجع به منسوجات و پوشاک، کشورها توافق نموده‌اند محدودیتهایی را که طبق ترتیبات الیاف چندگانه وجود دارد، ظرف یک دوره ۱۰ ساله یعنی تا اول ژانویه ۲۰۰۵ تدریجاً حذف کنند.
- موافقتنامه راجع به کشاورزی چارچوبی را برای قراردادن تدریجی تجارت محصولات کشاورزی تحت نظامات گات و برای آزادسازی تجارت در این بخش ایجاد کرده است.
- کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار، که فعالانه در مذاکرات شرکت نمودند، تعرفه‌های محصولات صنعتی و کشاورزی خود را کاهش داده‌اند.
- تقریباً تمامی تعرفه‌های کشورهای توسعه یافته، در برابر افزایشهای بیشتر تثبیت شده است. در کشورهای در حال توسعه و دارای اقتصاد در حال گذار، سهم تعرفه‌هایی که تثبیت گردیده بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

در مقدمه موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و همچنین در موافقتنامه تاسیس سازمان

تجارت جهانی اهداف گات و سازمان تجارت جهانی اعلام شده‌اند. اهداف گات از قرار زیر می‌باشد:

- ۱- ارتقای سطح زندگی
 - ۲- تضمین اشتغال کامل
 - ۳- حجم زیاد و افزایش دائمی در آمد واقعی و تقاضای مؤثر
 - ۴- استفاده کامل از منابع موجود جهان
 - ۵- توسعه و گسترش تولید و تجارت کالاها
- در موافقتنامه تاسیس تجارت جهانی اهداف بصورت زیر کامل گردیدند.
- ۶- توسعه و گسترش تولید تجارت کالا و خدمات
 - ۷- استفاده بهینه از منابع موجود در جهان
 - ۸- حفظ و حراست محیط زیست
 - ۹- کوشش برای افزایش سهم کشورهای در حال توسعه، مخصوصاً کشورهای که بهره بسیار اندکی از توسعه داشته‌اند و شناسائی حق مشروع آنها در دستیابی به توسعه اقتصادی.

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) فقط ناظر بر تجارت کالا بود، سازمان تجارت جهانی در دو حوزه اصلی دیگر شامل خدمات و حقوق مالکیت فکری نیز وارد شد. در حوزه خدمات، موافقتنامه عمومی خدمات و در حوزه مالکیت فکری، موافقتنامه جنبه‌های تجاری

حقوق مالکیت فکری از دستاوردهای مذاکرات دور اروگوئه محسوب می‌شوند. ضمناً کالاهایی که قبلاً از نظام تجارت آزاد بین‌المللی دور مانده بودند (نظیر محصولات کشاورزی، منسوجات و پوشاک) نیز تحت شمول موافقتنامه‌های کالایی این سازمان درآمد. هریک از موافقتنامه‌های عمومی از این قابلیت برخوردارند که ذیل آنها موافقتنامه‌های خاص تنظیم شود. سازمان تجارت جهانی با طیف وسیعی از فعالیتها، نظیر کشاورزی، منسوجات و پوشاک، بانکداری، ارتباطات راه دور، خریدهای دولتی، استانداردهای صنعتی، مقررات بهداشت مواد غذایی، دارائیهای فکری و غیره ارتباط دارد، موافقتنامه‌های آن طولانی و پیچیده است لکن اصول بنیادین آن به صورت زیر می‌باشد:

(۱) اصل عدم تبعیض که خود به دو قسمت دول کامله الوداد (MFN) و رفتار ملی تقسیم

می‌شود.

شرط دولت کامله الوداد (MFN) اعطای بهترین وضعیت تجاری اعطا شده به هر عضو به دیگر اعضاست و شرط رفتار ملی بدین معنی است که پس از عبور از مرز و پرداخت حقوق و عوارض مربوطه تبعیضی بین کالا و عرضه کننده کالای خارجی با کالا و عرضه کننده کالای داخلی صورت نگیرد. ماده ۱ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴ و ماده ۲ موافقتنامه عمومی راجع به تجارت خدمات، هر دو به صراحت رفتارهای تبعیض آمیز را منع کرده‌اند. طبق این مواد کالا و خدمات وارداتی به کشورهای عضو باید مشمول مقرراتی مشابه و یکسان با همه اعضا که همان شرط دول کامله الوداد می‌باشد است.

طبق ماده ۳ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت رفتار تبعیض آمیز نسبت به کالاهای وارداتی در مقابل کالاهای داخلی ممنوع است. طبق این ماده کشورهای عضو از اتخاذ آن دسته از سیاستهای داخلی که به اعطای امتیازات و مساعدت‌ها نسبت به کالاهای مشابه وارداتی منجر شود منع شده‌اند. مثلاً نمی‌توانند بر تولیدات داخلی مشابه کالاهای وارداتی مالیات کمتری وضع نمایند.

(۲) اصل آزادسازی تجارت

طبق ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ هیچ یک از اعضاء حق ندارند جز تعرفه‌های گمرکی و مالیات‌ها، محدودیت‌های دیگری را در واردات و یا صادرات کالاها به وجود آورند. این محدودیت‌ها شامل کلیه محدودیتها از قبیل سهمیه بندی واردات و صادرات و الزام به اخذ مجوز و سیاستهای نرخ ارز و غیره می‌گردد. اصل آزاد سازی تجاری از طریق رفع تدریجی موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آن به تعرفه‌ها، تثبیت سقف تعرفه‌ها و تعهد به کاهش تدریجی سطح تعرفه‌ها صورت می‌گیرد.

(۳) اصل کاهش تعرفه‌های گمرکی

هر کشور عضو سازمان تجارت جهانی می‌شود علاوه بر الحاق به موافقت‌نامه‌های چند جانبه سازمان وارد مذاکرات دو یا چند جانبه با دیگر اعضا می‌گردد و تعرفه‌های خود را کاهش می‌دهد. حداکثر میزان تعرفه در جدول تعرفه‌های کشور وارد می‌شود و حق ندارد بیش از آن تعرفه‌ای اخذ نماید. کشورها متعهد می‌گردند بتدریج تعرفه‌ها را کاهش دهند. این اصل در طول پنجاه سال عمر گات و سازمان تجارت جهانی به نتایج مطلوبی رسیده و سطح تعرفه‌های گمرکی بتدریج کاهش

یافته‌اند.^۱

(۴) اصل شفافیت بخشیدن به مقررات تجاری

طبق ماده ۱۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴ کلیه قوانین و مقررات و تصمیمات قضایی و دستورالعمل‌های اداری که به وسیله هر یک از کشورها برقرار شده است و به نحوی در فروش، توزیع و حمل و نقل و بیمه و انبارداری و مونتاژ کالاها تاثیر داشته باشد باید شفاف شود. در مقررات ماده ۳ موافقتنامه عمومی این امر راجع به تجارت خدمات نیز الزامی شده است.

(۵) اصل تجارت عادلانه یا منصفانه

این اصل برای ایجاد زمینه‌ای برای رقابت کارآ با حذف موانع مختل‌کننده تجارت همچون یارانه‌های غیر مجاز، فروش زیر قیمت کالا و موارد آسیب‌زننده به تولید و تجارت کشورهاست. ارائه راه‌حلها در مقابل تجارت غیر عادلانه نیز از طریق ابزارهای دفاعی همچون وضع عوارض جبرانی یا اقدام ضد قیمت شکنی (ضددامپینگ) یا اعمال حفاظت‌ها صورت می‌گیرد

(۶) اصل حفظ رفتار ویژه با کشورهایی که کمترین درجه توسعه یافتگی را دارند.

این اصل برای همیاری با کشورهای در حال توسعه در تحمیل تغییرات کمتر و انجام اصلاحات در مدتی طولانی‌تر، و بصورتی یک طرفه مطرح شده است.

^۱ - Trebilock & Howse The Regulation of international trade (London, Routledge, 1995) P73-90

(۷) اعمال برخی استثنائات در تعهدات قبول شده برای حفظ نظم عمومی، اخلاق و بهداشت انسان و حیوان و غیره.

مزایای عضویت در سازمان تجارت جهانی را می‌توان در موارد عمومی زیر دانست:

- هر عضو سازمان تجارت جهانی به راحتی می‌تواند وارد بازار کشوری شود که رسماً عضو این سازمان است.
- هر نوع محدودیتی که برای کالاهایی در یک کشور در نظر گرفته شود، همان محدودیت برای کشور دیگر خود به خود منظور می‌گردد.
- دسترسی مداوم به بازارهای عضو سازمان تجارت جهانی با عوارض گمرکی مطمئن و تثبیت شده.
- تسهیلات تجاری با کشورهای عضو بدون اینکه با تک‌تک آنها قرارداد دوجانبه منعقد شود، فراهم می‌گردد.

یکی از وظایف سازمان تجارت جهانی بررسی متناوب سیاست تجاری کشورهای عضو می‌باشد و در این ارتباط گزارش‌های منظمی از این بررسیها منتشر می‌کند. از این جهت شفاف بودن سیاستها و مقررات از اهمیت بسیاری برخوردار است. در چارچوب سازمان تجارت جهانی این کار از دو طریق صورت می‌پذیرد:

- با الزام دولتها به مطلع ساختن سازمان و کشورهای عضو از سیاستها و قوانین خود.

▪ انجام بررسی‌های منظم درباره تک‌تک کشورهای عضو و سیاست‌های تجاری آنها.

اگر چه بررسی سیاست تجاری کشورهای عضو بخشی از الزامات توافقی‌های دور اروگوئه است، اما انجام این بررسی‌ها عملاً پیش از اتمام مذاکرات این دور آغاز گردیده بود. کشورهای حاضر در دور اروگوئه در جلسه وزیران در دسامبر سال ۱۹۸۸ با آغاز این بررسی‌ها موافقت کردند و متعاقب آن، در سال بعد اولین بررسی از این نوع انجام گردید، اما به دلیل آنکه در آن هنگام این بررسی تحت قواعد گات صورت می‌پذیرفت از اینرو صرفاً تجارت کالاها را پوشش می‌داد ولی سپس حوزه بررسی نیز گسترش یافت و تجارت خدمات و حقوق مالکیت فکری را نیز در بر گرفت.

اهداف زیر در پس بررسی سیاست تجاری مد نظر سازمان تجارت جهانی است:

- افزایش شفافیت و شناخت سیاست تجاری و رویه‌های کشورها از طریق نظارت پیوسته.
- بالا بردن کیفیت مباحثات و بررسی‌های عمومی و بین دولتی درباره موضوعات مربوطه.
- امکان پذیر ساختن بررسی‌ها و ارزیابی تأثیرات سیاست‌ها بر نظام تجاری جهان.

سیاست تجاری همه کشورهای عضو باید طی یک دوره زمانی خاص مورد ملاحظه و بررسی قرار گرفته باشند. تناوب بررسی‌ها بستگی به اندازه اقتصاد کشورهای عضو دارد که تقریباً به صورت زیر است:

چهار عضوی که بیشترین حجم تجارت را به خود اختصاص می‌دهند، یعنی اتحادیه اروپا،

ایالات متحده، ژاپن و کانادا، تقریباً هر دو سال یک بار مورد بررسی قرار می گیرند.

شانزده کشور دیگر (بر حسب سهم شان در تجارت جهانی)، هر چهار سال یک بار بررسی می گردند.

مابقی کشورها نیز هر شش سال یک بار، البته با این احتمال که برای کم توسعه یافته ترین کشورها تناوب بررسی ها شاید از مرز شش سال نیز بگذرد.

در هر بررسی، دو سند تهیه می گردد: یک گزارش توسط کشور تحت بررسی و به جهت اعلام سیاست ها و گزارش دیگر بطور مستقل توسط دبیرخانه سازمان تجارت جهانی.

سازمان تجارت جهانی با ایجاد نظام چند جانبه حل و فصل اختلافات که برخی ضعفهای قبلی گات را برطرف می کند، یکی از اهداف حاصل از مذاکرات دور اروگوئه به شمار می آید. تفاهمنامه حل و فصل اختلافات نظامی مبتنی بر قواعد شفاف و ضرب الاجلهای مشخص می باشد. حوزه شمول این تفاهمنامه بسیار گسترده و متنوع است و تقریباً کلیه موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی را شامل می شود. متولی اجرای قواعد و مقررات تفاهمنامه، رکن حل اختلاف است که اعضای آن همان اعضای شورای عمومی سازمان می باشند.

معمولاً اختلاف زمانی بروز می کند که عضوی معتقد باشد عضو دیگر قواعد یکی از موافقتنامه ها یا تعهداتش را نقض کرده است. با توجه به اینکه هدف مکانیسم حل اختلاف تضمین راه

حلی مثبت برای اختلافات است، در تفاهمنامه مقرر شده طرفین قبل از مطرح کردن قضیه نزد رکن حل اختلاف باید در این خصوص با یکدیگر مشورت کنند. بعلاوه طرفین می‌توانند به منظور دستیابی به راه حل مرضی الطرفین، از دبیرکل درخواست مساعی جمیله نمایند. در صورت شکست تلاشها برای حل اختلاف از طریق مشورت، شاکی می‌تواند از رکن حل اختلاف درخواست تشکیل هیأت رسیدگی نماید. هیأت رسیدگی ظرف مهلت مقرر به قضیه رسیدگی و به به رکن اعلام می‌نماید. رکن گزارش را تصویب خواهد کرد مگر اینکه اجماع برخلاف آن باشد یا تقاضای استیناف شود. استیناف محدود به موضوعات حقوقی مطرح شده در گزارش هیأت رسیدگی می‌باشد. رکن دائمی استیناف نیز ظرف مهلت خاصی گزارش خود را به رکن حل اختلاف تقدیم می‌کند. برای حل و فصل مؤثر اختلافات، فاصله زمانی تشکیل هیأت رسیدگی تا صدور رأی نهایی در صورت عدم استیناف نباید از ۹ ماه و با استیناف از ۱۲ ماه تجاوز کند.

هنگامی که مشخص شد اقدامات یک عضو با مقررات موافقتنامه‌ها مغایرت دارد، ابتدا رکن حل اختلاف از عضو مذکور می‌خواهد که از اقدامات مزبور دست بردارد و در صورتی که عملی نباشد، جبران به عنوان اقدامی موقتی تا زمان توقف اقدامات خاطی اعمال می‌شود. آخرین تدبیری که تفاهمنامه در اختیار عضوی که به رویه‌های حل اختلاف متوسل شده قرار می‌دهد، امکان تعلیق اجرای امتیازات یا سایر تعهدات مندرج در موافقتنامه‌های تحت پوشش بر مبنای تبعیضی در مقابل عضو دیگر است به شرط اینکه رکن حل اختلاف اجازه چنین اقداماتی را بدهد. بعلاوه رکن حل اختلاف بر اجرای توصیه‌ها و احکام مصوب، نظارت خواهد داشت.

ساختار سازمان تجارت جهانی

هر چند گات ۱۹۴۷ صرفاً یک معاهده چند جانبه بود و بنا بود که تحت کنترل و نظارت سازمان بین‌المللی تجارت (ITO) اجرا شود، ولی به علت عدم تشکیل این سازمان، گات از تشکیلات ضعیفی منحصر به دبیرخانه برخوردار بود. یکی از توفیقات مهم مذاکرات دور اروگوئه، ایجاد یک سازمان تجاری جهانی منسجم و دائمی به جای دبیرخانه گات است. سازمان تجارت جهانی از سه نظر دارای تشکیلات منسجم‌تر و مناسب‌تر است:

الف - ایجاد یک رکن دائمی برای بررسی خط مشی‌های تجاری

رکن بررسی خط مشی‌های تجاری وظیفه دارد تا به طور مستمر سیاست‌ها و تدابیر اتخاذ شده به وسیله اعضا در مورد تجارت کالا و خدمات را بررسی نماید. این رکن موظف است تا هر چهار سال یک بار (نسبت به کشورهای عمده تجاری هر دو سال یک بار) سیاست‌ها و تدابیر تجاری اعضا را مورد بررسی قرار داده، گزارشی در این رابطه تهیه کند. این گزارش همراه با توضیحات دولت متبوع آن کشور منتشر شده و در معرض دیگر کشورها قرار می‌گیرد. هرگونه عکس‌العمل کشورها عمدتاً بر اساس چنین گزارش‌هایی استوار است. هدف از مقررات مربوط به مکانیسم بررسی خط مشی‌های تجاری تضمین وفاداری اعضا به مقررات سازمان و نظارت بر انجام تعهدات تقبل شده آنها می‌باشد. این بررسی‌ها موجب خواهد شد تا مقررات و سیاست‌های تجاری کشورها شفاف شده و درک صحیح و بی‌طرفانه‌ای از سیاست‌ها و تدابیر اتخاذ شده اعضا به دست آید.

ب - ایجاد یک رکن دائمی برای حل و فصل دعاوی

بر اساس مقررات سازمان تجارت جهانی اعضا نباید به اتخاذ تصمیمات یکطرفه علیه یکدیگر اقدام کنند. آنها موظفند تا دعاوی خود را از طریق رکن حل و فصل دعاوی سازمان تجارت جهانی و طبق مقررات سازمان، حل و فصل کنند. چنانچه طرفین یا طرفهای دعوا توافق کنند، موضوع مورد اختلاف بر اساس میانجی‌گری، سازش و یا از طریق مساعی جمیله حل و فصل خواهد شد. در صورت عدم توافق و یا شکست میانجی‌گری یا سازش، کشور شاکی ممکن است حل و فصل دعوا را طبق مقررات حقوقی درخواست کند. حل و فصل اختلافات بر اساس تفاهمنامه حل و فصل دعاوی انجام خواهد گرفت و رکن حل و فصل دعاوی وظیفه اداری آن را به عهده خواهد داشت.

ج - ایجاد یک رویه منظم برای نشست وزیران کشورهای عضو

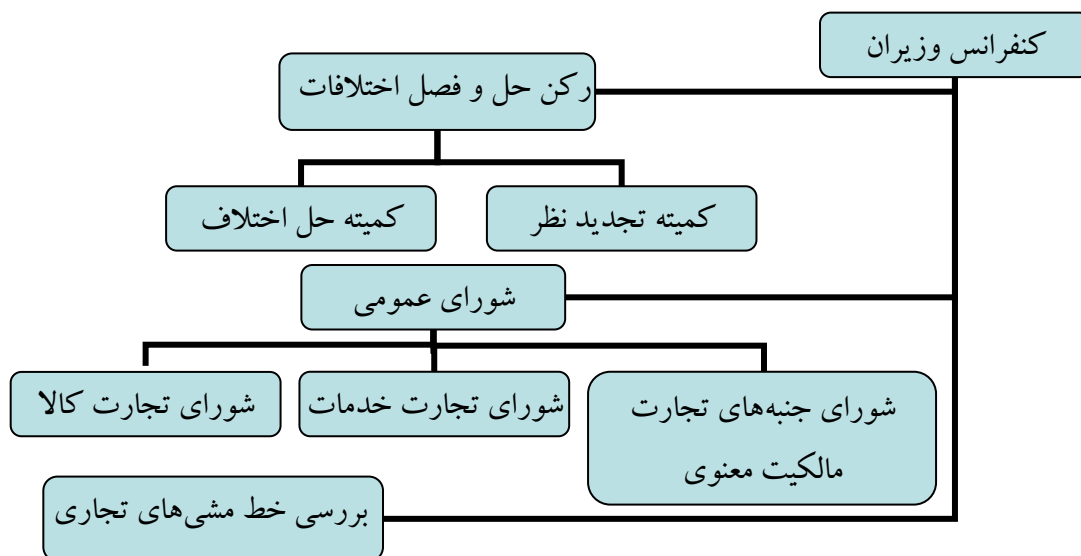
طبق مقررات سازمان تجارت جهانی، رویه منظمی برای نشست وزیران کشورهای عضو پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۴ موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی، کنفرانس وزیران حداقل هر دو سال یکبار تشکیل خواهد شد که اولین آنها در اواخر سال ۱۹۹۶ در سنگاپور بود. مقصود از این مقررات، ایجاد نشست‌هایی منظم و در سطح عالی برای بحث پیرامون مشکلات موجود، توسعه و بهبود سیستم تجاری بین‌المللی و تهیه پیش‌نویس‌های لازم برای مذاکرات چند جانبه آتی می‌باشد. امید می‌رود با برقراری این رویه منظم، مشکلات قبلی گات در جمع کردن نمایندگان عالی کشورها برای انجام مذاکرات تکرار نشود.

در تشکیلات و مراجع تصمیم‌گیری سازمان تجارت جهانی، کنفرانس وزیران عالی‌ترین رکن سازمان است که متشکل از نمایندگان همه کشورهای عضو بوده و باید حداقل هر دو سال یکبار تشکیل جلسه دهد. کنفرانس وزیران صلاحیت دارد تا طبق موافقتنامه‌های چندجانبه سازمان هر تصمیمی را اتخاذ کند.

امور روزانه سازمان تجارت جهانی به عهده شورای عمومی است که تحت کنترل و نظارت کنفرانس وزیران بوده و متشکل از کلیه اعضا می‌باشد. شورای عمومی تقریباً هر ماه یکبار تشکیل شده و وظیفه دارد تا وظایف کنفرانس وزیران را در غیاب آن انجام داده و به کنفرانس وزیران گزارش دهد. شورای عمومی دارای سه شورای فرعی به نام شورای تجارت کالا، شورای تجارت خدمات و شورای مرتبط به جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی است.

شورای عمومی قابلیت دارد تا در موارد مقتضی به رکن حل و فصل دعاوی و یا رکن بررسی خط مشی‌های تجاری تبدیل شود. به عبارت دیگر، شورای عمومی در موارد لازم در رکن حل و فصل دعاوی و یا رکن بررسی سیاست‌ها و تدابیر تجاری تشکیل می‌شود.

دبیرخانه سازمان تجارت جهانی در ژنو واقع است. در راس دبیرخانه دبیرکل قرار دارد که توسط کنفرانس وزیران انتخاب می‌گردد.



هر عضوی در کشور خود اداره‌ای دارد که از تعدادی مشاور، نمایندگان بخش خصوصی، سازمان‌های تجاری، اتحادیه‌های کشاورزان و دیگر گروه‌های صنعتی و تولیدی تشکیل می‌شود. اکثر کشورها در ژنو دارای یک مرکز دائمی هستند که تحت ریاست سفیر یا وزیر ویژه آن کشور نزد سازمان تجارت جهانی فعالیت می‌کنند. البته در موارد خاص، یک کشور ممکن است نمایندگان ویژه‌ای برای مقاصد خاصی اعزام کند. کشورهایی که عضو یک اتحادیه تجاری - اقتصادی هستند سعی می‌کنند فعالیت‌های خود را نزد سازمان تجارت جهانی هماهنگ کرده و نقطه نظرهای واحدی را اتخاذ نمایند. این هماهنگی تا اندازه زیادی به همبستگی کشورهای عضو آن اتحادیه و وحدت اقتصادی آن‌ها وابسته است. به عنوان نمونه، کشورهای اروپایی عضو اتحادیه اروپا در مقایسه با کشورهای عضو آسان‌دارای نقطه نظرهای به مراتب هماهنگ‌تر و یکسان‌تری هستند.

در شیوه تصمیم‌گیری، سازمان تجارت جهانی در واقع ادامه دهنده رویه گات است که

تصمیمات باید بر اساس توافق جمعی و نه بر اساس رای گیری به عمل آید. این رویه باعث خواهد شد تا منافع تک تک کشورها مورد توجه قرار گیرد و اکثریت نتواند نظریات خود را به دیگران تحمیل کنند. زمانی که اعضا به یک توافق جمعی دست پیدا نمی کنند، موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی در چهار مورد اجازه می دهد تا رای گیری شود. این رای گیری بر اساس یک کشور، یک رای استوار است. اکثریت های متفاوتی برای تصمیم گیری های گوناگون پیش بینی شده است. تفسیر هر کدام از موافقتنامه های چند جانبه سازمان تجارت جهانی نیاز به اکثریت سه چهارم آرا دارد. همین اکثریت لازم است تا کنفرانس وزیران بتواند تعهداتی را که یکی از موافقت نامه های چند جانبه بر عهده یک عضو قرار داده، از عهده او بردارد. در مورد تعدیل موافقت نامه های چند جانبه بر حسب مورد ممکن است همه اعضا و یا اکثریت دو سوم نیاز باشد. در هر حال، تغییرات به عمل آمده فقط نسبت به کسانی که آن را پذیرفته اند لازم الاجرا خواهد بود.

الحاق به سازمان تجارت جهانی

اعضای سازمان تجارت جهانی به دو دسته اعضای اولیه و اعضای ملحق شده تقسیم می‌شوند. اعضای اولیه همان طرفهای متعاهد گات تا پایان سال ۱۹۹۴ و نیز اعضای اتحادیه اروپا هستند که در مهلت دوساله پس از تاسیس سازمان تجارت جهانی به عضویت این سازمان درآمده‌اند. دیگر کشورها و یا قلمروهای مجزا و خود مختار گمرکی نیز برای عضویت باید فرآیند الحاق را مطابق با ماده ۱۲ موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی طی کنند. فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی با دیگر سازمانهای بین‌المللی که غالباً از روند خود کار الحاق بهره‌مند هستند متفاوت است. براساس ماده مزبور، الحاق به این سازمان با شرایط مورد توافق سازمان و دولت متقاضی صورت خواهد گرفت و به عبارت دیگر فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی یک فرآیند مذاکره‌ای است و نتیجتاً امر الحاق به این سازمان را به روندی پیچیده، زمان‌بر و دشوار تبدیل می‌نماید. لذا طی مذاکرات کشورهای متقاضی باید بپذیرند که اقداماتی را جهت مطابقت قوانین ملی خود با مقررات موافقتنامه‌های چندجانبه سازمان به عمل آورند. علاوه بر این لازمست تعهداتی را برای کاهش تعرفه‌ها و اصلاح مقررات خود قبول نمایند تا دسترسی بیشتری را برای واردات کالاها و خدمات خارجی فراهم نمایند.

فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی شامل درخواست عضویت و تشکیل گروه کاری، بررسی رژیم تجارت خارجی کشور متقاضی الحاق (مرحله حقیقت یابی)، مذاکرات دوجانبه (مرحله مذاکرات دسترسی به بازار) جهت تهیه جدول امتیازات و تعهدات مربوط به گات

۱۹۹۴ همچنین جدول تعهدات ویژه مربوط به موافقتنامه عمومی تجارت خدمات برای آن کشور و نهایتاً توافق در مورد گزارش گروه کاری، سند تصمیم در مورد الحاق و پروتکلی (مقاوله نامه‌ای) که شرایط الحاق را معین می‌سازد می‌باشد. پروتکل الحاق ۳۰ روز پس از پذیرش کشور متقاضی الحاق (پس از تصویب پارلمان آن کشور) لازم الاجرا می‌گردد.

بطور کلی کشوری که می‌خواهد به عضویت WTO مراحل زیر را سپری می‌نماید:

- (۱) پر کردن فرم تقاضا نامه و ارسال آن به دبیرخانه: دولت متقاضی طی نامه‌ای به دبیر کل سازمان رسماً تمایل کشور خود را برای عضویت در سازمان اعلام می‌دارد. این نامه می‌تواند در بردارنده علت تمایل به عضویت و همچنین قبول توافقاتی باشد که در این زمینه صورت گرفته است.
- (۲) تشکیل گروه بررسی: دبیر کل پس از دریافت تقاضا آن را به اطلاع شورای عمومی می‌رساند و در صورت قبول شورا، گروه بررسی اقدام بکار می‌نماید. این گروه متشکل از یک رئیس و نمایندگان کشورهای عمده تجاری و نمایندگان کشورهای است که در رابطه با عضویت کشور عضو منافی دارند می‌باشد. وظیفه این گروه رسیدگی به تقاضای عضویت و مدیریت و سازماندهی مذاکرات می‌باشد و در ضمن کلیه سیاستها و تدابیر کشور متقاضی را بررسی و گزارش می‌نماید.
- (۳) تهیه یادداشت تدابیر و سیاستهای تجاری خارجی: در این مرحله کشور عضو یادداشتی در مورد جزئیات تعرفه‌های گمرکی، موانع تجاری غیر تعرفه‌ای، مقررات صادرات و واردات و

- محدودیتها و سیاست‌های ارزی، تدابیر اتخاذ شده و مقررات سرمایه‌گذاری خارجی و مقررات مربوط به تجارت خدمات و حق مالکیت معنوی به دبیر کل تقدیم می‌دارد.
- (۴) مرحله پاسخ‌گویی به سئوالات مطرح شده توسط اعضاء: کلیه اعضاء سئوالاتی درباره این گزارش مطرح می‌نمایند و کشور متقاضی کتباً اقدام به پاسخگویی خواهد نمود.
- (۵) تشکیل جلسه بررسی: رئیس گروه بررسی در جلسات مختلف بررسی گزارشات را آغاز می‌نماید.
- (۶) مذاکرات چند جانبه و دو جانبه با کشورهای دیگر: در زمان بررسی گزارشات اعضاء ممکن است مذاکراتی با کشورهای دیگر بطور دو جانبه یا چند جانبه در مورد کاهش تعرفه گمرکی انجام دهند. کشورهای عضو معمولاً در قبال گرفتن برخی امتیازات اجازه می‌دهند تا دیگر اعضاء از کاهش تعرفه یا تسهیلات مقرر منتفع گردند.
- (۷) رای‌گیری: قبول یا رد عضویت کشور متقاضی مستلزم طبق بند ۲ ماده ۱۲ پذیرش عضویت مستلزم جلب نظر دو سوم کل اعضاء سازمان است ولی رویه متعارف که از گات بجا مانده است رسیدن به توافق جمعی یا اجماع است. بنابراین کشوری که تمایل به عضویت دارد باید رضایت طرفهای عمده تجاری مانند آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن و کانادا را به خصوص جلب نماید و با وجود جلب نظر اکثریت دو سوم نباید از رویه عملی سازمان غافل بماند.
- (۸) تنظیم پروتکل الحاق: با پذیرفته شدن عضویت کشور متقاضی پروتکل الحاقی که دربردارنده تعهدات و شرایط الحاق کشور است مورد مذاکره قرار می‌گیرد. جدول امتیازات و توافقی‌های

مربوط به کاهش تعرفه‌ها که به پیوست پروتکل تهیه شده به امضاء کشور متقاضی و سایر اعضا می‌رسد و زمانی که کشور متقاضی رسماً به دبیر کل سازمان تجارت جهانی اعلام نماید که پروتکل و ضمیمه آن مورد قبول است آن کشور عضو سازمان تجارت جهانی خواهد شد.

همانطور که مشاهده می‌شود در این جریان:

اول: عضویت در سازمان به معنای موافقت با کلیه موافقتنامه‌های چند جانبه سازمان تجارت جهانی است که قاعدتاً شروطی را بر کشور متقاضی تحمیل می‌نماید.

دوم: کشور متقاضی باید بویژه با کشورهای عمده تجاری وارد مذاکره گردد و برای جلب رضایت آنها امتیازاتی از قبیل کاهش تعرفه‌های گمرکی بدهد و روابط سیاسی - تجاری خود را با اعضا و بویژه کشورهای عمده تجاری بهبود بخشد.

برای کشوری که به عضویت سازمان تجارت جهانی پذیرفته شود، اقدامات زیر از سیاستهای اجرایی مهمی است که باید مد نظر داشته باشد:

۱. آزادسازی تجارت خارجی: شامل برداشتن موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای یا کاهش آنهاست. همچنین وضع موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، غیرقانونی می‌باشد. البته برای کشورهای درحال توسعه در این زمینه استثنائاتی قائل شده‌اند.

۲. آزادسازی نرخ کالاها و خدمات: برداشتن سوبسیدها و کمک‌های دولتی که به تولید کالا و خدمات داده می‌شود، برای تحقق این مورد می‌باشد. البته تعدادی از سوبسیدها مثل سوبسیدهای تحقیق و توسعه، سوبسید مربوط به خصوصی‌سازی و سوبسید کالاهای مصرفی، سوبسید سبز محسوب شده و کشور عضو ملزم به حذف آنها نمی‌باشند.
۳. آزادسازی نرخ ارز: شامل حذف ارایه هرگونه ارز سوبسیددار می‌باشد.
۴. آزادسازی نرخ بهره
۵. لغو انحصارات دولتی و خصوصی در تولید و قیمت‌گذاری کالاها و خدمات
۶. جریان آزاد اطلاعات: شامل در اختیار گذاشتن اطلاعات و مقررات و قوانین تصویبی توسط کشور عضو به سایر اعضا می‌باشد.
۷. تخصیص بهینه منابع به وسیله بازار
۸. جداسازی دو مفهوم اقتصاد و تأمین اجتماعی.

رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه

بیش از دو سوم اعضای سازمان تجارت جهانی را کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهند. مقررات مربوط به توسعه کشورهای در حال توسعه، که در طول چند دهه قبل از تاسیس سازمان تجارت جهانی شکل یافته بودند، از طریق موافقتنامه گات ۹۴ به سازمان تجارت جهانی منتقل گردیدند. موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی نیز هر یک رفتار ویژه‌ای را با کشورهای در حال توسعه به اشکال مختلف پیش‌بینی نموده‌اند. بطور کلی این مقررات را به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند:

الف: مقررات ناظر بر تسهیل تجارت کشورهای در حال توسعه

شامل اقدامات یکجانبه کشورهای توسعه یافته در اعطای امتیازات ترجیحی به کشورهای در حال توسعه در موارد زیر می‌باشند:

- «نظام عمومیت یافته ترجیحات (GSP)»
- «شرط توانمندسازی»، تصمیم در مورد رفتار متفاوت و مطلوب‌تر، رفتار متقابل و مشارکت کامل کشورهای در حال توسعه، نوامبر ۱۹۷۹
- ترجیحات تجاری به کشورهای حوزه‌های جغرافیایی خاص به استناد معافیت‌های موقت از ماده یک گات ۹۴ (اصل دول کامله الوداد)
- حذف کامل عوارض گمرکی کالا‌های صادراتی کشورهای در حال توسعه توسط

کشورهای توسعه یافته

- امکان ایجاد ترتیبات تجاری جنوب- جنوب با تعدیل شرایط ماده ۲۴ گات
- توجه بیشتر به آزادسازی تجاری کالاهای مورد علاقه صادراتی کشورهای در حال توسعه، به استناد فصل چهار گات

ب: انعطاف بیشتر برای کشورهای در حال توسعه در پذیرش تعهدات

شامل موارد زیر:

- انعطاف در برقراری حمایت برای تاسیس صنایع جدید
- اتخاذ اقدامات محدود کننده در زمان بروز مشکلات تراز پرداختها
- معافیت از برخی مقررات خاص در چارچوب گات ۹۴ و دیگر موافقتنامه‌های متشکله سازمان تجارت جهانی
- دوره‌های انتقالی طولانی‌تر برای اجرای تعهدات و انعطافها و معافیت‌های گسترده‌تر برای کشورهای در حال توسعه

ج: ارائه کمک‌های فنی به کشورهای در حال توسعه

این کمک‌ها جهت یاری کشورهای توسعه نیافته نسبت به حجم وسیع تعهدات آنها می‌باشد که بتوانند از عهده تعهدات خود در موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی برآیند و شامل ترتیبات

مختلفی با هدف ارائه کمکهای فنی به منظور ایجاد ظرفیتهای تخصصی، سازمانی و حقوقی لازم جهت همگرایی بیشتر کشورهای در حال توسعه در نظام تجاری چند جانبه در موافقتنامه‌های مختلف سازمان تجارت جهانی است.

برگزاری اجلاس وزرای دوحه در سال ۲۰۰۱ و شروع مذاکرات دور جدید، تحریک جدیدی را برای پیگیری ملاحظات توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه فراهم ساخت. اجلاس وزرای دوحه تصمیماتی را مبنی بر گسترش دامنه همکاریهای فنی و ظرفیت سازی اتخاذ نموده و همچنین خواستار تقویت مقررات ناظر بر رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه و بررسی تبعات لازم الاجراء ساختن مفاد غیرالزامی این مقررات شده است.

اتحادیه‌های تجاری منطقه‌ای و سازمان تجارت جهانی

معاهدات بین‌المللی بین کشورها در روابط تجاری آنها با یکدیگر ترتیبات خاص تجارت منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد و مطابق آن اعضا شرایط ویژه‌ای را در روابط خود اعمال می‌نمایند. این شرایط شامل سایر اعضا سازمان تجارت جهانی که عضو این ترتیبات نیستند نمی‌شود. هر عضو از اعضای سازمان تجارت جهانی می‌تواند وارد یک ترتیب تجاری منطقه‌ای شود و با شرکای جدید خود رفتار تجاری مطلوب‌تری نسبت به اعضای خارج از آن برقرار نماید. مطابق ماده ۲۴ گات ۱۹۹۴، اعضای سازمان تجارت جهانی می‌توانند اتحادیه گمرکی، مناطق تجارت آزاد و موافقتنامه‌های موقت ایجاد نمایند با این شرط که ترتیبات مزبور، تجارت بین طرفهای متعاقد را بدون افزایش موانع تجاری فراروی کشور ثالث تسهیل نماید.

کشورهای در حال توسعه مطابق شرط توانمندسازی قادرند بدون در نظر گرفتن شرایط مندرج در ماده ۲۴ گات، اتحادیه گمرکی یا منطقه تجارت آزاد و یا هرگونه ترتیبات منطقه‌ای دیگری را تشکیل دهند.

ماده ۵ موافقتنامه عمومی تجارت خدمات تحت عنوان یکپارچگی اقتصادی همانند ماده ۲۴ گات ۱۹۹۴ ترتیبات تجاری منطقه‌ای را مجاز می‌داند. تا سال ۲۰۰۵ در حدود ۳۰۰ موافقتنامه تجارت منطقه‌ای به سازمان تجارت جهانی اعلام شده و خواهد شد.

موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی

همانطور که گفته شد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) تنها موافقتنامه چند جانبه کالایی در نظام تجارت چند جانبه به شمار می‌رفت و تا پیش از آغاز به کار سازمان تجارت جهانی، اصلاحاتی بر آن صورت پذیرفت و به علاوه پروتکل‌ها و تأییدیه‌های مربوط به امتیازات تعرفه‌ای، پروتکل‌های الحاق و تصمیمات طرفهای متعاقد گات از جمله در موارد معافیت از تعهدات، بدان ضمیمه شد. در دور اروگوئه، ۶ تفاهمنامه در تفسیر مواد گات و پروتکل الحاقی مراکش نیز به گات ۱۹۴۷ افزوده گردید که مجموعه این اسناد گات ۱۹۹۴ خوانده می‌شود. در دور اروگوئه، ۱۲ موافقتنامه چند جانبه جدید کالایی نیز به تصویب رسید که وابسته به گات ۱۹۹۴ تلقی می‌گردند و در ارتباط با موافقتنامه‌های خاص در موضوعاتی چون استانداردها، ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری، قواعد گمرکی، دامپینگ یا قیمت‌شکنی، یارانه‌ها و حفاظت‌ها، و بخش‌های کشاورزی و منسوجات در زمینه تجارت کالا هستند که به همراه گات ۱۹۹۴، ضمیمه موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی را، با عنوان موافقتنامه‌های چند جانبه کالایی، تشکیل می‌دهند. در صورت تعارض میان مواد گات ۱۹۹۴ و موافقتنامه‌های خاص، مورد اخیر مقدم خواهد بود.

در مذاکرات دور اروگوئه، موافقتنامه‌ها، تفاهمنامه‌ها، اعلامیه‌ها و تصمیمات متعددی منعقد و اتخاذ گردید که جزء لاینفک موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی می‌باشند و کشورهای عضو الزاماً باید آنها را بپذیرند. این موارد ذیلاً آورده شده‌اند.

- ۱- مواد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مصوب ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷. اگر چه گات ۱۹۹۴ شامل گات ۱۹۴۷ نیز می شود، لکن از نظر حقوقی این دو موافقتنامه مجزا می باشند.
- ۲- پروتکل ها و گواهیهای مربوط به امتیازات تعرفه ای.
- ۳- پروتکل های الحاق کشورها به گات ۱۹۴۷.
- ۴- معافیت های اعطایی طرفهای متعاقد به برخی کشورها جهت عدم انجام تهمیدات خاص (Waivers) بر اساس ماده ۲۵ گات ۱۹۴۷.
- ۵- سایر تصمیمات طرفهای متعاقد گات ۱۹۴۷.
- ۶- تفاهمنامه های مربوط به تفسیر برخی از مواد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۴۷:
 - تفاهمنامه تفسیر ماده (b) موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مربوط به جداول امتیازات.
 - تفاهمنامه تغییر ماده ۱۷ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مربوط به شرکتهای تجاری دولتی.
 - تفاهمنامه مواد تراز پرداختها در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت.
 - تفاهمنامه تفسیر ماده ۲۴ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مربوط به اتحادیه های گمرکی و مناطق آزاد و تجاری.
 - تفاهمنامه معافیت از تعهدات خاص در چارچوب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت.
- ۷- تفاهمنامه تفسیر ماده ۲۸ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت درباره تغییر جداول تعرفه ای.

- ۸- پروتکل دور اروگوئه در مورد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴. این پروتکل، پروتکل الحاقیه کشورها به سازمان تجارت جهانی می‌باشد.
- ۹- موافقتنامه کشاورزی.
- ۱۰- موافقتنامه تدابیر بهداشتی دام و نبات.
- ۱۱- موافقتنامه منسوجات و پوشاک..
- ۱۲- موافقتنامه موانع فنی تجارت.
- ۱۳- موافقتنامه جنبه‌هایی از اقدامات سرمایه گذاری مرتبط با تجارت^۱.
- ۱۴- موافقتنامه مربوط به اجرای ماده ۶ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت در خصوص عوارض ضد دامپینگ و جبرانی.
- ۱۵- موافقتنامه مربوط به اجرای ماده ۲ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت در خصوص ارزش گذاری گمرکی.
- ۱۶- موافقتنامه بازرسی قبل از حمل.
- ۱۷- موافقتنامه مقررات مبدا.
- ۱۸- موافقتنامه رویه های صدور مجوز ورود.
- ۱۹- موافقتنامه مربوط به حراستها (Safeguards).
- ۲۰- موافقتنامه یارانه‌ها و تدابیر جبرانی.
- ۲۱- موافقتنامه عمومی تجارت خدمات.

^۱ - TRIMs -Trade Related Investment Measures

- ۲۲- موافقتنامه جنبه‌هایی از حقوق مالکیت معنوی مرتبط با تجارت، شامل تجارت کالای تقلبی^۱.
- ۲۳- تفاهمنامه مربوط به قواعد و رویه‌های ناظر بر حل و فصل اختلافات تجاری.
- ۲۴- مکانیسم بررسی سیاست تجاری.
- ۲۵- ۴ موافقتنامه کالایی زیر که الزام آور نیستند:
- موافقتنامه مربوط به تجارت هواپیماهای کشوری.
 - موافقتنامه مربوط به تدارک دولتی.
 - موافقتنامه بین‌المللی فرآورده‌های لبنی
 - موافقتنامه بین‌المللی گوشت گاو

علاوه بر این، اعلامیه‌ها و تصمیمات وزراء نیز که غالباً تفسیر موادی از موافقتنامه‌های فوق می‌باشند، به مجموعه اسناد گات ۱۹۹۴ منضم گردیده است و تمامی موارد به عنوان مجموعه موافقتنامه‌ها و اسناد حقوقی، جزء لاینفک موافقتنامه تاسیس سازمان جهانی تجارت است^۲.

^۱ - TRIPs-Trade – Related Aspects of Intellectual Property Rights

^۲ - http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis/tif_e/agrm9_e.htm
Understanding WTO agreement non-tariff barriers: red tape etc.

ایران و سازمان تجارت جهانی

ایران نیز عضویت در سازمان تجارت جهانی را در برنامه‌های راهبردی خود منظور کرده و از سال ۱۳۷۵ درخواست عضویت خود را به دبیرخانه این سازمان ارائه نموده است. قبول عضویت ایران با مخالفت حداقل یکی از اعضاء که آمریکا است، مواجه شده است. رأی منفی آمریکا باعث می‌شود اجماع لازم به دست نیامده و پذیرش ایران مورد موافقت قرار نگیرد. البته حتی اگر یک عضو ضعیف هم با پذیرش ایران مخالفت کند، باز هم عضویت ایران در دستور کار سازمان تجارت جهانی قرار نمی‌گیرد.

به هر حال در صورت پذیرش ایران، مذاکرات ایران و سازمان تجارت جهانی از زمانی که با درخواست عضویت ایران موافقت شود، حدود ۶-۵ سال پیش‌بینی می‌شود که طول بکشد. مدت مذاکرات برخی کشورها بسیار کوتاه و برخی بسیار طولانی بوده است. مثلاً مذاکرات سازمان تجارت جهانی با ارمنستان برای قبول عضویت این کشور تنها ۲ ماه طول کشید. در حالی که مدت مذاکرات با چین حدود ۹-۸ سال است و رقم زمان مذاکره سازمان تجارت جهانی با ایران فقط یک برآورد می‌تواند باشد.

براساس موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی، کشورها باید تعرفه‌ها را به تدریج حذف کنند. در حال حاضر نفت از موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی خارج است و موافقتنامه‌های آن مشمول فرآورده‌های نفتی نمی‌شود. بر این اساس ورود کالاهای صادراتی کشورهای صنعتی به

کشورهای نفتی منجمله ایران مشمول حذف تعرفه شده اما واردات نفتی کشورهای صنعتی از کشورهای نفتی و ایران مشمول حذف یا کاهش تعرفه نمی‌شود و نفت بخش بزرگی از صادرات این کشورها را تشکیل می‌دهد. این موضوع بسیار تعیین‌کننده است و به همین دلیل آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی از مطرح شدن بحث نفت و فرآورده‌های نفتی هراس دارند زیرا برای مثال از یک یورو پرداختی برای بنزین در اروپا حدود ۱۶ سنت آن پول نفت خام است که به کشورهای صادرکننده پرداخت می‌شود و ۱۶ سنت هم هزینه پالایش، حمل و توزیع است و ۶۸ سنت باقی‌مانده مالیاتی است که کشورهای اروپایی از مصرف بنزین دریافت می‌کنند. اما اگر نفت مشمول مقررات کالائی سازمان تجارت جهانی شود و کشورهای نفت‌خیز عضو سازمان تجارت جهانی با هم هماهنگ باشند، می‌توانند خواستار این شوند که یا ۶۸ درصد مالیات محصولات نفتی دریافت نشود در غیر این صورت کشورهای نفت‌خیز باید بر کالاهای وارداتی از کشورهای صنعتی ۶۸ درصد تعرفه تعیین کنند. این موضوع بسیار تعیین‌کننده و جنجال‌برانگیز خواهد بود. برخی علت مخالفت آمریکا با ورود ایران در سازمان تجارت جهانی را هراس از طرح این موضوع می‌دانند.^۱

دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران وابسته به وزارت بازرگانی در سال ۱۳۷۵ با هدف پیگیری الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی تشکیل گردید. وزیر بازرگانی نماینده تام‌الاختیار تجاری ایران می‌باشد که با حکم رئیس جمهور به این سمت منصوب گردیده است. دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران در حال حاضر فعالیتهای خود را در حوزه‌های پژوهشی و مشاوره‌ای،

^۱ <http://www.payam.co.ir/journal/farsi/Majaleh/34/4-34.htm>

آموزشی و اطلاع رسانی، هماهنگی‌های اجرایی و ارتباطات بین‌المللی ادامه می‌دهد.

مذاکرات با اتحادیه اروپا

قبل از انقلاب، ایران و اتحادیه اروپا براساس قراردادی از روابط تجاری کامله‌الوداد برخوردار بودند و قراردادی میان طرفین امضاء شده بود که در سال ۱۹۷۷ عملاً به تعلیق درآمد. پس از انقلاب در سال ۱۹۹۵ برای اولین بار گفتگوی سیاسی این اتحادیه با ایران آغاز شد. و در سال ۱۹۹۷ گسترده‌تر گردید و در سال ۱۹۹۸ فراگیرتر شد. این گفتگوها در سه حوزه موضوعات جهانی (ترورسیم، حقوق بشر و منع تکثیر سلاحهای هسته‌ای) موضوعات منطقه‌ای (عراق، خلیج فارس، آسیای مرکزی و فرآیند صلح خاورمیانه) و حوزه‌های همکاری (مواد مخدر، پناهندگان، انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری) انجام گرفت. حوزه مسایل و موضوعات مورد گفتگو محدود و فاقد چارچوب منسجم قرارداد بود. در هفتم فوریه سال ۲۰۰۱ کمیسیون اروپایی با صدور اعلامیه‌ای که در ماه مه همان سال به تصویب شورای اتحادیه اروپا رسید چشم‌انداز و شرایط برقراری روابط نزدیکتر اقتصادی و سیاسی با ایران در قالب یک موافقتنامه تحت عنوان موافقتنامه همکاری و تجارت را ترسیم کرد. این نوع موافقتنامه در چارچوب توافقهای غیرترجیحی قرار می‌گیرد و اتحادیه اروپا تاکنون با کشورهای زیادی مشابه آنرا منعقد کرده است. در این نوع موافقتنامه هدف فراهم آوردن چارچوب مناسب گفتگوی سیاسی به منظور توسعه روابط سیاسی، توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری و برقراری روابط هماهنگ اقتصادی و فراهم آوردن مبنایی برای همکاری‌های فرهنگی، فن‌آوری، مالی، اجتماعی و اقتصادی بین دو طرف می‌باشد.

تاکنون چهار دور مذاکرات در ارتباط با موافقتنامه همکاری و تجارت بین دو طرف انجام شده است. طی دوره‌های مذاکرات فوق ساختار موافقتنامه شامل مقدمه، بخش تجارت و سرمایه‌گذاری، بخش همکاری، بخش مقررات و بخش مقررات نهادی و نهایی و هم در خصوص موضوعات محتوایی مورد علاقه طرفین بحث و تبادل نظر شده است.^۱

لازم به ذکر است که کالاهای صادراتی ایران برای فروش در اروپا با تعرفه ۲۰ تا ۲۵ درصدی مواجه است. در حالی که کالاهای ترکیه‌ای به دلیل اینکه این کشور عضو سازمان تجارت جهانی است، از این تعرفه‌ها معاف است. ۲۰ تا ۲۵ درصد اختلاف قیمت به دلیل تعرفه‌های بازرگانی در دنیایی که حتی یک درصد اختلاف قیمت هم در رقابت کالاها تأثیرگذار است، باعث می‌شود که کالاهای ما توان رقابت با کالاهای دیگر کشورها را نداشته باشد.

^۱ دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران. وزارت بازرگانی.

الزامات کلی ایران در فرآیند الحاق

در صورتی که ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید بایستی معاهدات بین‌المللی زیادی را بپذیرد و تعدیلات زیادی را نیز در قوانین داخلی انجام دهد. در این بخش به شرح این معاهدات و موارد تعدیلاتی که باید کشور متقاضی به عضویت در این سازمان انجام دهد می‌پردازیم. مسلماً این معاهدات با توجه به نقاط اشتراک و افتراق مفاد آنان با قوانین، مقررات، رویه‌ها و سیاست‌های صنعتی در ایران، در صورت عضویت احتمالی در سازمان تجارت جهانی، تعدیلات زیادی باید در بخش‌های مختلف مرتبط با صنعت کشور صورت گیرد. در این بخش از بررسی مروری بر این موضوعات خواهیم داشت.

قانون اساسی

اصل ۷۷ قانون اساسی ایران الزام می‌نماید که کلیه مقاوله نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس برسد که این موضوع شامل موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی نیز خواهد شد.

از طرف دیگر طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی، صلح و دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به هر داوری در هر مورد موقوف به تصویب هیات وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد- موارد مهم را قانون تعیین می‌کند. در مورد موافقتنامه‌های تجارت جهانی مسئله به این صورت مطرح است که در مرحله اول اختلاف میان اعضاء از طریق مشورت با یکدیگر حل می‌شود و در صورتی که حل نشد به تقاضای شاکی به مرجع بین‌المللی حل اختلاف که به منظور رسیدگی به دعاوی میان کشورهای عضو تشکیل شده است ارجاع خواهد شد و مرجع حل اختلاف حق دارد هیئت‌های رسیدگی تشکیل دهد و برای اجرای احکام و توصیه‌ها نظارت کند. بدین ترتیب در مورد حل اینگونه اختلافات نیازی به دخالت مجالس قانونگذاری در هیچ یک از کشورهای عضو وجود ندارد.

یکی از مغایرت‌های اولیه مفاد موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی با نظام اقتصادی ایران در اصل ۴۴ نهفته است. بر اساس این اصل بازرگانی خارجی دولتی است. هدف گات و سازمان

تجارت جهانی کم رنگ نمودن نقش دولت در تجارت کالاهای اساسی و هدایت اقتصاد کشورها به سمت اقتصاد غیردولتی است. اصل ۴۴ قانون اساسی صنایع بزرگ و مادر، بازرگانی خارجی، بانکداری، بیمه، راه آهن، کشتیرانی، هواپیمایی، معادن بزرگ، سدها و ارتباطات را در اختیار دولت قرار می دهد. گرچه در عمل کاملاً این اصل رعایت نمی شود و بخشهای خصوصی و شبه خصوصی درگیر فعالیتهای بازرگانی خارجی می باشند. در حالیکه طبق اصل ۱۶ اصول و قوانین گات در مورد دسترسی به بازار، اصل آزاد سازی تجاری از جمله اصول حاکم بر گات است که در مورد پیوستن کشورها به سازمان تجارت جهانی مورد توجه قرار می گیرد.

یکی از موارد مهم در راه الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی اصل ۸۱ قانون اساسی است. به موجب این اصل دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است. بر اساس موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی اعضا می توانند نسبت به ارائه خدمات مرتبط با موارد فوق در سایر کشورهای عضو اقدام نمایند و این موضوع طبعاً با مفاد اصل فوق تعارض دارد. اگرچه بر اساس تفسیر شورای نگهبان قانون اساسی شرکتهای خارجی که با دستگاههای دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد نموده اند می توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیتهای خود در حدود قراردادهای منعقد شده طبق ماده ۳ قانون ثبت شرکتها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد. شایان ذکر است که طبق رویه ای که اعضا گات برای مذاکره در این بخش در نظر گرفته اند، کشورهای مذاکره کننده می توانند رشته های خدماتی خاص را که احساس می کنند نیاز به حمایت داخلی دارد مشمول

مذاکره ننمایند. اما مجاز نیستند که تمامی رشته‌های خدماتی مورد نظر را از مذاکرات خارج کنند. طبعاً با توجه به این موضوع می‌توان رشته‌های خدماتی خاصی را که از حساسیت بالایی برخوردارند مشمول مذاکرات قرار نداد.

البته از لحاظ قانونی امکان تاسیس شرکت سهامی سرمایه‌گذاری خارجی تا حد ۴۹ درصد از سهام منع قانونی وجود ندارد ولی تفسیر آن از وظایف شورای نگهبان است. از سوی دیگر، در مقررات سازمان تجارت جهانی آمده است که هر کشور عضو در سازمان تجارت جهانی می‌تواند در دیگر کشورهای عضو سازمان امتیاز تاسیس شرکت را داشته باشد و این هم مغایر با قانون اساسی ایران است و در صورت الحاق باید مد نظر قرار گیرد.

بند ۲ ماده ۱۶ گات در زمینه دسترسی بازار در مورد تجارت خدمات، بیان می‌کند از جمله اقداماتی که یک عضو نباید انجام دهد برقراری محدودیت در مورد مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی از لحاظ حداکثر درصد سهام خارجی یا بر حسب کل ارزش یکایک یا مجموع سرمایه‌گذاری خارجی است.

لازم به ذکر است که ماده ۴۵ قانون جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی بیان می‌دارد صاحب سرمایه مجاز است که هر سال سود ویژه حاصل از به کار انداختن سرمایه خود را در ایران تا میزانی که در آئیننامه مقرر می‌گردد به همان ارزی که سرمایه خود را وارد یا محسوب کرده است از ایران خارج کند. ماده ۳-۱ آئیننامه اجرائی قانون جلب و حمایت سرمایه‌گذاری نیز اعلام می‌دارد که

بانک‌های خارجی یا شعب آنها که طبق قوانین و مقررات مربوطه در ایران تاسیس می‌شوند از مزایای قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی و این آئین‌نامه تا حدودی که با مقررات و موازین قانون بانکداری و آئین‌نامه‌های آن تباین نداشته باشند برخوردارند - گرچه اصول، ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی فعالیت بانک‌های خارجی را ممنوع می‌دارد و علی‌القاعده در این مورد اصول ۴۴ و ۸۱ به نحوی تخصیص خورده‌اند. همین‌طور بنده ماده ۳۱ قانون پولی و بانکی کشور تاسیس بانک‌های خارجی و مؤسسات اعتباری غیر بانکی خارجی را با تصویب مجلس امکان پذیر داشته است. بند ج همین ماده هر بانکی را که بیش از ۴۰ درصد سرمایه آن متعلق به اشخاص حقیقی اتباع خارج یا اشخاص حقوقی خارجی باشد بانک خارجی محسوب می‌دارد که باید تحت عنوان بانک خارجی به ثبت رسد. همچنین ماده ۳۵ قانون بیمه کشور واگذاری مؤسسات بیمه ایرانی غیر دولتی به اشخاص حقیقی یا حقوقی تبعه خارج تا ۲۰ درصد با موافقت بیمه مرکزی ایران را مجاز دانسته و بیش از آن را موکول به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه و تصویب هیئت وزیران نموده است. ماده ۴۵ قانون بیمه نیز اعلام می‌دارد شروع فعالیت بیمه خارجی در ایران موکول به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تأیید شورای عالی بیمه و تصویب هیات وزیران است. ماده ۴۷ بیمه نیز انتقال درآمد مؤسسات بیمه خارجی را پس از تکمیل ودیعه که در ماده ۴۶ بیمه اعلام شده است، بلامانع می‌داند البته مشروط بر آنکه در هر سال از ۱۰ درصد مبلغی که به عنوان ودیعه در نزد بیمه مرکزی است تجاوز ننماید.

اصل ۴ قانون اساسی الزام می‌نماید که کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی،

اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر آن باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر سایر اصول

قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص آن به عهده شورای نگهبان است گذارده شده است. بند ۴ از ماده ۱۶ موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی هر عضو ملزم به تطبیق قوانین و آئین‌نامه‌های اداری کشور خود با تعهداتش در گات می‌نماید و ماده ۲۳ موافقتنامه جنبه‌های مرتبط با حقوق مالکیت معنوی در برگیرنده حمایت‌های تجاری برای علائم جغرافیایی مشروبات الکلی است. ماده ۲۰ گات ۱۹۴۷ موارد استثناء را بیان می‌کند که امکان تعدیل در اتخاذ سیاست‌های تجاری، تطبیق آن را با شرایط فرهنگی و ارزشی و دینی خاص کشور میسر می‌نماید. در بند الف ماده ۲۰ به اقدامات تجاری در جهت حراست اخلاقی اشاره می‌کند.

مقررات صادرات و واردات

رژیم تجاری ایران طی دهه گذشته شاهد تحولات عمده‌ای بود. قانون مقررات صادرات و واردات کاملاً تغییر کرد، مالیاتهای وارداتی یک کاسه شد و گرایش سیاستهای تجاری به سمت آزادسازی بود. بعلاوه نرخهای متنوع ارز که از جمله موانع عمده صادرات بشمار می‌آید یکسان گردید. یارانه‌های بسیاری تغییر کردند ولی هنوز نیاز به اصلاحات بسیاری در این بخش است. برای بررسی تطبیقی قوانین تجاری ایران با توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی ملاحظه اصول کلی اصل عدم تبعیض و اصل دولت کامله الوداد (MFN) و کاهش تعرفه‌های گمرکی و تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه و ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های کمی از اهمیت خاصی برخوردارند.

بر اساس ماده ۳ مقررات صادرات و واردات کالاهای وارداتی و صادراتی به چهار گروه مجاز، مجاز مشروط، غیر مجاز و ممنوع تقسیم می‌گردد. ماده ۱۶ گات دسترسی به بازار کالاها را برای اعضاء در چارچوب موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی مجاز می‌داند.

ماده ۱۱ گات طرف‌های متعاقد را از وضع محدودیت مقداری برای ورود کالا به کشور خود بر حذر می‌دارد. ماده ۳۴ مقررات صادرات و واردات کشور در خصوص حمایت مؤثر از تولید داخلی که در مورد کالاهایی که تولید داخلی آنها به مقدار نیاز کشور نیست و بناچار مقداری از خارج وارد می‌گردد بیان می‌نماید که باید بنحوی سهم واردات تعیین گردد که حمایت مؤثری از تولید داخلی بعمل آید.

ماده ۳۵ مقررات صادرات و واردات در حمایت گمرکی از طریق افزایش حقوق و عوارض گمرکی از بخش کشاورزی و به دلیل اهمیت خودکفایی در این بخش و مکانیزه شدن آن و همچنین اولویت ساختن ماشین آلات و تجهیزات کشاورزی در داخل معافیت گمرکی این قبیل کالاها را شامل حذف تدریجی قرار می‌دهد که می‌تواند در مراحل بعدی در تعارض نسبی با موافقتنامه‌های گات قرار گیرد. ناگفته نماند ماده ۱۲ گات اعلام می‌دارد که هر طرف متعهد ممکن است مقدار یا ارزش کالاهای مجاز برای ورود را به منظور حفظ وضعیت مالی خارجی و موازنه پرداخت‌های خود، طبق بندهای از این ماده محدود نماید. برای مثال در مواردی که به منظور رفع خطر فوری یا جلوگیری از سقوط شدید ارزش پولی است و یا ذخایر پولی کشور بسیار اندک است، یا اینکه کشور عضو بخواهد محدودیتهایی در مورد برخی از کالاها در قبال ورود برای کالاهای اساسی تر قائل شود.

در خصوص کاهش تعرفه‌های گمرکی باید گفت که این اصل محور اساسی تعارضات مقررات گات با مقررات تجارت خارجی ایران به شمار نمی‌آید. زیرا عوارض وارداتی ایران که قبلاً شامل حقوق گمرکی، سود بازرگانی، سایر عوارض گمرکی، حق ثبت سفارش و ... بوده ضمن متعدد و پراکنده بودن از موانع واردات محسوب می‌شد، ولی در حال حاضر اصلاحات زیادی بر قانون مقررات واردات و صادرات اعمال شده و بسیاری از مشکلات مربوط به این بخش کاهش یافته است.

تعدد و پراکنده‌گی نرخهای عوارض گمرکی علاوه بر اینکه موانع وارداتی بشمار می‌روند به انحاء موجب اختلال در امر تجارت می‌شوند لذا اصلاحات بعمل آمده در خصوص ادغام تمامی این

عوارض و هزینه‌ها در قالب سود بازرگانی قدم مهمی در جهت سازگاری با مقررات گات مبنی بر وضوح و شفافیت مالیاتها و موانع وارداتی بوده است. طبق ماده ۱۵ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲ تمامی عوارض و مالیاتهای وارداتی ایران به صورت یک نرخ و تحت عنوان سود بازرگانی خواهند بود.

نرخ تعرفه در خصوص تک تک کالاها باید مورد مذاکره قرار گیرد و چنانچه توجیه منطقی و اقتصادی قابل قبولی ارائه شود می‌توان نرخ تعرفه معینی را برای حمایت از صنعتی خاص حفظ کرد اما افزایش بعدی منوط به موافقت دیگر اعضای سازمان خواهد بود. با توجه به اینکه نرخهای سود بازرگانی در قالب نظام تک نرخ ارز کاهش‌های قابل توجهی یافته‌اند، قطعاً موضوع سطح نرخها مشکلی را در راه عضویت در سازمان تجارت جهانی ایجاد نخواهد کرد و امروزه ایران دارای یکی از پایین‌ترین سطح نرخهای تعرفه گمرکی در میان کشورهای در حال توسعه است و به احتمال زیاد دور مذاکرات با سازمان تجارت جهانی و اعضا آن نرخهای پایین‌تری به صنایع ایران تحمیل نخواهد شد.

موانع غیرتعرفه‌ای نیز با اعمال شفافیت‌های بسیاری کاهش یافته‌اند و می‌توان با تبدیل باقی آنها به تعرفه این مسئله را نیز تا حد زیادی برطرف نمود. کاهش نرخهای تعرفه از مسائل مطرح در این بخش هستند که به هر حال کشورهای در حال توسعه در این زمینه می‌توانند از امتیازات زیاد و زمان بیشتری برای تغییر نرخهای تعرفه برخوردار باشند.

بطور کلی عوارض وارداتی ایران به سبب جنبه‌های حمایتی و مالی آنها حائز اهمیت

می‌باشند. عوارض بازرگانی که نوعی مالیات غیرمستقیم به شمار می‌روند در نظام بازرگانی خارجی ایران هم از نقطه نظر حمایت از صنایع و نیز ممانعت از ورود و مصرف کالاها و هم بعلت کسب درآمد برای دولت واجد اهمیتند. طبق مقررات گات، تعرفه‌های گمرکی تنها ابزار قانونی حمایت از صنایع محسوب می‌شوند. اما دولت این حمایتها را نه تنها از طریق عوارض گمرکی بلکه بیشتر بواسطه اعطاء سوبسیدهای مستقیم و غیرمستقیم، و تخصیص ارز به بخش‌های اولویت دار اعمال می‌دارد. بطور کلی در نظام تجاری ایران علاوه بر تعرفه گمرکی که از طرف گات به عنوان تعرفه‌های گمرکی پذیرفته شده است از موانع غیرتعرفه‌ای که مورد پذیرش آن سازمان نیست به میزان قابل توجهی استفاده می‌شود. بطور کلی صنایع و تولیدات داخلی کشور، از طرق مختلف مورد حمایت قرار می‌گیرند که در همین بخش به آن خواهیم پرداخت. همچنین در جهت توسعه صادرات کالاهای غیر نفتی قانون مقررات صادرات و واردات تسهیلات و امکاناتی را برای صادرکنندگان تحت پوشش مواد ۱۹ و ۲ و ۲۵ عنوان نموده است.

از جمله جنبه‌های حمایتی در قوانین جاری کشور در ارتباط با سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان است. بر این اساس سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان مکلف است بر اساس مصوبات شورای اقتصاد نسبت به پرداخت سوبسید برخی کالاهای اساسی نظیر گوشت قرمز، شیر و کود و سم اقدام کند و مابه‌التفاوت دریافتهای سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان مشمول مالیات بر درآمد نمی‌باشد. طبق ماده ۱ موافقتنامه گات درباره سوبسیدها، آمده است که سوبسید عبارت است از کمک مالی دولت یا مؤسسات دولتی که متضمن انتقال

مستقیم و جوه مثل برقراری کمک‌های بلاعوض، وام و تزریق سرمایه و یا انتقال تعهدات مثل تضمین وام باشد. بخشیدن مالیات‌ها و عوارض در قالب مشوق‌های مالیاتی و دادن کالا و خدمات دیگری برای امر صادرات از دیگر موارد سوبسید است. طبق این بند بسیاری از تسهیلات مقرر در قوانین ایران از دیدگاه این موافقتنامه سوبسید به حساب می‌آید. ضمیمه ۱ موافقتنامه فوق نیز در بردارنده مواردی از سوبسید است که برقراری آنها بوسیله کشور عضو ممنوع شده است که مهمترین آن به شرح ذیل می‌باشد:

- برقراری حمل و نقل داخلی با شرایط مناسب برای کالای صادراتی
- اعطای وام و اعتبارات با نرخ‌های پائین‌تر از معمول صرفاً به امر صادرات
- اعطای معافیت‌ها، بخشودگی یا اجازه تعویق پرداخت مالیاتی به کالاهای صادراتی

البته ناگفته نماند که طبق ماده ۲۷ موافقتنامه راجع به سوبسیدها کشورهای در حال توسعه دارای یک فرصت هشت ساله برای کاهش تدریجی سوبسیدها پس از پذیرفته شدن به عضویت سازمان جهانی در نظر گرفته شده است.

مقررات گمرکی

بر اساس اصل دول کامله الوداد کشوری که به سازمان تجارت جهانی ملحق می‌شود باید با تمامی اعضاء روابط بازرگانی یکنواخت و بدون تبعیض برقرار نماید. این اصل (ماده ۱ موافقتنامه عمومی) مغایرتی با قوانین و مقررات تجاری ایران نداشته بلکه حتی با ماده ۶ قانون گمرکی کشور مصوب ۱۳۵۰ نیز هماهنگی دارد. بر اساس ماده ۶ قانون امور گمرکی، هرگاه ضمن موافقتنامه‌های بازرگانی با دولت یا کشورهای بیگانه برای کالای معینی، حقوق گمرکی به مأخذی غیر از آنچه که در جدول تعرفه ضمیمه قانون مقرر است معین بشود، مادام که موافقتنامه‌های مزبور بقوت خود باقی هستند حقوق گمرکی آن کالا مطابق مأخذ تعیین شده در موافقتنامه‌ها و بارعایت شرایط مقرر در آنها دریافت می‌گردد، مگر اینکه در تعرفه ضمیمه این قانون حقوق گمرکی کمتری به آن تعلق گیرد یا از حقوق گمرکی بخشوده شده باشد. بطور مثال چنانچه ایران کاهش تعرفه گمرکی در مورد کالا یا کالاهای خاصی را در رابطه با کشور معینی پذیرفت، باید این امتیاز را بدون قید و شرط به سایر کشورهای عضو نیز اعطاء نماید. گرچه طبق ماده ۳۵ موافقتنامه عمومی، طرفهای متعاقد می‌توانند از اعطای امتیازات تعرفه‌ای به کشورهایی که با آنها مذاکرات تعرفه‌ای نداشته‌اند خودداری نمایند.

مواد ۵ و ۷ و ۸ که در خصوص آزادی ترانزیت، شرایط ورود و صدور کالا و شیوه‌های مد نظر در ارزیابی گمرکی است و در برخی موارد با مواد ۱۷۲ و ۱۹۲ آئیننامه ارزیابی گمرکی کشور کاملاً منطبق نیست. برای مثال در ماده ۵ گات هیچگونه تمایزی بر مبنای پرچم کشتی، مبداء ورود و

خروج یا مقصد بر مبنای شرایط مربوط به مالکیت کالای کشتی یا دیگر وسایل حمل و نقل نشده است. در حالی که این موضوع در قوانین ایران در رابطه با برخی از کشورها ممنوع شده است.

ضمناً مواد ۵ و ۶ و ۷ قانون گمرکی کشور به صراحت حمایت‌های تعرفه‌ای و محدودیتهای خاصی در ارتباط با نوع کالاهای وارده و وضع عوارض خاص (سود بازرگانی) در خصوص برخی اقلام وارداتی بر حسب ضرورت و تشخیص مراجع ذی صلاح را مطرح نموده است که با اصول ۱ و ۲ گات مبنی بر اتحاد رویه در خصوص وضع محدودیت از طریق نرخ‌های تعرفه در تعارض می‌باشد.

مقررات ارزی

از نظر مقررات گات، سهمیه بندی ارزی و تخصیص ارز جهت ورود کالا برحسب اولویت‌های خاص و نیز نرخهای ارز ترجیحی نیز نوعی محدودیت به شمار می‌رود. حمایت از صنایع و تولیدات داخلی به کمک ابزارهای غیر تعرفه‌ای نظیر سهمیه بندی ارزی و گران کردن واردات در مقابل محصولات مشابه داخلی با تخصیص ارز به بخشهای اولویت دار و صدور محصولات داخلی به صورت دامپینگ در قالب سیاستهای تشویق صادرات و یا حمایت از شرکتهای داخلی در تجارت خارجی با فروختن ارز ارزان قیمت به آنها از مواردی است که در ایران کم و بیش وجود داشته و برخی از آنها نیز در حال حاضر متداول هستند ولی از سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست یکسان سازی ارز بسیاری از معضلات مربوط به این موانع برطرف یا حداقل کم شده است.

یکی دیگر از جنبه‌های ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های کمی در چارچوب مقررات گات، ممنوعیت اعطاء سوبسید صادراتی است که با مقررات و سیاستهای تشویق صادرات در کشورما در دهه ۱۳۷۰ مغایر بود. چرا که صادرکنندگان از نرخهای ارز ترجیحی برای ورود اقلام مورد نیاز استفاده می‌کردند و بعضاً کالای صادراتی خود را با نرخ شناور می‌فروختند اما این روند با موضوع یکسان سازی نرخ ارز در سال ۱۳۸۱ متوقف شد و مغایرت میان توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت با قوانین ارزی و تجاری ایران از این لحاظ برطرف گردید ولی سهمیه‌بندی ارزی هنوز موضوعی قابل طرح است.

قوانین مالیاتی

ماده ۳ موافقتنامه گات در ارتباط با رفتار ملی در مورد وضع مالیات و مقررات داخلی کشورها را الزام به اتخاذ قوانین و رویه‌های یکسان و مشابه و مطلوب در مورد محصولات وارداتی و تولیدات داخلی می‌نماید. در این ماده بصراحت اعلام شده است که محصولات و تولیدات هر کشور طرف قرارداد گات که وارد سرزمین متعاقد دیگر می‌شود بطور مستقیم و غیر مستقیم مشمول مالیات داخلی و دیگر انواع مالیات و هزینه‌هایی است که در مورد محصولات مشابه داخلی برقرار می‌گردد و مواردی مازاد بر آن نباید در نظر گرفته شود.

برخی مواد قانون مالیات‌های مستقیم نظیر مواد ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۴۲ به اشکال گوناگون اقدام به حمایت از تولید کنندگان داخلی در قالب معافیت‌های مالیاتی می‌نماید. البته باید گفت که اصولاً گات حمایت از تولیدات و صنایع داخلی را ممنوع نمی‌کند بلکه طبق مقررات خاصی نظیر ماده ۲ اساسنامه مقرر می‌دارد که چنین حمایت‌هایی باید اساساً از طریق تعرفه‌های گمرکی و نه از طریق اقدامات تجاری صورت گیرد. اهداف عمده این اصل، ایجاد شفافیت و وضوح در اجرای سیاست‌های حمایتی و به حداقل رساندن اختلالاتی است که حمایت در تجارت ایجاد می‌کند.

کلیات الزامات ایران در فرایند الحاق

ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی باید اصلاحات ساختاری متعددی را انجام دهد. از جمله این اصلاحات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. بسترسازی قانونی از طریق بازنگری در برخی قوانین نظیر قوانین اساسی، کار، تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، بیمه، بانکداری، گمرک، مالیات، و ... و تطبیق آنها با قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی.
۲. بسترسازی اقتصادی از طریق شناخت پتانسیل در مزیت‌های نسبی بالقوه و بالفعل در بخش‌های عمده اقتصادی و افزایش قدرت رقابت محصولات صادراتی کشور.
۳. توانا ساختن بنگاه‌ها در عرضه محصولات با کیفیت برتر و از لحاظ قیمتی قابل رقابت با محصولات مشابه در بازارهای جهانی.
۴. ایجاد ظرفیت اضافی برای صادرات کالاهای صنعتی و بالا بودن سهم این قبیل صادرات در کل صادرات غیر نفتی کشور.
۵. ایجاد شرایط ثبات سیاسی و اقتصادی برای کشور.
۶. ایجاد هماهنگی در سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری کشور.
۷. فراهم ساختن شرایط لازم برای رشد صادرات.
۸. اصلاح گمرکات کشور.

۹. مشارکت در مذاکرات سازمان تجارت جهانی از طریق مطالعات مستمر و تحقیقات دقیق

بازرگانی - حقوقی توسط گروه‌های کاری منسجم و متخصص.

۱۰. ارزش قائل شدن برای تخصص‌ها و اصلاح نظام‌های موجود بر اساس محوریت دانش.

۱۱. نظام آماری بهنگام و کارا

در ادامه این بخش با بررسی کلیات موافقتنامه‌های دور اروگوئه آنها را با شرایط قوانین و

مقررات ایران مقایسه می‌نماییم.

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت

این موافقتنامه‌ها از اول ژانویه ۱۹۹۵ در قالب سازمان تجارت جهانی، قواعد نظام تجارت چند جانبه را پایه‌ریزی کرد. گات ۱۹۴۷ و نیز گات ۱۹۹۴ به عنوان مهم‌ترین موافقتنامه سازمان تجارت جهانی در مورد اداره امور تجارت کالایی می‌باشد. مواد این موافقتنامه مبین اصول کلی سازمان تجارت جهانی است و چند موافقتنامه و تفاهم‌نامه دیگر نیز برای توضیح این مواد امضا شده‌اند. اهم موضوعات گات ۱۹۹۴ عبارتند از: شرط دولت کامله‌الوداد، شرط رفتار ملی، جداول امتیازات، آزادی ترانزیت، مسائل مربوط به ارزشیابی، عوارض و تشریفات گمرکی، شفافیت مقررات تجاری، حذف محدودیتهای مقداری و استثنائات آن، حمایت‌های مجاز بر حسب اقتضای شرایط، یارانه‌ها، بنگاه‌های تجاری دولتی، استثنائات، حل و فصل اختلافات، ترتیبات منطقه‌ای و ملاحظات کشورهای در حال توسعه^۱.

^۱ <http://www.irtr.ir/>

الزامات الحاق ایران نسبت به گات

نظر به اینکه ایران هنوز موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت را پذیرفته است، طبق پاراگراف پنجم سند نهایی، کشورهایی که جزء طرف‌های متعهد گات ۱۹۴۷ نمی‌باشند، قبل از پذیرش موافقتنامه تاسیس سازمان جهانی تجارت، ابتدا باید مذاکرات مربوط به پذیرش گات ۱۹۴۷ را به انجام رسانده و بعنوان یک طرف متعهد پذیرفته شوند لذا ایران برای الحاق به گات باید موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مصوب ۱۹۴۷ را بپذیرد.

موافقتنامه تاسیس سازمان جهانی تجارت

براساس ماده ۳ این موافقتنامه وظیفه اصلی سازمان تجارت جهانی اجرا و مدیریت موافقتنامه‌های دور اروگوئه و فراهم ساختن مجمعی برای مذاکرات میان اعضاء در خصوص روابط تجاری چندجانبه می‌باشد. در ماده ۴ این موافقتنامه، ساختار تشکیلاتی سازمان تشریح شده است. رکن اصلی این سازمان، کنفرانس وزراء متشکل از نمایندگان کشورهای عضو می‌باشد که حداقل هر دو سال یکبار تشکیل جلسه می‌دهد. شورای عمومی مرکب از نمایندگان کشورهای عضو است که در فواصل بین اجلاس وزراء به انجام وظایف محوله که در این موافقتنامه مقرر گردیده است می‌پردازد. در ماده ۴، تشکیل شورایی برای تجارت کالا، شورایی برای تجارت خدمات و شورایی برای جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی تحت نظارت شورای عمومی، پیش‌بینی شده است. این شوراها مسئول نظارت بر اجرای موافقتنامه‌های مربوطه می‌باشند و عضویت در این شوراها برای نمایندگان کلیه کشورهای عضو آزاد است. در همین ماده آمده است که کنفرانس وزراء باید یک کمیته تجارت و توسعه، یک کمیته محدودیت‌های تراز پرداخت‌ها و یک کمیته بودجه مالی و اداری ایجاد نمایند. همچنین مقرر شده که کمیته تجارت و توسعه به عنوان بخشی از وظایفش باید بطور ادواری مواد خاص موافقتنامه‌های تجاری چند جانبه را به نفع کشورهای عضو در حال توسعه بررسی نموده و به شورای عمومی گزارش نماید. عضویت در این کمیته‌ها نیز برای تمامی نمایندگان کشورهای عضو آزاد است. در ماده ۶، تاسیس دبیرخانه سازمان که در راس آن دبیرکل قرار دارد پیش‌بینی شده است. کنفرانس وزراء باید دبیرکل را منصوب و حدود اختیارات، وظایف و شرایط

تصدی وی را معین نمایند. دبیرکل نیز کارمندان دبیرخانه را انتخاب می‌کند. مسئولیت دبیرکل و کارمندان دبیرخانه منحصرأ ماهیتی بین‌المللی دارد و آنها نباید دستوری از هیچیک از دولت‌ها و هر مقامی خارج از سازمان را بپذیرند. طبق ماده ۱۱، اعضاء اصلی این سازمان همان طرف‌های متعاقد در گات می‌باشند. تصمیم‌گیری برای پذیرش عضو جدید در سازمان، در حیطه اختیارات کنفرانس وزراء با دو سوم آراء کشورهای عضو است.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه تاسیس

ایران باید پس از انجام مذاکرات مربوط به پذیرش موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گات ۱۹۴۷ بعنوان یک طرف متعهد پذیرفته شود و پس از الحاق به گات ۱۹۴۷، موافقتنامه تاسیس سازمان جهانی تجارت و موافقتنامه‌های پیوست آن را بپذیرد. از طرفی عضویت در سازمان تجارت جهانی مستلزم پذیرش دیگر موافقتنامه‌های مورد نظر یعنی گات ۱۹۹۴ خواهد بود.

دسترسی به بازار

در مذاکرات دور اروگوئه و در بخش مربوط به دسترسی به بازارها از طریق کاهش تعرفه‌ها توافق گردید که کشورهای پیشرفته متوسط موزون تعرفه‌های وارداتی خود را باستانی مواد سوختی طی یک دوره پنج ساله با ۳۸ درصد کاهش از ۶/۳ درصد به ۳/۹ درصد برسانند. البته برحسب گروه‌های کالایی، این کاهش تعرفه‌ها یکسان و متوازن صورت نمی‌گیرد. بطور مثال بالاترین کاهش بین ۴۰ تا ۷۰ درصد مربوط به بخش‌هایی می‌شود که در حال حاضر نیز تعرفه‌های متعادلی دارند. نظیر چوب، کاغذ، خمیر کاغذ، اثاثیه، فلزات و ماشین‌آلات غیر برقی. در حالیکه کاهش‌های بین ۲۰ تا ۲۵ درصد مربوط به بخش‌هایی است که با مشکلات تعدیل ساختاری مواجه‌اند و سطوح فعلی حمایت از آنها نیز بالاست، نظیر منسوجات و پوشاک، تجهیزات حمل و نقل، چرم، کفش، لاستیک و کالاهای سفری. علاوه بر این، واردات مشمول تعرفه صفر از ۲۰ درصد به ۴۳ درصد افزایش خواهد یافت که البته در بین گروه‌های کالایی متوازن نمی‌باشد. افزایش سهم واردات معاف از تعرفه در مورد محصولات نظیر ماشین‌آلات، فلزات، فرآورده‌های معدنی، چوب، کاغذ، خمیر کاغذ، اثاثیه و فرآورده‌های شیمیایی بیشتر و در مقابل سهم واردات محصولاتی نظیر منسوجات و پوشاک و چرم کمتر خواهد بود. سهم واردات مشمول تعرفه‌های بالا (بیش از ۱۵ درصد) به بازار کشورهای پیشرفته نیز از ۷ درصد به ۵ درصد تنزل خواهد کرد.

در مورد کشورهای در حال توسعه درصد کاهش معینی در متوسط موزون تعرفه‌های وارداتی همچون کشورهای پیشرفته اعمال نخواهد شد، بلکه هر کشور متناسب با سیاست‌های آزاد

سازی تجاری درصد کاهش مشخصی را در مورد متوسط نرخ تعرفه کالاهای صنعتی وارداتی خود متعهد می‌گردد. کشورهای در حال توسعه پذیرفتند که تمام یا بخش قابل توجهی از ردیف‌های تعرفه‌ای خود را با نرخ‌های تعرفه ثابتی محدود و لازم‌الاجرا (Binding) نمایند که بطور متوسط سهم واردات کالاهای صنعتی این کشورها - با تعرفه ثابت - از ۱۴ درصد به ۵۹ درصد افزایش یابد. در این میان برخی از کشورهای در حال توسعه نظیر آرژانتین، برزیل، کلمبیا، جامائیکا و اروگوئه پذیرفتند که ۱۰۰ درصد واردات صنعتی خود را مشمول نرخ‌های تعرفه‌ای ثابت و لازم‌الاجرا قرار دهند. کشورهای اروپای شرقی عضو گات نیز موافقت کردند که به جای ۷۴ درصد، ۹۶ درصد واردات محصولات صنعتی خود را طی یک دوره پنج ساله مشمول تعرفه‌های ثابت و لازم‌الاجرا قرار دهند.

الزامات الحاق ایران در رابطه با دسترسی به بازار

یکی از تبعات مهم عضویت کشورها و منجمله ایران در سازمان تجارت جهانی کاهش تعرفه‌های گمرکی است که از نتایج اعمال این موافقتنامه می‌باشد. اثر این کاهش بر وضعیت رقابتی صنایع، اشتغال، تخصیص منابع، بودجه دولت و غیره موضوعی است که در صورت عضویت در سازمان جهانی تجارت از اهمیت بسزائی برخوردار است.

موافقتنامه کشاورزی

در دور اروگوئه، کشاورزی تحت شمول قواعد عمومی تجارت سازمان تجارت جهانی قرار گرفت. موافقتنامه کشاورزی حول سه محور اصلی زیر می‌باشد.

۱. دسترسی به بازار: لغو موانع غیر تعرفه‌ای و تبدیل آنها به تعرفه و حفظ دسترسی جاری و برقراری حداقل دسترسی و کاهش نرخهای تعرفه کالاهای کشاورزی از جمله توافقتها می‌باشد.

۲. حمایت داخلی: حمایتهای سبز که مجاز شمرده می‌شوند. حمایتهای کاهش یابنده موسوم به حمایتهای زرد باید در بخش کشاورزی هر کشوری محاسبه و در طول زمان کاهش پیدا کنند.

۳. یارانه‌های صادراتی: حمایت‌های یارانه‌ای از صادرات در بخش کشاورزی باید محاسبه و در طول زمان کاهش یابند.

در زمینه قیمت گذاری محصولات کشاورزی و یارانه‌ها نیز بر اساس توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت، یارانه‌ها و حمایت‌های داخلی برای کشورهای در حال توسعه باید به میزان ۱۴ درصد و یارانه‌های صادراتی به میزان ۲۴ درصد کاهش یابند، و تنها حمایت‌هایی که آثار اختلالی بر تجارت یا تولید نداشته باشند از کاهش معاف هستند. به علاوه بر اساس ماده ۱۵ توافقنامه بخش کشاورزی

(رفتار ویژه و متمایز) کشورهای در حال توسعه عضو مجاز خواهند بود تعهدات مربوط به کاهش را در دوره‌ای حداکثر ۱۰ ساله به اجرا بگذارند.

در دور دوحه مذاکرات بسیاری در بخش کشاورزی صورت گرفت. کاهش یارانه‌های صادراتی کشاورزی یکی از مباحث مهم این مذاکرات در بخش کشاورزی بود که تا به حال به دلیل عدم توافق کشورهای در حال توسعه مورد موافقت قرار نگرفته است و در حال حاضر در دستور بررسی برای تصمیم‌گیری در سال ۲۰۰۴ قرار دارد. موافقت‌های اولیه در دور دوحه در سال ۲۰۰۴ حاکی اقدامات عمده‌ای در جهت کاهش و حذف یارانه‌های کشاورزی در بین کشورهای متعاقد بوده است.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه کشاورزی

سیاست‌های حمایتی خاصی از جمله قیمت‌های تضمینی جهت خرید محصولات اساسی، حفظ و تثبیت حداقل قیمت‌ها، بالا بردن سطح درآمد کشاورزان از طریق اعطای یارانه‌های متعدد مبارزه با آفات و بیماری‌ها، وضع تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی بر محصولات کشاورزی و وارداتی و غیره در بخش کشاورزی از جمله موارد مهم قابل طرح در این بخش در ارتباط با ایران می‌باشد.

در ایران در زمینه مشوق‌های تولیدی کشاورزی قوانین و مقررات مختلفی به تصویب رسیده که بسیاری از آنان بطور مستقیم تولیدات بخش کشاورزی را حمایت می‌کنند و برخی دیگر بطور غیر مستقیم از طرق مختلف منجر به حمایت بخش کشاورزی می‌شوند. در بخش موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی به بسیاری از این مشوق‌ها که بالاخص از طریق حمایت محصولات صنعتی بر این بخش اثر خواهد گذاشت اشاره خواهیم کرد. این مشوق‌ها شامل مشوق‌های صادراتی، مشوق‌های منطقه‌ای، حمایت از تولیدات داخلی، مشوق‌های سرمایه‌گذاری، مشوق‌های مشارکتی، مشوق‌های زیربنایی (فراهم آوردن تسهیلات زیربنایی)، حمایت از اختراعات و ابداعات و سایر مشوق‌ها می‌باشند که اغلب آنها در بخش کشاورزی هم اثر مستقیم و هم غیرمستقیم دارند.

قیمت‌های تضمینی محصولات اساسی کشاورزی از حمایت‌های مطرح در این بخش است.

یارانه‌های کود و بسیاری از خدمات کشاورزی یارانه‌ای نیز در این بخش وجود دارند که همگام با

مصوبات گذشته و جاری سازمان تجارت جهانی در این بخش در فرآیند الحاق باید مدنظر قرار گیرند.

موافقتنامه اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی

هدف این موافقتنامه^۱ ایجاد شرایط لازم برای حمایت و حفاظت از بهداشت انسانها، حیوانات و نباتات است و در صدد اعمال قیودی است که اقدامات مزبور وسیله تبعیض دلخواه یا غیر قابل توجیه میان اعضا را فراهم نیاورد و یا محدودیت پنهان تجاری ایجاد نکند. این موافقتنامه شامل مجموعه‌ای از قواعد و اصولی است که به اعضاء اطمینان می‌دهد که اقدامات تجاری بهداشتی اتخاذ شده موجه بوده و در برگیرنده موانع غیرموجه برای تجارت بین‌المللی نیست.

این موافقتنامه کشورهای عضو را وادار به تبعیت از استانداردهای واحدی نمی‌کند، بلکه اجازه می‌دهد کشورها با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی خود استانداردهای مناسبی برای حفاظت از بهداشت و حیات انسان و حیوان و نبات بکار گیرند. اما در عین حال از این کشورها می‌خواهد نسبت به رعایت شفافیت و اطلاع‌رسانی مناسب به اعضاء در مورد استانداردها و مقررات فنی خود اقدام نمایند. علاوه بر این از کشورهای عضو درخواست شده برای استانداردهای خود مبنای علمی قابل دفاع در نظر بگیرند.

^۱ http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm

<http://www.irtr.ir/wto/multilateral/index.htm>

در واقع سؤال مورد نظر آن است که از کجا می‌توان مطمئن شد که غذاهایی که وارد یک کشور شده و به دست مصرف کنندگان می‌رسد از سلامت کافی برخوردار است و از کجا می‌توان مطمئن شد که محدود کردن واردات به بهانه سلامتی مواد غذایی و گیاهی به منظور حمایت از تولید کنندگان داخلی وضع نشده است. موافقتنامه سلامتی مواد غذایی، حیوانات، گیاهان و استانداردها (SPMA, SPS)^۱ قوانین مربوطه را روشن می‌سازد. این موافقتنامه به کشورها اجازه می‌دهد که استانداردهای خود را وضع نمایند اما در عین حال این استانداردها باید علمی باشند و تا حدی وضع شوند که برای سلامت انسان، حیوان و گیاه لازم هستند و نباید بین کشورها تبعیض قائل شوند. کشورهای عضو تشویق شده‌اند که از استانداردهای بین‌المللی استفاده کنند، با این وجود در صورتی که مایل باشند می‌توانند از اقداماتی که استانداردهای بالاتری را تأمین می‌کند استفاده کنند. ماده ۷-۵ از موافقتنامه SPS^۲ اقدامات موقتی احتیاطی^۳ را مجاز می‌داند. همچنین موافقتنامه به کشورها اجازه می‌دهد که از استانداردهای متفاوت و روش‌های مختلف برای بازرسی کالاها استفاده شود. پس چگونه یک کشور می‌تواند مطمئن شود که عملیاتی را که برای محصولاتش بکار می‌برد برای کشور واردکننده قابل قبول باشد؟ در صورتی که یک کشور صادرکننده بتواند نشان دهد که اقداماتی که بکار می‌برد برای صادرات دارای همان سطح و استاندارد قابل قبول سلامتی در کشور واردکننده باشد در این صورت انتظار می‌رود که کشور واردکننده استانداردهای کشور صادرکننده را بپذیرد. دولت‌ها باید هر گونه تغییر در مقررات سلامتی و بهداشتی را از قبل اعلام کنند.

^۱ - Sanitary and Phytosanitary Measures Agreement.

^۲ - Sanitary and phytosanitary Measures

^۳ - Precautionary measures

این موافقت‌نامه اعضا را ترغیب نموده تا از استانداردهای بین‌المللی و مقررات فنی هماهنگ استفاده کنند ولی آنها را مکلف به تبعیت از این استانداردها نمی‌نماید. توصیه به رعایت قواعد کمیسیون تنظیم مجموعه قوانین تغذیه (CODEX) و توصیه به مشارکت در دفتر بین‌المللی بیماریهای مسری حیوانی و کنوانسیون بین‌المللی حفظ نباتات از این جمله است.

در موافقت‌نامه تصریح شده که کشورها مادامی که توجیه و ادله منطقی برای این اقدامات و استانداردهای حمایتی داشته باشند نمی‌توان از آنها جلوگیری نمود. همچنین از کشورها خواسته شده که نه تنها از انطباق اقدامات منطقی خود در این زمینه‌ها با مفاد این موافقت‌نامه اطمینان حاصل کنند، بلکه اقدامات دستگاه‌های غیر دولتی نیز باید با این موافقت‌نامه سازگار باشد. در موافقت‌نامه موانع فنی تجارت کمیته‌ای برای تحقق اهداف موافقت‌نامه و نیز مشورت میان اعضا پیش‌بینی شده است. موافقت‌نامه، شامل فرآیندهای تولید نیز می‌شود و تعریف جدیدی از مقررات فنی نظیر روش‌های استاندارد پردازش و تولید و همچنین گسترش دامنه اقدامات زیست محیطی را ارائه می‌نماید.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه بهداشتی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان محیط زیست همراه با مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران به موجب قانون می‌توانند در این زمینه عمل نمایند. تعیین، تدوین و نشر استانداردهای ملی (رسمی) و نظارت بر اجرای آنها و همچنین انجام تحقیقات مربوطه از وظایف مؤسسه اخیر می‌باشد که در موارد بهداشتی و نباتی با دو سازمان دیگر مشترکاً مسئولیت تدوین مقررات و استانداردها را به عهده می‌گیرند. طبق قانون این مؤسسه می‌تواند استاندارد برخی از کالاها را (اعم از تولید داخلی، وارداتی و صادراتی) اجباری نماید. البته شرط ایمنی و بهداشت عمومی (طبق ماده ۴ قانون فوق) بویژه در اجباری کردن استاندارد کالاهای وارداتی حائز اهمیت است که از این نظر با موافقتنامه موانع فنی تجارت انطباق دارد. طبق تبصره ۲ ماده ۶ قانون فوق، کیفیت مواد و کالاهای وارداتی بر حسب ضرورت و اولویت و توجه به مسایل ایمنی و بهداشتی و اقتصادی باید با استانداردهای ملی ایران و یا استانداردهای کشورهای مبدا و یا استانداردهای معتبر و مورد قبول مؤسسه منطبق باشد.

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در حال حاضر صدور گواهی ورود اکثر کالاهای بهداشتی، آرایشی و دارویی را منوط به اثبات واردکننده مبنی بر مصرف کالای مورد نظر در کشورهای اروپایی کرده. این گواهی که به EU-Sale مشهور شده باعث می‌شود که بطور ضمنی استانداردهای اروپایی برای مصرف بسیاری از کالاهایی که در این بخش قرار می‌گیرند اعمال شود و هماهنگی خودکار با مقررات فنی-بهداشتی آنجا برقرار شود.

موافقتنامه منسوجات و پوشاک

منسوجات و پوشاک از جمله بخش‌های صنعتی است که برای تعدادی از کشورهای در حال توسعه اهمیت بسیاری دارد. هنگامی که کشورهای در حال توسعه و نیز ژاپن در اوائل دهه ۱۹۶۰ بتدریج وارد بازارهای جهانی محصولات پنبه‌ای شدند، آمریکا و متعاقب آن دیگر کشورهای توسعه یافته به منظور حمایت از صنایع داخلی خود درصدد برآمدند که ترتیبات معینی را بر تجارت جهانی این محصول حاکم کنند که به آنها اجازه می‌داد ضمن اعمال محدودیت‌های کمی بر واردات منسوجات و پوشاک از این کشورها، از انجام برخی تعهدات خود در قبال گات‌شانه خالی کنند.

از زمان عقد موافقتنامه بین‌المللی منسوجات پنبه‌ای در سال ۱۹۶۱ که بعدها در سال ۱۹۷۴ به موافقتنامه ناظر بر تجارت بین‌المللی منسوجات یا ترتیبات الیاف چندگانه تغییر نام یافت. تاکنون در چندین مرحله کالاها و کشورهای تحت پوشش این موافقتنامه افزایش پیدا کرده است. در ابتدا تنها منسوجات پنبه‌ای تحت پوشش موافقتنامه قرار داشت، بتدریج الیاف مصنوعی و پشمی نیز مشمول آن قرار گرفت و در سال ۱۹۸۶ به تمامی الیاف نباتی و ابریشمی هم تسری پیدا کرد. در حال حاضر تمامی الیاف (به جز چند استثناء) تحت پوشش ترتیبات الیاف چندگانه قرار دارند. این ترتیبات نه تنها فرصت‌های صادراتی کشورهای در حال توسعه را محدود می‌کند، بلکه بر رفاه مصرف‌کنندگان در ممالک توسعه یافته نیز اثر منفی دارد. مذاکرات قبلی گات برای توقف این تبعیض، به لحاظ فشار گروه‌های ذینفوذ حامی صنایع داخلی در ممالک توسعه یافته، قرین موفقیت نبود. طی مذاکرات کندی و توکیو، علیرغم فشارهای زیادی که ممالک در حال توسعه برای حذف یا کاهش موانع و

سهمیه‌های وارداتی بر ممالک توسعه یافته وارد آمد، با این حال مقاومت‌های سیاسی در آمریکا و جامعه اروپا به حدی بود که هرگونه اقدام در جهت کاهش حمایت‌ها به نفع کشورهای در حال توسعه را عقیم ساخت. از این رو متوقف کردن این رژیم تجاری تبعیض آمیز، هدف عمده بسیاری از کشورهای در حال توسعه در مذاکرات دور اروگوئه بود.

هدف این موافقتنامه^۱ آزادسازی تجاری بازار منسوجات و پوشاک می‌باشد. تا قبل از تدوین این موافقتنامه، بازار جهانی منسوجات و پوشاک عمدتاً تحت «ترتیبات الیاف چندگانه»^۲ اداره می‌شد که هدفش فرصت دادن به کشورهای توسعه یافته برای مقابله با تولیدات ارزان قیمت کشورهای در حال توسعه و رفع مشکلات داخلی این صنایع بود. این ترتیبات ابتدا به صورت کوتاه مدت و تنها با شمول محصولات نخی آغاز شد و دامنه شمول آن به انواع الیاف و محصولات و کشورهای وارد کننده توسعه یافته و صادرکننده در حال توسعه گسترش یافت. ترتیبات موافقتنامه الیاف چندگانه (MFA) به نفع کشورهای توسعه یافته تبعیض آمیز می‌باشد.

موافقتنامه منسوجات و پوشاک در حقیقت یک چارچوب حقوقی برای توقف ترتیبات الیاف چندگانه و ادغام تجارت جهانی منسوجات و پوشاک در گات طی یک دوره انتقالی ۱۰ ساله و تسری دادن همان اصول و قواعد حاکم بر تجارت سایر کالاها بر تجارت منسوجات و پوشاک است. طبق این موافقتنامه تمامی اعضاء سازمان جهانی تجارت موظفند محدودیت‌های موجود بر تجارت این محصولات را طی یک دوره ۱۰ ساله برطرف سازند. طبق موافقتنامه منسوجات و پوشاک،

^۱ Agreement of Textile and Clothing (ATC).

^۲ Multi Fibre Arrangement (MFA).

کالاهای مشمول محدودیت‌های الیاف چندگانه باید طی ۴ مرحله و بر حسب درصدهای ثابتی تحت اصول و قواعد گات قرار گیرند. در ماده ۶ موافقتنامه یک مکانیسم حفاظتی پیش‌بینی شده که طبق آن در صورتی که واردات منسوجات و پوشاک موجب خسارت جدی بر صنایع داخلی کشور وارد کننده گردد، می‌توان طی دوره انتقال، محدودیت‌های جدیدی بر واردات وضع نمود.

این موافقتنامه در چهار مرحله اقدام به رفع محدودیت سهمیه بندی و کاهش تعرفه در مورد اقلام مشمول می‌نماید تا نهایتاً بازار این محصولات طبق مقررات گات اداره گردد. براساس این موافقتنامه از اول ژانویه ۲۰۰۵، کلیه اقلام باید مشمول آزادسازی قرار گیرند.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه نساجی

چنانچه ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید چون از صادرکنندگان عمده منسوجات و پوشاک نیست و عضو موافقتنامه بین‌المللی منسوجات نبوده و طبعاً از سهمیه‌های وارداتی وضع شده در قالب ترتیبات الیاف چندگانه برخوردار نبوده است، لذا موافقتنامه منسوجات و پوشاک مستقیماً و در کوتاه مدت صنایع نساجی ایران را متاثر نمی‌گرداند. افزایش صادرات فرش بعنوان یک کالای نساجی در اثر حذف تدریجی تعرفه‌ها و سهمیه‌های ترجیحی در قالب سیستم عمومی ترجیحات (GSP) هم به بازارهای سنتی و همچنین به بازارهای جدید قابل پیش‌بینی می‌باشد. از طرف دیگر با لغو تدریجی سهمیه‌ها در اثر اجرای این موافقت‌نامه، قیمت جهانی منسوجات و پوشاک کاهش خواهد یافت و طبعاً موجب افزایش واردات این محصولات می‌گردد.

موافقتنامه موانع فنی فرا راه تجارت

مقررات فنی و استانداردهای صنعتی بسیار مهم هستند اما از کشوری به کشور دیگر متفاوت هستند. داشتن استانداردهای متفاوت تجارت و تولیدکنندگان را با مشکل مواجه می‌سازد. به علاوه چنانچه استانداردها به طور دلخواه وضع شوند می‌توانند به عنوان بهانه‌ای برای حمایت از صنایع داخلی وضع شده و مانعی برای توسعه تجارت باشند.

این موافقتنامه^۱ ضمن تقویت قوانین موجود استانداردها، الزام می‌نماید که موضوعاتی از قبیل مشخصات فنی، استانداردها، رویه‌های مربوط به ارزیابی، مطابقت و آزمایش نباید به شکل ناعادلانه‌ای منجر به ایجاد موانع بر سر راه تجارت گردند. به عبارت دیگر مقررات فنی نباید بیش از حدی که برای تحقق یک هدف مشروع ضرورت دارد، محدود کننده تجارت باشند به عبارت دیگر موافقتنامه موانع فنی تجارت^۲ سعی بر آن دارد که استانداردها و مقررات فنی منجر به ایجاد موانع غیر ضروری تجاری نشود. این موافقتنامه برای کشورها این حق را قائل می‌شود که استانداردهای مورد نظر خود را وضع تا منافع مصرف‌کنندگان را تأمین کنند. به علاوه اعضا از اتخاذ اقدامات لازم برای تأمین استانداردها منع نشده‌اند. اما برای آن که از تنوع بسیار زیاد مقررات فنی جلوگیری شود موافقتنامه کشورهای عضو را ترغیب می‌کند که از استانداردهای بین‌المللی استفاده کنند - در صورتی که این استانداردها مناسب هستند - اما آنها را ملزم به تغییر در میزان حمایت‌های داخلی نمی‌کنند. به

^۱ http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm

<http://www.irtr.ir/wto/multilateral/index.htm>

^۲ - Technical Barriers to Trade Agreement (TBT)

علاوه موافقتنامه اذعان می‌دارد که پروسه‌هایی که برای تعیین آنکه آیا یک کالا با استانداردهای داخلی تطابق دارد یا خیر باید عادلانه و قابل اعمال باشد و هر گونه پروسه‌ای را که به کالاهای داخلی مزیت غیرعادلانه بدهد نامطلوب می‌داند. همچنین موافقتنامه کشورها را تشویق می‌کند که پروسه تست و آزمون استاندارد در کشورهای دیگر را مورد ارزیابی قرار دهند. تولیدکنندگان و صادرکنندگان باید از آخرین استانداردهای موجود در بازار آگاه باشند و تمام کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی ملزم به تأسیس مراکزی بر آزمون استانداردهای کالاهای وارداتی هستند.

اثرات منفی رشد مقررات فنی و استانداردها در کشورها بر تجارت بین الملل از جهت تحمیل هزینه‌های رعایت این استانداردها باعث شد که در دور توکیو موافقتنامه چند طرفه موانع فنی تجارت امضاء گردید. این موافقتنامه نحوه چگونگی تهیه، تصویب و اجرای مقررات فنی، استانداردها و رویه‌های ارزیابی را مشخص می‌نمود. در دور اروگوئه این موافقتنامه جامع‌تر شده و به موافقتنامه فنی فرا راه تجارت تبدیل گردید.

طبق ماده ۲۰ موافقتنامه گات هر گونه اقدام ضروری برای حفظ حیات، سلامت انسان، حیوان و نبات و همچنین هر گونه ممنوعیت یا محدودیت وارداتی یا صادراتی که برای اجرای استانداردها یا مقررات طبقه بندی، درجه بندی یا بازاریابی کالاها در تجارت بین المللی ضرورت دارند مجاز دانسته شده است^۱. مشروط به آنکه این اقدامات برای تبعیض و یا اقدامات حمایتی مورد استفاده قرار نگیرد. به علاوه دو موافقتنامه سازمان تجارت جهانی در خصوص سلامتی غذا و گیاهان و

^۱ http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm
<http://www.irtr.ir/wto/multilateral/index.htm>

حیوانات و استانداردهای محصولات طراحی شده است.^۱

سازمان تجارت جهانی اعضا را ملزم به داشتن استاندارد کالا نمی‌کند و همچنین این سازمان در تدوین یا نوشتن استانداردها نیز دخالتی ندارد بلکه این موافقتنامه درصدد است که مقررات فنی اجباری، استانداردهای سلیقه‌ای و آزمایش و صدور گواهی محصولات، باعث ایجاد موانع غیرضروری در تجارت نشوند. اصول اساسی این موافقتنامه به شرح زیر است:

۱. یکسان‌سازی مقررات و رویه‌ها

۲. رعایت اصل عدم تبعیض و رفتار ملی

۳. هماهنگ‌سازی مقررات فنی، استانداردها و رویه‌های ارزیابی مطابقت

۴. تأییدیه متقابل

۵. اجتناب از ایجاد موانع غیرضروری فرا راه تجارت

۶. شفافیت

۷. مقررات ناظر بر حسن انجام کار

^۱ - <http://www.wto.org/english/thewto-e/whatis-e/tif-e/agrm4-e.htm>
Understanding the WTO: the agreements standards and safety, WTO Switzerland

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه موانع فنی تجارت

مرجع رسمی و قانونی استاندارد در ایران، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی است که به موجب قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد مصوب ۱۳۷۴/۱۱/۲۵ و بر اساس مفاد این قانون انجام وظیفه می‌کند. تعیین، تدوین و نشر استانداردهای ملی (رسمی) و نظارت بر اجرای آنها و همچنین انجام تحقیقات مربوطه از وظایف این مؤسسه می‌باشد. طبق قانون این مؤسسه می‌تواند استاندارد برخی از کالاها را (اعم از تولید داخلی، وارداتی و صادراتی) اجباری نماید. البته شرط ایمنی و بهداشت عمومی (طبق ماده ۴ قانون فوق) بویژه در اجباری کردن استاندارد کالاهای وارداتی حائز اهمیت است که از این نظر با موافقتنامه موانع فنی تجارت انطباق دارد. طبق تبصره ۲ ماده ۶ قانون فوق، کیفیت مواد و کالاهای وارداتی بر حسب ضرورت و اولویت و توجه به مسایل ایمنی و بهداشتی و اقتصادی باید با استانداردهای ملی ایران و یا استانداردهای کشورهای مبدا و یا استانداردهای معتبر و مورد قبول مؤسسه منطبق باشد. همچنین در تبصره ۲ ماده ۹ آمده است که: رعایت کلیه مقررات استانداردهای اجباری در مورد کالاهای وارداتی الزامی خواهد بود. استانداردها، مقررات فنی، رویه‌های ارزیابی و غیره که در قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد آمده، در رابطه با موانع فنی تجارت، تنها در مواردی که با جریان تجارت و بویژه واردات ارتباط دارد حائز اهمیت می‌باشد. چنانچه توجیه منطقی برای اعمال استانداردهای اجباری ارائه گردد، طبق مفاد موافقتنامه مورد نظر، در صورت عضویت در سازمان جهانی تجارت نمی‌توان ایران را از اعمال و رعایت این استانداردها بازداشت. نکته دیگر در مورد انطباق با مفاد موافقتنامه موانع فنی تجارت، این است که ایران باید هر

چه بیشتر استانداردها و مقررات فنی خود را با مؤسسات بین‌المللی استاندارد هماهنگ سازد. ضمن

اینکه ایران عضو سازمان بین‌المللی استاندارد (ISO) نیز می‌باشد.

موافقتنامه ضوابط سرمایه گذاری تجاری

دولت‌ها به منظور جذب سرمایه گذاری‌های مستقیم خارجی، ضمن انجام اقداماتی نظیر اعطاء مشوق‌های مالی، تخفیفات و بخشودگی‌های مالیاتی، تامین خدمات ترجیحی و غیره، مجموعه‌ای از الزامات و شرایط را در جهت ترغیب این نوع سرمایه گذاری مقرر می‌دارند. این الزامات در برگیرنده ضوابطی نظیر ضابطه محتوی داخلی، ضابطه الزام ساخت، ضابطه عملکرد صادرات، انتقال تکنولوژی و غیره است که مجموعاً شرایط ورود سرمایه خارجی به کشور میزبان را تشکیل می‌دهند. چنانچه این اقدامات سرمایه گذاری به تجارت کالاها مربوط شوند، اقدامات سرمایه گذاری مرتبط با تجارت نامیده می‌شوند. در خلال سال‌های اولیه مذاکرات دور اروگوئه، برخی از کشورهای پیشرفته تلاش کردند تا ضمن کسب توافق بین‌المللی در خصوص رعایت اصول حق تاسیس و رفتار ملی نسبت به شرکت‌های فراملیتی، این اصول را به نظام تجاری چندجانبه مرتبط سازند که بدنال مقاومت گروهی از کشورهای در حال توسعه، نهایتاً به چگونگی انطباق مقررات گات با اقداماتی که سرمایه گذاری را با تجارت کالایی مرتبط می‌سازد متمرکز گردید. در واقع شرکت‌های بزرگ چندملیتی برای سالها سعی کرده‌اند به هر کشوری که می‌خواهند وارد شده، کارخانه یا فعالیت‌های تولیدی و معدنی آغاز کنند و تقاضا کنند که با آنها نظیر بنگاه‌های داخلی رفتار شود و هیچ‌گونه مقررات محدودکننده‌ای بر آنها در خصوص اینکه از کجا داده‌های خود را تهیه کنند و یا نیروی کار را از کجا استخدام نمایند وجود نداشته باشد.^۱

^۱ - <http://www.peaceandjustice.org/issues/econojustice/gl.wto3.html>

این موافقتنامه شامل اقداماتی است که تجارت کالاها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با دقت بر این موضوع که برخی اقدامات محدودکننده مخل تجارت هستند و کشورهای عضو نباید اقدام تبعیض آمیزی را برای خارجیان و یا محصولات خارجی بکار گیرند اقدامات سرمایه‌گذاری را که منجر به محدود کردن مقادیر کمی می‌شود نیز غیرقانونی می‌دانند. این موافقتنامه، تعهدات جدیدی را برای کشورها مقرر نمی‌دارد، بلکه اقدامات سرمایه‌گذاری که با تعهدات کشورها در زمینه رعایت رفتار ملی در مورد وضع مالیات و مقررات داخلی و حذف محدودیت‌های کمی مغایرت دارد را ممنوع می‌سازد. شروط و ضوابط سرمایه‌گذاری که با اصول گات مغایرتند، عبارتند از:

الف - الزام سرمایه‌گذار خارجی در استفاده میزان معینی از نهاده‌های تولید خود از منابع داخلی کشور میزبان.

ب - الزام سرمایه‌گذار خارجی به محدودیت محصولات وارداتی یا صادرات تولید نهایی.

ج - الزام بر صدور میزان معینی از تولید.

د - الزام سرمایه‌گذار به استفاده بخشی از درآمد صادراتی خود برای پرداخت هزینه واردات.

ه - الزام سرمایه‌گذار خارجی مبنی بر فروش نسبت معینی از تولید در بازار داخلی.

استثنائاتی که اعمال آنها در چارچوب مقررات گات مجاز شناخته شده‌اند (نظیر اخلاق

عمومی، امنیت ملی، حفظ محیط زیست و غیره) در موافقتنامه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با

تجارت نیز قابل استناد می‌باشند. بطور مثال کشورهای در حال توسعه با توجه به مشکلات تراز

پرداخت‌ها به استناد ماده ۱۸ گات ۱۹۴۷ می‌توانند موقتاً اجرای برخی از مفاد موافقتنامه سرمایه‌گذاری را به حالت تعلیق درآورند. بطور کلی هرگونه معذوریت و محدودیتی که در اجرای مفاد اصول و مقررات گات با آنها مواجه بوده‌اند، در صورت ارائه ادله منطقی، قابل اعمال در مورد این موافقتنامه نیز خواهد بود و این موافقتنامه ضمن اینکه تعهد جدیدی را برای کشورهای مقرر نمی‌دارد، ناقض آزادی عمل و حاکمیت اعضاء در اعمال محدودیت‌های خاص (با توجه به مشکلات داخلی) بر جریان ورود سرمایه‌گذاری خارجی نیز نمی‌باشد.

هدف این موافقتنامه^۱، گسترش آزادسازی تجاری، تسهیل سرمایه‌گذاری همراه با تضمین رقابت است. در این موافقتنامه بکارگیری آن دسته از ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری که با مقررات مواد ۳ (اصل رفتار ملی) و ۱۱ (اصل حذف کلی محدودیتهای مقداری) گات ۱۹۹۴ مغایرت دارند، ممنوع اعلام شده است.^۲ دو دسته الزامات محتوی داخلی و تراز تجاری و نیز ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری شامل الزامات تراز تجاری (به عنوان یک محدودیت مرزی)، الزامات تراز ارزی و الزامات فروش داخلی مغایر با اصول فوق تشخیص داده شده‌اند. این موافقتنامه کشورهای عضو را ملزم می‌سازد که هیچ‌گونه اقدامی را که ناسازگار با ماده ۳ قانون گات (برخورد ملی^۳) و ماده ۱۱ حذف عمومی محدودیت‌های کمی (سهمیها) باشد، وضع نمایند. شروط سرمایه‌گذاری که با موافقتنامه گات مغایرت دارند عبارتند از:

^۱ - Trade-Related Investment Measures (TRIMs) Agreement.

^۲ http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm

<http://www.irtr.ir/wto/multilateral/index.htm>

^۳ - National Treatment

- ۱- ضابطه یا شرط محتوای داخلی (مغایر با تعهد رفتار ملی) که براساس آن یک شرکت خارجی متعهد می‌شود میزان معینی از داده‌های مورد استفاده در تولید نهایی خود را از منابع داخلی تهیه نماید.
- ۲- تعهد شرکت سرمایه‌گذاری خارجی مبنی بر اینکه محصولات وارداتی باید به میزانی از حجم یا ارزش صادرات تولید نهایی محدود گردد، که موسوم است به ضابطه متوازن کننده تجارت و با تعهد رفتار ملی اعضای گات مغایرت دارد.
- ۳- الزام مبنی بر اینکه حجم یا ارزش معینی از تولید باید صادر گردد. موسوم به ضابطه عملکرد صادرات که با ماده ۱۱ گات (حذف کلی محدودیت‌های کمی) مغایرت دارد.
- ۴- در چارچوب محدودیت‌های ارزی الزامی که طبق آن سرمایه‌گذار متعهد می‌گردد بخشی از درآمدهای صادراتی را برای پرداخت هزینه‌های واردات استفاده نماید. با ماده ۱۱ گات مغایرت دارد.
- ۵- تعهدی که طبق آن سرمایه‌گذار (شرکت خارجی) باید لیست معینی از تولید را در بازار داخلی به فروش برساند. با ماده ۱۱ گات مغایرت دارد.
- ۶- تعهدی که طبق آن سرمایه‌گذار (شرکت خارجی) باید بخش معینی از تولید را از بازار داخلی ابتیاع نماید. با ماده ۱۱ گات مغایرت دارد.
- ۷- خرید سرمایه‌گذار خارجی از کالای وارداتی محدود به ارزش یا میزان تولید محصولات داخلی باشد که صادر می‌شود.

۸- واردات سرمایه گذار خارجی از محصولات وارداتی منوط به تولید داخلی به لحاظ میزان تولید، ارزش و یا صادرات آن بنگاه شود.

۹- دسترسی بنگاههای تولیدی سرمایه گذار خارجی به منابع ارزی برای واردات محدود به دسترسی به منابع ارزی حاصل از صادرات محصولات آن بنگاه شود.

۱۰- میزان صادرات و یا فروش برای صادرات سرمایه گذار خارجی محدود به میزان تولید یا ارزش تولید داخلی آن بنگاه باشد.

در واقع یک لیست از اقدامات سرمایه گذاری که در تضاد با موافقتنامه‌های گات هست به موافقتنامه منضم می‌باشد. این لیست شامل اقداماتی است که مستلزم وجود سطوح خاصی از خریدهای داخلی است. این موافقتنامه اقداماتی که واردات یک شرکت را محدود می‌کند و یا محدودیت‌هایی را برای صادرات وضع می‌کند محدود می‌سازد.

استثنائهایی که اعمال آنها در چهارچوب مقررات گات مجاز شناخته شده‌اند نظیر اخلاق عمومی، امنیت ملی، حفظ محیط زیست و غیره در موافقتنامه اقدامات سرمایه گذاری مرتبط با تجارت نیز قابل استناد می‌باشند. به طور مثال کشورهای در حال توسعه با توجه مشکلات ترازپرداخت‌ها به استناد ماده ۱۸ گات می‌توانند موقتاً اجرای برخی از مفاد موافقتنامه سرمایه گذاری را به تعلیق درآورند. به طور کلی هرگونه محدودیتی که در اجرای مقررات گات با آن مواجه بوده‌اند در صورت ارائه ادله منطقی قابل اعمال در مورد این موافقتنامه نیز قابل استفاده خواهد بود.

برخی معتقدند که چنین محدودیت‌هایی و ملزومات آن غیرمعقول بوده و این نگرانی وجود دارد که این موافقتنامه می‌تواند منافع کشورهای در حال توسعه را از سرمایه‌گذاری‌های خارجی محدود کند.

تحت این موافقتنامه کشورهای عضو باید سایر اعضا را از اقدامات سرمایه‌گذاری خود که با این موافقتنامه در تضاد است مطلع سازند. به کشورهای عضو، بنا به سطح توسعه آنها، دوره انتقالی برای حذف این ضوابط داده شده است و دوره انتقال قابل تمدید است. شورای کالاها موافقت کرده که این دوره انتقال برای برخی کشورهای در حال توسعه افزایش یابد. موافقتنامه کمیته‌ای را برای بازرسی و بکارگیری اقدامات سرمایه‌گذاری تأسیس کرده است. به علاوه اعضا باید بررسی کنند که آیا باید مقرراتی برای سیاست‌های سرمایه‌گذاری و رقابتی وضع شود. این موضوع در دستور کار کمیته توسعه مذاکرات دور Doha قرار گرفته است. همچنین در موافقتنامه پیش‌بینی شده است که کشورهای عضو طی دوره انتقال می‌توانند اقدامات محدودکننده سرمایه‌گذاری را در قبال سرمایه‌گذاری جدید وضع نمایند که در واقع نوعی حمایت از سرمایه‌گذاران موجود به حساب می‌آید.

کمیته ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری بر عملکرد و اجرای موافقتنامه نظارت دارد و مسئولیتهایی که شورای تجارت کالا به آن محول می‌کند را انجام می‌دهد. از سال ۲۰۰۰ شورای تجارت کالا عملکرد موافقتنامه ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری را بررسی می‌کند تا در صورت لزوم این موافقتنامه با مقرراتی در خصوص سیاست سرمایه‌گذاری و رقابتی اصلاح و تکمیل شود.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه سرمایه‌گذاری

قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایران در حال حاضر تعیین‌کننده ضوابط سرمایه‌گذاری خارجی است. در مقایسه موافقتنامه سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت با قانون سرمایه‌گذاری خارجی ایران، باید متذکر شد که این موافقتنامه اصول و ضوابطی را برای چگونگی سرمایه‌گذاری خارجی مقرر نمی‌دارد، بلکه در آن تصریح شده در فرآیند سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت، ضوابطی مغایر با مواد ۳ و ۱۱ گات ۱۹۴۷ در رابطه با رعایت اصل رفتار ملی در مورد وضع مالیات و مقررات داخلی و نیز حذف کلی محدودیت‌های مقداری منظور نگردد و لذا در موافقتنامه از کشورها پذیرش تعهد جدیدی درخواست نشده است. قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایران اساساً متعرض چنین ضوابط و شروطی نگردیده است که بتوان آن را مغایر با موافقتنامه مزبور دانست. اما باید در صورت عضویت ایران و یا عقد قراردادهای سرمایه‌گذاری دو جانبه ملاحظات قوانین جدید سرمایه‌گذاری کشور با عنایت به ضوابط موافقتنامه مزبور مد نظر قرار گیرد.

موافقتنامه رویه‌های ضد دامپینگ

برخی اوقات صادرکنندگان محصولات خود را زیر قیمت بازار به فروش می‌رسانند. این عمل اصطلاحاً دامپینگ یا قیمت شکنی نامیده می‌شود بعنوان رویه تجاری غیرمنصفانه‌ای که باعث اختلال در رقابت می‌شود، در تجارت بین‌الملل مطرح می‌گردد. براساس این موافقتنامه محصولی زیر قیمت (دامپینگ شده) محسوب می‌شود که قیمت صادراتی آن کمتر از قیمت اخذ شده برای همان نوع محصول در کشور صادرکننده باشد. این موافقتنامه، قیمت شکنی را فی‌نفسه محکوم نمی‌کند و عوارض ضد قیمت شکنی نمی‌تواند صرفاً به این دلیل که محصولی زیر قیمت است، وضع شود. لیکن مقرر می‌دارد که چنانچه پس از تحقیقی که به درخواست صنعت داخلی کشور واردکننده آغاز شده، احراز شود قیمت شکنی صورت گرفته است و واردات کالای مربوطه زیر قیمت بازار موجب وارد آمدن یا خطر وارد آمدن صدمه قابل توجهی به صنعت داخلی تولیدکننده محصول مشابه و یا تاخیر مهم در ایجاد آن صنعت شده است و میان واردات زیر قیمت و لطمه وارده رابطه علی وجود دارد، آنگاه این عوارض می‌تواند وضع شود. مشکل باید برای آن دسته از تولیدکنندگانی بوجود آمده باشد که مجموع تولید محصول آنها سهم عمده‌ای از کل تولید داخلی صنعت را تشکیل می‌دهد. حقوق و عوارض ضد قیمت شکنی تنها تا زمان و میزانی که برای مقابله با قیمت شکنی که موجب ایراد صدمه شده است قابل وضع است.

به عبارت دیگر استثنای لازم الاجرا بودن تعرفه‌ها برای تمامی کشورهای عضو عبارتند از:

- اتخاذ اقدامات ضد دامپینگ (فروش یک کالا در قیمت بسیار پایین)
- سوبسیدها و عوارض گمرکی جبرانی برای خنثی سازی سوبسیدها در سایر کشورها
- اقدامات اضطراری برای کاهش واردات به طور موقتی برای حمایت از صنایع داخلی.^۱

چنانچه شرکتی کالایی را به قیمت پایین تر از قیمتی که معمولاً اجناس خود را می فروشد به یک بازار خارجی صادر کند می گویند که آن کالا را دامپ نموده است. بسیاری از دولت ها از اقدامات ضد دامپینگ استفاده می کنند تا از صنایع داخلی خود حمایت کنند. سازمان تجارت جهانی شرایط خاصی را برای اجرای اقدامات ضد دامپینگ بیان نموده است. به عنوان مثال این سازمان زمانی اعضاء را مجاز به اعمال چنین اقداماتی (ضد دامپینگ) می داند که باعث ایجاد صدمه جدی به صنعت رقیب داخلی شود. برای اجرای عملیات ضد دامپینگ دولت ها باید مجاز باشند که تفاوت قیمت صادراتی را با قیمت داخلی کشور صادر کننده محاسبه کنند و نشان بدهند که این اقدام باعث زیان و صدمه صنعت داخلی شده است.

ماده ۶ موافقتنامه گات کشورها را مجاز به اتخاذ عملیات ضد دامپینگ می نماید یعنی کشورها اصول مربوط به تعرفه های محدود کننده را بشکنند. در واقع آنتی دامپینگ به معنای اعمال تعرفه های گمرکی بالاتر بر یک محصول خاص از یک کشور صادر کننده خاص است و به این منظور اعمال می شود که قیمت آن را به قیمت متداول (قیمت واقعی که در بازار داخلی آن کشور

^۱ -<http://www.wto.org/english/thewto-e/whatis-e/tif-e/agrm8-e.htm>

Understanding the WTO: the agreements: antidumping, subsidies, safeguards: contingencies, etc, WTO, Switzerland.

اعمال می‌شود) نزدیک کند و صدمه وارده به صنعت کشور واردکننده را جبران کند. زمانی که قیمت در داخل کشور صادرکننده قابل محاسبه نباشد از قیمتی که به سایر کشورها صادر شده است استفاده می‌شود و یا قیمت از حاصل جمع هزینه‌های تولید صادرکننده و سود نرمال محاسبه می‌شود. اما محاسبه تفاوت قیمت به تنهایی کافی نیست. اقدامات ضد دامپینگ زمانی قابل اجراء است که بتوان نشان داد که دامپینگ به صنعت داخلی در کشور واردکننده صدمه و زیان جدی وارد کرده است. بنابر این موضوع باید مورد رسیدگی قرار گیرد. این رسیدگی باید تمامی عوامل مرتبط اقتصادی را که در ارتباط با صنعت مورد نظر است مورد ارزیابی قرار دهد. اگر نتایج رسیدگی نشان داد که صنعت داخلی دچار زیان شده است شرکت صادرکننده می‌تواند نسبت به افزایش قیمت خود به یک سطح توافق شده بین طرفین اقدام کند تا از اقدامات ضد دامپینگ جلوگیری شود. اقدامات ضد دامپینگ باید حداکثر پس از ۵ سال از زمان اجراء فسخ شود مگر آنکه نشان دهند که حذف آن منجر به زیان صنعت داخلی خواهد شد.

اقدامات ضد دامپینگ در مواردی که حاشیه دامپینگ کوچک است (کمتر از ۲٪ تفاوت قیمت صادراتی با قیمت داخلی) باید به سرعت خاتمه یابد، البته شرایط دیگری نیز باید مهیا باشد. به عنوان مثال این اقدامات باید خاتمه یابد اگر میزان واردات دامپ شده قابل اغماض باشد، به عنوان مثال حجم صادرات از یک کشوری کمتر از ۳٪ کل واردات آن محصول باشد. اما این اقدامات چنانچه هر یک از کشورهای صادرکننده کمتر از ۳٪ کل واردات را داشته باشند ولی در مجموع ۷٪ کل واردات را به خود اختصاص دهند قابل ادامه خواهد بود.

موافقتنامه الزام می‌نماید که تمامی کشورهای عضو باید کمیته اقدامات ضد دامپینگ را از تمامی اقدامات اعم از مقدماتی و نهایی به سرعت مطلع سازند و در سال دو بار گزارش بدهند. زمانی که تفاوت در نتایج ایجاد می‌شود کشورها می‌توانند از پروسه حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی استفاده کنند.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه ضد دامپینگ

اقدامات ضد دامپینگ از جمله مواردی است که نه تنها پس از الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی فعال می‌شود بلکه در حال حاضر نیز نسبت به برخی از کالاهای ایرانی نیز اعمال می‌گردد. برای مثال اقدامات ضد دامپینگ اروپا در مقابل فولاد صادراتی ایران به آلمان در سالهای اخیر از جمله این موارد است.

ایران بایست از همین الآن شرایط لازم برای مقابله حقوقی و فنی با اقدامات ضد دامپینگ و همچنین ارزیابی فنی و حقوقی با اقدامات دامپینگ خارجی را مهیا سازد. گرچه این اقدامات در حال حاضر از ضرورت کمی برخوردار است ولی در آینده و هنگام الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی از اهمیت بسزائی برخوردار خواهد شد.

موافقتنامه سوبسیدها و اقدامات جبرانی

در طول تاریخ گات، یارانه‌ها یکی از دلایل عمده تنش‌ها و اختلافات تجاری میان کشورها بوده که این امر عمدتاً بخاطر فقدان یک توافق بین‌المللی در خصوص نقش مناسب دولت‌ها در حمایت از سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت بوده است. طبق ماده ۱۶ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) استفاده از یارانه‌های صادراتی محدود شده است و در مقابل تعدادی از کشورها به استناد ماده ۶ گات، و به منظور جلوگیری از وارد آمدن خسارات مادی به صنایع داخلی خود (از ناحیه صادرات یارانه شده)، نسبت به وضع عوارض جبرانی اقدام نموده‌اند. کشورهای توسعه یافته در قالب توافقات حاصله در چارچوب مذاکرات دور توکیو، موسوم به مقررات یارانه‌ها و عوارض جبرانی، ضمن پذیرش عدم اعطای یارانه‌های صادراتی به محصولات غیر اولیه^۱، در خصوص فهرست یارانه‌های صادراتی ممنوع توافق کرده بودند. مذاکرات دور توکیو منتج به شکل‌گیری «قانون یارانه‌ها» گردید. در این قانون مواد ۶ و ۱۶ گات تعبیر مجدد شده، راههای وضع عوارض جبرانی به طور کاملتری تعریف گشتند. معذالک توافقات یارانه‌ای به دو دلیل نواقص مقرراتی و پای بند نبودن کشورها به اصول آن عملاً منجر به حل اختلافات یارانه‌ای کشورها نگردید.

اما موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی که در مذاکرات دور اروگوئه منعقد گردید، به میزان قابل توجهی با آنچه که در دور توکیو مورد توافق برخی از کشورهای عضو قرار گرفت تفاوت دارد. این موافقتنامه همچون تمامی موافقتنامه‌های تجاری چندجانبه، کلیه اعضاء سازمان

¹ - Non-Primary Products

جهانی تجارت را در بر می گیرد. در این موافقتنامه یارانه یک کمک مالی تعریف می شود که توسط دولت یا هر رکن دولتی به شرکت ها یا صنایع معینی اعطا می شود. این کمک مالی شامل پرداخت مستقیم وجوه، انتقالات مستقیم (نظیر ضمانت های وام)، مشوق های مالی، اعتبارات مالیاتی، کالاها و خدمات دولتی (باستثنای خدمات زیربنایی) یا هر نوع حمایت قیمتی و درآمدی می باشد. محورهای عمده موافقتنامه اخیر عبارتند از:

۱. تعریف یارانه: برابر تعریف کلی، یارانه کمکی مالی از طرف دولت است که منجر به انتقال نفع به گیرنده آن می گردد.
۲. دسته بندی یارانه ها: موافقتنامه، یارانه ها را با هدف قانون مند سازی رفتار مقابله جویانه به سه دسته کلی تقسیم می نماید:

الف- یارانه های ممنوع که شامل یارانه های صادراتی و یارانه هایی می شوند که استفاده از کالاهای داخلی را در مقابل واردات با صرفه تر می سازد.

ب- یارانه های قابل تعقیب (Actionable)، یارانه هایی که باعث وارد آمدن خسارت به صنایع داخلی اعضاء دیگر شوند یا مزایا و امتیازات اعطایی را خنثی و بلا اثر گردانند و یا منجر به تبعیض جدی در منافع تجاری سایر اعضاء گردند.

ج- یارانه های غیر قابل تعقیب (مجاز) - یارانه های ویژه تحقیقات صنعتی - کمک به فعالیت های تحقیقاتی که توسط موسسات آموزشی یا تحقیقاتی بر اساس قرارداد با

بنگاه‌ها انجام می‌شود مشروط بر اینکه کمک مورد نظر بیش از ۷۵ درصد هزینه تحقیق صنعتی یا ۵۰ درصد هزینه فعالیت توسعه صنعت پیش از رقابت را شامل نشود. تشخیص چنین یارانه‌هایی مشمول شرایط و آزمون‌های دقیقی می‌باشند. یارانه‌هایی که به بنگاهی خاص، منطقه‌ای خاص و یا صنعتی خاص چه در قانون و چه در عمل تعلق نمی‌گیرد نیز در این بند قرار می‌گیرند.

۳. موافقتنامه از سه نوع صدمه که سوبسیدها ممکن است ایجاد کنند نام برده است:

الف- سوبسید صادراتی یک کشور ممکن است به صنعت داخلی کشور وارد کننده را بواسطه قیمت‌های پائینتر آسیب برسانند.

ب- ممکن است به رقبای صادر کننده کشورهای دیگر آسیب برساند- زمانی که هر دو کالای خود را به یک کشور صادر می‌کنند.

ج- سوبسیدهای داخلی در یک کشور ممکن است صادرکنندگان به بازار کشوری که در مورد کالاهای داخلی از سوبسید استفاده کرده است را تحت تأثیر قرار داده و بدان آسیب برساند.

۴. راههای جبران خسارت: دو راه کلی برای جبران خسارات ناشی از یارانه طرفهای تجاری در موافقتنامه پیش‌بینی شده است.

الف- روش چند جانبه یا روش بین‌المللی: در این روش کشور متضرر شکایت خود همراه با مدارک و دلایلی که نشانگر وارد آمدن تأثیر سوء بر منافع اوست را پس از انجام مشورت‌های لازم با طرف پرداخت‌کننده یارانه، به رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی جهت بررسی و صدور حکم ارجاع می‌دهد.

ب- روش یک جانبه یا روش داخلی: کشوری که پس از بررسی‌های لازم تشخیص می‌دهد منافعش در نتیجه یارانه کشور دیگری دچار لطمه شده است، می‌تواند رأساً علیه کالای منتفع از یارانه اقدام جبرانی نماید.

۵. رویه‌ها و تشکیلات: بخش عمده‌ای از موافقتنامه، اختصاص به رویه‌های اداری اقامه دعوی، راه‌های اثبات و ارائه ادله و همچنین ساختار ناظر بر موضوعات مرتبط با موافقتنامه دارد.

این موافقتنامه استفاده از سوبسیدها را تحت اصولی مشخص تنظیم می‌کند و اقداماتی را که کشورها می‌توانند برای خنثی‌سازی اثرات این سوبسیدها اعمال کنند روشن می‌سازد. این موافقتنامه اذعان می‌دارد که یک کشور می‌تواند از پروسه حل اختلافات و مشاجرات^۱ استفاده کند تا درخواست حذف سوبسید و یا آثار جبرانی آن را بنماید و یا کشورها می‌توانند شخصاً رسیدگی کرده و نهایتاً عوارض گمرکی اضافی و یا جبرانی را بر واردات سوبسیدی که به فعالیت‌های داخلی صدمه می‌رساند اعمال کنند. این موافقتنامه فقط برای سوبسیدهای خاص اعم از داخلی و یا صادراتی

^۱ - Dispute Settlement Procedure

قابل اعمال است.

این موافقتنامه برای کالاهای کشاورزی و محصولات صنعتی قابل اعمال است مگر در شرایطی که سوبسیدها تحت مقررات ماده صلح^۱ از موافقتنامه کشاورزی مستثنی شده است.

سوبسیدهای ممنوع شده عبارتند از سوبسیدهایی است که اهداف صادراتی مشخص را دنبال می‌کنند و یا تولید کنندگان را ملزم به استفاده از کالاهای داخلی به جای کالاهای وارداتی می‌کنند. این نوع سوبسیدها قدغن شده‌اند چرا که تجارت بین‌المللی را مختل می‌کنند و احتمالاً تجارت سایر کشورها را دچار زیان می‌سازند. با این وجود ممکن است در پروسه حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی مورد رسیدگی قرار گیرند. اگر کمیته حل اختلاف تشخیص دهد که سوبسید مورد نظر ممنوع می‌باشد باید سریعاً حذف شود در غیر این صورت طرف تجاری نیز می‌تواند از اقدامات جبرانی استفاده کند. چنانچه محصولات داخلی از چنین سوبسیدهایی آسیب بینند می‌توانند از وضع عوارض جبرانی استفاده کنند. در سوبسیدهای قابل اعمال کشور شاکی باید نشان دهد که وضع سوبسید صادراتی اثرات منفی بر منافع کشور وارد کننده دارد والا سوبسیدها قابل اعمال می‌باشند.

چنانچه هیأت حل اختلاف نتیجه‌گیری کند که سوبسید دارای آثار زیانبار است باید فوراً حذف شود. به علاوه در صورتی که تولید کنندگان داخلی از واردات محصولات سوبسیدی صدمه بینند می‌توانند از عوارض جبرانی استفاده کنند. البته وضع چنین عوارضی زمانی امکان‌پذیر است که

^۱ - Peace clause

کشور واردکننده رسیدگی کاملی را به این موضوع (نظیر مورد آنتی دامپینگ) اعمال کرده باشد. البته در صورت توافق طرف‌های تجاری کشور صادرکننده ممکن است قیمت‌های صادراتی خود را افزایش دهد تا اینکه از اقدامات و عوارض جبرانی توسط کشور واردکننده استفاده شود.

براساس ماده ۲ موافقتنامه یارانه‌ها توسل به اقدامات جبرانی در مقابل یارانه‌ها تنها زمانی مجاز است که یارانه به یک شرکت و یا صنعت و یا گروهی از شرکت‌ها و صنایع بطور خاص اعطاء شده باشد. یارانه‌هایی که بطور خاص اعطاء نشده‌اند یعنی دسترسی به آنها برای همه شرکت‌ها و صنایع مقدور باشد در زمره یارانه‌های ممنوع و قابل تعقیب قرار نمی‌گیرند، مگر اینکه ثابت شود این یارانه‌ها عملاً جنبه خاص دارند. همچنین یارانه‌هایی که کمتر از یک درصد ارزش کالا باشد (در مورد کشورهای در حال توسعه ۲ درصد) مشمول عوارض جبرانی نیستند.

در موافقتنامه یارانه‌ها، تحقیق صنعتی به معنای جستجوی برنامه ریزی شده یا تحقیقی مهم به منظور کشف دانش جدید با این هدف است که چنین دانشی بتواند در توسعه محصولات، فرآیند یا خدمات جدید مفید باشد. همچنین اصطلاح فعالیت توسعه‌ای پیش از رقابت به معنای تبدیل یافته‌های تحقیق صنعتی به برنامه، نقشه یا طرحی برای محصولات، فرآیندها یا خدمات به صورت جدید یا همراه با تغییر یا بهبود است اعم از اینکه هدف، فروش یا استفاده از آنها باشد یا نباشد. یارانه‌های اعطایی به مناطق محروم یک کشور و یارانه‌های اعطایی جهت نوسازی تسهیلات موجود زیست محیطی نیز در زمره یارانه‌های مجاز می‌باشند.

سوبسیدها نقش حائز اهمیتی را در کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال انتقال ایفا می‌کنند. در قسمت هشتم موافقتنامه، به موضوع رفتار خاص و ویژه با کشورهای در حال توسعه پرداخته می‌شود. کشورهای با حداقل توسعه و کشورهای در حال توسعه با درآمد سرانه زیر هزار دلار، از مقررات سوبسیدهای صادراتی مستثنی هستند. سایر کشورهای در حال توسعه تا پایان ۲۰۰۳ مجاز شدند نسبت به حذف سوبسیدهای صادراتی مبادرت کنند. کشورهای با حداقل توسعه باید سوبسیدهای جایگزین واردات خود را که برای حمایت از تولیدات داخلی و کاهش واردات طراحی شده است را تا پایان ۲۰۰۳ حذف کنند. این زمان برای کشورهای در حال توسعه سال ۲۰۰۰ بوده است. کشورهای در حال توسعه می‌توانند از رفتارهای ترجیحی برخوردار شوند در صورتی که صادرات آنها منوط به رسیدگی مربوط به عوارض جبرانی باشد. سایر کشورهای در حال توسعه که در این طبقه بندی قرار نمی‌گیرند باید طی زمان پرداخت یارانه‌های صادراتی را متوقف نمایند. همچنین یارانه‌هایی که جهت استفاده از کالاهای داخلی در مقابل کالاهای وارداتی اعطاء می‌شود. اگر یک کشور در حال توسعه در تولید و صدور یک کالا به مرحله رقابتی رسید یعنی سهم صادراتش طی دو سال متوالی در تجارت جهانی آن کالای خاص به ۳/۲۵ درصد رسیده باشد، باید ظرف ۲ سال پرداخت یارانه‌های صادراتی در مورد آن کالا را متوقف نماید. در موافقتنامه یارانه‌ها، به کشورهای با اقتصادهای در حال گذار (سوسیالیستی سابق) ۷ سال مهلت قابل تمدید داده شد تا پرداخت یارانه‌های ممنوع را متوقف نمایند.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه سوبسیدها

در ایران در زمینه مشوق‌های صنعتی قوانین و مقررات مختلفی به تصویب رسیده که بر حسب

مورد و موضوع می‌توان آنها را بشرح زیر طبقه بندی نمود:

- ۱- مشوق‌های صادراتی
- ۲- مشوق‌های منطقه‌ای
- ۳- حمایت از صنایع اساسی و تولیدات داخلی
- ۴- مشوق‌های سرمایه‌گذاری صنعتی
- ۵- مشوق‌های مشارکتی صنایع
- ۶- مشوق‌های زیربنایی صنایع (فراهم آوردن تسهیلات زیربنایی)
- ۷- حمایت از اختراعات و ابداعات
- ۸- سایر مشوق‌ها

این تشویق‌ها بطور کلی شامل مشوق‌های گمرکی، مشوق‌های مالیاتی، مشوق‌های اعتباری و

سایر مشوق‌ها می‌باشد.

الف - مشوق‌های گمرکی در زمینه صادرات شامل:

- ۱- معافیت گمرکی مواد و قطعاتی وارداتی برای ساخت کالاهای صادراتی.

۲- معافیت گمرکی لوازم بسته‌بندی وارداتی که برای بسته‌بندی کالاهای صادراتی.

۳- معافیت گمرکی مواد اولیه وارداتی برای ساخت لوازم بسته‌بندی کالاهای صادراتی.

۴- مجاز بودن ورود اقلام لوکس که در ساخت کالاهای صادراتی بکار می‌روند.

ب - مشوق‌های مالیاتی در زمینه صادرات:

۱- واحدهای تولیدی که مستقیماً به صدور کالاهای تولیدی خود مبادرت می‌ورزند معادل ۵۰

درصد ارزش صادرات از مالیات بر درآمد معاف می‌باشند.

ج - سایر مشوق‌های صادراتی:

۱- اعطای جوایز و فراهم آوردن تسهیلات برای کالاهای صادراتی

۲- ایجاد تسهیلات برای حمل و نقل کالاهای صادراتی

د - مناطق با اولویت توسعه:

۱- کلیه صناعی که در نقاط مرزی و مناطق با اولویت توسعه از نوع درجه یک احداث

می‌شوند، به مدت ۱۰ سال از پرداخت مالیات معاف می‌باشند.

۲- کلیه صناعی که در نقاط با اولویت توسعه از نوع درجه ۲ احداث می‌شوند به مدت ۸ سال از

پرداخت مالیات معاف می‌باشند.

۳- کلیه صناعی که خارج از شعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران و ۵۰ کیلومتری شعاع شهرهای اصفهان

و تبریز احداث می‌شوند به مدت ۵ سال از پرداخت مالیات معاف هستند.

۴- در صورتی که واحد واقع شده در شعاع ۵۰ کیلومتری تهران به سایر نقاط منتقل شود، به

مدت ۱۰ سال از تاریخ شروع فعالیت در محل جدید از پرداخت مالیات معاف خواهد بود.

۵- ۵۰ درصد از درآمد حاصل از رشته‌های مختلف بهداشتی در روستاها و همچنین نقاط محروم

از پرداخت مالیات معاف است.

۶- درآمد ساکنین روستاها حاصل از فروش صنایع دستی از پرداخت مالیات معاف است.

ه- حمایت مالیاتی از صنایع اساسی و تولیدات صنعتی داخلی:

۱- در صورتی که محصول واحد تولیدی از نوع سرمایه‌ای باشد به مدت ۶ سال از پرداخت

مالیات معاف است.

۲- در صورتی که محصول از نوع واسطه‌ای باشد به مدت ۳ سال از پرداخت مالیات معاف

است.

۳- آن قسمت از سود حاصل از فعالیت صنعتی که برای بازسازی، توسعه و یا تکمیل واحدهای

صنعتی موجود و یا ایجاد واحد صنعتی جدید ذخیره گردد از پرداخت مالیات معاف است.

۴- چنانچه حداقل ۷۵ درصد و یا بیشتر از مواد مصرفی واحد تولیدی جدید الاحداث وارداتی

نباشد به مدت ۲ سال از پرداخت مالیات معاف است.

۵- چنانچه مواد اولیه وارداتی از ۴۰ درصد بیشتر و از ۷۵ درصد کمتر باشد به مدت یک سال از

معافیت مالیاتی برخوردار است.

و- حمایت اعتباری از صنایع اساسی و تولیدات صنعتی داخلی:

۶- اعطای اعتبارات از محل تسهیلات تکلیفی تبصره‌های (۳ و ۵۹) بودجه‌های سنواتی دولت به بخشهای صنعتی و کشاورزی.

۷- اعطای تسهیلات به بخشهای صنعتی و کشاورزی با نرخ بهره کمتر در مقایسه با سایر بخشها بویژه خدمات.

۸- اعطای تسهیلات اعتباری به بخشهای صنعتی و تولیدی از محل صندوق ذخیره ارزی با نرخ بهره کمتر.

ز- مشوقهای سرمایه گذاری صنعتی

۱- اجازه ورود سرمایه بصورت ماشین آلات به منظور صدور کالاهای تولیدی مجاز است.

۲- ورود سرمایه خارجی جهت سرمایه گذاری صنعتی آزاد می باشد.

۳- سرمایه گذاری در نقاط با اولویت توسعه در مقایسه با کل سرمایه گذاری صنعتی از تسهیلات اعتباری بیشتری برخوردار است.

۴- ورود سرمایه خارجی اعم از شخص حقیقی یا حقوقی به کشور آزاد است.

۵- سرمایه‌های وارده مورد حمایت دولت بوده و هرگونه تسهیلات و امکانات حمایتی از صنایع داخلی، مشمول سرمایه گذاری خارجی نیز خواهد بود.

۶- در صورت سلب مالکیت بر اساس قانون، دولت جبران عادلانه خسارت وارده را تضمین

می‌کند.

- ۷- صاحبان سرمایه می‌توانند هر ساله سود ویژه خود را بر اساس مقررات از ایران خارج سازند.
- ۸- خروج اصل و فرع سرمایه با رعایت شرایطی از کشور مجاز است.

ط- سایر مشوق‌های صنعتی :

- ۱- ورود محصولاتی که تولید داخلی دارند مجاز نمی‌باشد.
- ۲- موسسات و سازمانهای دولتی در صورتی که محصولی در داخل تولید گردد، مکلفاند نیازهای خود را از محصولات داخلی تامین نمایند.

سهیمه بندی ارزی و تخصیص آن به واحدهای تولیدی، در سالهای گذشته از دیگر شیوه‌های حمایتی متداول در بخش صنعت ایران بود که با یکسان شدن نرخ ارز تا حدود بسیار زیادی از میان برداشته شد ولی همچنان ارز به میزان زیاد به متقاضیان صنعتی یا تولیدی با ارائه مجوزهای مختلف تخصیص می‌یابد. کل ارز تخصیصی به وزارت صنایع برای رفع نیازهای جاری و گاه خرید ماشین‌آلات یا قطعات یدکی به این صورت توزیع می‌گردد که ابتدا در هر یک از رشته‌های صنعتی ارزبر، میزان ارزبری آن رشته مشخص و با توجه به کل ارز تخصیص یافته، سهم هر رشته صنعت تعیین می‌گردد. توزیع ارز بین واحدهای تولید در هر یک از رشته‌های صنعتی با در نظر گرفتن معیارهایی نظیر ظرفیت تولید، راندمان، میزان صادرات، کیفیت محصول، دارا بودن استانداردهای ملی و بین‌المللی و غیره صورت می‌گیرد. بطوریکه در ابتدای هر دوره، سهم رشته‌های مختلف صنعتی و

سهم زیربخش‌های هر یک از این رشته‌ها مشخص شده و بر مبنای آن ثبت سفارشات صورت می‌گیرد. محصولات می‌گیرند که دارای ارزشی هستند از این سهمیه ارزی استفاده می‌نمایند.

تخصیص مواد اولیه به صورت سهمیه بندی به صنایع مختلف از دیگر روشهای حمایتی در صنعت ایران می‌باشد. مواد اولیه سهمیه بندی شده طیف وسیعی دارند. برای مثال در صنایع نساجی از الیاف و نخ و تاپس پلی استر، و اکریلیک و گرانول پلی پروپیلین و در صنایع شیمیایی از: پلی اتیلن، پلی پروپیلین، پی وی سی، دی اکسیل فتالات، کاغذ چاپ و تحریر و کرافت یا بطور کلی تمام محصولات می‌گیرند که به نحوی در هر زمان مشمول قیمت گذاری دولتی می‌شود می‌توان نام برد. اقلامی که تحت سیستم سهمیه بندی توزیع می‌شوند از نظر صادرات با محدودیت مواجه می‌باشند.

در مقایسه مفاد موافقتنامه یارانه‌ها با حمایت‌ها و مشوق‌های مختلف صنعتی در ایران چند نکته قابل ذکر می‌باشد. همانگونه که عنوان گردید یارانه‌های صادراتی و یارانه‌هایی که استفاده از کالای داخلی را در مقابل واردات با صرفه‌تر سازد، از جمله یارانه‌های ممنوع بشمار می‌رود. در قوانین و مقررات ایران و مربوط به بخش صنعت باید گفت که در خصوص صادرات هم مشوق‌های گمرکی (معافیت گمرکی) مشوق‌های مالیاتی (معافیت ۵۰ درصد ارزش صادرات از مالیات بر درآمد) و هم اعطاء جوایز و تسهیلات حمل و نقل اعمال می‌گردد، که طبعاً با موافقتنامه یارانه‌ها مغایرت دارد. اما باید متذکر شد که این حمایت‌ها و مشوق‌ها که طبق تعریف یارانه بشمار می‌روند و به حمایت درآمدی و قیمتی از صادر کننده منجر می‌شوند، جنبه خاص ندارند و کلیه صادرات صنعتی را در بر می‌گیرند و در قانون صنعت یا گروه خاصی از صنایع مشمول تسهیلات صادراتی

خاص قرار نگرفته‌اند. اگر به صنعت یا صنایع معینی یارانه خاص اعطاء می‌شود، اولاً باید محاسبه کرد که این یارانه بیش از ۲ درصد ارزش کالای تولید آن صنعت باشد، ثانیاً سهم صنعت مورد نظر در تجارت جهانی کالای تولیدی طی دو سال متوالی به ۳/۲۵ درصد رسیده باشد، تا بتوان این حمایت را از لحاظ موافقتنامه یارانه‌ها ممنوع دانست. در مورد هیچکدام از کالاهای صنعتی ایران چنین سهمی حاصل نگردیده و شاید تنها ۳ کالای صادراتی ایران یعنی فرش، پسته و پوست گوسفند سهم قابل توجهی در بازارهای جهانی دارند که صنعتی بشمار نمی‌روند. لذا می‌توان گفت که یارانه‌های صادراتی و بطور کلی رژیم حمایت صادراتی ایران به گونه‌ای طراحی نشده که اولاً از تولید و صادرات صنعت خاص حمایت بعمل آورد و ثانیاً مغایرتی با مفاد موافقتنامه یارانه‌ها داشته باشد.

از دیگر مشوق‌های صنعتی که احتمال مغایرت آن با موافقتنامه یارانه‌ها می‌رود می‌توان به حمایت از صنایع اساسی و تولیدات داخلی اشاره نمود. طبق قانون اینگونه صنایع (تولیدات سرمایه‌ای و واسطه‌ای آنها) تا مدتی از پرداخت مالیات معاف می‌باشند و همچنین از اعتبارات بانکی ترجیحی نیز برخوردار هستند و برای ورود مواد اولیه و ماشین‌آلات از اعتبارات صندوق ذخیره ارزی با نرخ بهره ترجیحی استفاده می‌کنند. چنین رویه‌ای در مورد کم و بیش تمامی کشورهای در حال توسعه اعمال می‌شود و در فرآیند حمایت از توسعه صنعتی، امری متداول است. لکن باز جنبه خاص بودن یارانه‌های اعطایی (در اینجا معافیت‌های مالیاتی و تسهیلات اعتباری) مطرح است که در مورد این صنایع مصداق ندارد و همه صنایع می‌توانند از چنین تسهیلاتی برخوردار گردند و لذا مغایرتی با موافقتنامه یارانه‌ها پیدا نمی‌کند. از سوی دیگر برخی حمایت‌ها از صنایع کشور بعمل می‌آید و متعاقباً

ورود کالاهای معینی ممنوع اعلام می‌شود که در قالب موافقتنامه یارانه‌ها قابل تحلیل اقتصادی و مقایسه تطبیقی حقوقی نیست بلکه برای دفاع از این اقدامات باید به برخی مفاد دیگر گات (بویژه مواد ۱۲ و ۱۸ گات ۱۹۴۷) در رابطه با حمایت از صنایع نوپا یا مشکلات تراز پرداخت‌ها استناد شود.

جنبه دیگر موافقتنامه یارانه‌ها به یارانه‌های قابل تعقیب مربوط می‌شود که با توجه به عدم عضویت ایران در گات و سازمان جهانی تجارت و عدم مبادله امتیازات تعرفه‌ای با اعضاء دیگر، این قسم یارانه‌ها در حال حاضر در مورد ایران مصداق پیدا نمی‌کند، چرا که امتیازی اعطاء نگردیده که با برقراری یارانه، اثر امتیاز خنثی شود. ولی پس از الحاق ایران این مبحث یکی از مسائل اساسی است.

بطور کلی باید متذکر شد، تحلیل‌های اولیه از مقایسه موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی با رژیم حمایتی صنعتی در ایران (یارانه‌ها، مشوق‌ها و غیره) نشان می‌دهد که اولاً رژیم حمایتی کشور رژیم نامتناسب و بدون هدفی است و صنعت خاصی را بر اساس مزیت‌های نسبی آن صنعت نه از بابت تولید نه از بابت صادرات مورد حمایت قرار نداده است و ثانیاً چنین رژیمی که فاقد حمایت منطقی و جهت دار از صنعت معینی می‌باشد، طبعاً با مفاد موافقتنامه یارانه‌ها نیز مغایرتی پیدا نمی‌کند.

سایر اقدامات حمایتی و اضطراری

موافقتنامه حفاظت‌ها در کنار موافقتنامه ضد قیمت شکنی (ضد دامپینگ) و نیز بخشی از موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، موافقتنامه‌های ناظر بر اتخاذ اقدامات واکنشی یک جانبه تجاری در سازمان تجارت جهانی را که گاه حمایت‌های اقتضایی نیز خوانده می‌شوند تشکیل می‌دهد. این اقدامات به منظور مقابله با رقابت غیر منصفانه و یا مواجهه با شرایط اضطراری به کار بسته می‌شوند.

بنابر این حصول توافق در مورد یک سیستم حفاظتی چند جانبه موثر و کارآمد در قالب ماده ۱۹ گات در فراهم ساختن امنیت لازم برای دسترسی به بازارها بویژه برای کشورهای در حال توسعه و نیز به منظور احیاء اعتبار اصول تجاری چند جانبه از اهمیت زیادی برخوردار است. موافقتنامه حفاظت‌ها نیز جهت پاسخ به چنین نیازی و ضمن تاکید بر رعایت اصل دول کامله الوداد و تعهد کشورها نسبت به ممنوعیت و حذف توافقات موسوم به خودداری‌های داوطلبانه صادراتی و ترتیبات بازاریابی منظم (OMA) و دیگر اقدامات مشابه، مورد پذیرش اعضای گات واقع شده است. در موافقتنامه حفاظت‌ها، به منظور نظارت دقیق بر نحوه اجرای مفاد موافقتنامه یک کمیته حفاظت‌ها پیش‌بینی شده است. همچنین ضوابط دقیقی برای تعیین خسارت و رابطه علی میان واردات و صنعت خسارت دیده در نظر گرفته شده است. در چارچوب این موافقتنامه و تحت شرایط استثنایی و هنگامی که واردات از یک کشور عضو به طور نامتناسبی افزایش یابد، برقراری سهمیه وارداتی که طبعاً موجب تبعیض در میان عرضه کنندگان مختلف می‌شود، مجاز دانسته شده است.

ماده ۱۹ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) یکی از مواردی است که کشورها را مجاز می‌دارد در صورت وارد آمدن خسارت به صنایع داخلی از ناحیه واردات، به اقدامات تجاری محدود کننده مبادرت ورزند. در سال‌های اخیر برخی از کشورها بویژه کشورهای صنعتی به بهانه وارد آمدن خسارت به صنایع داخلی خود و به استناد به این ماده، با وضع موانع غیر تعرفه‌ای در مقابل واردات از کشورها به ترتیبات تجاری محدود کننده و تجارت غیرمنصفانه متوسل شده‌اند. یکی از دلایل عدم استفاده درست از ماده ۱۹ گات، این است که اقدامات حفاظتی باید با تعهد کشورها در مورد رعایت اصل دول کامله الوداد منطبق باشد که این امر مستلزم عدم تبعیض در مقابل واردات از منابع مختلف می‌باشد. خود مفهوم خسارت نیز از دیگر مواردی است که در کشورهای مختلف تعریف یکسانی برای آن وجود ندارد و در برخی از کشورها، استانداردهای بالایی برای آن وضع شده و معمولاً با رفتار غیرمنصفانه تجاری تفاوت دارد. از این رو کشورهای پیشرفته و بویژه اتحادیه اروپا، معتقدند که کشورها در قالب ماده ۱۹ باید مجاز باشند که در مقابل واردات از منابع خاص به اقدامات تبعیض آمیز توسل جویند، چرا که خسارت غالباً بعلت گسترش سریع واردات از یک یا تعدادی منابع معین وارداتی ناشی می‌شود و تنها این منابع باید محدود شوند که عملاً به معنای نقض اصل دول کامله الوداد می‌باشد. مخالفت بسیاری از کشورها بویژه ممالک در حال توسعه با هرگونه نقض اصل دول کامله الوداد باعث گردید که کشورهای عضو گات نتوانند در دور توکیو در مورد حفاظت‌ها به توافقی دست یابند و این امر در مذاکرات دور اروگوئه همچنان ادامه داشت. یکی از شیوه‌هایی که کشورهای پیشرفته در سال‌های اخیر جهت حمایت از صنایع داخلی در مقابل

خسارت‌های احتمالی از ناحیه واردات بدان متوسل شده‌اند، مذاکره و حصول توافق با تعداد محدودی از کشورهای صادر کننده و در زمینه برخی از کالاهای معین در قالب ترتیباتی موسوم به خودداری‌های داوطلبانه صادراتی^۱ (VERs) بوده است. ترتیباتی که در چارچوب موافقتنامه ایلاف چند گانه (MFA) و به منظور تعیین سهمیه‌های صادراتی منسوجات و پوشاک از سال ۱۹۷۴ معمول شد بتدریج به بخش‌ها و کالاهای دیگر نیز تسری پیدا کرد. اقلام محدودی چون فولاد، اتومبیل، تلویزیون، ماشین ابزار، کفش، ویدئو، نیمه‌هادی‌ها و کشتی از جمله بخش‌های صنعتی هستند که در آمریکا و اتحادیه اروپا مورد حمایت می‌باشند. این اقدامات حمایتی که به اقدامات حوزه خاکستری^۲ موسوم است، یکی از عوامل تضعیف اعتبار مقررات گات در سال‌های اخیر بوده است. کشورهای که از وضع چنین محدودیت‌هایی متضرر می‌شوند مجازند که طبق ماده ۱۹ به اقدامات جبرانی و تلافی جویانه متوسل شوند. لکن از آنجا که وضع این محدودیت‌ها با توافق صورت گرفته، نمی‌توانند به ماده ۱۹ استناد کنند و کشورهای صادرکننده‌ای نظیر ژاپن، کره جنوبی و تایوان بخاطر ترس از دست دادن تمامی سهم خود در بازارهای وسیع و پرجاذبه‌ای چون آمریکا و اتحادیه اروپا، به پذیرش داوطلبانه این محدودیت‌ها تن داده‌اند.

موافقتنامه حفاظت‌ها اصول اتخاذ اقدامات حفاظتی را که در ماده ۱۹ گات گنجانده شده

^۱ - Voluntary Export Restraints

خودداری‌های داوطلبانه صادراتی، توافق دو جانبه‌ای است که طی آن کشور صادر کننده (دولت بخش خصوصی) می‌پذیرد که صادرات خود را بدون اینکه کشور وارد کننده مجبور به استفاده از سهمیه‌ها، تعرفه‌ها و یا دیگر کنترل‌های وارداتی شود کاهش داده یا محدود نماید.

^۲ - Grey Area Measures

است، تبیین می‌کند. این اقدامات حفاظتی، اقداماتی اضطراری هستند که یک کشور عضو موقتاً در شرایطی که افزایش واردات لطمه جدی به یک صنعت داخلی آن وارد می‌سازد به کار می‌بندد. این اقدامات در دو قالب افزایش تعرفه به بالاتر از نرخهای تثبیت شده و نیز اعمال محدودیت‌های مقداری صورت می‌گیرد و استثنایی مهم بر دو قاعده کلی گات محسوب می‌شود. اقدامات حفاظتی گاه شروط فرار نیز خوانده می‌شوند چرا که در این شرایط کشور عضو قادر است از برخی تعهدات خود بگریزد.

هریک از موافقتنامه‌های بخشی سازمان تجارت جهانی (کشاورزی، منسوجات و خدمات) اقدامات حفاظتی خاص خود را دارند. به علاوه تحت مواد دیگر گات، اقدامات حفاظتی مربوط به تراز پرداختها و نیز اقدامات حفاظتی با اهداف توسعه‌ای گنجانده شده است. این موافقتنامه تمامی بخش‌ها را تحت پوشش قرار نمی‌دهد و بطور مثال بخش‌های منسوجات و پوشاک و کشاورزی در چارچوب موافقتنامه‌های مربوطه از ترتیبات حفاظتی دیگری تبعیت می‌کنند.

یک کشور عضو سازمان تجارت جهانی می‌تواند واردات یک کالا را چنانچه صنعت داخلی تهدید شده و یا به دلیل افزایش واردات صدمه ببیند موقتاً محدود کند یا اقدام حمایتی درباره آن وضع نماید. در این مورد صدمه باید قابل ملاحظه باشد. اقدامات حمایتی در ماده ۱۹ گات پیش‌بینی شده بود، اما به ندرت مورد استفاده قرار گرفته است. برخی دولت‌ها ترجیح می‌دادند تا از طریق اقدامات منطقه خاکستری از صنایع خود حمایت کنند. این اقدامات از طریق مذاکرات دوجانبه خارج از گات به متقاعد ساختن کشورهای صادرکننده برای اعمال محدودیت‌های سلیقه‌ای صادراتی بود.

اقداماتی از این نوع برای برخی از محصولات نظیر اتومبیل، فولاد و نیمه هادی‌ها به کار می‌رفت. اما سازمان تجارت جهانی اقدامات منطقه خاکستری را ممنوع ساخت و برنامه زمانبندی ماده غروب^۱ را برای این اقدامات تعیین نمود. این موافقتنامه اعلام می‌دارد که کشورهای عضو نباید محدودیت‌های حمایتی صادراتی یا وارداتی وضع کنند. اقدامات دوجانبه که با موافقتنامه‌های جدید همساز نبودند در پایان ۱۹۹۸ حذف شدند. البته کشورها مجاز بودند صرفاً یکسال این اقدامات را تا پایان ۱۹۹۹ ادامه دهند اما فقط اتحادیه اروپا برای اتومبیل‌های وارداتی از ژاپن از این مقررات استفاده نمود.

یکی از دلایل موجه برای اتخاذ اقدامات حمایتی می‌تواند افزایش واقعی در واردات و یا افزایش سهم بازار باشد حتی در صورتی که به لحاظ کمی تغییری در واردات ایجاد نشده باشد. صنایع و یا کارخانجات می‌توانند از طریق دولت‌ها اقدام به اتخاذ اقدامات حمایتی کنند. سازمان تجارت جهانی شرایطی را برای رسیدگی به اقدامات حمایتی وضع نموده است. یکی از آن ملزومات شفافیت قوانین و عملیات است. اقدام به رسیدگی نیازمند اعلام عمومی اقدامات و ارائه شواهد مورد نیاز است.

این موافقتنامه همچنین شرایطی را برای ارزیابی «صدمات جدی»^۲ و عواملی را که باید برای تعیین آثار واردات بر صنایع داخلی مد نظر داشت در نظر گرفته است. زمانی که چنین اقدام حمایتی

^۱ - Sunset Clause

منظور از ماده غروب حذف تمامی اقداماتی است که به محدود کردن صادرات یک کشور بطور عمدی منجر می‌شود که باید در طول دوره زمانی خاص خاتمه یابد

^۲ - Serious injury

وضع می‌گردد باید صرفاً در صورتی وضع شود که از بروز صدمات جدی ممانعت کند و یا به درمان آن کمک نماید. اعمال محدودیت‌های کمی نباید از متوسط واردات سه سال گذشته کمتر باشد مگر آن که توجیه منطقی وجود داشته باشد که سطح متفاوتی از حمایت برای جلوگیری از زیان و یا درمان صنعت وجود دارد.

اقدامات جدید حفاظتی نباید برای مدت زمانی معادل مدتی که قبلاً متداول بوده، برقرار شود و در هر صورت هر اقدام جدید حفاظتی باید ۲ سال پس از خاتمه اقدامات قبلی به مورد اجرا درآید. در این مورد کشورهای در حال توسعه می‌توانند پس از گذشت نصف زمان مورد نظر نسبت به وضع اقدامات جدید حفاظتی مبادرت ورزند. در صورتی که سهم صادرات یک کشور در حال توسعه کمتر از ۳ درصد واردات یک کشور عضو را در مورد کالای معینی تشکیل دهد، وضع اقدامات حفاظتی در مورد اینگونه صادرکنندگان مجاز نمی‌باشد.

اقدامات حمایتی را نمی‌توان در مورد واردات از یک کشور خاص بکار برد. اما موافقتنامه توضیح می‌دهد که چگونه سهمیه را باید بین کشورهای عرضه‌کننده تقسیم نمود. یک اقدام حمایتی نباید بیش از ۴ سال به طول بیانجامد مگر آنکه یک مقام صلاحیتدار نشان دهد که چنین اقدامی مورد نیاز است و شواهد کافی برای آن ارائه دهد. در این صورت اقدامات حمایتی را می‌توان تا ۸ سال ادامه داد.

زمانی که کشوری واردات را برای حمایت از صنایع داخلی محدود می‌کند در مقابل باید به

طرف مقابل امتیازی بدهد. موافقتنامه تصریح می‌کند که برای جبران کشور صادرکننده باید از طریق مشاوره راهی ایجاد شود. اما اگر توافقی بین دو طرف تجاری ایجاد نشد کشور صادرکننده می‌تواند اقدامات تلافی‌جویانه را دنبال کند. به عنوان مثال می‌تواند نرخ تعرفه بر صادرات کشوری که اقدامات حمایتی وضع نموده است را افزایش دهد. در برخی شرایط کشور صادرکننده باید سه سال پس از آغاز اقدامات حمایتی صبر کند تا قادر به اتخاذ اقدامات تلافی‌جویانه باشد.

صادرات کشورهای در حال توسعه تا حدودی از اقدامات حمایتی حفاظت می‌شوند. یک کشور واردکننده زمانی می‌تواند از اقدامات حمایتی در مقابل یک کشور در حال توسعه استفاده کند که آن کشور در حال توسعه بیش از یک سوم واردات آن کالای خاص را تأمین کند و یا تمامی کشورهای در حال توسعه با کمتر از ۳٪ سهم جمعاً بیش از ۹٪ کل واردات یک کالای خاص را تأمین نمایند. دولت‌ها باید هر مرحله از رسیدگی به اقدامات حمایتی را اعلام نموده و تصمیمات اتخاذ شده از شفافیت لازم برخوردار باشد و سپس کمیته مربوط این گزارش‌ها را رسیدگی کرده و نتیجه نهایی را اعلام نماید.

براساس آمارهای موجود تعداد رسیدگی‌های ضد دامپینگ از ۱۵۷ در سال ۱۹۹۵ به ۳۵۵ در سال ۱۹۹۹ افزایش یافت. این روند فزاینده به دلیل افزایش تعداد گزارش‌های اعضا از ۱۸ در ۱۹۹۵ به ۲۵ در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است. بخش‌هایی که در مورد آنها بیشترین رسیدگی‌ها به وقوع پیوسته است عبارتند از: فلزات اساسی و محصولات آن (۳۸٪ در سال ۲۰۰۱)، محصولات شیمیایی (۱۷٪) و پلاستیک و محصولات لاستیکی (۱۴/۴٪). حدود ۸۵٪ رسیدگی‌ها در بخش فلزات اساسی در مورد

محصولات فولادی اعمال شده است. چهار کشور چین، کره، اندونزی و تایلند در سال ۲۰۰۱ اقدامات ضد دامپینگ را رسیدگی نمودند.

شایان ذکر است که حدود نیمی از اقدامات ضد دامپینگ بدون وضع یک اقدام نهایی به پایان رسیده است. اقدامات جبرانی کمتر از اقدامات ضد دامپینگ مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۱، به ۲۷ مورد رسیدگی شد و مهمترین کشورهایی که از این اقدامات استفاده کردند ایالات متحده (۱۸ مورد) و اتحادیه اروپا (۶ مورد) غالباً در مقابل هندوستان بودند. در سال ۲۰۰۲ تعداد اقدامات حمایتی افزایش یافت. ۳۰ اقدام حمایتی در سال ۲۰۰۲، ۱۴ اقدام در سال ۲۰۰۱، ۲۶ و ۱۵ مورد در سال ۲۰۰۰ و ۱۹۹۹ اعمال شده است.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه اقدامات حمایتی

این موافقتنامه پس از الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر تجارت و قوانین تجاری ایران اثر می‌گذارد و قبل از آن مستلزم اصلاحات و پیش‌نیازهایی در فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی نمی‌باشد ولی همانطور که در بخش‌های دیگر به آن اشاره شده باید شرایط حمایت از کالاهای مختلف را طبق موافقتنامه‌های دیگر بالاخص موافقتنامه یارانه‌ها منطبق با سازمان تجارت جهانی نمود.

موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی

با توجه به نقشی که گمرکات در تجارت خارجی کشورها بعنوان خط مقدم نقاط تماس تجاری برعهده دارند، نحوه ارزش گذاری کالاهای وارداتی و یا صادراتی برای محاسبه حقوق و عوارض گمرکی توسط گمرکات همواره مورد توجه و دستمایه اختلافات تجاری برای کشورها بوده است.

پروژه برآورد ارزش یک محصول در گمرکات مشکلاتی را برای واردکنندگان دربردارد که ممکن است به اندازه تعرفه‌های گمرکی سخت و محدودکننده باشد. موافقتنامه سازمان تجارت جهانی بر روی ارزیابی کالاها در گمرکات با این هدف طراحی شده است که یک سیستم ارزیابی عادلانه، متحدالشکل و بیطرف را در گمرکات اعمال نماید، سیستمی که مطابق با واقعیت‌های تجاری و اعمال رویه‌های خودسرانه و دلخواهانه را در ارزیابی ممنوع می‌کند. این موافقتنامه یکسری قوانین ارزیابی را ارائه می‌دهد که دقت و وسعت بیشتری از مقررات ارائه شده در موافقتنامه گات را داراست.

براساس تصمیمات اتخاذ شده در دور اروگوئه به گمرکات این حق را می‌دهد که اطلاعات بیشتری را از واردکننده در شرایطی که نسبت به صحت موارد اعلام شده مشکوک هستند اخذ نماید. در صورتی که گمرکات علیرغم کسب اطلاعات اضافی مشکوک باشند ممکن است ارزش گمرکی کالای وارداتی براساس اظهارات واردکننده تعیین نشود.

براساس ماده ۱ این موافقتنامه ارزش گمرکی کالای وارد شده ارزش معاملاتی یعنی قیمت پرداخت شده یا قابل پرداخت برای کالا می‌باشد. همچنین در ماده ۲ آمده است که اگر نتوان ارزش گمرکی کالای وارد شده را تعیین نمود، ارزش گمرکی، ارزش معاملاتی کالای همسانی^۱ خواهد بود که برای صدور به همان کشور واردکننده فروخته شده و حدوداً در همان زمان صادر شده است. علاوه بر این در ماده ۳ موافقتنامه آمده است که اگر نتوان ارزش گمرکی کالای وارد شده را طبق مقررات مواد فوق تعیین کرد، ارزش گمرکی، ارزش معاملاتی کالای مشابهی خواهد بود که برای صدور به همان کشور واردکننده فروخته شده و حدوداً در همان زمان صادر شده است. در صورت عدم تعیین ارزش گمرکی کالای وارد شده طبق روش‌های فوق، دو روش دیگر نیز در موافقتنامه پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۵، اگر کالای وارد شده یا کالای وارد شده همسان یا مشابه به همان وضعی که وارد شده در کشور واردکننده به فروش برسد، ارزش گمرکی کالای وارد شده مبتنی بر قیمت واحدی از کالای وارد شده یا کالای وارد شده همسان یا مشابه خواهد بود که حدوداً در همان زمان وارد شده است و در بیشترین مقدار از مجموع فروش فروخته می‌شود با کسر موارد زیر:

- ۱- حق العمل‌هایی که معمولاً پرداخت می‌شود یا توافق می‌شود که پرداخت گردد یا افزایش‌هایی که معمولاً برای سود یا هزینه‌های عمومی در مورد فروش کالای وارد شده

^۱ اصطلاح کالاهای همسان و مشابه در ماده ۱۵ موافقتنامه ارزش‌گذاری گمرکی تعریف شده است. کالای همسان به معنای کالایی است که از همه جهات از جمله خصوصیات مادی، کیفیت و شهرت همانند می‌باشد. کالای مشابه نیز به معنای کالایی است که گرچه از همه جهات همانند نیست، اما خصوصیات همانند و مواد تشکیل‌دهنده همانندی دارد که آن را قادر می‌سازد وظایف مشابهی را انجام دهد و از نظر تجاری قابلیت جانشینی داشته باشد.

متعلق به همان طبقه یا نوع، در چنین کشوری صورت می‌گیرد.

۲- هزینه‌های معمول حمل و نقل و بیمه و هزینه‌های مرتبط با آنها که کشور وارد کننده متقبل شده است.

۳- حقوق گمرکی و دیگر مالیات‌های ملی که به دلیل وارد شدن یا فروش کالا در کشور وارد کننده قابل پرداخت است.

روش پنجم ارزش گذاری گمرکی در ماده ۶ موافقتنامه مقرر می‌نماید که ارزش گمرکی کالای وارد شده بر ارزش محاسباتی مبتنی خواهد بود. ارزش محاسباتی مرکب است از مجموع قیمت یا ارزش مواد و ساخت یا پردازش دیگری که در تولید کالای وارد شده به کار گرفته شده است بعلاوه مقداری بابت سود و هزینه‌های عمومی معادل آنچه معمولاً در فروش کالای متعلق به همان طبقه یا نوع از کالایی که تولیدکنندگان در کشور صادر کننده برای صدور به کشور وارد کننده منظور می‌کنند. ارزش محاسباتی مرکب است از:

۱. قیمت یا ارزش مواد و ساخت یا پردازش دیگری که در تولید کالای وارد شده به کار گرفته شده است.

۲. مقداری بابت سود و هزینه‌های عمومی معادل آنچه معمولاً در فروش کالای متعلق به همان طبقه یا نوع کالایی که در ارزش گذاری آن منعکس می‌گردد و تولیدکنندگان در کشور صادر کننده برای صدور به کشور وارد کننده منظور می‌کنند.

نهایتاً در ماده ۷ موافقتنامه تصریح شده که اگر نتوان ارزش گمرکی کالای وارد شده را طبق روش‌های فوق تعیین کرد، ارزش گمرکی با استفاده از طرق معقول سازگار با اصول و مقررات عمومی این موافقتنامه و بر مبنای داده‌های موجود در کشور وارد کننده کالا تعیین خواهد شد. طبق ماده ۹، در مواردی که برای تعیین ارزش گمرکی تبدیل ارز لازم باشد، نرخ مورد استفاده آن نرخ خواهد بود که مقامات صلاحیتدار کشور وارد کننده ذیربط به نحو مقتضی اعلام کرده‌اند.

از سوی دیگر طبق ماده ۱۸ این موافقتنامه، یک کمیته ارزش گذاری گمرکی مرکب از نمایندگان هر یک از اعضاء و نیز یک کمیته فنی ارزش گذاری گمرکی تحت نظارت شورای همکاری گمرکی (CCC) تشکیل خواهد شد.

در ماده ۲۰ موافقتنامه نسبت به کشورهای در حال توسعه عضو، رفتار متفاوت ویژه‌ای مطرح شده است. این کشورها مجازند اجرای مقررات این موافقتنامه را تا ۵ سال پس از شروع کار سازمان تجارت جهانی به تعویق اندازند.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی

طبق ماده ۱۰ قانون امور گمرکی کشور مصوب خرداد ماه ۱۳۵۰، ارزش گمرکی کالای ورودی عبارت است از: ارزش CIF (بهای خرید کالا در مبداء بعلاوه هزینه بیمه، حمل و نقل و باربندی) و هزینه‌های مربوط به افتتاح اعتبار، واریز بروات، امتیاز نقشه و سرقفلی و سایر هزینه‌هایی که تا ورود به اولین دفتر گمرکی تعلق می‌گیرد. ارزش کالا که به این ترتیب مقرر گردیده به ریال یا هم ارز ریالی به نرخ رسمی که بانک مرکزی اعلام می‌دارد تقویم می‌شود. بهای خرید باید منطبق با بهای واقعی معاملاتی صادراتی باشد. بنابراین صرف مندرجات فاکتور قابل قبول نبوده و می‌بایست پس از تعیین براساس معیارهای تعیین شده در قانون و آئیننامه گمرک احراز شود. کرایه حمل از مبداء تا مقصد بارنامه، بعلاوه هزینه باربندی چه این هزینه پرداخت شده باشد چه نشده باشد، در هر حال مطابق نرخ معمول و طبق تعرفه‌های موجود در احتساب قیمت کالای ورودی منظور می‌شود. هزینه بیمه باربری نیز چه کالا بیمه شده چه نشده باشد. یا طبق بیمه نامه یا در صورت فقدان بیمه نامه معادل ۳ درصد ارزش C&F کالا محاسبه شده و به این ترتیب ارزش CIF محاسبه می‌گردد. هزینه مربوط به افتتاح اعتبار منحصر است به حق ثبت سفارش که طبق قانون بودجه سالانه برای ثبت سفارش کالا مقرر می‌گردد.

علاوه بر عواملی که در تعیین ارزش کالای وارداتی که ارزش CIF کالا است دخالت دارند و مبنای ارزش گذاری گمرک ایران می‌باشد، معیارهای دیگری در گمرک برای مقایسه و تعیین ارزش کالا مورد استفاده قرار می‌گیرد:

- (۱) مقایسه با ارزش صادراتی کالای همسان از همان کشور مبداء که همزمان به ایران فروخته شده و مورد قبول گمرک قرار گرفته است.
 - (۲) مقایسه با ارزش صادراتی کالای مشابه، از همان کشور مبداء که همزمان به ایران فروخته شده و مورد قبول گمرک قرار گرفته باشد. وجوه اشتراک مقررات گمرکی ایران و مفاد موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی در خصوص کالاهای همسان و مشابه این است که این اصطلاحات در هر دو مورد از شورای همکاری گمرکی برداشت شده است.
 - (۳) مقایسه با فهرست بهای صادراتی محصولات یا تولیدات یک کارخانه یا تولیدکننده که باید مستقیماً توسط سازنده تنظیم و صادره از کشور مبداء باشد.
 - (۴) فهرست‌های عمده و یا خرده فروشی داخل کشور صادر کننده.
 - (۵) مقایسه بر مبنای ارزش عمده فروشی و خرده فروشی داخل کشور.
- مورد اخیر، آخرین معیاری است که در صورت عدم اجرای موارد فوق در مورد مقایسه ارزش کالای وارداتی ملاک عمل قرار می‌گیرد. هر مورد شروط و روش‌های محاسباتی خاصی دارد که با ذکر جزئیات در آئیننامه گمرکی ایران آمده است.
- بطور کلی مقایسه مفاد موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی با قانون و مقررات گمرکی ایران در خصوص تعیین ارزش کالای وارداتی نشان می‌دهد که ایران معمولاً برای تقویم کالاهای وارداتی از روش اول یعنی روش معاملاتی و قیمت واقعاً پرداخت شده استفاده می‌نماید که روش اصلی در موافقتنامه مزبور می‌باشد. از سوی دیگر ایران به لحاظ عضویت در شورای همکاری گمرکی و تبعیت

از روش‌ها، رویه‌ها و اصطلاحات و تعاریف بین‌المللی این شورا، مشکل خاصی در ارتباط با

موافقتنامه ارزش‌گذاری گمرکی ندارد.

موافقتنامه بازرسی پیش از حمل

بازرسی قبل از بارگیری به مفهوم استفاده از شرکت‌های خصوصی و یا مؤسسات مستقل برای بازرسی جزئیات بارگیری بالاخص، قیمت، کمیت و کیفیت کالاهای سفارش داده شده است. عملکرد شرکت‌های خصوصی متخصص در بازرسی جزئیات محصولات تجاری نظیر کمیت و کیفیت و قیمت کالاها موضوع این موافقتنامه می‌باشد.

هدف از این موافقتنامه تأمین منافع مالی ملی و جلوگیری از خروج سرمایه، کلاهبرداری‌های تجاری و فرار از پرداخت عوارض گمرکی است و برای جبران عدم کفایت‌های موجود در سازمان‌های اداری گمرکات و بنادر مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله تعهداتی که بر دولت‌هایی که از بازرسی قبل از بارگیری استفاده می‌کنند وضع می‌گردد عبارت از: عدم تبعیض، شفافیت، حمایت از اطلاعات تجاری محرمانه، اجتناب از تأخیرهای نامعقول، استفاده از خطوط راهنمای مشخص برای بررسی صحت قیمت کالاها و جلوگیری از تضاد منافع به وسیله سازمان‌های بازرسی است.

عملکرد شرکت‌های خصوصی متخصص در بازرسی جزئیات محصولات تجاری نظیر کمیت، کیفیت و قیمت کالاها موضوع این موافقتنامه می‌باشد. در این موافقتنامه اصول بازرسی گات بر فعالیت‌های مؤسسات بازرسی کننده تسری یافته است. در این موافقتنامه دولت‌های عضو استفاده کننده از خدمات این گونه مؤسسات متعهد شده‌اند که اصولی نظیر عدم تبعیض، شفافیت، حفاظت از

اطلاعات تجاری محرمانه، اجتناب از تأخیرهای غیرمنطقی، استفاده از دستورالعمل‌های خاص برای تأیید قیمت و اجتناب از تعارض منافع مؤسسات بازرسی کننده را رعایت نمایند. از سوی دیگر، کشورهای عضو صادرکننده در قبال استفاده کنندگان از خدمات مؤسسات بازرسی تعهداتی را نظیر عدم تبعیض در اعمال قوانین و مقررات داخلی، شفافیت و انتشار مناسب قوانین و مقررات مربوطه پذیرا شده‌اند. اعطای کمک‌های فنی به کشورهای در حال توسعه استفاده کننده از خدمات این مؤسسات در موافقتنامه پیش‌بینی شده است. همچنین در موافقتنامه به منظور حل و فصل اختلافات میان صادرکننده و مؤسسه بازرسی قبل از حمل رویه خاص مقرر گردیده است.

این موافقتنامه یک پروسه تجدید نظر را ارائه می‌کند. این پروسه به وسیله فدراسیون بین‌المللی آژانس‌های بازرسی (IFIA) International Federation of Inspection Agencies و اتاق بین‌المللی تجارت (ICC) International Chamber of Commerce که معرف صادرکنندگان است اداره می‌شود و هدف آن حل و فصل مشاجرات میان صادرکنندگان و آژانس‌های بازرسی است.

با توجه باینکه تا قبل از دور اروگوئه تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه از "بازرسی پیش از حمل" برای بررسی کیفیت، کمیت و قیمت کالاهای وارداتی استفاده می‌کردند، به منظور اینکه چنین برنامه‌هایی باعث ایجاد تأخیرهای غیر لازم یا رفتار نابرابر نشود، در دور اروگوئه توافق شد تا در مورد حقوق و تعهدات کشورهای استفاده کننده عضو و کشورهای صادرکننده عضو، یک چارچوب بین‌المللی مورد توافق طرفین ایجاد کنند و بر این اساس موافقتنامه بازرسی پیش از حمل

ایجاد شد. بطور کلی دو هدف عمده کشورها از استفاده از خدمات بازرسی پیش از حمل، مقابله با مشکل ارزش گذاری پایین و یا بالای کالاهای وارداتی است. ارزش گذاری پایین کالاهای وارداتی موجب تعلق حقوق و عوارض گمرکی (تعرفه) کمتر از میزان واقعی شده و منجر به کاهش درآمدهای گمرکی دولتها می شود و ارزش گذاری بالای کالاهای وارداتی در کشورهایی که نظام کنترل ارزی وجود دارد سبب خروج ارز از کشور می گردد. به موجب موافقتنامه بازرسی پیش از حمل (PSI) دو دسته تعهدات برای "کشورهای استفاده کننده عضو" و "کشورهای صادرکننده عضو" پیش بینی شده است که بار اصلی تعهدات بر دوش گروه اول یعنی "کشورهای استفاده کننده عضو" از خدمات بازرسی پیش از حمل قرار داد. اصلی ترین تعهدات این کشورها بر رعایت اصل کلی عدم تبعیض و رفتار ملی، اجتناب از تاخیرهای غیر ضروری، استفاده از استانداردهای بین المللی و مورد توافق خریدار و فروشنده جهت ارزیابی کیفی و فنی کالا، رعایت شفافیت، حفظ اطلاعات بازرگانی و تجاری محرمانه، برخورداری واردکنندگان از حق استیناف در موارد بروز اختلاف، و اطلاع رسانی به موقع تأکید دارد و برای هر یک رویه های اجرایی مربوطه را توصیه و تعیین نموده است. تعهدات کشورهای صادرکننده عضو نیز به رعایت اصل اساسی عدم تبعیض، شفافیت، و ارائه کمک های فنی به کشورهای استفاده کننده عضو انحصار دارد. این موافقتنامه برای تمامی اعضا سازمان تجارت جهانی لازم الاجرا است .

تعهدات کشورهای صادرکننده به کشورهایی که از رویه های بازرسی قبل از بارگیری استفاده می کنند عبارتند از: عدم تبعیض در بکارگیری قانون های داخلی و مقررات، انتشار سریع

قوانین و مقررات و ارائه خدمات فنی در مواقع مورد نیاز.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه بازرسی پیش از حمل

طبق ماده ۵ قانون اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، موسسه استاندارد می‌تواند به منظور کنترل کیفی و کمی مواد اولیه و ساخت تا مرحله بسته بندی، بارگیری، حمل، تخلیه و انتقال کالا به محل مصرف و در جهت رقابت با موسسات و شرکت‌های مشابه خارجی با تصویب هیات وزیران، از طریق ایجاد نمایندگی یا شعبه در خارج از کشور و ارائه خدمات بازرسی به بخش‌های دولتی و غیر دولتی بر اساس ضوابطی که به تصویب شورایی عالی استاندارد می‌رسد فعالیت نماید.

در تبصره ذیل این ماده نیز آمده است که موسسه تنها مرجع رسمی برای تأیید صلاحیت شرکت‌ها و موسسات بازرسی کننده داخلی و خارجی (سورویانس) می‌باشد. آئین نامه اجرایی این تبصره نیز در ۱۳ ماده تدوین و ابلاغ گردیده است. در مقایسه مفاد موافقتنامه بازرسی قبل از حمل و آئین نامه اجرایی تبصره ماده ۵ قانون استاندارد باید ابراز داشت که موافقتنامه ۳ طرف دولت استفاده کننده از خدمات موسسات بازرسی (بعنوان وارد کننده کالا)، صادر کننده و موسسات بازرسی قبل از حمل مورد خطاب می‌باشند در صورتی که موضوع اصلی آئین نامه تبصره ۵، نحوه فعالیت موسسات بازرسی کننده و چگونگی احراز شرایط لازم برای کسب مجوز بازرسی است و در واقع ضوابط موسسه استاندارد برای فعالیت شرکت‌های داخلی و خارجی بازرسی کننده در محدوده قوانین ایران است. مهمتر اینکه در موافقتنامه بازرسی قبل از حمل، رابطه صادر کننده و موسسه بازرسی کننده و اختلافات احتمالی آنها بطور مشخصی دیده شده است در حالیکه در آئین نامه اجرایی مذکور، اساساً

نحوه ارتباط صادر کننده با موسسه بازرسی لحاظ نگردیده است. در آئیننامه اجرایی، موسسه استاندارد برای تعیین صلاحیت یا عدم صلاحیت موسسات بازرسی کننده دارای همه گونه اختیارات می باشد و می تواند راساً و به تشخیص خود در صورت تخلف موسسات بازرسی کننده، نسبت به لغو پروانه تأیید صلاحیت آنها اقدام کند. لکن پیش بینی نشده که در صورت بروز اختلاف میان صادر کنندگان و موسسات بازرسی، مرجع حل اختلاف کیست و اگر موسسه استاندارد باشد (بعنوان نماینده دولت استفاده کننده از خدمات بازرسی) با مفاد موافقتنامه بازرسی قبل از حمل مغایرت پیدا می کند. در موافقتنامه، هیات حل اختلاف متشکل از نماینده صادر کننده، نماینده موسسه بازرسی و نماینده مستقل و مورد اعتماد دو طرف پیش بینی شده است.

لذا در صورت عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت و پذیرش مفاد این، انجام اقدامات و تدوین مقرراتی متناسب با مفاد این موافقتنامه که ناظر بر رفتار دولت وارد کننده، صادر کننده و موسسه بازرسی باشد، لازم به نظر می رسد. اساساً این موافقتنامه بدین منظور در مجموعه موافقتنامه های دورارو گونه گنجانده شده که کشورها با توسل به خدمات اینگونه موسسات موانع غیر ضروری و ناعادلانه ای را بر سر راه تجارت میان یکدیگر ایجاد نکنند و رویه هایی که در این موافقتنامه پیش بینی شده با هدف به حداقل رساندن فرآیند بازرسی و رفع اختلافات احتمالی تنظیم گردیده است. در حالیکه در تدوین مقررات مربوط به موسسات بازرسی در ایران، چنین نگرشی در جهت تسهیل مبادلات تجاری مد نظر نبوده است. به هر حال، موافقتنامه بازرسی قبل از حمل از جمله موافقتنامه هایی نیست که مشکلات حادی را متوجه دستگاه های مربوطه سازد.

موافقتنامه قواعد مبدأ

امروزه تحولات سریعی که در زمینه فن آوری و تقسیم کار بین‌المللی بر حسب مزیت‌های نسبی و رقابتی پدید آمده است، گستردگی زنجیره تولید صنعتی از یک کشور به چند و یا چندین کشور را موجب شده و در تولید یک محصول نهایی ممکن است کشورهای متعددی نقش داشته باشند. از طرفی روند همگرایی‌های منطقه‌ای و تشکیل مناطق آزاد تجاری و اتحادیه‌های گمرکی و ایجاد پیمان‌های تجاری منطقه‌ای از شتاب روز افزونی برخوردار شده که به موجب آن کشورها به اعطای ترجیحات تعرفه‌ای به کشورهای هم پیمان خود مبادرت می‌ورزند. از این رو دانستن اینکه یک کالا ساخت چه کشوری است اهمیت بیشتری یافته است و کشورها برای این منظور روش‌ها و قواعد مختلفی را وضع کرده‌اند.

قوانین مبدأ (Rules of Origin) ویژگی‌هایی را که برای تعریف این موضوع که کالا در کجا تولید شده است ارائه می‌کند. قوانین مبدأ جزء مهمی از قوانین تجاری است چرا که در برخی سیاست‌ها میان کشورهای صادرکننده تبعیض قائل می‌شود. این تبعیض‌ها عبارتند از: سهمیه‌ها و نرخ‌های تعرفه ترجیحی، عملیات ضد دامپینگ، عوارض گمرکی جبرانی به منظور مقابله با سوبسیدهای صادراتی و غیره. قوانین مبدأ برای تهیه آمار تجاری نیز حائز اهمیت هستند. این رویه با روند جهانی شدن و رویه‌ای که یک کالا در کشورهای مختلف پردازش می‌شود پیچیده تر شده است.

با توجه به اهمیت مطلب و به منظور اجتناب از اینکه قوانین مبدأ متعدد و مختلف کشورها خود تبدیل به مانعی فرا راه تجارت شود و به حقوق اعضا سازمان تجارت جهانی به موجب گات ۹۴ لطمه زند و به منظور تضمین اینکه قواعد مبدأ به گونه‌ای منصفانه، شفاف، قابل پیش‌بینی، منطقی و بیطرفانه تهیه و اعمال شوند، در دور اروگوئه مذاکرات برای تعیین ضوابط و تعهدات کشورهای عضو انجام و منجر به ایجاد موافقتنامه قواعد مبدأ گردید. مهمترین کاربردهای قواعد مبدأ به اعمال رجحان‌های تجاری ترتیبات منطقه‌ای، اقدامات حفاظتی، اقدامات جبرانی، محدودیتهای مقداری و سهمیه‌های تعرفه‌ای بر می‌گردد. بطور کلی قواعد مبدأ نباید بعنوان ابزار تعقیب مستقیم یا غیر مستقیم اهداف تجاری مورد استفاده قرار گیرند و این قواعد باید به نحوی غیر تبعیض آمیز اعمال شوند. در قواعد مبدأ باید مقرر گردد مبدأ کالا کشور یا محلی است که کالا کلاً در آنجا بدست آمده یا چنانچه بیش از یک کشور در تولید آن کالا دخالت داشته باشد، کشوری مبدأ کالا محسوب شود که آخرین تغییر شکل اساسی در آنجا صورت گرفته است. همچنین در مواردیکه معیارهای "درصد ارزشی" و "یا" فرآیند ساخت و پردازش کالا" اعمال می‌شود باید روش محاسبه و عملیاتی که سبب تعیین مبدأ برای کالای ذیربط می‌گردد به دقت مشخص شوند. شفافیت، برخورداری از حق استیناف، عدم تأخیر و حفظ رازداری و حفاظت از اطلاعات محرمانه از دیگر الزامات این موافقتنامه است. موافقتنامه قواعد مبدأ فقط ناظر بر قواعد مبدأ غیر ترجیحی بوده و کشورها می‌توانند برای ترتیبات منطقه‌ای و اتحادیه‌های تجاری و گمرکی از قواعد مبدأ ترجیحی نیز برخوردار باشند. این موافقتنامه برای کلیه اعضا سازمان تجارت جهانی لازم الاجرا است.

قواعد مبدأ موجب سهولت در جریان تجارت بین‌المللی می‌گردد و هدف این موافقتنامه در بلندمدت هماهنگ نمودن قواعد مبدأ غیرترجیحی است. نکته اصلی این موافقتنامه رعایت اصل دولت کامله الوداد در مورد قواعد مبدأ می‌باشد ضمن آنکه تصریح شده است که کشورها باید قوانین شان شفاف بوده و اثر تحریف‌کننده‌ای بر تجارت نداشته باشد.

هدف این موافقتنامه رعایت اصل دول کامله الوداد در مورد قواعد مبدأ می‌باشد. از اعضای سازمان تجارت جهانی خواسته شده که اطمینان دهند قواعدشان شفاف بوده و اثر تحریف‌کننده بر تجارت ندارد. اگر چه قواعد مبدأ مورد استفاده در توافقات تجاری ترجیحی (نظیر GSP و کنوانسیون LOME) تحت پوشش این موافقتنامه نمی‌باشد و چنین قواعد ترجیحی مستقلاً توسط اعطاء کنندگان ترجیحات در طرح‌های مربوطه تشریح شده است. با این حال در موافقتنامه مبدأ اعلامیه مشترکی در خصوص قواعد مبدأ ترجیحی پیش‌بینی شده است.

در ماده ۳ موافقتنامه^۱ از اعضا خواسته شده که طبق قواعد مبدأ خود کشوری که به عنوان مبدأ کالایی خاص تعیین می‌شود کشوری باشد که کالا کلاً در آنجا به دست آمده یا چنانچه بیش از یک کشور در تولید آن دخالت داشته باشند کشوری باشد که آخرین تغییر شکل اساسی در آنجا صورت گرفته است.

همچنین در همین ماده آمده است که به مجرد درخواست یک صادرکننده، واردکننده و یا

^۱ - بررسی آمار عضویت ایران روی سازمان جهانی تجارت بر صنعت، ۱۳۷۵، سازمان مدیریت صنعتی، بیژن بیدآباد و همکاران

هر شخص به دلیل موجه، ارزیابی‌های مربوط به تعیین مبدأ یک کالا در سریع‌ترین وقت ممکن و حداکثر ۱۵۰ روز پس از درخواست این ارزیابی به پایان برسد مشروط بر آنکه تمامی منابع لازم تسلیم شده باشد. این ارزیابی‌ها برای ۳ سال اعتبار خواهند داشت مشروط بر آنکه واقعیات و شرایط یکسان باقی بمانند.

موافقتنامه قوانین مبدأ از کشورهای عضو می‌خواهد که قوانین مبدأ آنها شفاف بوده و دارای موانع محدودکننده و اختلال برانگیز بر تجارت بین‌المللی نباشند، به شکل معقولی اداره شود و براساس استانداردهای مثبت شکل بگیرند. به عبارت دیگر آنها باید عنوان کنند که چه چیزی قوانین مبدأ را تأیید نمی‌کند.

در ماده ۴ این موافقتنامه تشکیل کمیته‌ای در مورد قواعد مبدأ و مرکب از نمایندگان هر یک از اعضاء پیش‌بینی شده است. همچنین کمیته‌ای فنی در مورد قواعد مبدأ و تحت نظارت شورای همکاری گمرکی تشکیل می‌گردد بطوری که دبیرخانه شورای همکاری گمرکی به عنوان دبیرخانه کمیته فنی عمل خواهد کرد.

این موافقتنامه برای تمامی کشورهای عضو لازم‌الاجرا است اما در عین حال استثناءهایی به شکل تجارت ترجیحی در آن وجود دارد. به عنوان مثال کشورهایی که یک اتحادیه تجاری تشکیل می‌دهند قادر خواهند بود قوانین مبدأ متفاوتی برای محصولات آنی که در موافقتنامه تجاری آنها درج می‌شود را در نظر بگیرند. موافقتنامه اتحادیه تجاری یک برنامه هماهنگی را ایجاد می‌کند که متکی

بر اصولی است مبتنی بر قابل درک و پیش‌بینی بودن قوانین مبدأ است. این موافقتنامه قرار بود تا ژوئیه ۱۹۹۸ نهائی شود اما چندین بار به تعویق افتاده است. این موافقتنامه به وسیله کمیته قوانین مبدأ در سازمان تجارت جهانی و یک کمیته فنی تحت نظارت سازمان جهانی گمرک در بروکسل اداره می‌شود. نتیجه مذاکرات این کمیته مجموعه قوانینی است که به وسیله تمامی اعضاء در تمامی موقعیت‌ها بکار گرفته شود و دارای برخوردهای ترجیحی با کشورها نباشد.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه قواعد مبدأ

منظور از کشور مبدأ، کشوری است که در آنجا کالا تولید، مونتاژ، پردازش، فرآوری یا تهیه می‌شود. این تعریف تقریباً همان تعریف سازمان جهانی گمرک (WCO) است که در حال حاضر برای تعیین مبدأ در ایران، صرف نظر از چگونگی عمل صادر کننده استفاده می‌شود. معمولاً صادر کننده نخست، در اظهارنامه گمرکی کشور مبدأ را صریحاً قید و اظهار نامه را امضاء می‌کند. گمرک پس از تسلیم اظهارنامه، کالا را معاینه نموده و مراحل زیر را انجام می‌دهد.

- مشخصات فنی کالا را بازرسی و ارزیابی می‌نماید.
- علائم، مارک و نوشته‌های روی کالا یا بسته بندی را با کیفیت کالا مطابقت می‌کند.
- در صورت تردید در مبدأ ساخت، از وزارتخانه‌های صنعتی یا کارشناسان استعلام می‌کند.
- با مراجعه به بازار، مبدأ کالا را سؤال می‌نماید.

پس از تائید گمرک، مجوزی به صادر کننده خارجی تسلیم می‌شود. صادر کننده مجوز گمرک را به اتاق بازرگانی برده و بر حسب اینکه کالا و کشور محل ورود آن (مقصد نهایی) تحت شمول مقررات مربوط به ترجیحات تعرفه‌ای باشد یا خیر، فرم A گواهی مبدأ یا فرم عادی توسط اتاق بازرگانی به صادر کننده تسلیم می‌شود. بعد از صدور گواهی مبدأ صادر کننده با مراجعه به سفارت یا کنسولگری کشور مقصد واقع در ایران، مهر و امضاء اتاق بازرگانی را به تصدیق سفارت یا کنسولگری مربوطه می‌رساند و برای ذینفع در مقصد ارسال می‌دارد. قواعد مبدأ در ایران مبتنی بر

رویه‌ها و تشریفات معمول اداری است و قانون خاصی در این زمینه وجود ندارد و لذا تغییر احتمالی این رویه‌ها و انطباق آن با موافقتنامه مبدا دور اروگوئه سهلتر می‌باشد. لذا با توجه به اینکه ایران معمولاً در ترتیبات و رویه‌های گمرکی، هماهنگی‌های لازم را با شورای همکاری گمرکی به عمل می‌آورد و از روشها و تعاریف و اصطلاحات این شورا بهره می‌جوید و با عنایت به اینکه این شورا در برنامه هماهنگ‌سازی نقش مهمی دارد، می‌توان انتظار داشت که ایران نیز حتی در صورت عدم عضویت در سازمان جهانی تجارت بتواند از این مقررات بین‌المللی و پذیرفته شده در زمینه قواعد مبدا پیروی کند و مشکل خاصی متوجه کشور نیست.

موافقتنامه رویه‌های صدور مجوز ورود

موافقتنامه رویه‌های صدور مجوز ورود (ILP)، محصول دور توکیو است که بعداً در دور اروگوئه تکمیل گردید. با توجه به اینکه رویه‌های صدور مجوز ورود یکی از مصادیق جدی موانع غیر تعرفه‌ای به شمار می‌رود و با توجه به اینکه تعداد قابل توجهی از کشورهای در حال توسعه در راستای نیازهای تجاری، توسعه‌ای و مالی خاص خود از رویه‌های صدور مجوز ورود استفاده می‌کنند، به منظور اینکه استفاده از این رویه‌ها به گونه‌ای مغایر با اصول تعهدات گات ۱۹۹۴ صورت نگیرد، تعهدات کشورهای استفاده‌کننده عضو از این رویه‌ها در چارچوب این موافقتنامه تعیین شده است.

برخلاف روند گذشته، جواز واردات در سازمان تجارت جهانی مشمول مقررات خاص است. موافقتنامه جواز واردات حاوی این نکته است که پروسه جواز باید ساده شفاف و قابل پیش‌بینی باشد. به عنوان مثال، موافقتنامه از دولت‌ها می‌خواهد که اطلاعات کافی در مورد نحوه اعطای جواز واردات برای تجار منتشر کنند. این موافقتنامه همچنین از دولت‌ها می‌خواهد که چگونه کشورها باید سازمان جهانی را از تغییر پروسه موجود و یا معرفی پروسه جدید جواز واردات مطلع سازند. به علاوه موافقتنامه خطوط راهنمایی را برای ارزیابی دولت‌ها از پروسه جوازهای واردات ارائه کرده است.

برخی از این جوازها به طور خودکار اعطاء می‌شوند اگر شرایط مشخصی برآورده شده باشد. موافقتنامه ویژگی‌هایی را برای اعطای جوازهای وارداتی مشخص کرده است تا این پروسه‌ها به

عنوان مانعی محدودکننده برای گسترش تجارت تلقی نشوند. در عین حال برخی دیگر از جوازاها به طور خودکار اعطاء نمی‌شود. در این مورد موافقتنامه سعی دارد که عوامل محدودکننده و مانع را به حداقل ممکن برساند تا کارهای اداری تجارت را محدود نکند. موافقتنامه عنوان می‌دارد که سازمان‌های دخیل در امر اعطای جواز نباید بیش از ۳۰ روز درگیر ارزیابی یک تقاضا باشند. (۶۰ روز در صورتی که تمامی تقاضاها با یکدیگر ارزیابی شوند).

در این موافقتنامه صدور مجوز به عنوان رویه اداری مورد استفاده برای اجرای رژیم‌های صدور مجوز ورود تعریف شده است. که مستلزم تسلیم درخواست یا سایر اسناد به دستگاه‌های اداری مربوطه می‌باشد. در موافقتنامه، اعضا تضمین کرده‌اند که به منظور جلوگیری از انحراف در تجارت که ممکن است از اعمال نامناسب این رویه‌ها ایجاد شود، رویه‌های اداری مورد استفاده برای صدور مجوز ورود را با در نظر گرفتن اهداف توسعه اقتصادی و نیازهای مالی و تجاری کشورهای در حال توسعه عضو به ترتیبی که در موافقتنامه تفسیر شده انطباق دهند.

در ماده ۵ موافقتنامه^۱ تصریح شده است که قواعد و تمام اطلاعات مربوط به رویه‌های تسلیم درخواست و فهرست محصولات^۱ که برای آنها صدور مجوز لازم است باید به کمیته صدور مجوز ورود اطلاع داده شود و به گونه‌ای منتشر شود که دولت و تجار از آنها آگاهی یابند. متقاضیان مجوز ورود تنها باید با یک دستگاه اداری تماس بگیرند. اگر تماس با بیش از یک رکن اداری کاملاً

^۱ - بررسی آمار عضویت ایران روی سازمان جهانی تجارت بر صنعت، ۱۳۷۵، سازمان مدیریت صنعتی، بیژن بیدآباد و همکاران

اجتناب ناپذیر باشد، متقاضیان الزامی ندارند که با بیش از ۳ رکن اداری در تماس باشند. طبق ماده ۵ موافقتنامه، کشورهای که رویه‌هایی را برای صدور مجوز وضع می‌کنند یا در آنها تغییرات بوجود می‌آورند، مراتب را ظرف ۶۰ روز پس از انتشار باید به اطلاع کمیته صدور مجوز (مرکب از نمایندگان هر یک از اعضا) برسانند.

به طور کلی و براساس تعاریف بعمل آمده در این موافقتنامه، رویه‌های صدور مجوز ورود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- رویه‌های صدور مجوز خودکار (اتوماتیک). رویه‌های صدور مجوز خودکار رویه‌هایی هستند که بر واردات کالاهای مشمول مجوز، اثرات محدود کننده تجاری نداشته باشند یعنی اینکه هر شخصی که الزامات حقوقی مربوطه را برای فعالیت در عملیات وارداتی محصول مشمول مجوز رعایت کند، واجد شرایط برای درخواست و اخذ مجوز ورود باشد و همچنین درخواستهای مجوز را در هر روز کاری قبل از ترخیص کالا از گمرک بتوان تسلیم نمود و درخواستهای اخذ مجوز ورود فوراً و حداکثر ظرف ده روز کاری مورد موافقت قرار گیرد.
 - ۲- رویه‌های صدور مجوز غیر خودکار (غیر اتوماتیک). هرگونه رویه‌ای خارج از دامنه تعریف رویه‌های صدور مجوز خودکار، آن را در زمره رویه‌های غیر خودکار قرار خواهد داد.
- اطلاعی‌های مربوط به وضع رویه‌های صدور مجوز در برگیرنده اطلاعات زیر خواهد بود:

- ۱- فهرست محصولات مشمول رویه‌های صدور مجوز

- ۲- محل تماس جهت کسب اطلاعات راجع به شرایط لازم برای پذیرفته شدن
 - ۳- ارکان اداری برای تسلیم درخواست‌ها
 - ۴- تاریخ و نام نشریه‌ای که رویه صدور مجوز در آن منتشر شده است.
 - ۵- مشخص ساختن این امر که آیا رویه صدور مجوز اتوماتیک یا غیراتوماتیک است.
 - ۶- ذکر هدف اداری در مورد رویه‌های صدور اتوماتیک مجوز ورود.
 - ۷- در مورد رویه‌های صدور غیر اتوماتیک مجوز ورود اشاره به اقدامی که می‌بایست در جریان رویه صدور مجوز انجام پذیرد.
 - ۸- ذکر مدت مورد انتظار برای اجرای رویه صدور مجوز چنانچه بتوان این مدت را با درجه‌ای از احتمال تعیین نمود و در غیر این صورت ذکر دلیل عدم ارائه این اطلاعات.
- در مواد ۲ و ۳ موافقتنامه رویه‌های صدور اتوماتیک و غیر اتوماتیک مجوز ورود با جزئیات تشریح گردیده است که در هر حال نباید اثرات محدودکننده یا انحرافی بر واردات داشته باشند. شایان ذکر است که با توجه حرکت‌های اخیر کشورها در جهت مقررات‌زدایی در رژیم‌های تجاری‌شان از حجم تجارتی که تحت پوشش مجوزهای وارداتی است به میزان زیاد کاسته شده است. با این حال در این موافقتنامه دستورالعمل‌های مهمی برای آن بخش از تجارت که عمدتاً به کشورهای در حال توسعه مرتبط می‌شود ارائه گردیده است و از کشورها خواسته شده است حتی‌الامکان در وضع این مجوزها سهولت، شفافیت و قابلیت پیش‌بینی را رعایت کنند.
- کلیه اعضا تشویق و ترغیب شده‌اند در صورت لزوم از رویه‌های صدور مجوز خودکار

استفاده بعمل آورند. همچنین پاسخ به تقاضاهای مجوز ورود غیر خودکار نایستی از شصت روز تجاوز کند. به موجب موافقتنامه حاضر هیچیک از اعضا نمی تواند متقاضیان درخواست اخذ مجوز ورود را به بیش از سه رکن اداری ارجاع دهد. همچنین در رویه های صدور مجوز غیر خودکار چنانچه محدودیتهای مقداری و سهمیه اعمال می شود، باید میزان تخصیص این سهمیه ها به کشورهای ذینفع اطلاع داده شود و در تخصیص سهمیه ها توجه لازم به مقادیر اقتصادی و امکان واردات از منابع دور دست صورت گیرد.

این موافقتنامه برای کلیه اعضا سازمان تجارت جهانی لازم الاجرا است .

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه صدور مجوز ورود

در ایران غالباً مجوزهایی که برای واردات برقرار می‌شوند، محدود کننده می‌باشند. وضع مجوز برای هر ردیف یا گروه کالا، به منزله آن است که ورود آن ردیف یا گروه از کالاها به دلایل اقتصادی (حمایت از تولید کننده یا مصرف کننده) مستلزم بررسی و اعمال ضوابط خاصی تا حصول اطمینان از ساخت یا عدم ساخت یا تولید در داخل، همچنین سقف و میزان معینی که باید هنگام ورود رعایت شود، می‌باشد. بندرت اتفاق می‌افتد که وضع مجوز به منظور جلوگیری از واردات کالاهای با کیفیت نازل صورت گیرد. در صدور مجوزهای ورود برای کالاهای به اصطلاح «مشروط» طبق ماده ۲ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب مهرماه ۱۳۷۲ و ماده ۲ آییننامه اجرائی قانون مقررات صادرات و واردات مصوب اردیبهشت ۱۳۷۳ و مصوبه شماره ۵۹۱۷۴/ت/۲۱۰۹۲ هیأت وزیران مورخ ۱۳۷۹/۲/۲۳ تقریباً در مورد تمامی کالاهای مشروط اجازه وزارت بازرگانی مورد نیاز است و وزارتخانه‌های دیگر نظیر صنایع، کشاورزی، معادن، دفاع، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، نفت و مشابه آن در موارد مختلف بایست اقدام به صدور مجوز ورود نمایند.

مجوزهایی که برای صادرات برقرار می‌شود، بیش از هر چیز به حمایت دولت از مصرف کنندگان داخلی اعم از واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی و مصرف کنندگان عادی که کالا را مستقیماً برای رفع نیازهای روزمره استفاده می‌کنند مربوط می‌شود. در ایران علاوه بر وزارت بازرگانی که همچون مورد واردات بیشتر مجوزها را در اختیار دارد. وزارتخانه‌های صنایع،

کشاورزی، معادن، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی نیز مرجع صدور مجوزهای صادرات می‌باشند.

برای اخذ مجوز ورود کالاهای مشروط بر حسب اینکه مجوز ورود در وزارت‌های مختلف

صادر شود باید مراحل ذیل طی گردد:

- ۱- ارائه پیش فاکتور به وزارتخانه ذیربط
 - ۲- ارائه کاتالوگ یا شرح جزئیات کالا و در مورد مواد شیمیایی ارائه بروشور
 - ۳- ارائه نمونه در صورتی که برای صدور مجوز نیاز باشد
 - ۴- تطبیق مشخصات کالا با ضوابط مورد نظر برای صدور مجوز که ممکن است:
 - در رابطه با ساخت یا عدم ساخت باشد که به محدودیت‌های متنوع صنعت یا صنف بستگی دارد.
 - در رابطه با رعایت سقف معینی از کالاهای وارداتی باشد به نحوی که برآوردهای رسمی انجام شده از تولید و مصرف داخلی سقف واردات را مشخص می‌نمایند.
 - ۵- استعلام از واحدهای تولیدی در زمینه ساخت یا عدم ساخت.
 - ۶- جمع آوری اطلاعات از واحدهای تولیدی در زمینه میزان تولید و غیره.
- در صورتی که کالا در داخل ساخته شود، تعرفه را اداره تعیین ارزش تعرفه گمرک محاسبه

می‌کند و به دلیل ساخت داخلی کالا تعرفه را نیز بالا حساب می‌کند.

در صورت بروز اختلاف در ساخت یا عدم ساخت کالا، موضوع در کمیسیون‌هایی که به موجب مقررات صادرات و واردات برای رفع اختلاف بین صاحب کالای مورد سفارش و واحد صدور مجوز وزارتخانه ذیربط تشکیل می‌شود، مطرح می‌گردد. علاوه بر مجوزها، گواهینامه‌هایی برای واردات و صادرات مطرح هستند که در مورد واردات عبارتند از:

- گواهی استانداردهای اجباری برای برخی از اقلام (مانند مواد غذایی)
- گواهی بهداشت (مانند اقلام بهداشتی، آرایشی، غذایی و دارو). اخذ این گواهی از بورکراسی پیچیده‌ای برخوردار است و بسیار طولانی و زمان‌بر می‌باشد. در این ارتباط گاه صدور مجوز به اخذ پاسخ آزمایشات مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی منوط می‌شود. اخیراً گواهی‌های مصرف کالای مربوطه در اروپا نیز خواسته می‌شود که بر مشکلات فوق می‌افزاید. این گواهی به EU-Sale معروف شده است و بر مبنای آن واردکننده باید با ارائه مدارک ثابت کند که این کالا در اروپا به مصرف می‌رسد.
- گواهی قرنطینه دامی و یا نباتی
- گواهی سازمان انرژی اتمی
- گواهی وزارت ارشاد اسلامی
- گواهی وزارت پست و تلگراف و تلفن
- گواهی وزارت نیرو

- سایر گواهی‌ها حسب مورد

برای صادرات نیز عیناً موارد فوق اعمال می‌شود. در خصوص واردات کالا الزامات قانونی متعددی وجود دارد که عبارتند از:

- ۱- ثبت سفارش در وزارت بازرگانی
- ۲- بیمه کالا نزد شرکت‌های بیمه. غالباً تجار بیمه‌های ایرانی را اختیار می‌کنند.
- ۳- استفاده از وسایل حمل و نقل. استفاده از وسایل حمل و نقل ایرانی تخفیف‌هایی برای بازرگانان ایرانی را شامل می‌شود.
- ۴- واردات در مقابل صادرات
 - منحصراً توسط صادرکننده
 - با ارز حاصل از صادرات صادرکنندگان که واردکننده از آنها خریداری کرده است.
- ۵- واردات قبل از صادرات
- ۶- واردات از محل مبادلات مرزی
- ۷- واردات از محل پایاپای مرزی (پيله وری)
- ۸- واردات از محل ارزش خدمات ایرانیان شاغل در خارج
- ۹- واردات از محل قراردادهای موسوم به بیع متقابل بصورت Truck System
- ۱۰- واردات در مقابل دریافت مزد بصورت ارز (بیشتر در مورد متخصصین)
- ۱۱- واردات بدون انتقال ارز (همواره در شمول موارد کالاها دچار تغییر است)

۱۲- سایر موارد

هر یک از موارد فوق الذکر می‌تواند بعنوان یک الزام قانونی مطرح باشد و واردکنندگان حسب مورد ملزم به رعایت آنها هستند. گرچه باید اذعان داشت که ضوابط فوق در اجرا مشکلات بیشتری را نیز ایجاد می‌نماید. برای مثال بسیار اتفاق می‌افتد که محموله وارداتی به گمرک می‌رسد و اداره گمرک نمونه‌هایی از آن را به آزمایشگاهها می‌فرستد و دریافت جواب چندین ماه به طول می‌انجامد و نهایتاً در صورت مثبت بودن جواب آزمایشگاه هزینه انبارداری نیز بر واردکننده تحمیل می‌گردد.

سیستم بانکی ایران در عرصه خدمات بانکی بین‌المللی فعال نیست و مشکلات عدیده‌ای از بابت عدم فعالیت در این زمینه‌ها و مشکلات ناشی از قانون بانکداری بدون ربا باعث وارد آمدن بار مالی و زمانی زیادی به تجار می‌شود. برای مثال سیستم بانکی در زمینه گشایش اعتبار برای کالای ترانزیت مشکل دارد و تاجر باید کالا را یکبار وارد نماید و مجدداً صادر نماید. این عمل موجب انجام تمام تشریفات واردات و صادرات برای آن کالا است. در این ارتباط بانکهای کشورهای حاشیه‌ای به سرعت اقدام به گشایش اعتبارات اسنادی می‌نمایند و منافع آن نیز عاید همان بانکها می‌شود. گاه حتی برای افتتاح اعتبارات اسنادی بانکهای مزبور منابع اعتباری نیز در اختیار بازرگان قرار می‌دهند تا پس از واردات و فروش کالا آن را پرداخت نماید. در سیستم بانکی ایران استفاده از این اعتبار بسیار مشکل است. اول واردکننده باید کالا را وارد کند و سپس آن را به بانک بفروشد. مجدداً آن را از بانک خریداری کند که بتواند از این طریق از تسهیلات واردات استفاده نماید.

در مورد صادرات نیز الزاماتی نظیر قیمت گذاری، پیمان ارزی و فروش ارز به نرخ تعیین شده به بانک مرکزی مطرح بوده که تدریجاً از بین رفته است. براساس قانون معافیت صادرات کالا و خدمات از پرداخت عوارض مصوب اسفند ۱۳۷۹ صادرات کالا و خدمات از پرداخت هرگونه عوارض معاف می‌باشند و هیچیک از وزارتخانه‌ها، سازمانها، نهادها، دستگاههای اجرایی، شهرداریها و شوراهای محلی، استانی و کشوری مجاز نیستند که از کالاها یا خدماتی که صادر می‌شوند عوارض اخذ نمایند یا مجوز اخذ آن را صادر کنند.

مقایسه الزامات قانونی مجوز ورود در ایران با موافقتنامه صدور مجوز ورود نشان می‌دهد که رویه‌های اداری ایران با مفاد این موافقتنامه فاصله زیادی دارد. اولاً دستگاه‌های زیادی در ایران در صدور مجوز ورود دخالت دارند و ثانیاً گواهینامه‌های متعددی در رابطه با واردات برخی از کالاها مورد نیاز است و این خود تعداد دستگاه‌های اداری را بیشتر می‌کند، رعایت اصل سهولت که در موافقتنامه مورد تاکید قرار گرفته، را دچار مشکل می‌سازد. علاوه بر این مکانیزم صدور اتوماتیک مجوز ورود در رویه‌های اداری ایران وجود ندارد.

تغییرات مکرر در مقررات اداری مربوط به صدور مجوزهای ورود و عدم انتشار عمومی و بموقع این تغییرات و عدم اطلاع دولت‌ها و تجار خارجی از آنها نیز از دیگر موارد عدم تطابق رویه‌های صدور مجوز در ایران با مفاد موافقتنامه صدور مجوز دور اروگوئه می‌باشد. البته علیرغم این نقاط افتراق، باید متذکر شد که موافقتنامه مزبور، از جمله موافقتنامه‌هایی نیست که مستلزم تغییرات زیادی در رژیم تجاری ایران باشد.

موافقتنامه عمومی تجارت خدمات

با توجه به نقش خدمات در تجارت کالا و حجم قابل توجه تجارت خدمات از کل تجارت جهان، در حالیکه تا پیش از دور اروگوئه آزاد سازی تجاری صرفاً به کالا محدود می‌شد، نیاز به وجود یک چارچوب حقوقی منسجم در خصوص تجارت خدمات، منجر به طرح موضوع در مذاکرات دور اروگوئه گردید. حاصل این مذاکرات، موافقتنامه عمومی تجارت خدمات می‌باشد که از ژانویه سال ۱۹۹۵ به اجرا گذاشته شد.

موافقتنامه تجارت خدمات (GATS)، در برگیرنده اصول و قواعد چند جانبه‌ای برای تجارت خدمات با هدف آزاد سازی تدریجی آن و به عنوان وسیله‌ای برای رشد اقتصادی تمامی طرف‌های تجاری و توسعه کشورهای در حال توسعه می‌باشد. در این موافقتنامه از کشورها خواسته شده ضمن فراهم کردن تسهیلات لازم برای مشارکت بیشتر در تجارت بین‌المللی خدمات، ظرفیت داخلی بخش خدمات و کارآیی و رقابت پذیری آن را تقویت کنند.

موافقتنامه عمومی تجارت خدمات بین تعهدات و نظامات کلی که تمامی طرف‌ها با امضای موافقتنامه آنها را می‌پذیرند (که مهمترین آنها تعمیم شرط اصل دول کامله الوداد به بخش خدمات است) برای تعهدات خاص هر بخش در مورد دسترسی به بازار، رفتار ملی و دیگر تعهدات اضافی که موضوع مذاکرات معینی است و در جدول تعهدات قید می‌شود، تمایز قایل شده است. در واقع یکی از نکات بسیار مهم این موافقتنامه که مرهون تلاش کشورهای در حال توسعه است، در همین

تمایز تعهدات نهفته است. بدین معنی که پذیرش چارچوب موافقتنامه به عنوان قبول تعهدات کلی، به منزله اعطای امتیاز جهت دسترسی به بخش خدماتی خاص نمی‌باشد. بلکه قبول تعهدات در مورد هر بخش خدمات و اعطای امتیاز دسترسی دیگر اعضای گات به آن بخش موضوعی است که در مذاکرات مربوط به تنظیم جداول تعهدات هر کشور و به تناسب بخش‌ها و یا زیربخش‌هایی که آزاد سازی آنها با استراتژی‌های توسعه کشورها سازگاری دارد مورد بحث قرار می‌گیرد. در موافقتنامه ۴ شیوه عرضه خدمات پیش‌بینی شده است:

- ۱- عرضه از طریق مرزها، استفاده کننده، خدمات را از عرضه کننده‌ای که در کشور دیگری مستقر است دریافت می‌دارد.
- ۲- مصرف در خارج، استفاده کننده، خدمات را در خارج از کشور محل اقامت خود مصرف می‌کند.
- ۳- حضور تجاری، عرضه کننده خدمات، تسهیلات خدماتی خود را در کشور مصرف کننده خدمات تأسیس می‌کند.
- ۴- جابجایی اشخاص حقیقی، عرضه کننده خدمات به عنوان شخص حقیقی بطور موقت در کشور مصرف کننده خدمات حضور دارد.

همانطور که گفته شد، اصل دول کامله الوداد، جزء تعهدات کلی موافقتنامه تجارت خدمات است که تمامی اعضاء باید آن را در قبال یکدیگر رعایت نمایند. اصل استثنائات و معافیت‌های معینی نیز دارد. رعایت دیگر اصول گات نظیر رفتار ملی و دسترسی به بازار تنها در مورد بخش‌ها، زیر

بخش‌ها و شیوه‌های عرضه خدماتی قابل اعمال است که هر کشور در جداول تعهدات خود آنها را پذیرفته باشد. در موافقتنامه تجارت خدمات این حق برای کشورهای در حال توسعه پذیرفته شده که می‌توانند آزادسازی بخش‌های خدماتی خود را مشروط به انجام اقداماتی از سوی دیگر اعضا (بویژه کشورهای پیشرفته) کنند که آنها را در تقویت بخش‌های خدماتیشان - مثلاً از طریق دسترسی به شبکه‌های اطلاعاتی و کانال‌های توزیع یا دسترسی به تکنولوژی - کمک نمایند.

بر مبنای این موافقتنامه خدمات به ۱۲ بخش و ۱۵۵ زیر بخش تقسیم شده اند که از مهمترین آنها می‌توان خدمات مالی شامل (بانک و بیمه)، مخابرات، حمل و نقل، ساختمان، گردشگری، خدمات بازرگانی و خدمات حرفه‌ای را نام برد. همچنین در این موافقتنامه به واسطه ماهیت متفاوت خدمات و کالا، چهار شیوه عرضه برای خدمات تعریف شده است که شامل موارد زیر است:

- حضور تجاری عرضه کننده خدمات در کشور مصرف کننده
- حضور مصرف کننده در کشور عرضه کننده
- عبور خدمات از مرز
- عبور موقت اشخاص حقیقی

ساختار موافقتنامه خدمات انعطاف پذیر است و کشورها می‌توانند بر اساس نتایج مذاکرات خود با سایر اعضا سازمان در برخی بخشها و شیوه‌های عرضه خدمات، تعهداتی را بپذیرند و مقررات داخلی خود را در آن بخشها با مفاد موافقتنامه سازگار نمایند. اصول این موافقتنامه شامل اصل

دولتهای کامله الوداد، رفتار ملی و شفافیت می باشد.

براساس این موافقتنامه کشورها متعهد به آزادسازی تدریجی به منظور گسترش دسترسی به بازار خدمات گردیده اند که از طریق ادوار مذاکراتی متوالی صورت می گیرد. اولین دور مذاکرات آزادسازی تجارت خدمات از ژانویه سال ۲۰۰۰ آغاز گردیده است و در حال حاضر ادامه دارد. نتایج این مذاکرات در جداول تعهدات خاص هر کشور که جزء لاینفک موافقتنامه تلقی می گردد، گنجانده می شود.

با توجه به اهداف موافقتنامه عمومی گات راجع به تجارت خدمات در خصوص جابجایی اشخاص حقیقی نیز به منظور ایجاد توازن در منافع حاصل تصمیماتی اتخاذ گردیده است. به منظور تسهیل در دستیابی شرکت کنندگان به سطوح بالاتر خدمات، مذاکرات در مورد آزادسازی بیشتر، با توجه به ضمیمه موافقتنامه تجارت خدمات در خصوص جابجایی افراد، کشورهای عضو می توانند تعهداتی را در خصوص افراد عادی (نمایندگیهای عرضه کنندگان خدمات، مدیران اجرایی، متخصصان) اعمال کنند.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه تجارت خدمات

در ایران آنچه که به بخش صنعت در مجموعه فعالیتهای خدماتی مربوط می‌شود، خدمات فنی و مهندسی است. در طبقه‌بندی‌های سازمان تجارت جهانی، این نوع خدمات، زیر بخش خدمات تجاری و در زمره خدمات مهندسی (Engineering Services) قرار دارند. بر طبق مفاد موافقتنامه خدمات و در قالب تعهدات خاص این موافقتنامه، دادن امتیاز در مورد خدمات فنی و مهندسی به این معنا است که این بخش در اقتصاد صنعتی ما به سطحی از توسعه رسیده که می‌تواند در مقابل صادرات خدمات مهندسی کشورهای دیگر، بویژه کشورهای پیشرفته رقابت کند. این امر مستلزم شناخت کامل و دقیق از وضعیت خدمات مهندسی در ایران، کیفیت این خدمات، توان رقابتی شرکت‌های فعال در این زمینه، میزان صادرات آنها و دیگر شاخص‌های مربوطه است. اگر چه اطلاعات اقتصادی جهت مقایسه و ارزیابی در این زمینه عملاً وجود ندارد. اما با توجه به جوان بودن این گونه خدمات در مجموعه فعالیت‌های مهندسی کشور می‌توان گفت که ایران هنوز تا رسیدن به مرحله رقابت پذیری در زمینه صدور خدمات مهندسی در بازارهای جهانی راه درازی در پیش رو دارد و لذا دادن امتیاز در این بخش، پتانسیل‌های اولیه این بخش خدماتی را دچار مشکل می‌سازد. اما از آنجا که از نظر اقتصادی، بهره‌وری صادرات این بخش به مراتب بیش از صادرات کالا است، می‌تواند که در قالب حمایت‌های منطقی و جهت دار، زمینه‌های رشد و توسعه آن با هدف حضور در بازارهای بین‌المللی فراهم گردد. طبعاً چگونگی حضور در صحنه‌های بین‌المللی، مستلزم شناخت کافی از این بخش می‌باشد و باید توجه داشت که خدمات فنی و مهندسی تنها به فعالیت‌های صنعتی در محدوده

وزارت صنایع و شرکت‌های تابعه منحصر نمی‌گردد، بلکه صنایع نفت و پتروشیمی و نیرو نیز باید

مورد توجه قرار گیرد.

موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری

پیشرفت‌های سریع تکنولوژیک در سال‌های اخیر - بویژه در حیطه تکنولوژی‌های اطلاعاتی، علاوه بر ایجاد بازارهای جدید، فرآیندهای تولید و نوآوری را کاملاً متحول ساخته و ماهیت رقابت‌های بین‌المللی را دگرگون ساخته است. از سوی دیگر رشد تکنولوژیک برخی از کشورهای در حال توسعه، ضمن بالا بردن قدرت رقابتی و افزایش صادرات محصولات صنعتی آنها به بازارهای جهانی، موجب گردیده که مزیت‌های نسبی سنتی ممالک پیشرفته مورد تهدید قرار گیرد. این تحولات و نیز جهانی شدن ماهیت رقابت‌های تجاری، سبب گردیده که کشورهای توسعه یافته برای حفظ قدرت رقابت و سهم خود در بازارهای بین‌المللی به استراتژی‌های دیگری روی آورند که اساس آنها بر حمایت از حقوق مالکیت معنوی یا حمایت از حیطه‌هایی استوار است که بر دانش و اطلاعات متکی می‌باشند.

بعبارت دیگر کشورهای پیشرفته بعلت ورود رقبای جدید به بازارهای جهانی (بویژه کشورهای تازه صنعتی شده) و افزایش نگرانی آنها در از دست دادن تدریجی قدرت رقابتی خود در حیطه‌هایی که قبلاً در آنها از مزیت نسبی برخوردار بودند، درصدد برآمدند تا مالکیت معنوی را بعنوان اساس مزیت‌های نسبی جدید خود مطرح و آن را در قالب توافقات بین‌المللی قاعده‌مند سازند. این امر در سال‌های اخیر از اهمیت زیادی نزد ممالک توسعه یافته برخوردار شده و در برخی موارد موجب بروز تنش‌های تجاری نیز گردیده که حتی به اقدامات جبرانی از سوی این کشورها نیز منجر شده است.

بطور مثال آمریکا در قانون تجارت و تعرفه مصوب ۱۹۸۴ خود، اعطای ترجیحات تعرفه‌ای (در قالب GSP) به کشورهای در حال توسعه را، منوط به حمایت کافی و موثر این کشورها از حقوق مالکیت معنوی نموده است. بخش ۳۰۱ این قانون، رئیس جمهور آمریکا را مجاز دانسته که تجارت با کشورهایی که به رویه‌های تجاری ناموجه و غیرمنطقی مبادرت می‌ورزند، محدود نماید. این اقدامات محدود کننده تجاری در قانون تجارت مصوب ۱۹۸۸ آمریکا نیز به شکل حادثی دیده شده است. در این قانون به نمایندگی بازرگانی آمریکا اختیار داده شده که ضمن تهیه فهرستی از اسامی کشورهایی که ناقض حقوق مالکیت معنوی هستند، با اعلام یک ضرب الاجل تعیین شده، مجازات‌های تجاری بر علیه آنها اعمال نماید. اتحادیه اروپا نیز در معاملات تجاری خود با کشورهای در حال توسعه، موضوع حمایت از مالکیت معنوی را دنبال کرده و این اختیار را برای خود قائل است که در صورت نقض این حقوق، به اقدامات یکجانبه متوسل گردد.

موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (TRIPs) به عنوان یکی از مهمترین اسناد در دور اروگوئه پس از مذاکرات فراوان در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ مورد توافق نهایی قرار گرفت. این موافقتنامه که هم چنین یکی از سه رکن اصلی موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی (موافقتنامه‌های مربوط به تجارت کالا، موافقتنامه مربوط به تجارت خدمات، موافقتنامه مربوط به حقوق مالکیت فکری) است، از اسناد غیر قابل تفکیک دور اروگوئه محسوب گردیده و از جامعترین و کاملترین موافقتنامه‌ها در خصوص حقوق مالکیت فکری به شمار می‌آید که تاکنون در سطح بین‌المللی وجود داشته است. از مهمترین ویژگیهای این موافقتنامه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- موافقتنامه TRIPs از نظر پوشش، انواع مختلف حقوق مالکیت فکری از قبیل حق نسخه برداری و حقوق جانبی (حقوق اجرا کنندگان، تولید کنندگان آثار صوتی، و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی)، علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرحهای صنعتی، حق اختراع، طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه چپها (Integrated Circuits) و اطلاعات افشاء نشده را شامل می‌گردد.
- ۲- موافقتنامه TRIPs ضمن تعیین استانداردهای حداقلی به برخی از کنوانسیونهای سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) از قبیل کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از اجرا کنندگان و تولید کنندگان آثار صوتی و سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی (کنوانسیون رم) و معاهده مالکیت فکری در خصوص طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه (معاهده واشنگتن) اشاره نموده و مقررات ماهوی آنها را لازم الاجرا دانسته است.
- ۳- موافقتنامه TRIPs با تأکید بر مسأله اجرا به مواردی از قبیل رویه‌های اداری، مدنی و کیفری اشاره نموده و قواعدی را در خصوص اقدامات موقتی و تأمین و رویه‌های خاصی را جهت اجرا در مرزها بیان می‌دارد.
- ۴- موافقتنامه TRIPs در خصوص حل و فصل دعاوی میان اعضای سازمان تجارت جهانی، رکن حل اختلاف را صالح در رسیدگی دانسته و برابر تفاهم نامه حل اختلاف، موضوع به رکن حل اختلاف ارجاع و در آنجا رای نهایی صادر خواهد شد.

مقررات مربوط به حمایت از حق اختراعات، یکی از مهمترین جنبه‌های این موافقتنامه می‌باشد. طبق ماده ۲۷ موافقتنامه، تمامی اختراعات اعم از تولیدات یا مراحل پردازش در کلیه زمینه‌های تکنولوژیک و بدون اعمال تبعیض بر حسب مکان اختراع و اینکه محصول وارداتی است یا تولید داخلی، باید مورد حمایت قرار گیرند. طبق این ماده هرگونه برخورد متفاوت با اختراعات براساس مکانی که اختراع در آنجا صورت گرفته غیرمجاز می‌باشد. البته این حمایت‌ها شامل اختراعاتی نمی‌گردد که بهره‌برداری تجاری از آنها به دلیل نظم عمومی و اخلاقی ممنوع شده باشد. اختراعاتی که برای زندگی انسان، حیوان و نبات و نیز محیط زیست مضر باشند مشمول حمایت قرار ندارند.

در زمینه کپی رایت و حقوق مربوطه، در موافقتنامه تصریح شده است که اعضاء باید مقررات اساسی کنوانسیون برن را (تجدید نظر شده در سال ۱۹۷۱) در زمینه حمایت از آثار ادبی و هنری بپذیرند. در این موافقتنامه، کپی رایت به برنامه‌های کامپیوتری نیز تعمیم داده شده و مقرر گردیده که این برنامه‌ها همچون آثار ادبی و هنری مورد حمایت قرار می‌گیرند. یکی دیگر از جنبه‌های این موافقتنامه که به قواعد موجود بین‌المللی در زمینه کپی رایت و حقوق مربوطه اضافه شده است، مقررات مربوط به حقوق اجاره صاحبان برنامه‌های کامپیوتری و ضبط موسیقی است. طبق این مقررات افراد مجازند که از اجاره آثار خود به عموم جلوگیری بعمل آورند. این اختیار به آثار سینمایی نیز تعلق می‌گیرند. علائم تجاری، نشانه‌های جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، اسرار تجاری و دیگر اطلاعات افشاء نشده و طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه نیز از دیگر جنبه‌های مالکیت

معنوی است که در موافقتنامه مزبور مقررات خاصی برای حمایت بین‌المللی از صاحبان آنها وضع گردیده است.

یکی از جنبه‌های مهم این موافقتنامه، پیش‌بینی مکانیسمی برای برخورد با کشورهای است که به تعهدات خود در زمینه حمایت از مالکیت معنوی عمل نمی‌نمایند. کشورهای پیشرفته بخاطر فقدان مکانیسم‌های اجرایی موثر در چارچوب کنوانسیون‌های سازمان جهانی مالکیت معنوی، تلاش کردند تا ضمانت‌های اجرایی لازم را در چارچوب گات در این موافقتنامه بگنجانند. طبق مواد متعدد این موافقتنامه (۲۰ ماده) - که در آنها نحوه حل و فصل دعاوی و ضمانت‌های اجرایی لازم مقرر گردیده - در صورتی که یکی از اعضاء سازمان جهانی تجارت اظهار دارد که عضو دیگر تعهدات خود را در چارچوب موافقتنامه نقض کرده، موضوع به رکن حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی ارجاع می‌گردد و در صورت اثبات نقض تعهدات، شورای عمومی سازمان جهانی تجارت می‌تواند مجازات‌هایی را بر علیه کشور خاطی (که می‌تواند به متوقف کردن تجارت کالای تقلبی یا حتی نابودی آن در مرزها بیانجامد) اعمال نماید.

بطور کلی از آنجا که تکنولوژی‌های پیشرفته و دانش اطلاعات بکار رفته در این تکنولوژی‌ها اساس مزیت‌های نسبی و رقابتی کشورهای پیشرفته را تشکیل می‌دهد. قطعاً حمایت‌های پیش‌بینی شده در موافقتنامه حقوق مالکیت معنوی مرتبط با تجارت، بیشترین منافع را برای این کشورها بدنبال دارد. در مقابل کشورهای در حال توسعه که عموماً از این مزیت برخوردار نیستند، ضمن اینکه باید حق الاختراع (Royalty) بیشتری به خارجیان پردازند، برای محصولاتی که تحت

لیسانس‌ها و مجوزها (Loyalty) ساخته می‌شوند نیز باید قیمت بالاتری پرداخت کنند. علاوه بر این اجرای تعهدات مترتب در موافقتنامه مزبور، مستلزم بهبود اساسی رویه‌های قضایی، اداری و اجرایی در این کشورها خواهد بود که ضرورتاً منابع انسانی و مادی قابل توجهی باید بدین منظور تخصیص یابد. البته از جمله منافع بلند مدت این موافقتنامه برای ممالک در حال توسعه، ضرورتی است که این کشورها را نیز مجبور می‌سازد تا ضمن تقویت پایه‌های علمی و تخصیص منابع قابل توجه به امر تحقیق و توسعه، مزیت‌های رقابتی خود را در تجارت بین‌الملل عمدتاً به حیطه‌هایی سوق دهند که اساس آنها را دانش و تکنولوژی تشکیل می‌دهد.

این موافقتنامه از جمله مواردی است که در آن منافع کشورهای توسعه‌یافته حفظ می‌شود و در مقابل منافع کشورهای در حال توسعه از این بابت در انتقال دانش و علم و تکنولوژی محدود می‌گردد.

الزامات الحاق ایران نسبت به موافقتنامه مالکیت حقوق فکری

اولین قانون راجع به مالکیت صنعتی در ایران قانون سال ۱۳۰۴ شمسی بود که از سال ۱۳۰۵ به مرحله اجرا درآمد و اداره ثبت علائم تحت نظر وزارت فلاحات و تجارت و فوائد عامه انجام وظیفه می کرد. علائم ثبت شده نیز در مجله‌ای بنام مجله فلاحات (که از اول شهریور ۱۳۰۷ منتشر می شد) به ترتیب شماره ثبت درج می گردیدند. اداره ثبت علائم در سال ۱۳۰۹ شمسی در وزارت اقتصاد ملی تمرکز یافت و اداره مذکور بنام اداره کل امور اقتصادی و دفتر علائم تجاری و صنعتی درآمد و علائم ثبت شده در مجله‌ای بنام اقتصاد ملی درج می گردید. این امر تا تصویب قانون اول تیر ۱۳۱۰ ادامه داشت. با تصویب این قانون، قانون سال ۱۳۰۴ و آئین نامه اجرایی آن فسخ گردید. بدین ترتیب برای اولین بار ثبت اختراع به موجب قانون سال ۱۳۱۰ در ایران معمول و از حمایت مدنی و جزائی برخوردار گردید. ثبت علائم تجاری و اختراعات و اعطای گواهینامه‌های مربوطه به وزارت دادگستری (عدلیه سابق) محول گردید. در اسفند ماه ۱۳۲۷، آئین نامه‌ای به تصویب رسید که به موجب ماده اول آن، برای ثبت شرکت‌های تجاری و علائم و اختراعات در تهران اداره‌ای بنام اداره ثبت شرکت‌ها و علائم تجاری و اختراعات که جزء تشکیلات اداره کل ثبت اسناد و املاک بود تشکیل شد. آئیننامه ثبت شرکت‌ها در شهریور ۱۳۴۰ تصویب و نام اداره مذکور به اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی تغییر یافت. با تصویب قانون اردیبهشت ۱۳۵۲ و تبدیل اداره کل ثبت اسناد و املاک به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی به اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی تبدیل گردید.

در ماده یک قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۱۰، علامت تجاری عبارت از هر قسم علامتی است اعم از نقش، تصویر، رقم، حرف، عبارت، مهر، لفاف و غیره که برای امتیاز و تشخیص محصول صنعتی، تجاری یا فلاحتی اختیار می‌شود. بر طبق ماده ۲۶ این قانون هر قسم اختراع یا اکتشاف جدید در شعب مختلف صنعتی یا فلاحتی به کاشف یا مخترع آن حق انحصاری می‌دهد که بر طبق شرایط و در مدت مقرر در این قانون از اکتشاف یا اختراع خود استفاده نماید. مشروط بر اینکه اکتشاف یا اختراع مزبور مطابق مقررات این قانون در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد. نوشته‌ای که در این مورد اداره ثبت اسناد تهران می‌دهد، ورقه اختراع نامیده می‌شود.

ترتیبات بین‌المللی حمایت از مالکیت صنعتی، در قالب کنوانسیون بنام کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی در سال ۱۸۸۳ میلادی بوجود آمد. دولت ایران در اسفند ۱۳۳۷ به اتحادیه مذکور ملحق و در اجلاس ۳۱ اکتبر ۱۹۵۸ این کنوانسیون در شهر لیسبون، قرارداد تجدید نظر شده کنوانسیون پاریس به امضای نماینده دولت ایران رسید و در ۱۶ دسامبر ۱۹۵۹ الحاق رسمی ایران به اتحادیه پاریس قطعیت یافت و در حال حاضر مرجع ملی طرف قرارداد، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌باشد. سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO) در ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷ در اصلاحیه استکهلم از کنوانسیون پاریس بوجود آمد. این سازمان به موجب قطعنامه دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی سازمان بعنوان شانزدهمین سازمان تخصصی سازمان ملل متحد شناخته شد و مسئولیت حمایت از مالکیت معنوی در سراسر جهان و از طریق همکاری بین دولت‌های عضو را به عهده دارد. مالکیت معنوی از دو رکن عمده تشکیل شده است:

۱- مالکیت صنعتی. عمدتاً در زمینه اختراعات، علائم تجارتي، طرح‌های صنعتی و نشانه‌های مبداء.

۲- حق تکثیر (کپی رایت). عمدتاً در زمینه آثار ادبی، موسیقی، هنری، عکاسی و سمعی و بصری.

تا تاریخ ۱۹ آوریل ۱۹۹۵، ۱۵۱ کشور عضو سازمان جهانی مالکیت معنوی بودند و علاوه بر این هفت کشور طرف قرارداد کنوانسیون‌هایی هستند که توسط WIPO مدیریت می‌شود لکن به عضویت این سازمان درنیامده‌اند. ایران از جمله این کشورها است که به کنوانسیون پاریس (مالکیت صنعتی) تجدید نظر شده در سال ۱۹۵۸ ملحق گردیده لکن هنوز اصلاحیه استکلهم مصوب ۱۹۶۷ را که به موجب آن WIPO ایجاد شد را نپذیرفته است. یکی از اقداماتی که ایران در خصوص عضویت در سازمان جهانی تجارت و پذیرش موافقتنامه‌های دور اروگوئه و منجمله موافقتنامه حقوق مالکیت معنوی باید انجام دهد، پذیرش اصلاحیه استکلهم به عنوان آخرین موافقتنامه بین‌المللی مالکیت صنعتی می‌باشد چرا که در متن موافقتنامه TRIPs این امر تصریح شده است. بدین صورت که در ماده ۲ این موافقتنامه آمده که در خصوص علائم تجاری، علائم جغرافیایی و طرح‌های صنعتی، اعضاء مواد ۱ تا ۱۲ و ۱۹ کنوانسیون پاریس (۱۹۶۷) را رعایت خواهند کرد.

بطور کلی در خصوص مقایسه قوانین مالکیت صنعتی در ایران و مفاد موافقتنامه حقوق مالکیت معنوی (TRIPs) باید متذکر شد که قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و آئین نامه مصوب ۱۳۳۷ با مفاد کنوانسیون پاریس (۱۹۵۸) انطباق دارد. ولی اصلاحیه استکلهم (۱۹۶۷) هنوز

مورد پذیرش ایران قرار نگرفته است که ایران نیز باید بدان ملحق گردد و در این صورت حقوق مالکیت صنعتی و کپی رایت را بپذیرد. در خصوص ابعاد دیگر موافقتنامه TRIPs، با توجه به اینکه ایران عضو نظام بین‌المللی کپی رایت نیست، پذیرش تعهدات مندرج در موافقتنامه TRIPs الزاماً به معنای پذیرش کنوانسیون برن (۱۹۷۱) و تعهدات مربوط به کپی رایت است که این موضوع می‌تواند یکی از مسائل مهم در روند الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی باشد.

موافقتنامه‌های میان چند طرف

پس از ادوار اولیه مذاکرات تجاری در گات که عمدتاً حول کاهش تعرفه‌ها دور می‌زد کم‌کم مسائل دیگری همچون دامپینگ (فروش زیر قیمت) یا سوبسیدهای اعطایی دولت‌ها به تولیدات و صادراتشان، استانداردها و رویه‌های ارزشگذاری و مجوزدهی که به عنوان یک مانع ورود عمل می‌کردند از دور کندی به بعد و بخصوص در دور توکیو مطرح شدند و برای موضوعات مورد بحث مجموعه‌ای از قوانین و مقررات فراهم آمد. کم‌کم این مجموعه‌ها بصورت موافقتنامه‌هایی که تنها بین گروهی از اعضا مورد قبول بود شکل گرفت و «موافقتنامه‌های میان چند طرف (Plurilateral Agreements)» لقب گرفت. در زمان مذاکرات دور اروگوئه با توجه به اینکه «موافقتنامه‌های میان چند طرف»، برخلاف هدف اولیه گات که خواستار رویه‌ای یکسان و هماهنگ در برخورد با مسائل تجاری بین‌الملل بود، شیوه‌های رفتاری متفاوتی را در میان اعضا بوجود آورده بود، سعی شد که این موافقتنامه‌های میان چند طرف وضعیت عام و مورد توافق همه را پیدا کنند. بسیاری از این مجموعه قوانین و مقررات مورد توافق برخی اعضا نهایتاً بصورت موافقتنامه‌های مورد پذیرش همه اعضا گات و سپس سازمان تجارت جهانی درآمد.

در شروع تأسیس سازمان تجارت جهانی (در ژانویه ۱۹۹۵) هنوز چهار موافقتنامه بخشی یا مورد توافق میان چند طرف وجود داشت که نتوانسته بود مورد تصویب همه کشورهای عضو قرار گیرد. این موافقتنامه‌ها شامل موارد زیر بود:

- موافقتنامه مربوط به گوشت دام
- موافقتنامه مربوط به محصولات لبنی
- موافقتنامه تجارت هواپیماهای کشوری یا غیر نظامی (Civil aircraft)
- موافقتنامه خریدهای دولتی

این چهار «موافقتنامه بین چند طرف» در ضمیمه چهار موافقتنامه مراکش جا گرفتند و فقط از سوی اعضای امضاء کننده آن قابل اجرا بودند. در دسامبر سال ۱۹۹۷ دو مورد مربوط به گوشت دام و محصولات لبنی خاتمه یافتند ولی هنوز دو مورد دیگر پا برجاست.

سعی شده است که کشورهایی که پس از ایجاد سازمان به آن پیوسته‌اند موافقتنامه‌های بین چند طرف را نیز بپذیرند تا با افزایش تعداد اعضای امضاء کننده به اجرای موافقتنامه‌های مذکور جنبه قانونی دهند. فشار وارد به اعضای جدید برای پذیرش این موافقتنامه‌ها و دیگر شرایط غیرمعمول را اصطلاحاً تحمیل شرایط مازاد یا (+ WTO) می‌نامند.

موافقتنامه تجارت هواپیماهای غیر نظامی

موافقتنامه تجارت هواپیماهای غیرنظامی به همراه موافقتنامه خریدهای دولتی تنها موافقتنامه‌هایی هستند که پذیرش آنها اختیاری است لذا توسط تعداد کمتری از اعضا امضاء شده‌اند. تا کنون ۲۶ کشور، موافقتنامه فوق را امضاء نموده‌اند. امضاء کنندگان اولیه این قرار داد اکثراً تولیدکنندگان اصلی هواپیماهای غیرنظامی بودند.

هدف اصلی این موافقتنامه تجارت آزاد هواپیماهای غیرنظامی و قطعات آن می‌باشد. تمامی امضاء کنندگان قرارداد عوارض واردات انواع هواپیما (به جز هواپیماهای نظامی) و کالاهای مربوط به آنها، شامل موتور هواپیما و اجزاء و قطعات هواپیما و هواپیماهای مدل و قطعات آنها را حذف نموده‌اند. از اهداف این موافقتنامه نظام‌مند نمودن یارانه‌های دولتی در تولید هواپیما می‌باشد. این موافقتنامه نظام حل و فصل اختلافات خاص خود را دارد^۱.

^۱ نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران. وزارت بازرگانی.

موافقتنامه خرید دولتی

حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورها به خریدهای کالا و خدمات دستگاههای دولتی به منظور تأمین نیازهای سازمانی آنها صورت می‌گیرد. این حجم از تجارت بین‌الملل تا قبل از سال ۱۹۷۹ که «موافقتنامه خرید دولتی» در بین تعدادی از کشورهای متعاهد گات به اجراء درآمد، از شمول تعهدات نظام تجاری چند جانبه، عمدتاً اصل «رفتار ملی» و «دولت کامله‌الوداد»، صراحتاً مستثنی شده بود. این مسأله باعث می‌شود تا دولتهای غیرعضو این موافقتنامه از آزادی عمل خود در این حوزه در جهت پیشبرد بهتر اهداف اقتصادی و سیاسی خود از جمله حمایت از تولید کنندگان داخلی بهره‌گیرند.

موافقتنامه خرید دولتی، مصوب در دور توکیو در ۱۹۷۹ که صرفاً خریدهای کالایی دستگاههای دولتی را شامل می‌شد، همزمان با مذاکرات دور اروگوئه به حوزه تجارت خدمات نیز گسترش یافت. با این وجود موافقتنامه خرید دولتی همچنان یک موافقتنامه «میان چند طرف» (Plurilateral) بشمار می‌رود، به این معنی که برخلاف موافقتنامه‌های چند جانبه (Multilateral) عضویت در آن برای اعضای سازمان تجارت جهانی اختیاری است. این مسأله باعث شده است تا فقط دو کشور در حال توسعه تا کنون به عضویت آن درآمد باشند.

هدف این موافقتنامه گشایش بازار خریدهای دولتی کشورهای عضو به روی شرکتهای تجاری یکدیگر از طریق تضمین شرایط رقابت عادلانه و حاکم ساختن ملاحظات صرفاً تجاری بر

خریدهای دولتی می‌باشد. اعمال اصل رفتار ملی و شرط دولت کامله‌الوداد بر حوزه خریدهای دولتی از مهمترین تعهداتی است که کشورهای عضو این موافقتنامه در زمینه منع تبعیض می‌پذیرند. در این ارتباط کشورهای عضو موافقتنامه خرید دولتی مکلفند تا فهرستی از دستگاههای دولتی و همچنین کالاها و خدماتی که مایلند مقررات این موافقتنامه در ارتباط با آنها اجرا شود ارائه نمایند. علاوه بر تعهدات منع تبعیض مهمترین موضوع دیگر این موافقتنامه، تضمین شفافیت در خریدهای دولتی به منظور جلوگیری از هرگونه تقلب بوده است. در این ارتباط این موافقتنامه ضوابط دقیقی را جهت اجرای انواع مناقصات توسط نهادهای دولتی تنظیم نموده است که هدف از آنها تضمین اطلاع رسانی و شفافیت در مراحل مختلف خرید می‌باشد.

هر چند طرفداران این موافقتنامه معتقدند آزادسازی خریدهای دولتی موجب کاهش هزینه‌های دولتها گشته و اقدامی در جهت مقابله با مشکلات مزمن کسری بودجه بشمار می‌آید، لیکن کشورهای در حال توسعه تاکنون استقبال چندانی از این موافقتنامه ننموده و غالب اعضای آن کشورهای توسعه یافته می‌باشند.

در این ارتباط اجلاس وزرای سنگاپور در سال ۱۹۹۶ به تأسیس یک گروه کاری متشکل از همه اعضای سازمان تجارت جهانی اقدام نمود که هدف از آن بررسی راه‌های تضمین شفافیت در خریدهای دولتی با هدف نهایی انعقاد یک موافقتنامه چند جانبه به منظور تضمین حداقل تعهدات در زمینه خریدهای دولتی برای همه اعضای سازمان می‌باشد.

براساس تصمیم اجلاس وزرای دوحه، مذاکرات اصلی درباره موافقتنامه «شفافیت در خرید دولتی» در اجلاس وزرای سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۳ آغاز شد.^۱ این مبحث یکی از مسائل مورد بحث در دور دوحه است که در بخش مربوطه به آن اشاره خواهد شد.

^۱ نمایندگی تام الاختیار تجاری ایران. وزارت بازرگانی.

سرفصل‌های آتی سازمان تجارت جهانی

سرفصل‌های زیر در اجلاس وزرای سازمان تجارت جهانی در سنگاپور به عنوان دستور کار

گروه‌های کاری مشخص گردید^۱:

۱- تجارت الکترونیک شامل توزیع، بازاریابی، فروش یا تحویل کالاها و خدمات توسط

ابزارهای الکترونیکی است. تجارت محصولات از طریق اینترنت مستلزم تغییراتی در قواعد

تجارت کالاها و خدمات و در زمینه مالکیت فکری در سازمان تجارت جهانی است که در

دست تدوین می‌باشد.

۲- تسهیل تجاری: شامل ایجاد نقطه تجاری در کشورها، بهبود اسناد مورد نیاز و رویه‌های

گمرکی از جمله ترخیص کالا، استانداردها، بازرسی گمرکی از جمله ترخیص کالا،

استانداردها، بازرسی گمرکی از جهت بهداشت حیوانی و نباتی و کنترل کیفیت است. از

آنجا که سازمان تجارت جهانی بدنبال رفع موانع غیر تعرفه‌ای در تجارت است، موارد تسهیل

تجاری را مورد توجه قرار می‌دهد.

۳- شفافیت در خریدهای دولتی مکمل موافقتنامه چند طرفه خرید دولتی است و محور آن ایجاد

شفافیت در خریدهای دولتی می‌باشد. براین اساس، رویه‌های مناقصه باید باز باشد و به تمامی

متقاضیان فرصت دهد. پس از امضای قرارداد نیز شفافیت وجود داشته باشد، امکان چالش

^۱ نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران. وزارت بازرگانی.

- برای بازرندگان مناقصه فراهم باشد. قوانین و رویه‌های خرید دولتی نیز در اختیار همگان باشد.
- ۴- تجارت و محیط زیست، به تدابیر زیست محیطی موثر بر تجارت می پردازد و شامل استفاده از روشهای تولید و فرآوری در مقررات زیست محیطی، الزامات بسته بندی، نصب برچسب زیست محیطی و مالیاتهای وضع شده برای اهداف زیست محیطی می باشد.
- ۵- تجارت و سرمایه گذاری، تجارت و سرمایه گذاری به بررسی ارتباط میان تجارت و سرمایه گذاری خارجی (مستقیم FDI و پرتفوی FPI)^۱ می پردازد. قبل از آن موافقتنامه اقدامات سرمایه گذاری مرتبط با تجارت در دور اروگوئه تصویب شده بود. گروه کاری تجارت و سرمایه گذاری (سنگاپور) به دنبال دستیابی به اصول چندجانبه در زمینه سرمایه گذاری خارجی در چهارچوب سازمان تجارت جهانی است
- ۶- تجارت و سیاست رقابتی، سیاستها و قوانین حاکم بر رفتار ضد رقابتی شرکتهاست. وجود اقدامات تجاری ضد رقابتی مانند: محدودیتهای افقی، عمودی، سوءاستفاده از موقعیت برتر و ادغامها نیاز به قوانین رقابت ملی و موافقتنامه چند جانبه رقابت، باعث شمول رقابت در برنامه‌های کاری سازمان تجارت جهانی گردیده است

¹ Foreign Direct Investment (FDI).
Foreign Portfolio Investment (FPI).

تجارت و محیط زیست

در دور ارو گوئه هیچ موافقتنامه‌ای در ارتباط با تجارت و محیط زیست وجود ندارد ولی در بعضی از موافقتنامه‌ها اشاراتی به این موضوع شده است. از این میان می‌توان به مقدمه موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی اشاره نمود که مقرر می‌دارد اعضا تصدیق می‌کنند که تلاشهای تجاری بین خود را با هدف توسعه پایدار و در پی حفظ و حراست از محیط زیست، تقویت نمایند.

مسائل مبتلابه محیط زیست ناشی از فعالیت‌های تجاری از مواردی بوده که هم در گات و هم در سازمان تجارت جهانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در سال ۱۹۹۵ به پیشنهاد وزرای شرکت کننده در اجلاس پایانی دور ارو گوئه کمیته‌ای به نام کمیته تجارت و محیط زیست (CTE) تشکیل گردید تا این موضوع را بررسی نماید. همچنین در چهارمین کنفرانس وزیران در نوامبر سال ۲۰۰۱ در دوحه توافق شد که موضوع تجارت و محیط زیست مورد مذاکره قرار گیرد تا رابطه بین مذاکرات تجاری چند جانبه و محیط زیست و آزادسازی کالاها و خدمات زیست محیطی مشخصاً تعریف گردد.

در سازمان تجارت جهانی فقط موضوعات تجاری مورد مذاکره قرار می‌گیرد و موضوعات زیست محیطی فقط زمانی مورد توجه قرار می‌گیرند که تأثیر بسزایی بر تجارت داشته باشند.

در حال حاضر حدود ۲۰۰ موافقتنامه بین‌المللی خارج از سازمان تجارت جهانی وجود دارد که به موضوعات زیست محیطی مربوط می‌باشند که بر تجارت تأثیر دارند از این میان می‌توان به

پروتکل مونترال درباره حمایت از لایه ازن و کنوانسیون بازل درباره حمل و نقل مواد زائد خطرناک

از طریق مرزهای بین‌المللی اشاره نمود.

موافقتنامه پیشنهادی چندجانبه سرمایه‌گذاری و تجارت

رشد سرمایه‌گذاری و گرایش به آزادسازی یکجانبه محدودیتهای داخلی در امر سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته و تنوع ابزارهای سرمایه‌گذاری در سطح بین‌المللی، باعث شد که در سال ۱۹۹۱ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) مطالعه خود پیرامون امکان تنظیم یک موافقتنامه چند جانبه سرمایه‌گذاری (MAI) را آغاز کند. براساس نتایج این مطالعه که در سال ۱۹۹۵ به شورای وزیران سازمان مذکور، شورا موافقت کرد که مذاکرات پیرامون این موافقتنامه را آغاز کند.

در سازمان تجارت جهانی اولین بار پیشنهاد موافقتنامه چند جانبه سرمایه‌گذاری در دور ارورگوئه در سال ۱۹۹۴ و از طرف کشورهای توسعه یافته مطرح شد. این پیشنهاد با مخالفت کشورهای در حال توسعه روبرو گردید. تلاشهای بعدی نهایتاً منجر به تشکیل یک گروه کاری در کنفرانس وزیران سنگاپور در سال ۱۹۹۶ شد که صرفاً ارتباط تجارت و سرمایه‌گذاری را بررسی می‌کند.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تصمیم گرفت تا مذاکرات پیرامون این موافقتنامه را ادامه داده تا بعد از پذیرش اعضای این سازمان، کشورهای غیر عضو نیز بتوانند در صورت تمایل به آن ملحق شوند. اختلافات آمریکا، کانادا و اتحادیه اروپا بر سر پاره‌ای موضوعات از جمله چگونگی رفتار با مقوله فرهنگ و سازمانهای اقتصادی منطقه‌ای، وقوع بحران جنوب شرقی آسیا و عقب‌نشینی

فرانسه از مذاکرات به علت انتقادهای شدید این کشور به رویه مذاکرات و مفاد موافقتنامه، همچنین موفقیت سازمانهای غیردولتی در بسیج مخالفت عمومی، باعث شد با وجود تمدید ضرب الاجل تعیین شده سازمان مذکور تا ۱۹۹۸ در تکمیل مذاکرات و دستیابی به نتیجه ناکام شود.

در حال حاضر مفاد این موافقتنامه به نوعی از طرف کشورهای مثل ژاپن، اتحادیه اروپا، کانادا و برخی کشورهای تازه صنعتی شده مثل کره جنوبی در گروه کاری تجارت و سرمایه گذاری مطرح می شود. علاوه بر این، در کنفرانس وزیران دوحه موافقت شد که مذاکرات سرمایه گذاری در نشست بعدی وزیران در مکزیك آغاز گردد. موافقتنامه چندجانبه سرمایه گذاری متضمن دسترسی آزاد سرمایه گذاران خارجی به تمام بخشهای داخلی کشورهای عضو به جز صنایع دفاعی و استثنائات محدودی است که در سطح چند جانبه و تحت شرایط خاص پذیرفته شده باشد. همچنین اصل رفتار ملی و دولت کامله الوداد، ممنوعیت اعمال الزامات اجرایی و لزوم اجرای تعهدات «توقف» و «واگشت» محدودیتها در این موافقتنامه تأکید شده است. رویه حل اختلاف، جبران خسارت، آزادی انتقالات مالی و سایر ضوابط مکمل نیز در این موافقتنامه پیش بینی شده است.^۱

^۱ نمایندگی تام الاختیار تجاری ایران. وزارت بازرگانی.

تسهیل تجاری

هنوز تعریف ثابتی از تسهیل تجاری به عمل نیامده است. متداولترین تعریف «ساده سازی و هماهنگ سازی رویه‌های تجاری بین‌المللی» است که منظور از رویه‌های تجاری «فعالیت‌ها، اقدامات و تشریفات مرتبط با جمع آوری، ارائه، تبادل و پردازش داده‌ها برای حرکت کالاها در عرصه تجارت بین‌الملل» می‌باشد. با این تعریف مجموعه وسیعی از فعالیتها از جمله رویه‌های واردات و صادرات (مانند قوانین گمرکی و صدور مجوز) تشریفات حمل و نقل، پرداختها، بیمه و دیگر اقدامات مالی در دایره شمول مفهوم تسهیل تجاری قرار می‌گیرند. مؤلفه‌هایی از این تعریف هم اکنون در سازمان تجارت جهانی وجود دارد که می‌تواند مبنای شکل‌گیری موافقتنامه‌ای جدید و یا گسترش دایره شمول مواد و موافقتنامه‌های فعلی باشد.

ماده ۵ درباره آزادی ترانزیت، ماده ۷ درباره ارزشیابی گمرکی، ماده ۸ درباره عوارض و تشریفات مربوط به واردات و صادرات و ماده ۱۰ مربوط به انتشار و اجرای مقررات تجاری از گات و موافقتنامه‌های ارزش گذاری گمرکی، رویه‌های صدور مجوز ورود، بازرسی قبل از حمل، قواعد مبداء، موانع فنی فرا راه تجارت و موافقتنامه راجع به اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی زمینه‌هایی در سازمان تجارت جهانی هستند که هر کدام به نحوی به تسهیل تجاری می‌پردازند.

تسهیل تجاری در کنفرانس وزراء سنگاپور در دسامبر ۱۹۹۶ در دستور کار سازمان تجارت جهانی قرار گرفت. در بیانیه دور سنگاپور از شورای تجارت کالایی خواسته شده بود که فعالیت

دیگر سازمانهای مرتبط با تجارت را در خصوص ساده سازی رویه های تجاری مورد بررسی قرار داده تا با قوانین سازمان تجارت جهانی تطبیق داده شود.

به دنبال این تصمیم دبیرخانه سازمان تجارت جهانی طی گزارشی ۱۵ سازمان مختلف که فعالیت آنها به نوعی به موضوع تسهیل تجاری مرتبط بود را نام برد و از آن میان می توان به آنکتاد (UNCTAD) یون سی فکت (UNCEFACT) و سازمان جهانی گمرکات (WCO) اشاره نمود که فعالیت آنها در تسهیل تجاری بر سازمان های دیگر رجحان داشت.

کمیته تجارت کالایی در سازمان تجارت جهانی به منظور برآورد نظرات تجار بین المللی چندین همایش بین المللی با شرکت سازمانهایی مانند بانک جهانی، مرکز تجارت بین المللی و ... از سال ۱۹۹۸ راه اندازی نمود. موارد زیر عمده ترین نکات حائز اهمیت در زمینه تجارت بین الملل و تسهیل تجاری و نتیجه همایش ها و دیگر بررسیهای تحلیلی کمیته فوق است:

- ۱- کاغذ بازی بیش از اندازه
- ۲- فقدان اتوماسیون و استفاده کم و ناصحیح از تکنولوژی اطلاعاتی
- ۳- شفاف و ثابت نبودن الزامات و مقررات صادرات و واردات
- ۴- مقررات بی دلیل و نامناسب خصوصاً فقدان نظام نظارتی
- ۵- قدیمی بودن و عدم همکاری بین گمرک و دیگر دواير دولتی که برای جریان روبه تزاید تجارت، ایجاد مانع می نماید.

در حال حاضر کمیته تجارت کالایی عمده فعالیت خود را بر دریافت و تحلیل گزارشهای کشوری متمرکز نموده است. کشورهای در حال توسعه عمدتاً علیرغم موافقت با اصول تسهیل تجاری با قبول تعهدات بیشتر در قالب موافقتنامه جدید در قالب تسهیل تجاری با شروع مذاکرات مخالفت نموده‌اند.^۱

^۱ نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران. وزارت بازرگانی.

شفافیت خریدهای دولتی

موافقتنامه خرید دولتی یک موافقتنامه «میان چند طرف» (Plurilateral) می‌باشد که بر خلاف موافقتنامه‌های چند جانبه (Multilateral) سازمان تجارت جهانی، عضویت در آن برای اعضای این سازمان اختیاری است.

با توجه به سهم عمده خریدهای دولتی از در تجارت بین‌الملل، کشورهای توسعه یافته عضو این موافقتنامه بر آن شدند تا زمینه تعمیم حداقل تعهدات در زمینه خریدهای دولتی را به همه اعضای سازمان تجارت جهانی تعمیم دهند. در این ارتباط اجلاس وزرای سنگاپور (۱۹۹۶) تصمیم به ایجاد «گروه کاری شفافیت خریدهای دولتی» گرفت تا ضمن انجام مطالعاتی در زمینه رویه‌های خرید دولتی مقدمات تدوین یک موافقتنامه چند جانبه را در این زمینه فراهم آورد.

گروه کاری مزبور در مرحله اول به بررسی مقررات مربوط به شفافیت خریدهای دولتی در دیگر اسناد و موافقتنامه‌های بین‌المللی مرتبط از جمله «قانون نمونه» UNCITRAL دستورالعمل بانک جهانی در زمینه خریدهای دولتی و همچنین قوانین و رویه‌های ملی کشورها به منظور ترسیم اجزای اصلی موافقتنامه آتی در زمینه شفافیت در خریدهای دولتی پرداخت.

تنوع نظرات و اصطکاک منافع کشورهای شرکت‌کننده در جلسات گروه کاری شفافیت به حدی بوده است که چشم‌انداز حصول اجماع در زمینه تدوین یک موافقتنامه آتی با ابهام مواجه شد. کشورهای شرکت‌کننده در گروه کاری همچنان بر سر بعضی از اصول کلی موافقتنامه آتی شفافیت

در خریدهای دولتی از جمله ماهیت موافقتنامه؛ الزامی بودن و یا توصیه‌ای بودن قواعد و ضرورت وجود ساز و کارهای اجرایی مناسب نیز اختلاف نظرهای جدی دارند. کشورهای در حال توسعه مخصوصاً نسبت به عدول گروه کاری از حوزه اختیارات خود در زمینه شفافیت در خریدهای دولتی و طرح قواعد متضمن دسترسی به بازار و هر نوع تحدید آزادی عمل دستگاه‌های دولتی خود در زمینه تصمیمات مربوط به خرید دولتی ابراز نگرانی کردند.

اجلاس وزرای دوحه با توجه به فضای موجود گروه کاری، بر این نکته تأکید نموده است که مذاکرات جاری شفافیت خریدهای دولتی محدود به جنبه‌های شفافیت بوده و متعرض اختیار کشورها در زمینه اعطای ترجیحات به محصولات و عرضه کنندگان داخلی خود در جریان خریدهای دولتی نخواهد شد. مطابق تصمیم اجلاس وزرای دوحه، مذاکرات اصلی موافقتنامه شفافیت خریدهای دولتی پس از اجلاس پنجم وزرای سازمان تجارت جهانی (کانکن، سپتامبر ۲۰۰۳) براساس تصمیم آن اجلاس در ارتباط با «دستورالعمل مذاکرات» که بر پایه اجماع نظرات کشورهای عضو اتخاذ خواهد شد، آغاز می‌گردد. در صورت حصول اجماع بر این موضوع انتظار می‌رود گروه کاری شفافیت خریدهای دولتی در مرحله دوم فعالیت خود ضمن ایجاد سازش بین دیدگاههای مختلف زمینه شکل‌گیری متن واحدی را با هدف تدوین موافقتنامه آتی شفافیت در خریدهای دولتی فراهم سازد.

خلاصه و نتیجه گیری

در این فصل به بررسی سازمان سازمان تجارت جهانی در ارتباط با ایران پرداختیم. مسئله اساسی ما در این فصل این بود که اگر ایران به سازمان تجارت جهانی ملحق شود الزاماً چه تحولاتی در ساختار اقتصادی، حقوقی خود باید بدهد و از این بررسی به دنبال این نتیجه خواهیم بود که بخش سیمان و بطور کلی تر صنعت ایران دچار چه تحولاتی خواهد شد. از این نتایج در فصول بعد برای بررسی های مشخص بر صنعت استفاده خواهیم کرد. لذا با مروری بر سازمان تجارت جهانی و ویژگی های آن به شرح موافقتنامه های اصلی آن می پردازیم که به نحوی در ارتباط با صنعت قرار دارد. مقایسات انجام شده کلی هستند و شامل همه بخش های صنعتی منجمله سیمان می شوند.

سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ شکل گرفت و در حقیقت جانشین موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت می باشد. نظام تجارت جهانی از طریق یک سری دور مذاکرات تجاری تحت موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گات شکل گرفت. نخستین دور مذاکرات اساساً در مورد کاهش تعرفه ها بود لکن مذاکرات بعدی سایر زمینه ها از قبیل معیارها و ضوابط غیر تعرفه های و ضوابط ضد دامپینگ (فروش زیر قیمت) را نیز در بر گرفت. مهمترین دور مذاکرات بین سالهای ۹۴ - ۱۹۸۶ به دور اروگوئه معروف است که منجر به تشکیل سازمان تجارت جهانی شد. مذاکرات دور دوحه از آخر ژانویه ۲۰۰۲ آغاز شد و تا پایان ژانویه سال ۲۰۰۵ به پایان خواهد رسید. در دور دوحه مذاکرات و سایر کارهایی در زمینه محدودیتهای غیر تعرفه ای کشاورزی، تجارت و محیط زیست، برخی مقررات سازمان تجارت جهانی از قبیل اعطای یارانه، قوانین ضد دامپینگ، سرمایه گذاری، سیاستهای

رقابتی، تسهیلات تجاری، شفافیت در مقررات خریدهای دولتی، حقوق معنوی، مالکیت، و یک سری از مسائلی که تحت عنوان مشکلات کشورهای در حال توسعه در بکارگیری موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی است، صحبت می‌گردد.

از لحاظ نظری اقتصاد بین‌الملل با روابط اقتصادی میان کشورها سروکار دارد و وابستگی متقابل حاصل از این روابط از جهت رفاه اقتصادی اکثر کشورها اهمیت زیاد دارد. در بخش مباحث نظری به ذکر نظریات اقتصادی در این مورد به اهمیت این موضوع و آثار آن بر رفاه جامعه می‌پردازیم. ولی باید توجه داشت که تحلیلی‌های نظری مباحثی آزمایشگاهی از رفتار واقعی انسانهاست و در همه شرایط صادق نیست و فقط شرایط مهیا شده آزمایشگاهی را تأیید می‌کند. لازم به ذکر است که در این بحث به معایب و مضار سازمان تجارت جهانی نمی‌پردازیم و مسئله اساسی در این مورد که آیا سازمان تجارت جهانی به نفع کشورهای توسعه یافته است یا در حال توسعه را بررسی نمی‌نماییم و همچنین به این موضوع که آیا الحاق ایران به این سازمان به نفع ایران است یا نه نیز وارد نمی‌شویم. به هر حال از لحاظ نظری اگر هر کشوری مبادرت به صدور کالایی نماید که در تولید آن، عوامل تولید نسبتاً فراوان و ارزان بکار می‌برد و کالایی را وارد کند که در تولید آن عوامل تولید کمیاب و گران مصرف می‌کند باعث رفاه هر دو کشور خواهد شد.

کشورهای در حال توسعه کمتر از یک چهارم تجارت جهان را به خود اختصاص داده‌اند و بیشتر کشورهای جهان نیز در زمره این کشورها به حساب می‌آیند. تجارت آنها بیشتر شامل صادرات مواد اولیه، سوخت، مواد معدنی و محصولات غذایی به کشورهای صنعتی، غنی و توسعه یافته است و

در مقابل عمدتاً کالاهای ساخته شده وارد می‌کنند. به دلیل الگوی تجارت و شرایط خاص داخلی و نیز نحوه عملکرد نظام پولی بیشتر منافع حاصل از رشد این کشورها از طریق بهبود مستمر رابطه مبادله به جیب کشورهای توسعه یافته می‌رود. کشورهای در حال توسعه سعی می‌کنند از طریق بالا بردن قیمت کالاهای صادراتی خود، طرحهای تثبیت عواید صادراتی و صنعتی شدن از طریق جانشینی واردات یا ایجاد محدودیتهای تجاری که به محدودیتهای تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تقسیم می‌شود و اصلاح نظام پولی منافع را تا حدی متوجه خود نمایند. تعرفه‌های گمرکی که بر حسب ارزش واردات تعیین شده‌اند بیش از سایر محدودیتهای مورد توجه قرار می‌گیرند و معمولاً برای محدود کردن مقدار واردات وضع می‌شوند. سهمیه وارداتی یک محدودیت کمی مستقیم است که بر واردات کالا وضع می‌شود و بسیاری از اثرات تعرفه وارداتی را دارد.

تجربه سالهای بین دو جنگ ۱۹۲۱-۱۹۳۹ نشان می‌دهد که در طی این دوره تجارت بین‌المللی بواسطه تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و سایر موانع تجاری شدیداً محدود شده بود که دلایل اصلی آن رکود و بیکاری حاکم بر کشورهای توسعه یافته بود. رکود اقتصادی دهه ۱۹۳۰ باعث شد تا کشورها با وضع برخی سیاستهای اقتصادی همانند افزایش تعرفه‌های وارداتی با تبعیض بین کشورها، اصول مربوط به آزادی تجارت را خدشه‌دار سازند. در این راستا هر چند آمریکا و انگلیس توانستند بطور کوتاه مدت بر برخی مشکلات اقتصادی خود فائق آیند ولیکن مواجهه با اقدامات تلافی جویانه از سوی سایر کشورها گردیدند، که نتیجتاً حجم تجارت بین‌الملل شدیداً کاهش یافت و بر وخامت اوضاع اقتصادی افزوده شد. این امر منجر به آن شد که کشورها در جهت رفع موانع تجاری خود

برآیند و قراردادهای چندجانبه‌ای در این راه تنظیم کنند.

در کنفرانس برتون وودز مشکلات تجارت بین‌الملل مطرح شد و پیشنهاد گردید به منظور منع محدودیتهای تجاری و کاهش حقوق گمرکی، سازمانی تحت عنوان سازمان تجارت بین‌المللی تاسیس شود. هدف اولیه این بود که نهاد ثالثی ایجاد شود تا همکاری اقتصادی بین‌المللی را هدایت کند و به مؤسسات برتن وودز (بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول) ملحق شود. این سازمان تجارت بین‌الملل (ITO) عملاً تحقق نیافت ولی یکی از موضوعات منشور این سازمان پیشنهادی به موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت یا گات معروف گردید که از سال ۱۹۴۸ به اجرا درآمد.

از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) قواعدی را برای بخش زیادی از تجارت جهانی وضع کرد. موفقیت گات در کاهش تعرفه‌ها با رکوردهای اقتصادی در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ همراه بود. این باعث شد تا دولتها تدابیر دیگری را برای حمایت از بخشهایی که با افزایش رقابت خارجی مواجه بودند بیاندیشند. نرخ بالای بیکاری و بسته شدن مداوم کارخانه‌ها، دولتهای اروپای غربی و آمریکای شمالی را بر آن داشت تا ترتیبات دو جانبه مشارکت در بازار را با رقبا در پیش گیرند و برای حفظ تجارت یارانه‌ها را دنبال کنند.

مذاکرات طولانی دور اروگوئه هفت سال به طول انجامید و موافقتنامه مقدماتی آن در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ توسط اعضاء امضاء گردید. تعرفه‌ها، موانع غیرتعرفه‌ای، محصولات طبیعی، منسوجات و پوشاک، کشاورزی محصولات گرمسیری، مواد گات، مجموعه مقررات دور توکیو،

ضد دامپینگ، یارانه‌ها، دارائیه‌های فکری، اقدامات سرمایه‌گذاری، حل و فصل اختلاف، سیستم گات، خدمات در دستور کار دور اروگوئه بود. آنان همچنین در مقررات حل و فصل اختلاف تجدید نظر کردند و خواستار ارائه گزارشات منظم در مورد سیاستهای تجاری اعضا برای شفاف ساختن رژیمهای تجاری در سطح دنیا شدند که بسیار مهم بود.

گات به عنوان کارگزاری بین‌المللی دیگر وجود ندارد و هم اکنون جای خود را به سازمان تجارت جهانی داده است امروز موافقتنامه گات وجود دارد اما مجموعه مقررات آن همان مقررات اصلی اولیه برای تجارت بین‌المللی نیست و به روز شده است. سازمان تجارت جهانی سه موافقتنامه گات به روز شده و موافقتنامه عمومی تجارت خدمات و موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی را در یک سازمان گرد هم می‌آورد. و یک مجموعه مقررات و یک سیستم واحد برای حل اختلافات در این سازمان وجود دارد. به طور خلاصه سازمان تجارت جهانی امتداد ساده‌ای از گات نیست بلکه بسیار بیشتر از آن است. متن قدیمی گات، گات ۱۹۴۷ نامیده می‌شود و متن به روز شده آن گات ۱۹۹۴ نامگذاری شده است. اصول کلیدی گات را موافقتنامه‌های خدمات و مالکیت فکری تشکیل می‌دهد. این اصول شامل اصل عدم تبعیض، اصل شفافیت و اصل قابلیت پیش‌بینی هستند. در حقیقت سازمان تجارت جهانی به شکل کامل‌تری از درون گات بیرون آمد.

الزامات عضویت در سازمان تجارت جهانی برای کلیه کشورها به دو دسته الزامات عمومی و

خصوصی تقسیم می‌شود اهم الزامات عمومی عضویت عبارتند از:

- ۱- عدم تبعیض عمومی و رفتارهای مبتنی بر آن
- ۲- مخالفت با پرکردن بازار و عوارض بازدارنده
- ۳- رویه‌های اعطای تخفیف و تعرفه بندی
- ۴- ارزش گذاری برای مقاصد گمرکی
- ۵- حقوق و تشریفات وابسته به صادرات و واردات
- ۶- تدوین و اداره مقررات تجاری
- ۷- پذیرش شرط حذف عمومی محدودیت‌های مقداری
- ۸- پذیرش موافقتنامه راجع به یارانه
- ۹- پذیرش چهارچوب مربوط به بنگاههای تجاری دولتی که این مؤسسات را به رفتاری غیر تبعیض آمیز و رعایت اصل شفافیت در تبادل اطلاعات مکلف می کند
- ۱۰- توافق‌هایی که اتحادیه گمرکی مرزی و مناطق آزاد تجاری را شامل می شود
- ۱۱- پذیرش موارد استثناء از مقررات عمومی گات

الزامات خصوصی جهت عضویت در سازمان تجارت جهانی نیز برای هرکشور متفاوت

است و در مورد الزامات خصوصی و قانونی عضویت ایران در این سازمان در قسمتهای بعدی اشاره

شده است.

موضوعاتی که در دوردوچه در دستور کار مذاکرات قرار دارند شامل دسترسی به بازار

محصولات کشاورزی، جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، سرمایه گذاری و تجارت ارتباط میان

تجارت و سیاست های رقابتی، شفافیت در خریدهای دولتی، تسهیل تجاری، مقررات سازمان تجارت جهانی، تجارت و محیط زیست، ظرفیت سازی و همکاری فنی، تجارت الکترونیکی، تجارت و انتقال فن آوری، برخورد ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه، کم توسعه یافته ترین کشورها و اقتصادهای کوچک و مسائل و موضوعات مربوط به اجرای موافقتنامه های قبلی سازمان تجارت جهانی می باشد.

در حال حاضر ۱۴۷ کشور تا ۲۴ آوریل ۲۰۰۴ عضو سازمان جهانی بازرگانی هستند که تقریباً ۹۰ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص داده اند.

اینکه این مقررات عادلانه است یا نه جای بحث دارد. در سالهای اخیر، همزمان با نشست های متعدد این سازمان در نقاط مختلف جهان مانند سیاتل، آمریکا، ایتالیا و یونان، اعتراض های توأم با خشونت نسبت به جهانی شدن اقتصاد مشاهده می گردد. پایه و اساس این سازمان بر تفکر اقتصاددانان غرب پی ریزی شده است.

لکن اصول بنیادین سازمان تجارت جهانی به صورت زیر می باشد:

(۱) اصل عدم تبعیض که خود به دو قسمت دول کامله الوداد (MFN) و رفتار ملی تقسیم می شود. شرط دولت کامله الوداد (MFN) اعطای بهترین وضعیت تجاری اعطا شده به هر عضو به دیگر اعضاست و شرط رفتار ملی بدین معنی است که پس از عبور از مرز و پرداخت حقوق و عوارض مربوطه تبعیضی بین کالا و عرضه کننده کالای خارجی با کالا و عرضه کننده کالای داخلی

صورت نگیرد.

(۲) اصل آزادسازی تجارت: هیچ یک از اعضاء حق ندارند جز تعرفه‌های گمرکی و مالیات‌ها، محدودیت‌های دیگری را در واردات و یا صادرات کالاها به وجود آورند.

(۳) اصل کاهش تعرفه‌های گمرکی: هر کشور عضو سازمان تجارت جهانی می‌شود علاوه بر الحاق به موافقت‌نامه‌های چند جانبه سازمان وارد مذاکرات دو یا چند جانبه با دیگر اعضا می‌گردد و تعرفه‌های خود را کاهش می‌دهد. حداکثر میزان تعرفه در جدول تعرفه‌های کشور وارد می‌شود و حق ندارد بیش از آن تعرفه‌ای اخذ نماید. کشورها متعهد می‌گردند بتدریج تعرفه‌ها را کاهش دهند.

(۴) اصل شفافیت بخشیدن به مقررات تجاری: کلیه قوانین و مقررات و تصمیمات قضایی و دستورالعمل‌های اداری که به وسیله هر یک از کشورها برقرار شده است و به نحوی در فروش، توزیع و حمل و نقل و بیمه و انبارداری و مونتاژ کالاها تاثیر داشته باشد باید شفاف شود.

(۵) اصل تجارت عادلانه یا منصفانه: این اصل برای ایجاد زمینه‌ای برای رقابت کارآ با حذف موانع مختل‌کننده تجارت همچون یارانه‌های غیر مجاز، فروش زیر قیمت کالا و موارد آسیب‌زننده به تولید و تجارت کشورهاست. ارائه راه‌حلیها در مقابل تجارت غیر عادلانه نیز از طریق ابزارهای دفاعی همچون وضع عوارض جبرانی یا اقدام ضد قیمت شکنی (ضددامپینگ) یا اعمال حفاظت‌ها صورت می‌گیرد

(۶) اصل حفظ رفتار ویژه با کشورهایی که کمترین درجه توسعه یافتگی را دارند. این

اصل برای همیاری با کشورهای در حال توسعه در تحمیل تغییرات کمتر و انجام اصلاحات در مدتی طولانی‌تر، و بصورتی یک طرفه مطرح شده است.

(۷) اعمال برخی استثنائات در تعهدات قبول شده برای حفظ نظم عمومی، اخلاق و بهداشت انسان و حیوان و غیره.

مزایای عضویت در سازمان تجارت جهانی را می‌توان در موارد عمومی زیر دانست:

- هر عضو سازمان تجارت جهانی می‌تواند وارد بازار کشوری شود که رسماً عضو این سازمان است.
- هر نوع محدودیتی که برای کالاهایی در یک کشور در نظر گرفته شود، همان محدودیت برای کشور دیگر خود به خود منظور می‌گردد.
- دسترسی مداوم به بازارهای عضو سازمان تجارت جهانی با عوارض گمرکی مطمئن و تثبیت شده.
- تسهیلات تجاری با کشورهای عضو بدون انعقاد قرارداد دوجانبه با تک‌تک آنها، فراهم می‌گردد.

یکی از وظایف سازمان تجارت جهانی بررسی متناوب سیاست تجاری کشورهای عضو می‌باشد و از دو طریق صورت می‌پذیرد:

- با الزام دولتها به مطلع ساختن سازمان و کشورهای عضو از سیاست‌ها و قوانین خود.

- انجام بررسی‌های منظم درباره تک‌تک کشورهای عضو و سیاست‌های تجاری آنها.

اهداف زیر در پس بررسی سیاست تجاری مد نظر سازمان تجارت جهانی است:

- افزایش شفافیت و شناخت سیاست تجاری و رویه‌های کشورها از طریق نظارت پیوسته.
- بالا بردن کیفیت مباحثات و بررسی‌های عمومی و بین دولتی درباره موضوعات مربوطه.
- امکان پذیر ساختن بررسی‌ها و ارزیابی تأثیرات سیاست‌ها بر نظام تجاری جهان.

تفاهمنامه حل و فصل اختلافات نظامی مبتنی بر قواعد شفاف و ضرب‌الاجله‌های مشخص

می‌باشد و حوزه شمول این تفاهمنامه بسیار گسترده و متنوع است و تقریباً کلیه موافقتنامه‌های سازمان

تجارت جهانی را شامل می‌شود.

سازمان تجارت جهانی از سه نظر دارای تشکیلات منسجم‌تر و مناسب‌تر است:

- ایجاد یک رکن دائمی برای بررسی خط‌مشی‌های تجاری
- ایجاد یک رکن دائمی برای حل و فصل دعاوی
- ایجاد یک رویه منظم برای نشست وزیران کشورهای عضو

هر عضوی در کشور خود اداره‌ای دارد که از تعدادی مشاور، نمایندگان بخش خصوصی،

سازمان‌های تجاری، اتحادیه‌های کشاورزان و دیگر گروه‌های صنعتی و تولیدی تشکیل می‌شود.

اعضای سازمان تجارت جهانی به دو دسته اعضای اولیه و اعضای ملحق شده تقسیم

می‌شوند. اعضای اولیه همان طرفهای متعاهد گات تا پایان سال ۱۹۹۴ و نیز اعضای اتحادیه اروپا هستند که در مهلت دوساله پس از تاسیس سازمان تجارت جهانی به عضویت این سازمان درآمده‌اند. دیگر کشورها و یا قلمروهای مجزا و خود مختار گمرکی نیز برای عضویت باید فرآیند الحاق را طی کنند.

فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی شامل درخواست عضویت و تشکیل گروه کاری، بررسی رژیم تجارت خارجی کشور متقاضی الحاق (مرحله حقیقت یابی)، مذاکرات دوجانبه (مرحله مذاکرات دسترسی به بازار) جهت تهیه جدول امتیازات و تعهدات مربوط به گات ۱۹۹۴ همچنین جدول تعهدات ویژه مربوط به موافقتنامه عمومی تجارت خدمات برای آن کشور و نهایتاً توافق در مورد گزارش گروه کاری، سند تصمیم در مورد الحاق و پروتکلی (مقاوله نامه‌ای) که شرایط الحاق را معین می‌سازد می‌باشد.

برای کشوری که به عضویت سازمان تجارت جهانی پذیرفته شود، اقدامات زیر از سیاستهای اجرائی مهمی است که باید مد نظر داشته باشد:

۱. آزادسازی تجارت خارجی: شامل برداشتن موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای یا کاهش آنهاست. همچنین وضع موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، غیرقانونی می‌باشد. البته برای کشورهای درحال توسعه در این زمینه استثنائاتی قائل شده‌اند.

۲. آزادسازی نرخ کالاها و خدمات: برداشتن سوبسیدها و کمک‌های دولتی که به تولید کالا و خدمات داده می‌شود، برای تحقق این مورد می‌باشد. البته تعدادی از سوبسیدها مثل سوبسیدهای تحقیق و توسعه، سوبسید مربوط به خصوصی‌سازی و سوبسید کالاهای مصرفی، سوبسید سبز محسوب شده و کشور عضو ملزم به حذف آنها نمی‌باشند.
۳. آزادسازی نرخ ارز: شامل حذف ارایه هرگونه ارز سوبسیددار می‌باشد.
۴. آزادسازی نرخ بهره
۵. لغو انحصارات دولتی و خصوصی در تولید و قیمت‌گذاری کالاها و خدمات
۶. جریان آزاد اطلاعات: شامل در اختیار گذاشتن اطلاعات و مقررات و قوانین تسویبی توسط کشور عضو به سایر اعضا می‌باشد.
۷. تخصیص بهینه منابع به وسیله بازار
۸. جداسازی دو مفهوم اقتصاد و تأمین اجتماعی.
- موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی نیز هر یک رفتار ویژه‌ای را با کشورهای در حال توسعه به اشکال مختلف پیش‌بینی نموده‌اند. بطور کلی این مقررات را به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند:
- مقررات ناظر بر تسهیل تجارت کشورهای در حال توسعه
 - انعطاف بیشتر برای کشورهای در حال توسعه در پذیرش تعهدات
 - ارائه کمک‌های فنی به کشورهای در حال توسعه

هر عضو از اعضای سازمان تجارت جهانی می‌تواند وارد یک ترتیب تجاری منطقه‌ای شود و با شرکای جدید خود رفتار تجاری مطلوب‌تری نسبت به اعضای خارج از آن برقرار نماید.

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) تنها موافقتنامه چند جانبه کالایی در نظام تجارت چند جانبه به شمار می‌رفت و تا پیش از آغاز به کار سازمان تجارت جهانی، اصلاحاتی بر آن صورت پذیرفت و به علاوه پروتکل‌ها و تأییدیه‌های مربوط به امتیازات تعرفه‌ای، پروتکل‌های الحاق و تصمیمات طرفهای متعاقد گات از جمله در موارد معافیت از تعهدات، بدان ضمیمه شد. در دور اروگوئه، ۶ تفاهمنامه در تفسیر مواد گات و پروتکل الحاقی مراکش نیز به گات ۱۹۴۷ افزوده گردید که مجموعه این اسناد گات ۱۹۹۴ خوانده می‌شود. در دور اروگوئه، ۱۲ موافقتنامه چند جانبه جدید کالایی نیز به تصویب رسید که وابسته به گات ۱۹۹۴ تلقی می‌گردند و در ارتباط با موافقتنامه‌های خاص در موضوعاتی چون استانداردها، ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری، قواعد گمرکی، دامپینگ یا قیمت‌شکنی، یارانه‌ها و حفاظت‌ها، و بخش‌های کشاورزی و منسوجات در زمینه تجارت کالا هستند که به همراه گات ۱۹۹۴، ضمیمه موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی را، با عنوان موافقتنامه‌های چند جانبه کالایی، تشکیل می‌دهند. در صورت تعارض میان مواد گات ۱۹۹۴ و موافقتنامه‌های خاص، مورد اخیر مقدم خواهد بود.

ایران نیز عضویت در سازمان تجارت جهانی را در برنامه‌های راهبردی خود منظور کرده و از سال ۱۳۷۵ درخواست عضویت خود را به دبیرخانه این سازمان ارائه نموده است. قبول عضویت ایران با مخالفت حداقل یکی از اعضاء که آمریکا است، مواجه شده است. رأی منفی آمریکا باعث می‌شود

اجماع لازم به دست نیامده و پذیرش ایران مورد موافقت قرار نگیرد. البته حتی اگر یک عضو ضعیف هم با پذیرش ایران مخالفت کند، باز هم عضویت ایران در دستور کار سازمان تجارت جهانی قرار نمی‌گیرد. به هر حال در صورت پذیرش ایران، مذاکرات ایران و سازمان تجارت جهانی از زمانی که با درخواست عضویت ایران موافقت شود، حدود ۶-۵ سال پیش‌بینی می‌شود که طول بکشد.

براساس موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی، کشورها باید تعرفه‌ها را به تدریج حذف کنند. در حال حاضر نفت از موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی خارج است و موافقتنامه‌های آن مشمول فرآورده‌های نفتی نمی‌شود. بر این اساس ورود کالاهای صادراتی کشورهای صنعتی به کشورهای نفتی منجمله ایران مشمول حذف تعرفه شده اما واردات نفتی کشورهای صنعتی از کشورهای نفتی و ایران مشمول حذف یا کاهش تعرفه نمی‌شود و نفت بخش بزرگی از صادرات این کشورها را تشکیل می‌دهد. این موضوع بسیار تعیین‌کننده است و به همین دلیل آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی از مطرح شدن بحث نفت و فرآورده‌های نفتی هراس دارند

در صورتی که ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید بایستی معاهدات بین‌المللی زیادی را بپذیرد و تعدیلات زیادی را نیز در قوانین داخلی انجام دهد. منجملاً این معاهدات موارد زیر است که باید مورد قبول کشوری باشد که مایل به عضویت در این سازمان است. مسلماً این معاهدات با توجه به نقاط اشتراک و افتراق مفاد آنان با قوانین، مقررات، رویه‌ها و سیاست‌های صنعتی در ایران، در صورت عضویت احتمالی در سازمان تجارت جهانی، تعدیلات زیادی باید در بخش‌های مختلف مرتبط با صنعت کشور صورت گیرد.

رژیم تجاری ایران طی دهه گذشته شاهد تحولات عمده‌ای بود. قانون مقررات صادرات و واردات کاملاً تغییر کرد، مالیاتهای وارداتی یک کاسه شد و گرایش سیاستهای تجاری به سمت آزادسازی بود. بعلاوه نرخهای متنوع ارز که از جمله موانع عمده صادرات بشمار می‌آید یکسان گردید. یارانه‌های بسیاری تغییر کردند ولی هنوز نیاز به اصلاحات بسیاری در این بخش است. برای بررسی تطبیقی قوانین تجاری ایران با توافقنامه‌های سازمان تجارت جهانی ملاحظه اصول کلی اصل عدم تبعیض و اصل دولت کامله الوداد (MFN) و کاهش تعرفه‌های گمرکی و تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای به تعرفه و ممنوعیت استفاده از محدودیت‌های کمی از اهمیت خاصی برخوردارند.

اصل ۷۷ قانون اساسی ایران الزام می‌نماید که کلیه مقاوله نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس برسد که این موضوع شامل موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی نیز خواهد شد. از طرف دیگر طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی، صلح و دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به هر داوری در هر مورد موکول به تصویب هیات وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. در مورد موافقتنامه‌های تجارت جهانی مسئله به این صورت مطرح است که در مرحله اول اختلاف میان اعضاء از طریق مشورت با یکدیگر حل می‌شود و در صورتی که حل نشد به تقاضای شاکی به مرجع بین‌المللی حل اختلاف که به منظور رسیدگی به دعاوی میان کشورهای عضو تشکیل شده است ارجاع خواهد شد و مرجع حل اختلاف حق دارد هیئت‌های رسیدگی تشکیل

دهد و برای اجرای احکام و توصیه‌ها نظارت کند. بدین ترتیب در مورد حل اینگونه اختلافات نیازی به دخالت مجالس قانونگذاری در هیچ یک از کشورهای عضو وجود ندارد.

اصل ۴۴ قانون اساسی صنایع بزرگ و مادر، بازرگانی خارجی، بانکداری، بیمه، راه آهن، کشتیرانی، هواپیمایی، معادن بزرگ، سدها و ارتباطات را در اختیار دولت قرار می‌دهد. گرچه در عمل کاملاً این اصل رعایت نمی‌شود و بخشهای خصوصی و شبه خصوصی درگیر فعالیتهای بازرگانی خارجی می‌باشند. در حالیکه طبق اصل ۱۶ اصول و قوانین گات در مورد دسترسی به بازار، اصل آزاد سازی تجاری از جمله اصول حاکم بر گات است که در مورد پیوستن کشورها به سازمان تجارت جهانی مورد توجه قرار می‌گیرد.

یکی از موارد مهم در راه الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی اصل ۸۱ قانون اساسی است. به موجب این اصل دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است. بر اساس موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی اعضا می‌توانند نسبت به ارائه خدمات مرتبط با موارد فوق در سایر کشورهای عضو اقدام نمایند و این موضوع طبعاً با مفاد اصل فوق تعارض دارد.

مقررات صادرات و واردات کالاهای وارداتی و صادراتی به چهار گروه مجاز، مجاز مشروط، غیر مجاز و ممنوع تقسیم می‌گردد ولی گات دسترسی به بازار کالاها را برای اعضا در چارچوب موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی مجاز می‌داند. از طرف دیگر گات طرف‌های متعاقد

را از وضع محدودیت مقداری برای ورود کالا به کشور خود بر حذر می‌دارد که برخلاف مقررات صادرات و واردات کشور در خصوص حمایت مؤثر از تولید داخلی که در مورد کالاهایی که تولید داخلی آن‌ها به مقدار نیاز کشور نیست می‌باشد.

در خصوص کاهش تعرفه‌های گمرکی باید گفت که این اصل محور اساسی تعارضات مقررات گات با مقررات تجارت خارجی ایران به شمار نمی‌آید. زیرا عوارض وارداتی ایران که قبلاً شامل حقوق گمرکی، سود بازرگانی، سایر عوارض گمرکی، حق ثبت سفارش و ... بوده ضمن متعدد و پراکنده بودن از موانع واردات محسوب می‌شد، ولی در حال حاضر اصلاحات زیادی بر قانون مقررات واردات و صادرات اعمال شده و بسیاری از مشکلات مربوط به این بخش کاهش یافته است.

موانع غیرتعرفه‌ای نیز با اعمال شفافیت‌های بسیاری کاهش یافته‌اند و می‌توان با تبدیل باقی آنها به تعرفه این مسئله را نیز تا حد زیادی برطرف نمود.

سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان مکلف است بر اساس مصوبات شورای اقتصاد نسبت به پرداخت سوبسید برخی کالاهای اساسی اقدام کند. طبق ماده ۱ موافقتنامه گات درباره سوبسیدها، آمده است که سوبسید عبارت است از کمک مالی دولت یا مؤسسات دولتی که متضمن انتقال مستقیم وجوه مثل برقراری کمک‌های بلاعوض، وام و تزریق سرمایه و یا انتقال تعهدات مثل تضمین وام باشد. بخشیدن مالیات‌ها و عوارض در قالب مشوق‌های مالیاتی و دادن کالا و

خدمات دیگری برای امر صادرات از دیگر موارد سوبسید است. طبق این بند بسیاری از تسهیلات مقرر در قوانین ایران از دیدگاه این موافقتنامه سوبسید به حساب می‌آید.

از نظر مقررات گات، سهمیه بندی ارزی و تخصیص ارز جهت ورود کالا برحسب اولویت‌های خاص و نیز نرخهای ارز ترجیحی نیز نوعی محدودیت به شمار می‌رود. حمایت از صنایع و تولیدات داخلی به کمک ابزارهای غیر تعرفه‌ای نظیر سهمیه بندی ارزی و گران کردن واردات در مقابل محصولات مشابه داخلی با تخصیص ارز به بخشهای اولویت دار و صدور محصولات داخلی به صورت دامپینگ در قالب سیاستهای تشویق صادرات و یا حمایت از شرکتهای داخلی در تجارت خارجی با فروختن ارز ارزان قیمت به آنها از مواردی است که در ایران کم و بیش وجود داشته و برخی از آنها نیز در حال حاضر متداول هستند ولی از سال ۱۳۸۱ با اجرای سیاست یکسان سازی ارز بسیاری از معضلات مربوط به این موانع برطرف یا حداقل کم شده است.

گات در ارتباط با رفتار ملی در مورد وضع مالیات و مقررات داخلی کشورها را الزام به اتخاذ قوانین و رویه‌های یکسان و مشابه و مطلوب در مورد محصولات وارداتی و تولیدات داخلی می‌نماید و تولیدات هر کشور طرف قرارداد که وارد سرزمین متعاقد دیگر می‌شود بطور مستقیم و غیر مستقیم مشمول مالیات داخلی و دیگر انواع مالیات و هزینه‌هایی است که در مورد محصولات مشابه داخلی برقرار می‌گردد و مواردی مازاد بر آن نباید در نظر گرفته شود. برخی مواد قانون مالیات‌های مستقیم نظیر مواد ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۴۲ به اشکال گوناگون اقدام به حمایت از تولید کنندگان داخلی در قالب معافیت‌های مالیاتی می‌نماید. البته باید گفت که اصولاً گات حمایت از تولیدات و

صنایع داخلی را ممنوع نمی‌کند بلکه طبق مقررات خاصی نظیر ماده ۲ اساسنامه مقرر می‌دارد که چنین حمایت‌هایی باید اساساً از طریق تعرفه‌های گمرکی و نه از طریق اقدامات تجاری صورت گیرد. اهداف عمده این اصل، ایجاد شفافیت و وضوح در اجرای سیاست‌های حمایتی و به حداقل رساندن اختلالاتی است که حمایت در تجارت ایجاد می‌کند.

ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی باید اصلاحات ساختاری متعددی را انجام دهد. از جمله این اصلاحات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. بسترسازی قانونی از طریق بازنگری در برخی قوانین نظیر قوانین اساسی، کار، تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، بیمه، بانکداری، گمرک، مالیات، و ... و تطبیق آنها با قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی.
۲. بسترسازی اقتصادی از طریق شناخت پتانسیل در مزیت‌های نسبی بالقوه و بالفعل در بخش‌های عمده اقتصادی و افزایش قدرت رقابت محصولات صادراتی کشور.
۳. توانا ساختن بنگاهها در عرضه محصولات با کیفیت برتر و از لحاظ قیمتی قابل رقابت با محصولات مشابه در بازارهای جهانی.
۴. ایجاد ظرفیت اضافی برای صادرات کالاهای صنعتی و بالا بودن سهم این قبیل صادرات در کل صادرات غیر نفتی کشور.
۵. ایجاد شرایط ثبات سیاسی و اقتصادی برای کشور.

۶. ایجاد هماهنگی در سیاستهای پولی، مالی، ارزی و تجاری کشور.
۷. فراهم ساختن شرایط لازم برای رشد صادرات.
۸. اصلاح گمرکات کشور.
۹. مشارکت در مذاکرات سازمان تجارت جهانی از طریق مطالعات مستمر و تحقیقات دقیق بازرگانی - حقوقی توسط گروه‌های کاری منسجم و متخصص.
۱۰. ارزش قائل شدن برای تخصص‌ها و اصلاح نظام‌های موجود بر اساس محوریت دانش.
۱۱. نظام آماری بهنگام و کارا

در بخش بعدی با بررسی کلیات موافقتنامه‌های دور اروگوئه آنها را با شرایط قوانین و مقررات ایران مقایسه می‌نماییم.

- اهم موضوعات موافقتنامه گات ۱۹۹۴ عبارتند از: شرط دولت کامله‌الوداد، شرط رفتار ملی، جداول امتیازات، آزادی ترانزیت، مسائل مربوط به ارزشیابی، عوارض و تشریفات گمرکی، شفافیت مقررات تجاری، حذف محدودیتهای مقداری و استثنائات آن، حمایت‌های مجاز بر حسب اقتضای شرایط، یارانه‌ها، بنگاههای تجاری دولتی، استثنائات، حل و فصل اختلافات، ترتیبات منطقه‌ای و ملاحظات کشورهای در حال توسعه. ایران برای الحاق به گات باید موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مصوب ۱۹۴۷ را بپذیرد.

- در مورد موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی ایران باید پس از انجام مذاکرات مربوط به پذیرش موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گات ۱۹۴۷ بعنوان یک طرف متعاقد پذیرفته شود و پس از الحاق به گات ۱۹۴۷، موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی و موافقتنامه‌های پیوست آن را بپذیرد.

- یکی از تبعات مهم عضویت کشورها و منجمله ایران در سازمان تجارت جهانی کاهش تعرفه‌های گمرکی و دسترسی به بازار است که از نتایج اعمال این موافقتنامه می‌باشد. اثر این کاهش بر وضعیت رقابتی صنایع، اشتغال، تخصیص منابع، بودجه دولت و غیره موضوعی است که در صورت عضویت در سازمان تجارت جهانی از اهمیت بسزائی برخوردار است. در مورد موافقتنامه کشاورزی با ابراز داشت که ایران در زمینه مشوق‌های تولیدی کشاورزی قوانین و مقررات مختلفی به تصویب رسیده که بسیاری از آنان بطور مستقیم تولیدات بخش کشاورزی را حمایت می‌کنند و برخی دیگر بطور غیر مستقیم از طرق مختلف منجر به حمایت بخش کشاورزی می‌شوند. این مشوق‌ها و قیمت‌های تضمینی محصولات اساسی کشاورزی و یارانه‌های کود و بسیاری از خدمات کشاورزی یارانه‌ای نیز در این بخش وجود دارند که همگام با مصوبات گذشته و جاری سازمان تجارت جهانی در این بخش در فرآیند الحاق باید اصلاح گردند.

- موافقتنامه اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی برای حمایت و حفاظت از بهداشت انسانها، حیوانات و نباتات است و در صدد اعمال قیودی است که اقدامات مزبور وسیله تبعیض دلخواه یا غیر قابل توجیه میان اعضا را فراهم نیاورد و یا محدودیت پنهان تجاری ایجاد نکند. وزارت بهداشت،

درمان و آموزش پزشکی و سازمان محیط زیست همراه با مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران به موجب قانون می‌توانند در این زمینه عمل نمایند. در ایران وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در حال حاضر صدور گواهی ورود اکثر کالاهای بهداشتی، آرایشی و دارویی را منوط به اثبات واردکننده مبنی بر مصرف کالای مورد نظر در کشورهای اروپایی کرده. این گواهی که به EU-Sale مشهور شده باعث می‌شود که بطور ضمنی استانداردهای اروپایی برای مصرف بسیاری از کالاهایی که در این بخش قرار می‌گیرند اعمال شود و هماهنگی خودکار با مقررات فنی-بهداشتی آنجا برقرار شود.

- موافقتنامه منسوجات و پوشاک در پی هدف این موافقتنامه آزادسازی تجاری بازار منسوجات و پوشاک می‌باشد. چنانچه ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید چون از صادرکنندگان عمده منسوجات و پوشاک نیست و عضو موافقتنامه بین‌المللی منسوجات نبوده و طبعاً از سهمیه‌های وارداتی وضع شده در قالب ترتیبات الیاف چندگانه برخوردار نبوده است، لذا موافقتنامه منسوجات و پوشاک مستقیماً و در کوتاه مدت صنایع نساجی ایران را متاثر نمی‌گرداند. افزایش صادرات فرش بعنوان یک کالای نساجی در اثر حذف تدریجی تعرفه‌ها و سهمیه‌های ترجیحی در قالب سیستم عمومی ترجیحات (GSP) هم به بازارهای سنتی و همچنین به بازارهای جدید قابل پیش‌بینی می‌باشد.
- موافقتنامه موانع فنی فرا راه تجارت ضمن تقویت قوانین موجود استانداردها، الزام می‌نماید که موضوعاتی از قبیل مشخصات فنی، استانداردها، رویه‌های مربوط به ارزیابی، مطابقت و آزمایش نباید به شکل ناعادلانه‌ای منجر به ایجاد موانع بر سر راه تجارت گردند. مرجع رسمی و قانونی استاندارد در

ایران، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی است. در صورت عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت نمی‌توان ایران را از اعمال و رعایت استانداردهای خود بازداشت. ولی باید هر چه بیشتر استانداردها و مقررات فنی خود را با مؤسسات بین‌المللی استاندارد هماهنگ سازد.

- موافقتنامه ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری شامل اقداماتی است که تجارت کالاها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با دقت بر این موضوع که برخی اقدامات محدودکننده مصلحت تجارت هستند و کشورهای عضو نباید اقدام تبعیض آمیزی را برای خارجیان و یا محصولات خارجی بکار گیرند اقدامات سرمایه‌گذاری را که منجر به محدود کردن مقادیر کمی می‌شود نیز غیرقانونی می‌دانند. قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایران در حال حاضر تعیین‌کننده ضوابط سرمایه‌گذاری خارجی است. در مقایسه موافقتنامه سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت با قانون سرمایه‌گذاری خارجی ایران، این موافقتنامه اصول و ضوابطی را برای چگونگی سرمایه‌گذاری خارجی مقرر نمی‌دارد، بلکه در آن تصریح شده در فرآیند سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت، ضوابطی مغایر با گات در رابطه با رعایت اصل رفتار ملی در مورد وضع مالیات و مقررات داخلی و نیز حذف کلی محدودیت‌های مقداری منظور نگردد و لذا در موافقتنامه از کشورها پذیرش تعهد جدیدی درخواست نشده است. قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایران اساساً متعرض چنین ضوابط و شروطی نگردیده است که بتوان آن را مغایر با موافقتنامه مزبور دانست. اما باید در صورت عضویت ایران و یا عقد قراردادهای سرمایه‌گذاری دو جانبه ملاحظات قوانین جدید سرمایه‌گذاری کشور با عنایت به ضوابط موافقتنامه مزبور مد نظر قرار گیرد.

• برخی اوقات صادرکنندگان محصولات خود را زیر قیمت بازار به فروش می‌رسانند. این عمل اصطلاحاً دامپینگ یا قیمت شکنی نامیده می‌شود و بعنوان رویه تجاری غیرمنصفانه‌ای که باعث اختلال در رقابت می‌شود، در تجارت بین‌الملل مطرح می‌گردد. براساس این موافقتنامه رویه‌های ضد دامپینگ محصولی زیر قیمت (دامپینگ شده) محسوب می‌شود که قیمت صادراتی آن کمتر از قیمت اخذ شده برای همان نوع محصول در کشور صادرکننده باشد. موافقتنامه گات کشورها را مجاز به اتخاذ عملیات ضد دامپینگ می‌نماید یعنی کشورها اصول مربوط به تعرفه‌های محدودکننده را بشکنند. اقدامات ضد دامپینگ از جمله مواردی است که نه تنها پس از الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی فعال می‌شود بلکه در حال حاضر نیز نسبت به برخی از کالاهای ایرانی نیز اعمال می‌گردد. برای مثال اقدامات ضد دامپینگ اروپا در مقابل فولاد صادراتی ایران به آلمان در سالهای اخیر از جمله این موارد است. ایران بایست از همین‌الآن شرایط لازم برای مقابله حقوقی و فنی با اقدامات ضد دامپینگ و همچنین ارزیابی فنی و حقوقی با اقدامات دامپینگ خارجی را مهیا سازد. گرچه این اقدامات در حال حاضر از ضرورت کمی برخوردار است ولی در آینده و هنگام الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی از اهمیت بسزائی برخوردار خواهد شد.

• موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی یارانه را یک کمک مالی تعریف می‌نماید که توسط دولت یا هر رکن دولتی به شرکت‌ها یا صنایع معینی اعطا می‌شود. این کمک مالی شامل پرداخت مستقیم وجوه، انتقالات مستقیم (نظیر ضمانت‌های وام)، مشوق‌های مالی، اعتبارات مالیاتی، کالاهای خدمات دولتی (باستثنای خدمات زیربنایی) یا هر نوع حمایت قیمتی و درآمدی می‌باشد. سوبسیدهای

ممنوع شده عبارتند از سوبسیدهایی است که اهداف صادراتی مشخص را دنبال می‌کنند و یا تولید کنندگان را ملزم به استفاده از کالاهای داخلی به جای کالاهای وارداتی می‌کنند. در ایران در زمینه مشوق‌های صنعتی قوانین و مقررات مختلفی به تصویب رسیده که بر حسب مورد و موضوع می‌توان آنها را بشرح زیر طبقه بندی نمود: مشوق‌های صادراتی، مشوق‌های منطقه‌ای، حمایت از صنایع اساسی و تولیدات داخلی، مشوق‌های سرمایه‌گذاری صنعتی، مشوق‌های مشارکتی صنایع، مشوق‌های زیربنایی صنایع (فراهم آوردن تسهیلات زیربنایی)، حمایت از اختراعات و ابداعات و سایر مشوق‌ها. در قوانین و مقررات ایران و مربوط به بخش صنعت باید گفت که در خصوص صادرات هم مشوق‌های گمرکی (معافیت گمرکی) مشوق‌های مالیاتی (معافیت ۵۰ درصد ارزش صادرات از مالیات بر درآمد) و هم اعطاء جوایز و تسهیلات حمل و نقل اعمال می‌گردد، که طبعاً با موافقتنامه یارانه‌ها مغایرت دارد. اما این حمایت‌ها و مشوق‌ها که طبق تعریف یارانه بشمار می‌روند و به حمایت درآمدی و قیمتی از صادر کننده منجر می‌شوند، جنبه خاص ندارند و کلیه صادرات صنعتی را در بر می‌گیرند و در قانون صنعت یا گروه خاصی از صنایع مشمول تسهیلات صادراتی خاص قرار نگرفته‌اند. تحلیل‌های اولیه از مقایسه موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی با رژیم حمایتی صنعتی در ایران (یارانه‌ها، مشوق‌ها و غیره) نشان می‌دهد که اولاً رژیم حمایتی کشور رژیم نامتناسب و بدون هدفی است و صنعت خاصی را بر اساس مزیت‌های نسبی آن صنعت نه از بابت تولید نه از بابت صادرات مورد حمایت قرار نداده است و ثانیاً چنین رژیمی که فاقد حمایت منطقی و جهت دار از صنعت معینی می‌باشد، طبعاً با مفاد موافقتنامه یارانه‌ها نیز مغایرت‌های شدیدی پیدا نمی‌کند.

- موافقتنامه حفاظت‌ها در کنار موافقتنامه ضد قیمت شکنی (ضد دامپینگ) و نیز بخشی از موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، موافقتنامه‌های ناظر بر اتخاذ اقدامات واکنشی یک جانبه تجاری در سازمان تجارت جهانی را که گاه حمایت‌های اقتضایی نیز خوانده می‌شوند تشکیل می‌دهد. این اقدامات به منظور مقابله با رقابت غیر منصفانه و یا مواجهه با شرایط اضطراری به کار بسته می‌شوند. یک کشور عضو سازمان تجارت جهانی می‌تواند واردات یک کالا را چنانچه صنعت داخلی تهدید شده و یا به دلیل افزایش واردات صدمه ببیند موقتاً محدود کند یا اقدام حمایتی درباره آن وضع نماید. این موافقتنامه پس از الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی بر تجارت و قوانین تجاری ایران اثر می‌گذارد و قبل از آن مستلزم اصلاحات و پیش‌نیازهایی در فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی نمی‌باشد ولی همانطور که در بخش‌های دیگر به آن اشاره شده باید شرایط حمایت از کالاهای مختلف را طبق موافقتنامه‌های دیگر بالاخص موافقتنامه یارانه‌ها منطبق با سازمان تجارت جهانی نمود.
- موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی سازمان تجارت جهانی بر روی ارزیابی کالاها در گمرکات با این هدف طراحی شده است که یک سیستم ارزیابی عادلانه، متحدالشکل و بیطرف را در گمرکات اعمال نماید، سیستمی که مطابق با واقعیت‌های تجاری و اعمال رویه‌های خودسرانه و دلخواهانه را در ارزیابی ممنوع می‌کند. بطور کلی مقایسه مفاد موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی با قانون و مقررات گمرکی ایران در خصوص تعیین ارزش کالای وارداتی نشان می‌دهد که ایران معمولاً برای تقویم کالاهای وارداتی از روش اول یعنی روش معاملاتی و قیمت واقعاً پرداخت شده استفاده می‌نماید که روش اصلی در موافقتنامه مزبور می‌باشد. از سوی دیگر ایران به لحاظ عضویت

در شورای همکاری گمرکی و تبعیت از روش‌ها، رویه‌ها و اصطلاحات و تعاریف بین‌المللی این شورا، مشکل خاصی در ارتباط با موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی ندارد.

- هدف از موافقتنامه بازرسی قبل از بارگیری تأمین منافع مالی ملی و جلوگیری از خروج سرمایه، کلاهبرداری‌های تجاری و فرار از پرداخت عوارض گمرکی است و برای جبران عدم کفایت‌های موجود در سازمان‌های اداری گمرکات و بنادر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در صورت عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت و پذیرش مفاد موافقتنامه بازرسی قبل از حمل، انجام اقدامات و تدوین مقرراتی متناسب با مفاد این موافقتنامه که ناظر بر رفتار دولت واردکننده، صادرکننده و موسسه بازرسی باشد، لازم به نظر می‌رسد. اساساً این موافقتنامه بدین منظور در مجموعه موافقتنامه‌های دورار و گوئه گنجانده شده که کشورها با توسل به خدمات اینگونه موسسات موانع غیرضروری و ناعادلانه‌ای را بر سر راه تجارت میان یکدیگر ایجاد نکنند و رویه‌هایی که در این موافقتنامه پیش بینی شده با هدف به حداقل رساندن فرآیند بازرسی و رفع اختلافات احتمالی تنظیم گردیده است. در حالیکه در تدوین قوانین و مقررات مربوط به موسسات بازرسی در ایران، چنین نگرشی در جهت تسهیل مبادلات تجاری مد نظر نبوده است. به هر حال علیرغم ملاحظات فوق، موافقتنامه بازرسی قبل از حمل از جمله موافقتنامه‌هایی نیست که مشکلات حادی را متوجه دستگاه‌های مربوطه سازد.

- موافقتنامه قواعد مبدأ ویژگی‌هایی را که برای تعریف این موضوع که کالا در کجا تولید شده است ارائه می‌کند. قوانین مبدأ جزء مهمی از قواعد تجاری است چرا که در برخی سیاست‌ها میان

کشورهای صادرکننده تبعیض قائل می‌شود. منظور از کشور مبداء، کشوری است که در آنجا کالا تولید، مونتاژ، پردازش، فرآوری یا تهیه می‌شود. این تعریف تقریباً همان تعریف سازمان جهانی گمرک است که در حال حاضر برای تعیین مبداء در ایران، صرف نظر از چگونگی عمل صادرکننده استفاده می‌شود.

- موافقتنامه رویه‌های صدور مجوز ورود موافقتنامه حاوی این نکته است که پروسه جواز باید ساده شفاف و قابل پیش‌بینی باشد. در ایران غالباً مجوزهایی که برای واردات برقرار می‌شوند، محدود کننده می‌باشند. وضع مجوز برای هر ردیف یا گروه کالا، به منزله آن است که ورود آن ردیف یا گروه از کالاها به دلایل اقتصادی (حمایت از تولیدکننده یا مصرف‌کننده) مستلزم بررسی و اعمال ضوابط خاصی تا حصول اطمینان از ساخت یا عدم ساخت یا تولید در داخل، همچنین سقف و میزان معینی که باید هنگام ورود رعایت شود، می‌باشد. مجوزهایی که برای صادرات برقرار می‌شود، بیش از هر چیز به حمایت دولت از مصرف‌کنندگان داخلی اعم از واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی و مصرف‌کنندگان عادی که کالا را مستقیماً برای رفع نیازهای روزمره استفاده می‌کنند مربوط می‌شود. در ایران علاوه بر وزارت بازرگانی که همچون مورد واردات بیشتر مجوزها را در اختیار دارد. وزارتخانه‌های صنایع، کشاورزی، معادن، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی نیز مرجع صدور مجوزهای صادرات می‌باشند. رویه‌های اداری ایران با مفاد این موافقتنامه فاصله زیادی دارند. اولاً دستگاه‌های زیادی در ایران در صدور مجوز ورود دخالت دارند و ثانیاً گواهینامه‌های متعددی در رابطه با واردات برخی از کالاها مورد نیاز است و این خود تعداد دستگاه‌های اداری را بیشتر می‌کند،

رعایت اصل سهولت که در موافقتنامه مورد تاکید قرار گرفته، را دچار مشکل می‌سازد. علاوه بر این مکانیزم صدور اتوماتیک مجوز ورود در رویه‌های اداری ایران وجود ندارد.

- موافقتنامه تجارت خدمات، در برگیرنده اصول و قواعد چند جانبه‌ای برای تجارت خدمات با هدف آزاد سازی تدریجی آن و به عنوان وسیله‌ای برای رشد اقتصادی تمامی طرف‌های تجاری و توسعه کشورهای در حال توسعه می‌باشد. در این موافقتنامه از کشورها خواسته شده ضمن فراهم کردن تسهیلات لازم برای مشارکت بیشتر در تجارت بین‌المللی خدمات، ظرفیت داخلی بخش خدمات و کارآیی و رقابت پذیری آن را تقویت کنند. در ایران آنچه که به بخش صنعت در مجموعه فعالیتهای خدماتی مربوط می‌شود، خدمات فنی و مهندسی است. با توجه به جوان بودن این گونه خدمات در مجموعه فعالیت‌های مهندسی کشور می‌توان گفت که ایران هنوز تا رسیدن به مرحله رقابت پذیری در زمینه صدور خدمات مهندسی در بازارهای جهانی راه درازی در پیش رو دارد و لذا دادن امتیاز در این بخش، پتانسیل‌های اولیه این بخش خدماتی را دچار مشکل می‌سازد. اما از آنجا که از نظر اقتصادی، بهره‌وری صادرات این بخش به مراتب بیش از صادرات کالا است، می‌طلبد که در قالب حمایت‌های منطقی و جهت دار، زمینه‌های رشد و توسعه آن با هدف حضور در بازارهای بین‌المللی فراهم گردد.

- موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری یکی از مهمترین ارکان اصلی موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی است. این موافقتنامه از نظر پوشش، انواع مختلف حقوق مالکیت فکری از قبیل حق نسخه برداری و حقوق جانبی (حقوق اجرا کنندگان، تولید کنندگان آثار صوتی، و

سازمانهای پخش رادیو تلویزیونی)، علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرحهای صنعتی، حق اختراع، طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه چیپها و اطلاعات افشاء نشده را شامل می‌گردد. در خصوص مقایسه قوانین مالکیت صنعتی در ایران و مفاد موافقتنامه حقوق مالکیت معنوی باید متذکر شد که با توجه به اینکه ایران عضو نظام بین‌المللی کپی رایت نیست، پذیرش تعهدات مندرج در این موافقتنامه الزاماً به معنای پذیرش کنوانسیون برن (۱۹۷۱) و تعهدات مربوط به کپی رایت است که این موضوع می‌تواند یکی از مسائل مهم و حاد در روند الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی باشد.

- «موافقتنامه‌های میان چند طرف» شامل موارد موافقتنامه مربوط به گوشت دام، موافقتنامه مربوط به محصولات لبنی، موافقتنامه تجارت هواپیماهای کشوری یا غیر نظامی، موافقتنامه خریدهای دولتی می‌باشد و مورد قبول برخی از اعضاء می‌باشند. موافقتنامه تجارت هواپیماهای غیر نظامی به همراه موافقتنامه خریدهای دولتی تنها موافقتنامه‌هایی هستند که پذیرش آنها اختیاری است. هدف اصلی این موافقتنامه تجارت آزاد هواپیماهای غیر نظامی و قطعات آن می‌باشد.

- هدف «موافقتنامه خرید دولتی» گشایش بازار خریدهای دولتی کشورهای عضو به روی شرکت‌های تجاری یکدیگر از طریق تضمین شرایط رقابت عادلانه و حاکم ساختن ملاحظات صرفاً تجاری بر خریدهای دولتی می‌باشد. طرفداران این موافقتنامه معتقدند آزادسازی خریدهای دولتی موجب کاهش هزینه‌های دولتها گشته و اقدامی در جهت مقابله با مشکلات مزمن کسری بودجه بشمار می‌آید، لیکن کشورهای در حال توسعه تاکنون استقبال چندانی از این موافقتنامه ننموده و غالب اعضای آن کشورهای توسعه یافته می‌باشند.

- سرفصل‌های آتی اجلاس وزرای سازمان تجارت جهانی شامل موارد تجارت الکترونیک، تسهیل تجاری، شفافیت در خریدهای دولتی، تجارت و محیط زیست، تجارت و سرمایه‌گذاری، تجارت و سیاست رقابتی است.
- در دور ارو گوئه هیچ موافقتنامه‌ای در ارتباط با تجارت و محیط زیست وجود ندارد ولی در بعضی از موافقتنامه‌ها اشاراتی به این موضوع شده است.
- پیشنهاد موافقتنامه چند جانبه سرمایه‌گذاری از طرف کشورهای توسعه یافته مطرح شد. این پیشنهاد با مخالفت کشورهای در حال توسعه روبرو گردید. مذاکرات پیرامون این پیشنهاد ناکام مانده است.
- هنوز تعریف ثابتی از تسهیل تجاری به عمل نیامده است. متداولترین تعریف «ساده سازی و هماهنگ سازی رویه‌های تجاری بین‌المللی» است که منظور از رویه‌های تجاری «فعالیت‌ها، اقدامات و تشریفات مرتبط با جمع آوری، ارائه، تبادل و پردازش داده‌ها برای حرکت کالاها در عرصه تجارت بین‌الملل» می‌باشد. با این تعریف مجموعه وسیعی از فعالیتها از جمله رویه‌های واردات و صادرات (مانند قوانین گمرکی و صدور مجوز) تشریفات حمل و نقل، پرداختها، بیمه و دیگر اقدامات مالی در دایره شمول مفهوم تسهیل تجاری قرار می‌گیرند. در حال حاضر کمیته تجارت کالایی عمده فعالیت خود را بر دریافت و تحلیل گزارشهای کشوری متمرکز نموده است. کشورهای در حال توسعه عمدتاً علیرغم موافقت با اصول تسهیل تجاری با قبول تعهدات بیشتر در قالب موافقتنامه جدید در قالب تسهیل تجاری با شروع مذاکرات مخالفت نموده‌اند.

- وزیرای سنگاپور (۱۹۹۶) تصمیم به ایجاد «گروه کاری شفافیت خریدهای دولتی» گرفت تا ضمن انجام مطالعاتی در زمینه رویه‌های خرید دولتی مقدمات تدوین یک موافقتنامه چند جانبه را در این زمینه فراهم آورد. تنوع نظرات و اصطکاک منافع کشورهای شرکت کننده در جلسات گروه کاری شفافیت به حدی بوده است که چشم انداز حصول اجماع در زمینه تدوین یک موافقتنامه آتی با ابهام مواجه شد.

با توجه به مطالب یادشده می توان گفت چنانچه با رفع مسائل سیاسی ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی پذیرفته شود، به عنوان یک کشور در حال توسعه در کوتاه مدت با موانع عمده‌ای مواجه نیست و تحولات عمیقی در رژیم تجاری کشور و مقررات مربوط به تبع این الحاق در کوتاه مدت حادث نمی گردد ولی بسیاری از قوانین و مقررات و رویه‌های اجرائی باید اصلاح شوند که این الزام باعث بهبود کیفی نظام‌های اداری، حقوقی، بازرگانی و اقتصادی ایران خواهد شد. اما مفاهیمی نظیر برخورداری از اصل عدم تبعیض، دسترسی مداوم و مطمئن به بازارها، حل و فصل اختلافات تجاری از طریق مشاوره‌ها، حضور در مجامع تجاری بین‌المللی، برخورداری از کمک‌های فنی از جمله منافی است که در میان مدت نصیب ایران خواهد شد.

منابع و مأخذ

- امید بخش اسفندیار، بیژن بیدآباد، اکبر کمیجانی، رفعتی، حکیمیان و همکاران. بررسی آثار عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی بر بخش صنعت، سازمان مدیریت صنعتی، وزارت صنایع، دی ۱۳۷۵.
 - امید بخش اسفندیار و مسعود طارم سری، آشنایی با موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و بررسی تبعات الحاق ایران به آن، موسسه مطالعات پژوهشهای بازرگانی، آذر ۱۳۷۲.
 - بیدآباد، بیژن. آثار کمی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی در بخش صنعت، ۱۳۸۲، تهران.
 - بیدآباد، بیژن. موانع غیرتعرفه‌ای در سازمان تجارت جهانی و حذف از بازرگانی خارجی ایران، ۱۳۸۱.
 - بیدآباد، بیژن. مسائل سیاستگذاریهای کلان اقتصادی در ایران، مجموعه ۴۰ مقاله، منتشر شده در:
- <http://www.ieicenter.com/article/>
- کمیجانی، اکبر (۱۳۷۴) تحلیلی پیرامون تجارت تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی و آثار اقتصادی الحاق ایران به آن. معاونت امور اقتصادی. وزارت امور اقتصادی و دارائی.
 - محمد جواد ایروانی، مترجم (۱۳۸۱). تجارت در آینده سال. درآمدی بر سازمان تجارت جهانی. موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

- دبیرخانه آنکتاد (۱۳۸۱) چگونگی الحاق به سازمان تجارت جهانی. ترجمه: ابوالقاسم بینات، حامد روحانی، محمد حسن زارع احمدآبادی، علی زاهدطلبان، امیر هوشنگ فتحی زاده، موسی موسوی زنوز. نمایندگی تام الاختیار تجاری ایران.
- لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۸۸-۱۳۸۴. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- یحیی فتحی (۱۳۸۱). وضعیت تجارت خارجی ایران در چارچوب مقررات سازمان تجارت جهانی. از سری مقالات پژوهشی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی ایران.
- خبرنامه رویدادها و تحولات سازمان تجارت جهانی (۱۳۸۳). سال هشتم شماره (۵۸) اردیبهشت.
- شیرودی عبدالحسین (۱۳۷۸) سازمان تجارت جهانی اهداف، مبانی و ساختار. مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال اول شماره چهارم زمستان.
- شیرودی عبدالحسین (۱۳۷۹) سازمان تجارت جهانی و تأثیر آن بر مقررات داخلی. مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال دوم شماره پنجم، بهار.
- الیاسی، حمید (۲۰۰۲). ایران و عضویت در سازمان تجارت جهانی بازرگانی با یک بحث انتقادی، JIRA April 2002. ترجمه خیرخواهان، اطلاعات سیاسی - اقتصادی ۱۷۸ - ۱۷۷.
- حقی، محمد علی، آشنایی با سازمان تجارت جهانی. نشریه صنایع نساجی ۲۳۵.
- سالواتوره. اقتصاد بین‌الملل.

- علی رشیدی (۱۳۷۴) طرز پیوستن به سازمان تجارت جهانی. نشریه اتاق بازرگانی شماره ۴. مه
- لقا اترک، شهیندخت خوارزمی و همکاران. بررسی آثار احتمالی پذیرش ایران در سازمان تجارت جهانی (WTO) بر سیستم بانکی کشور و ارائه پیشنهادات کلی جهت مذاکرات آتی ایران در این سازمان (مطالعه موردی بانکهای تجاری). مدیرساز، سال چهارم شماره ۴.
- بیژن تفرشیان (۱۳۸۰). ایران و سازمان تجارت جهانی، نشریه داخلی بانک ملی، سازمان اداره خارجه.
- خسرو عزیزی، ایران و سازمان تجارت جهانی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۷۵-۱۷۶. صفحه ۲۰۶.
- تاملی بر بحث‌های نوین مربوط به عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی روزنامه اطلاعات ۸۲/۴/۱۹.
- سعید شرکوند (۱۳۷۹). پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی (الزامات، پیامدها و راه کارهای عملی). مجله دانش مدیریت سال سیزدهم شماره ۵۱ زمستان.
- لیلا سرافراز. بررسی موانع قانونی پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی با نگرشی بر سیاستهای موجود. مجله سیاسی اقتصادی شماره ۱۷۸ - ۱۷۷.
- سازمان تجارت جهانی و ایران. ادیب، ۱۳۷۹. اصفهان.
- محترم دولتشاهی، طهماسب. اقتصاد بین الملل چاپ اول سال ۱۳۷۱.
- رحیمی بروجردی، علیرضا، تجارت بین الملل (تئوریه‌ها و سیاستها) چاپ اول بهار ۱۳۷۴.

- پور مقیم، سید جواد، تجارت بین الملل نظریه‌ها و سیاستهای بازرگانی تابستان ۱۳۷۵.
- نوربخش، محمد، بررسی مزیت نسبی استان مازندران در امر صادرات محصولات رساله کارشناسی ارشد سال ۱۳۷۵.
- فرزین، محمدرضا، بررسی ساختار حمایتی در برخی از صنایع ایران رساله دکترای علامه طباطبائی سال ۱۳۷۹.
- دومینیک سالواتوره، تجارت بین الملل ترجمه حمیدرضا ارباب چاپ اول فروردین ۱۳۷۶.
- دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری ایران. وابسته به وزارت بازرگانی ایران:
- <http://www.irtr.ir/>
- سازمان تجارت جهانی
- <http://www.wto.org/>
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm
- Anderson, Strengthening the global trading system from GATT to WTO. Center of Economic Studies, University of Adelaide (1996) P.3-
- Thomas Dillon, The world Trade Organization: A New legal order for world trade. Michigan journal of international law (No. 16 1995) P. 32.
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm
- Trebilock & Howse The Regulation of international trade (London, Routledge, 1995) P73-90
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis/tif_e/agrm9_e.htm Understanding WTO agreement non-tariff barriers: red tape etc.
- <http://www.payam.co.ir/journal/farsi/Majaleh/34/4-34.htm>
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm
- <http://www.irtr.ir/wto/multilateral/index.htm>
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm

- <http://www.irtr.ir/wto/multilateral/index.htm>
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm
- <http://www.irtr.ir/wto/multilateral/index.htm>
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif-e/agrm4-e.htm
Understanding the WTO: the agreements standards and safety, WTO
Switzerland
- <http://www.peaceandjustice.org/issues/econojustice/gl.wto3.html> The world
trade organization and its multilateral trade agreements (GATT, GATS, TRIPs,
TRIMs, etc.) Keith Ferguson
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/whatis_e.htm
- <http://www.irtr.ir/wto/multilateral/index.htm>
- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif-e/agrm8-e.htm
Understanding the WTO: the agreements: antidumping, subsidies, safeguards:
contingencies, etc, WTO, Switzerland.
- A Dixit, Norman (1985). Theory of international trade, Cambridge University
Press.
- Walter Enders Harvey, E. Lapan, International Economic theory and policy,
New Jersey: PHI, 1987.
- R.W. Jones. and P.B. Kenen. Handbook of international Economics. Vol 1
Amsterdam North-Holland. 1996.
- Suranovic, absolute and comparative advantage – 1999.